



مطالعات شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی

شماره چهل و هفتم، بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی
ویراستار ادبی: دکتر مرجان خان محمدی
مدیر داخلی نشریه: مریم بایه
صفحه آرا: مهدی صالحی طاهری

هیئت تحریریه

دکتر محسن سرتیپی پورا/استاد دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمد رضا بمانیان/استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر حسین کلانتری خلیل آباد/استاد جهاد دانشگاهی	دکتر مصطفی بهزادفر/استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر یعقوب محمدی فر/استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان	دکتر جهان شاه پاکزاد/استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر محمد مسعود/استاد دانشگاه هنر اصفهان	دکتر احمد پور احمد/استاد دانشگاه تهران
دکتر پروانه شاه حسینی/دانشیار پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»	دکتر محمد رضا پورجعفر/استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر ابوالفضل مشکینی/دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر اسماعیل ضرعامی/استاد دانشگاه تربیت مدرس
	رجائی

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۰۸/۳۰
دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.isc.ac>
و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)،
بانک اطلاعات نشریات سیولیکا (www.civilica.com) و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

◆ نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷
صندوق پستی ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۶۶۴۹۷۵۶۱-۲، نمابر: ۶۶۴۹۲۱۲۹
نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir پایگاه اینترنتی: iic.ihss.ac.ir
فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی

شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام و نشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های A4 و با رعایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدولها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کاغذ مناسب در اندازه ۱۰×۱۵ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف‌چینی شود و به وسیله پست‌الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی - پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
- عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسسه‌ای که مؤلف در آن اشتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
- چکیده مقاله، شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
- مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش است. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
- روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
- داده‌ها و نتیجه‌های به دست آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
- نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
- ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه); مانند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲).
- در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

فهرست مطالب

- ۱..... **مرور و تحلیل محتوای کیفی بنیان‌های نظری باز آفرینی شهری**
احمد پوراحمد / اکبر حمیدی / حسین حاتمی‌نژاد / سعید زنگنه شهرکی
- ۱۹..... **بازخوانی عملکرد مناره با تکیه بر مضامین موجود در آیات کتبی‌های قرآنی؛ نمونه موردی: مناره‌های شیوه رازی در ایران**
رضا رحیم‌نیا / ناهید هلاکوئی / سجاد مؤذن
- ۳۵..... **نسبت انسان و خانه و شهر در متون دینی زرتشتی و مسیحیت و اسلام**
محمد رضا رحیم‌زاده / زهرا آل‌بویه
- تحلیل تطبیقی بافت‌های شهری پیرامون ایستگاه‌های مترو بر اساس شاخص‌های توسعه حمل‌ونقل محور (TOD)، مطالعه موردی: ایستگاه‌های میرزای شیرازی و**
نمازی از خط یک قطار شهری شیراز
۵۵.....
علی رضا صادقی / سیده طیبه حسینی پور / مسعود دادگر
- ارزیابی فناوری در معماری مجتمع‌های مسکونی دوره معاصر (نمونه موردی: مجتمع‌های شهر تهران از دوره پهلوی تا امروز)**
۷۵.....
سونیا سیلویایه / عباس غفاری / مازیار آصفی / عباس یزدانفر
- چیستی اصالت و هویت فرهنگی در معماری معاصر ایران با اتکا به آرا و اندیشه داریوش شایگان**
۹۱.....
هوشنگ فروغمنند اعرابی / محمود ارژمند

داوران این شماره:

- دکتر غزال راهب / دانشیار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی
- دکتر مهدی منتظرالحجه / دانشیار دانشگاه یزد
- دکتر محمد سعید ایزدی / استادیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر کاوه بذرافکن / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- دکتر مرجان خان محمدی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
- دکتر ابوذر صالحی / استادیار دانشگاه هنر اصفهان
- دکتر علی شهدی / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر محمدرضا نامداری / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر الناز ایمانی / مدرس مدعو دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر الهام ضابطیان طوقی / پژوهشگر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی
- افشین داورپناه / مربی پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
- حسین نوری نیا / مربی پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

مرور و تحلیل محتوای کیفی بنیان‌های نظری بازآفرینی شهری^۱

احمد پوراحمد*، اکبر حمیدی*، حسین حاتمی نژاد***، سعید زنگنه شهرکی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

با آغاز قرن بیست و یکم، سیاست‌های مختلفی به منظور مدیریت پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت سیستم‌های شهری، به‌ویژه در مقیاس کلانشهری اتخاذ گردیده که «بازآفرینی شهری» به‌عنوان سیاست معطوف به بافت‌های مرکزی-میانی و پهنه‌های ناکارآمد و فرسوده شهری، اهمیت انکارناپذیری در برنامه‌ریزی و مطالعات شهری یافته‌است. هدف اصلی این پژوهش، مرور ادبیات، بسط نظری و ارائه الگوی مفهومی بازآفرینی شهری براساس رویکرد تحلیل محتوای کیفی است که در وهله اول، بیش از ۳۰۰ متن علمی در حوزه بازآفرینی شهری به‌صورت هدفمند مطالعه شد و پس از غربالگری نهایی، ۷۳ منبع به‌عنوان متون منتخب مورد واکاوی محتوایی قرار گرفت. در گام دوم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرتبط با متغیر اصلی تحقیق استخراج و دسته‌بندی گردید. براساس یافته‌های تحقیق، مقوله‌های عمده بازآفرینی شهری عبارتند از: (۱) اصول بازآفرینی شهری؛ (۲) سیر تحول سیاست‌های بازآفرینی شهری؛ (۳) استراتژی‌های بازآفرینی پایدار شهری؛ (۴) چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی؛ (۵) نظریه‌های پشتیبان بازآفرینی؛ و (۶) بازآفرینی شهری مبتنی بر کاربری اراضی شهری. در نتیجه، با در نظر گرفتن مفاهیم نظری بسط‌یافته، الگو و مدل مفهومی بازآفرینی شهری ارائه گردید. شایان توجه است که در میان مقولات مزبور، مسئله بازآفرینی شهری با اتکای بر سیستم کاربری اراضی در مطالعات پژوهشی بیشتر مورد توجه بوده و سپس، مقوله استراتژی‌های بازآفرینی پایدار اولویت بیشتری دارد. در مقابل، بر بحث رویکردهای نظری پشتیبان بازآفرینی، سیر تحول سیاست بازآفرینی و چارچوب‌های ارزیابی آن نسبت به بقیه موضوعات مورد بررسی، کمتر تأکید شده‌است.

واژگان کلیدی: سیاست شهری، بازآفرینی شهری، الگوی نظری بازآفرینی شهری، تحلیل محتوای کیفی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده دوم تحت عنوان «تحلیل سیاست بازآفرینی پایدار شهری با تأکید بر نظام کاربری اراضی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر تبریز» است که در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم در حال تدوین است. هم‌چنین، توسط صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران ایران (INSF)، با شماره قرارداد «۰۰۷۲۲۰۸۹» حمایت مالی شده‌است.

* نویسنده مسئول: استاد گروه جغرافیا انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

** دانشجوی دکتری جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** دانشیار گروه جغرافیا انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

**** دانشیار گروه جغرافیا انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱- مقدمه

سیاست‌های شهری مدرن، دارای پیشینه نظری حداقل یکصد ساله‌اند که به اقتضای شرایط «زمانی-مکانی»، در قالب فرم‌ها و اشکال گوناگون تئوری و عملی نمایان شده‌اند. در این میان، بازآفرینی شهری از سلسله رویکردها و اقدامات مداخله‌جویانه متمرکز بر احیای بافت درونی شهرها به منصفه ظهور رسید و به‌زعم برخی از اندیشمندان علوم شهری به سیاست «متأخر» و «چندوجهی» در مدیریت هسته‌های «درونی» و «مسئله‌دار» کلانشهری بدل شد (Alpopi and Manole, 2013: 179). همین‌طور، اکثر شهرپژوهان اتفاق نظر دارند که بازآفرینی شهری می‌تواند طیف گسترده‌ای از مسائل حاد و فوری را به‌طور هم‌زمان حل کند (Lehmann, 2018: 39). به‌علاوه، شواهد و اسناد تاریخی مبین آن است که از آغاز دهه ۱۹۹۰ و پس از کنفرانس «زمین»، بازآفرینی به مثابه سیاست غالب در حوزه مداخله و احیای بافت‌های آسیب‌پذیر، منشأ دگرگونی‌های عظیم گردیده و پیامدهای متفاوتی به همراه داشته است؛ زیرا که بازآفرینی شهری تمامی جنبه‌های اصلی توسعه شهری از جمله «مسائل روانی» (Kork- maz and Balaban, 2020: 2) «فراگیری اجتماعی»^۱، پاسخگویی دموکراتیک^۲ و حساسیت زیست‌محیطی^۳ (Raco et al, 2008: 188)؛ «بازسازی ساختار فضایی شهری و تقویت عملکردهای طبیعی آن» (Yu and Kwon, 2011: 890)؛ «ایجاد محلات سالم و جذاب» (Mc-Donald et al, 2009: 50)؛ «حفاظت از محیط‌زیست، گسترش مناطق سبز، رشد فشرده شهر و گسترش عرضه مسکن مقرون به‌صرفه» (Martins and Pereira, 2019: 1136)؛ «مقوله سلامت، بهبود فضای عمومی و حمل‌ونقل کم‌کربن» (Lehmann, 2018: 14)؛ «انطباق فضا و کاربری ترکیبی» (Ertan and, Egercioğlu, 2016: 604)؛ «قلیم و تأسیسات انرژی تجدیدپذیر» (Mateo and Cuñat, 2016: 197)؛ «حکمرمایی خوب (همکاری بین ذینفعان مختلف)» (Kidokoro et al, 2008: 161) و نظایر این‌ها را در برمی‌گیرد. بنابراین، با توجه به موارد مطروحه، ادبیات بازآفرینی شهری بسیار پویا بوده و کلیت مسایل و عناصر شهری را شامل می‌شود. هم‌چنین، تکامل محتوایی و تنوع موضوعی آن به موازات توسعه شهری گسترش یافته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در طول سه دهه گذشته مطالعات نظری و تجربی زیادی در حوزه «بازآفرینی شهری» در مقیاس ملی

و بین‌المللی صورت گرفته‌است. برخی از آثار جامع در این زمینه به تبیین و تعمیق دیدگاه‌ها، اصول و سایر بنیان‌های تئوریک سیاست بازآفرینی شهری با محوریت «اقتصاد چرخه‌ای»^۴، «هتروتوپیا»^۵ و روابط قدرت، «خاستگاه مکانی بازآفرینی»^۶، «تغییرات اقلیمی»^۷، «املاک و مستغلات»^۸، «راضی قهوه‌ای»، «شهر هوشمند»، «پارادایم شهر سیال»^۹ و «پایداری» در قالب چندین مطالعه موردی پرداخته‌اند (Della Torre et al, 2020; Sacco et al, 2019; Nedučín et al, 2019;) Lehmann, 2018; Ruming, 2018; Huston, 2018; Carta and Ron-sivalle, 2016). بنابراین، می‌توان گفت که بازآفرینی شهری یک مقوله چندبعدی است و با توسعه پایدار پیوند دارد؛ زیرا در درجه نخست، سیاست‌های نوین شهری حکایت از این دارند که برای دستیابی به توسعه پایدار عادلانه و مؤثر، بایستی «رقابت اقتصادی» و «انسجام اجتماعی» به‌صورت توأمان مدنظر قرار گیرند (Raco et al, 2008: 188). هم‌چنین، پایداری شهرها به شدت به «زیست‌پذیری مرکز شهر»^{۱۰} و «تاب‌آوری مناطق خرده‌فروشی»^{۱۱} از منظر اقتصاد شهری و سرزندگی اجتماعی- اقتصادی بستگی دارد (Ozuduru et al, 2014) که این موارد نیز در بازآفرینی شهری مورد تأکید است. ثانیاً، با توجه به مشکلات فزاینده‌ای که شهرها با آن روبرو هستند، از جمله از هم‌پاشیدگی اجتماعی، رکود اقتصادی، آلودگی محیط‌زیست، و زوال عملکرد شهری، مطالعات بازآفرینی شهری در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته (Ran-dolph and Freestone, 2008; Tin and Lee, 2017; Almeida et al, 2018)، که این چالش‌ها نیز در ادبیات توسعه پایدار نقش پررنگی دارند. نکته با اهمیت دیگر عبارت از این است که بازآفرینی شهری، راهکار «احیای شهرهای بزرگ» است (Alpopi and Manole, 2013: 181) اما در مطالعات بازآفرینی شهری «درک مسئله و حل مسئله» مستلزم هم‌اند و شناخت مفهومی مسئله بازآفرینی شهری برای کشف راهکارهای بازآفرینی شهری محوری است (Tan and Altrock, 2016: 247). بنابراین، در تحقیق حاضر، بر درک مسئله بازآفرینی در حیطه نظری پرداخته شده تا با شناخت عمیق آن، دانش و معلومات جدیدی حاصل شود. هم‌چنانکه در ایران، تدوین پژوهش‌های متعدد متمرکز بر مطالعات موردی با چارچوب نظری مشابه و عمدتاً موزی، چندان به غنای نظری سیاست بازآفرینی و بسط مفهومی- نظری آن منجر نشده‌است. به دیگر سخن، بخش عظیمی از پژوهش‌ها و

1. - Social inclusion
2. - Democratic accountability
3. - Circular Economy
4. - Heterotopia
5. - Climate Change
6. - Real Estate
7. - Fluid City Paradigm
8. - City centre viability
9. - Retail districts resilience

در ادبیات برنامه‌ریزی شهری تعاریف بسیاری از بازآفرینی شهری وجود دارد؛ جین جیکوبز (۱۹۱۶-۲۰۰۶) یکی از پیشگامان تفکر بازآفرینی شهری بود که در نوسازی شهری، توجه به فضای عمومی و ایجاد قلمرو عمومی با کیفیت و پیاده‌مدار را بسیار حیاتی می‌دانست (Lehmann, 2018: 36). به همین ترتیب، رابرتز^۲ (۲۰۰۰) بازآفرینی شهری را اقدامی یکپارچه و جامع تعریف می‌کند که با هدف یافتن راه‌حل‌های طولانی مدت برای مشکلات فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی با مشارکت و همکاری ذینفعان در حال ظهور است. به همین ترتیب، دونیسون^۴ (۱۹۹۳) استدلال می‌کند که بازآفرینی ابزار سازماندهی همزمان مشکلات فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق فرسوده است. همچنین، اسمیت^۵ (۲۰۱۲) معتقد است که تفکیک بازآفرینی شهری از سیاست‌ها و فرایندهای گسترده شهری معمولاً پیچیده است. در حالی که تالون^۶ (۲۰۱۳: ۴) بازآفرینی شهری را به عنوان زیرمجموعه‌ای از سیاست‌های شهری تلقی می‌نماید که «در عمومی‌ترین سطح با هر توسعه‌ای که در شهرها و شهرک‌ها اتفاق می‌افتد، مرتبط باشد». همه تعاریف فوق‌الذکر، ماهیت پیچیده و چند بعدی بازآفرینی شهری را برجسته می‌نمایند. به هرحال، بازآفرینی شهری بسترساز رفع چالش‌های بافت شهری، کارکرد شهری، شرایط زندگی انسان و تحقق توسعه پایدار است (Huang et al, 2020: 1). و هشت مفهوم اصلی از جمله «کالبد، اقتصاد، اجتماع، مشارکت فعال، محیط‌زیست، پایداری، شهروندمداری، اداره کردن خردمندانۀ ذینفعان» در فرایند بازآفرینی شهری محوریت دارند (پیران، ۱۳۹۷: ۳۲). نکته قابل تأمل دیگر عبارت از این که مفهوم بازآفرینی در بازسازی آثار معماری ارزشمند گذشته و نوسازی آن‌ها کاملاً با معنا و قابل توجیه است، ولی در مورد مناطق یا محله‌های هدف بازآفرینی شهری و محله‌ای باید از «نوآفرینی» یاری گرفت (پیران، ۱۳۹۷: ۳۵). به لحاظ آکادمیکی، بازآفرینی شهری یک فیلد میان رشته‌ای از تحقیق، حرفه و سیاست‌گذاری از جمله برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، مسکن، حمل‌ونقل، اقتصاد، مطالعات توسعه اجتماعی و مطالعات پایداری است (Rosa et al, 2017: 181; Leary and McCarthy, 2013). در مجموع، بازآفرینی شهری را می‌توان به مثابه رویکرد جامع برای تجدید حیات هسته‌های قدیمی، فرسوده و بافت‌های مسئله‌دار به لحاظ فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تعریف کرد (Hassan 2012). به علاوه، بازآفرینی به عنوان یک ابزار کارآمد برای جبران کمبود منابع و تعدیل استفاده غیرعقلایی از زمین در شهرهای مدرن جهان اتخاذ شده است (Hui et al, 2008; Zheng et al, 2014).

تکاپوهایی که با قلمروی نامشخص بازآفرینی شهری مرتبط است، تحقیقاتی‌اند که حول محور مطالعه موردی و ادبیات یکسان می‌چرخند. در نهایت، علی‌رغم تکامل روزافزون و کاربست فراگیر سیاست بازآفرینی در برخورد با چالش‌های متعدد بافت‌های مسئله‌دار توسط ارگان‌های متولی توسعه و مدیریت شهری (هر چند کلی و سطحی) و انتشار متون علمی فراوان از طریق حوزه‌های آکادمیک، هنوز در مطالعات بازآفرینی شهری مهم‌ترین مباحث نظری به طور تفصیلی تشریح نگردیده و پیرامون الگوهای نظری و مفهومی آن به طور جامع بحث نشده است. بنابراین، عوامل مذکور نیز مزید بر علت اثربخشی اندک بکارگیری آموزه‌های سیاست مذکور در عرصه «عمل و اجرا» شده است. در نتیجه، تحقیق حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کیفی به صورت عمیق و دقیق آثار علمی نمایه‌شده در پایگاه‌های بین‌المللی را کاوش نموده است؛ بدین ترتیب سعی بر روشن ساختن ریشه‌های نظری سیاست بازآفرینی شهری و ارائه الگوی نظری مرتبط با آن دارد. در واقع، هدف اصلی تحقیق، پر کردن شکاف‌های تئوریک در مطالعات بازآفرینی شهری است و پرسش‌های اصلی تحقیق بدین شرح است: (۱) در مقیاس جهانی، عمده‌ترین مباحث نظری در متون علمی بازآفرینی شامل چه مواردی است؟ (۲) متداول‌ترین مقوله‌های سیاست بازآفرینی کدامند؟ (۳) الگوی نظری-مفهومی پشتیبان بازآفرینی شهری چه ویژگی‌هایی دارد؟

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری

اصطلاح بازآفرینی شهری پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و انگلیس، عمدتاً به دلیل افول صنعتی تکامل یافت. از آن زمان، سیاست‌های دولت بر بازآفرینی شهرها به منظور دستیابی به جامعه بهتر متمرکز شد (McDonald et al, 2009: 51). با این وجود، دستیابی به تعریف جامع و فراگیر از بازآفرینی شهری دشوار است (Ruming, 2018: 2). در ساده‌ترین حالت بازآفرینی شهری اغلب به معنای «بهبود وضعیت موجود» است (Lehmann, 2018: 44). به علاوه، بازآفرینی شهری به معنای «بهبود کیفیت زندگی» و «سرمایه‌گذاری در آینده» است (AI- (popi and Manole, 2013: 184). «بازآفرینی شهری» که دارای دامنه‌های مختلفی مانند «نوسازی شهری»، «بهبودسازی شهری»، «بازتوسعه شهری»^۱ و «تحول شهری»^۲ می‌باشد، فرایندی است که شامل بهبود ساختارهای موجود، بازسازی ساختمان‌ها و مناطق یا استفاده مجدد از اراضی شهری است (Wang et al, 2013, Zheng et al, 2014).

1. - Urban redevelopment
2. - Urban transformation
3. - Roberts
4. - Donnison
5. - Smith
6. - Tallon

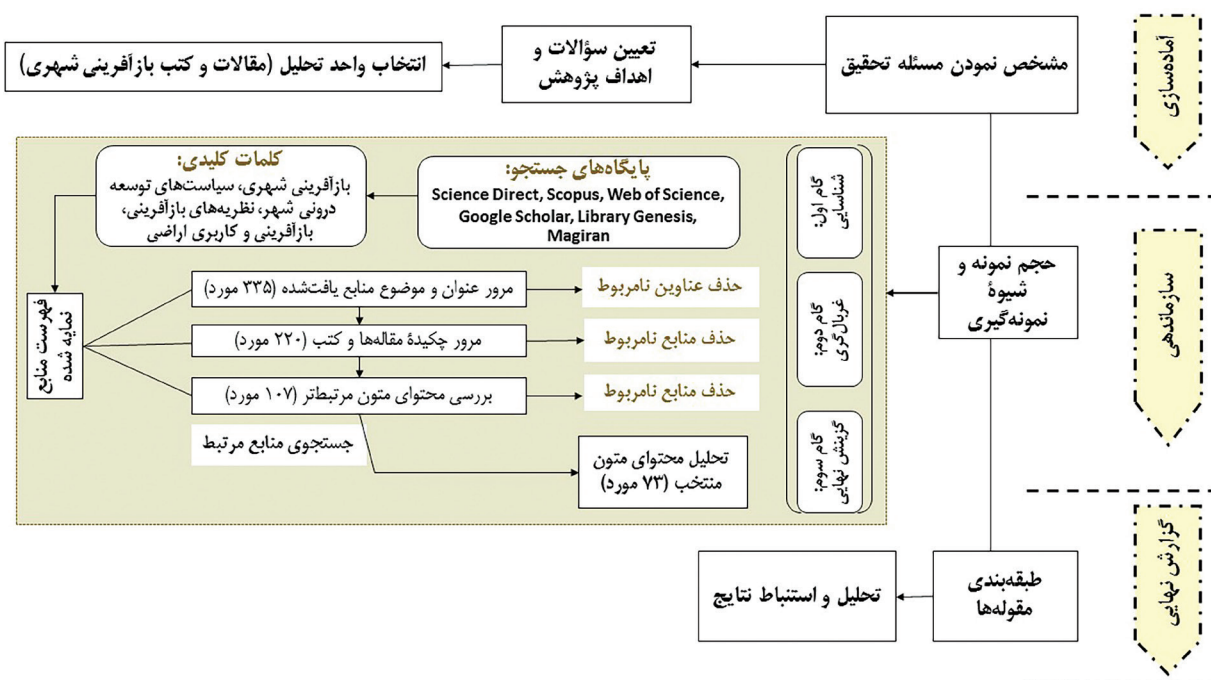
روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر، «توصیفی-تحلیلی»، نوع تحقیق به لحاظ ماهیت، «بنیادی» و رویکرد آن «کیفی» است. واحد تحلیل، متون علمی-پژوهشی (مقاله و کتاب) در حوزه بازآفرینی شهری است که در پایگاه‌های معتبر بین‌المللی و ملی نمایه شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی با شیوه‌استقرایی است؛ زیرا که این روش با «واکاوای مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم سعی در استنباط و آشکار کردن الگوهای نهان در مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد مکتوب دارد» (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۷). در نتیجه، از میان آثار برگزیده در حجم نمونه، مضامین و محتوای متون بازآفرینی (جملات، پاراگراف‌ها، جداول و اشکال موجود در هر متن) مورد بررسی قرار گرفته و از طریق استخراج مقولات و دسته‌بندی آن‌ها، نتایج تحقیق بدست آمده‌است. در تحقیق حاضر، طبقه‌بندی مقولات به گونه‌ای بوده که اولاً موارد مشابه و متجانس را در برگیرند و ثانیاً مفاهیم و مضامین بسیار جزئی و کوچک حذف شدند که به مطالب ناقص و متناقض نینجامند. به تبعیت از ساختار کلی تحلیل محتوای کیفی، تحقیق حاضر در سه مرحله «آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش» (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۶) انجام شد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند صورت گرفت؛ بدین گونه که از میان منابع و آثار منتشرشده به متغیرهای چون کیفیت ژورنال‌ها و مجلات، تاریخ انتشار، پایگاه نمایه شده، مقیاس موارد مطالعه شده و درجه اعتبارپذیری و صحت متون توجه شد و تلاش گردید که موثق‌ترین منابع انتخاب شود. انتخاب حجم نمونه با جستجوی مقالات منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی که محدود به رشته‌های خاص نیستند، آغاز شد. سپس با جستجوی واژگان کلیدی هم‌چون «بازآفرینی شهری»، «الگوی نظری بازآفرینی»، «سیاست بازآفرینی شهری»، «معیارهای بازآفرینی شهری» و ترکیبی از

این کلمات، متون مرتبط گردآوری شد و به منظور انتخاب دقیق، نکات کلیدی و چکیده ۲۲۰ مورد از مقالات و کتب یافت‌شده جهت غربالگری اولیه، مطالعه گردید. هم‌چنین فهرست مآخذ مقالات منتخب بررسی شدند تا تحقیقات مرتبط اضافی کشف شود. معیارهای تعیین و فرایند انتخاب متون مستلزم داشتن انتشارات یا توضیحات متن کامل، انتشار به زبان انگلیسی و دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ میلادی بود. در مقابل، هیچ محدودیتی برای مقیاس و محل انتشار تعیین نشده بود. پس از غربالگری نهایی، ۶۶ مورد مقاله و ۷ جلد کتاب به منظور تحلیل محتوای کیفی مرور شد (شکل شماره ۱). به‌طور خلاصه، تحلیل محتوای کیفی پژوهش حاضر، در سه مرحله سازماندهی شد:

(۱) مجموعه‌ای از آثار مکتوب بازآفرینی شهری از طریق پایگاه‌های علمی بین‌المللی و ملی گردآوری شد (تعداد ۳۰۵ مقاله و ۳۰ کتاب)؛ (۲) از میان منابع جمع‌آوری شده، ۷۳ مورد که به ویژگی‌های مهم بازآفرینی شهری اشاره کرده بودند و هم‌چنین مباحث جدیدی به ادبیات تحقیق افزوده بودند، انتخاب گردید (تعداد ۷ جلد کتاب و ۶۶ مورد مقاله)؛

(۳) مشخص کردن دامنه موضوعات بازآفرینی در منابع منتخب و طبقه‌بندی مقولات عمده به همراه تحلیل عمیق آن‌ها که به نوعی نوآوری و گسترش مرزهای دانش بازآفرینی شهری محسوب می‌شود، در مرحله سوم صورت پذیرفت. در حقیقت، در تحلیل محتوای کیفی، «دستیابی به یک مدل یا چارچوب نظری که نظم‌های نهفته و الگوهای تکرار شونده در متن را نشان دهد، می‌تواند پایان بخش تحقیق باشد» (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). از طرف دیگر، هدف تحلیل محتوای کیفی استقرایی نیز، «کمک به پدید آمدن یافته‌های پژوهش از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست» (Thomas, 2006).

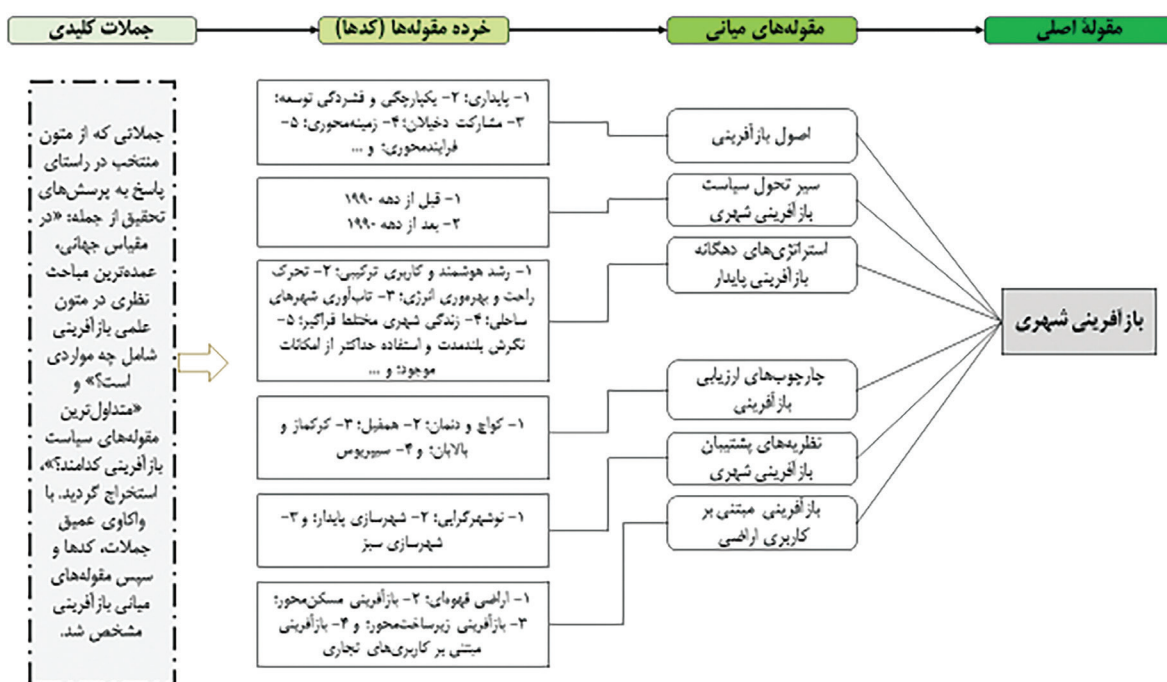


شکل ۱. فرایند انجام تحقیق

یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش مبتنی بر تحلیل مضامین مقالات و کتب، تشخیص الگو و ساختار اصلی متون منتخب و نوآوری منتج از آن‌ها که در گسترش مرزهای دانش و ادبیات بازآفرینی شهری مؤثر واقع شده، می‌باشد. در نهایت با ارتباط دادن جملات پرتکرار و کلیدی در متون بازآفرینی به برخی از مصادیق ترویج و گسترش قلمروی بنیان‌های نظری سیاست بازآفرینی شهری پرداخته شده

است. در تحقیق حاضر، فرایند تحلیل محتوای مبتنی بر استقرار کدگذاری اولیه و جمع کردن کدهای مشابه زیر یک مقوله واحد (موضوعات بازآفرینی)، به ایجاد ۱۰ مقوله اولیه (مقوله میانی) منجر شد. در مراحل بعدی تحقیق این مقولات نیز با یکدیگر مقایسه شدند و تعدادی از آنها که نزدیکی بیشتری دارند، زیرمجموعه مقولات عام‌تری قرار گرفتند و در نتیجه طبقه‌بندی نهایی (۶ مقوله عمده) ایجاد شد (شکل شماره ۲).



شکل ۲. طبقه‌بندی مقوله‌های سیاست بازآفرینی شهری بر اساس تحلیل محتوای کیفی

اصول بازآفرینی شهری

اصول بازآفرینی شهری، بینش ناگذرا^۱ در طراحی و توسعه مطلوب شهری هستند که برای چندین دهه کاربرد داشته و در دهه‌های آینده نیز ادامه خواهند داشت (Lehmann, 2018: 50). با این وجود، پویایی مفاهیم و مبانی بازآفرینی شهری بدین معنی است که به‌ندرت می‌توان اصول ثابتی برای آن تصور کرد و آن را در مسیر قطعیت‌پذیر و مشخص قرار داد. به‌طور خلاصه، تقویت رفاه و سلامت شهری از طریق ایجاد زیرساخت‌ها (Yu and Kwon, 2011: 889)، نگرش افقی و عمودی به سیاست‌ها، ایجاد سازوکارهایی اطمینان‌بخش مانند برنامه‌ریزی فضایی، ساختارهای سازمانی جدید و ابزارهای قانونی، تقویت حکمروایی خوب محلی^۲ و ادغام منافع ذینفعان (Kidokoro et al, 2008: 78)، تخصیص منابع عمومی بر اساس مشارکت ذینفعان مختلف (Alpodi and Manole, 2013)،

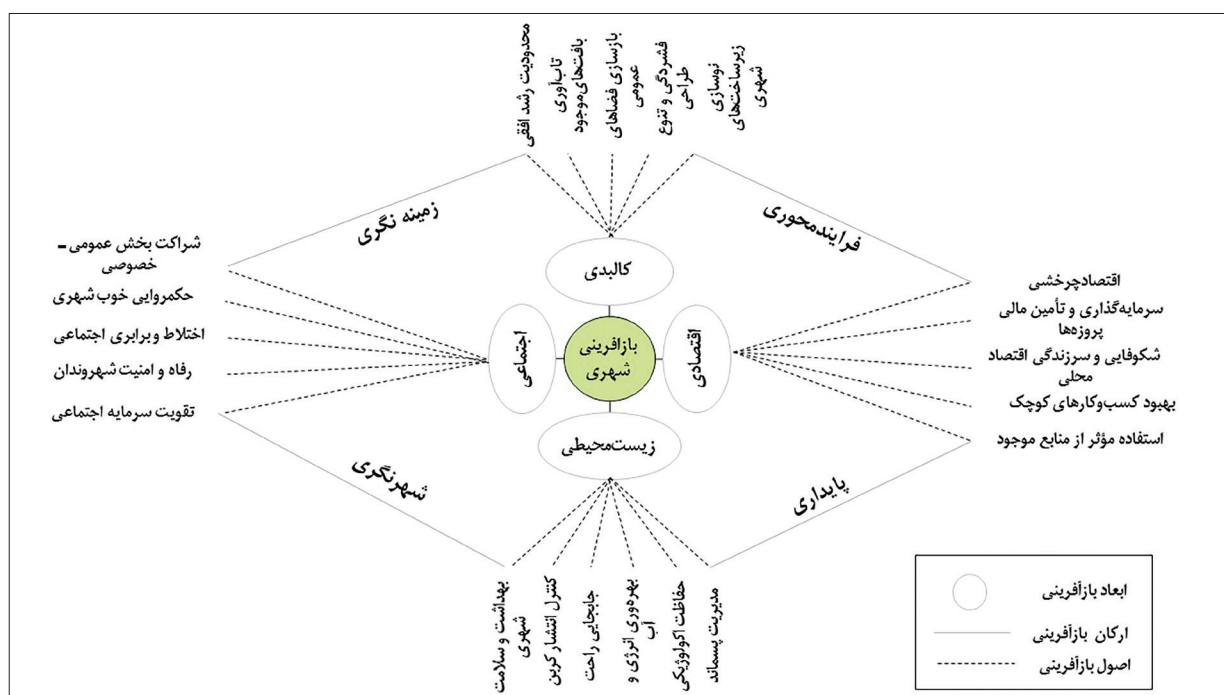
محتوای مقوله‌های «ابعاد بازآفرینی شهری»، «مقیاس‌های بازآفرینی» و «انواع سیاست‌های بازآفرینی» با مقوله اصلی، تکامل و نظریه‌های بازآفرینی شهری شباهت زیاد داشتند، در نتیجه با موضوعات این طبقه‌ها ادغام شدند. به عبارت دیگر، مفاهیم اصلی استخراج شده از تحلیل محتوای متون بازآفرینی، پس از کدگذاری مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی ارائه شده است؛ در وهله اول، کدگذاری باز در ۱۰ طبقه صورت گرفت ولی در مرحله کدگذاری گزینشی مقولات مشابه و قابل جمع ترکیب شدند و علاوه بر تفسیر مقولات معین‌شده، نتایج آن‌ها به صورت نمونه‌های مشخص و متمایز، در قالب اشکال (۷-۳) و جدول (۱) ارائه شده که به نوعی می‌توان از آن‌ها به عنوان «گزارش تحقیق» در پژوهش حاضر یاد کرد؛ زیرا که در بخش پایانی این دست تحقیقات، یافته‌های برخاسته از متن، ارائه و تفسیر می‌شوند. در ادامه به صورت مختصر، تفسیر و تحلیل محتوای یافته‌های تحقیق آمده‌است:

1. Timeless wisdom
2. Good local governance

تاب‌آور ساختن بافت‌های شهری موجود (Güzey, 2016)، بازسازی فضاهای عمومی، ارتقای خدمات عمومی و خدمات اکوسیستمی مرتبط و نوسازی زیرساخت‌های شهری (Rosa et al, 2017: 181)، توسعه فشرده شهری و جلوگیری از رشد افقی شهری (Martins and Pereira, 2019: 1135) و تجدید حیات مناطق فرسوده شهری (Alpopi and Manole, 2013: 179)، از مهم‌ترین اصول بازآفرینی شهری محسوب می‌شوند. به علاوه، نیاز به ایجاد اهداف مشخص و سنجش‌پذیر از فرآیند بازآفرینی شهر با توجه به اهداف توسعه پایدار، تحلیل مناسب شرایط محلی، نیاز به استفاده مؤثر از منابع موجود طبیعی، اقتصادی و انسانی، مشارکت و همکاری میان ذینفعان از عناصر اساسی بازآفرینی

شهری به‌شمار می‌روند (Rob- Alpopi and Manole, 2013: 179; erts and Sykes, 2000). به هر حال، از آن‌جا که بازآفرینی شهری یکی از زمینه‌های مقطعی^۱ سیاست‌گذاری شهری است، هیچ نسخه واحدی^۲ برای اصول و اقدامات بازآفرینی شهری وجود ندارد (Güzey, 2009). به‌طور کلی، «پایداری»، «یکپارچگی»، «فشرده‌گی و تنوع توسعه»، «مشارکت دخیلان»، «حکمروایی خوب شهری»، «زمینه‌محوری»، «تهادسازی»، «فرایندمحور بودن»، «داشتن نگرش استراتژیک»، «سلامت شهروندان» و «دستیابی به پایداری زیست‌محیطی»، متداول‌ترین اصول بازآفرینی شهری را تشکیل می‌دهند (شکل ۳).

سیر تحول سیاست بازآفرینی شهری

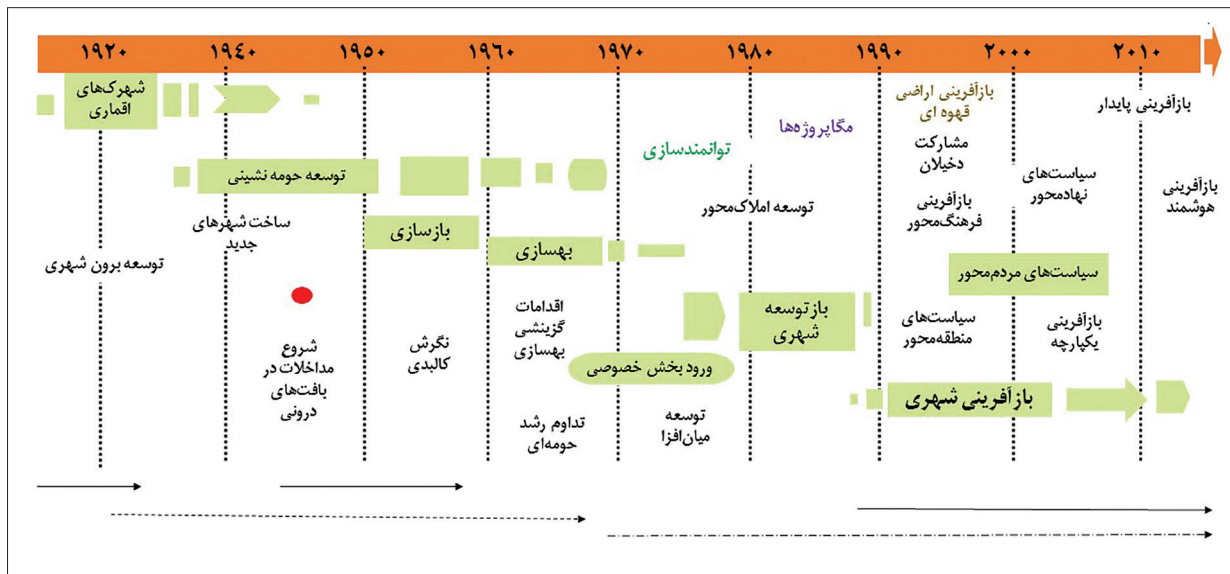


شکل ۳. ابعاد، ارکان و اصول بازآفرینی پایدار شهری

برای دستیابی به فهم بنیادین از بازآفرینی شهری و بسط نظری آن، شناخت دگرگونی و تحول آن در گذر زمان اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بازآفرینی به مثابه سیاستی چندوجهی در آخرین دهه سده بیستم میلادی به منصف ظهور رسید. بنیادهای آن در اثر ناکارآمدی رویکردهای قبلی مداخله در بافت‌های شهری با اتکای بر مفاهیمی نوین پی‌ریزی گشت. شمار فراوان و خیره‌کننده‌ای از اسناد و آثار بررسی‌شده، حکایت از این امر دارند که بازآفرینی شهری به مفهوم رایج و غالب آن، بیش از سه دهه قدمت دارد. در واقع، بازآفرینی شهری «رهیافت نوینی از مداخله مکان‌مبنا

در نواحی فرسوده شهری مبتنی بر برنامه‌ریزی راهبردی ثانویه» است که در «دهه ۱۹۸۰ مطرح شده و از دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد سیاست‌گذاری شهری» گردیده است (Tallon, 2013: 9). باید اذعان کرد که مداخلات جدی و همه‌جانبه در بافت‌های آسیب‌پذیر و قدیمی شهرها تقریباً نیمه دوم قرن بیستم میلادی صورت گرفت و از ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های توسعه درون شهری بر گرد طرح‌های باززنده‌سازی، بهسازی، نوسازی و بازتوسعه شهری خیمه زده‌اند (شکل ۴). نائومی کارمون^۳ سه نسل از سیاست‌های نوسازی شهری اجرا شده در ایالات متحده آمریکا و انگلیس

1. Crosscutting fields
2. Single prescription
3. Naomi Carmon



شکل ۴. تطور زمانی سیاست‌های توسعه شهری

مطرح شده است (Jang et al, 2011). به علاوه، دپارتمان توسعه شهری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱، «بیانیه تولدو^۱» را به منظور حمایت از «بازآفرینی شهری یکپارچه»، تصویب کرد. هدف از آن «بهبودسازی، حفظ و احیای کل سرمایه موجود شهری (محیط ساخته‌شده، میراث تاریخی و سرمایه اجتماعی) بود، موضوعی که در رویکردهای سابق اولویت نداشت» (Alpodi and Manole, 2013: 179).

در برخی از منابع، بر چهار نوع رویکرد و سیاست بازآفرینی شهری تأکید شده است: (۱) سیاست‌های مکان‌محور^۲؛ (۲) سیاست‌های سازمان‌گرا^۳؛ (۳) سیاست‌های منطقه‌محور^۴ و (۴) سیاست‌های مردم‌محور^۵ (Marra et al, 2016; Donaldson et al, 2013; Huang et al, 2020; Leary and McCarthy, 2013). هدف سیاست‌های مکان‌محور، خلق مکان‌های بهتر است. سیاست‌های نوسازی با هدف بهبود فضای عمومی شهری، از جدیدترین نمونه‌های رویکرد مکان‌محور است. هدف سیاست‌های سازمان‌گرا^۶ بهبود سیستم و عملکرد نهادها، از جمله بهبود مدیریت، تنظیم سازمانی افقی یا عمودی و مشارکت ساکنان یا بخش بازار است. کارایی، تعامل و مشارکت، ویژگی‌های اصلی این سیاست هستند. از جدیدترین نمونه‌های سیاست‌های نهادمدار، مفهوم «شهر

(مهد بازآفرینی و رنسانس شهری) را شناسایی کرد: نسل اول «دوران بولدورز^۱» نامیده می‌شود، زیرا بر پاکسازی زاغه^۲ و محیط مصنوع تأکید دارد. این رویکرد به دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد، اما تا سال‌های ۱۹۶۰ در ایالات متحده و بریتانیا هنوز کاربرد داشته است. نسل دوم مداخلات نوسازی در دهه ۱۹۶۰ صورت گرفت و بیشتر به «مسائل بهسازی محلات و مشکلات اجتماعی» متمرکز بود. نسل سوم، بین دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، بر «احیای مراکز شهری» متمرکز بود، و بر «توسعه اقتصادی» آن‌ها تأکید داشت (Marra et al, 2016: 369-370). وانگهی «در دهه ۱۹۸۰، کمیسیون اروپا شروع به توسعه سیاست خاصی در زمینه بازآفرینی شهری کرد» (Hur-tado, 2017: 402).

بحث توسعه پایدار بر تکامل سیاست بازآفرینی شهری در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تأثیرگذار بوده است. به عبارت دقیق‌تر، به دلیل عدم موفقیت پروژه‌های برجسته و مجلل بازتوسعه شهری دهه ۱۹۸۰، مفهوم توسعه پایدار در دستورکار بازآفرینی شهری^۳ گنجانده شد (Balaban and de Oliveira, 2014). هم‌چنین، از زمان تأسیس کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲، «پروژه‌های بازآفرینی مبتنی بر منطقه به عنوان پارادایم پیشرو»

1. - Era of the bulldozer
2. - Slum clearance
3. - Urban regeneration agenda
4. - Declaration of Toledo
5. - Place-oriented
6. - Organisation-oriented
7. - Area-based approach
8. - People-oriented
9. - Organisation-oriented

هوشمند^۱ است (Marra et al, 2016: 372). در مقابل، به‌طور معمول بازآفرینی مبتنی بر ناحیه قصد دارد ماهیت یک منطقه جغرافیایی را با درگیر کردن ساکنان و سایر ذینفعان تغییر دهد. در سطح بین‌المللی، رویکرد منطقه‌محور، برای نوسازی و بازآفرینی شهری در دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک گزینه بسیار محبوب شناخته شد (Donaldson et al, 2013: 631). رویکردهای منطقه‌محور در بسیاری از کشورها مانند انگلستان، ایرلند شمالی و آفریقای جنوبی در سیاست‌های نوسازی شهری و فضایی از محبوبیت برخوردار هستند (Huang et al, 2020: 3). در نهایت، سیاست‌های مردم‌محور بر زندگی بهتر ساکنان، شامل اقدامات اجتماعی برای بهبود فرد (آموزش و پرورش، اشتغال، کاهش بدهی، الکل، مشکلات روانی) و اقدامات انسجام اجتماعی با هدف روابط اجتماعی بهتر، تمرکز دارند (Marra et al, 2016: 372).

استراتژی‌های بازآفرینی پایدار شهری

بن مایه سخن در جستار حاضر این است که تاکنون در بیشتر مطالعات بازآفرینی، تعریف و ارائه راهبردهای پایدار آن، مغفول مانده است. در حالی که راهبردها، شکل‌دهنده هسته تحقق‌پذیری سیاست بازآفرینی محسوب می‌شود. با وجود آن که چشم‌اندازهای عمومی و جهت بازآفرینی شهری در شهرها به خوبی مستند شده، اما رویکردهای استراتژیک آن که در زمینه‌های خاص شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند، دانش اندکی وجود دارد (Lee et al, 2016: 1-4). یکی از مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل و مرور متون بازآفرینی بدست آمد، می‌توان به «استراتژی‌های ده‌گانه بازآفرینی پایدار شهری» اشاره نمود که توسط لمن (۲۰۱۸) مطرح شده است. هر چند که در برخی از منابع نیز به‌صورت پراکنده تمرکز بر این استراتژی‌ها مشهود است. در ادامه به‌طور مختصر، راهبردهای مزبور تشریح شده است:

استراتژی اول) میراث و فرهنگ شهری: حفظ ویژگی محلی و حس منحصر به فرد مکان^۲

بازآفرینی توریسم‌محور، فرهنگ‌محور و سواحل نقش مهمی در این راهبرد ایفا می‌کنند. به‌علاوه، ارج نهادن به میراث ساخته‌شده (Mateo and Cuñat, 2016: 199-201)، بهبود کیفیت زندگی شهری، جلوگیری از جابجایی مردم محلی، حمایت از هویت‌های محلی و حس تعلق مکانی، ایجاد تعادل اجتماعی و منطقه‌ای و پشتیبانی از مشارکت و شراکت سهامداران دولتی و غیر دولتی (Czischke et

2013; Tallon, 2015; al, 2015)، در کانون این استراتژی قرار دارند. **استراتژی دوم) شبکه فضای عمومی برای یک شهر فشرده، پیاده‌مدار و کاربری ترکیبی^۳**

اتکای اصلی استراتژی بازآفرینی انطباق فضا و بافت شهری به کاربری ترکیبی است. این سیاست در تلاش برای جلوگیری از یک مرکز شهری صرف برای کار و خرید است. در عوض، هدف آن ترکیب کسب‌وکار با ترافیک، بازدیدکنندگان با ساکنان، همسایگان و مسکن، مناطق عابر پیاده با امکانات پارکینگ است (Ertan and Eğercioğlu, 2016: 604). هم‌چنین، بحث تراکم شهری باید پاسخی اجتناب‌ناپذیر به توسعه فعلی شهری باشد و می‌تواند راه‌حل‌های بالقوه‌ای را برای ارتقای نشاط اقتصادی و توسعه پایدار ارائه دهد (Song and Knaap, 2004).

استراتژی سوم) جابجایی راحت و حمل‌ونقل پاک و بهره‌وری انرژی^۴

از موضوعات مطرح در این راهبرد می‌توان به تشویق وسایل حمل‌ونقل فاقد آلایندگی، تقویت زیرساخت‌های سبز شهری، اصلاح الگوی مصرف انرژی، بهبود تاثیرات آب‌وهوایی محیط‌زیست، مانند تأسیسات انرژی تجدیدپذیر، اجرای سیستم‌های بازیافت آب، استفاده از مصالح ساختمانی قابل بازیافت یا بهبود کیفیت هوا (Mateo and Cuñat, 2016: 197)، اشاره نمود.

استراتژی چهارم) شهرهای ساحلی: دگرگونی تاب‌آوری شهرهای ساحلی (رودخانه کنار) و شهرهای منطبق-آینده^۵

نمونه‌های اخیر شیوه‌های بازآفرینی پایدار شهری صریحاً به تغییر اقلیم پرداخته‌اند. در برخی از کشورها، پروژه‌های بازآفرینی ایجاد محله‌های شهری با بهره‌وری مناسب و سازگار با آب‌وهوا که در آن پتانسیل گرم شدن کره زمین و اثرات زیست‌محیطی توسعه شهری کاهش یافته را مدنظر قرار داده است (Balaban and de Oliveira, 2014). رودخانه کنارها

استراتژی پنجم) زندگی شهری مختلط فراگیر^۶

استراتژی‌های بازآفرینی باید درکی از خواست‌ها و نیازهای مکان‌ها و جوامع داشته باشند و باید به منظور افزایش احتمال موفقیت، رویکردی یکپارچه و شبکه‌ای را در سیاست‌گذاری‌ها اتخاذ کنند (Kopeck, 2013). هم‌چنین، ساختار اجتماعی متنوع و مختلط (Mateo and Cuñat, 2016: 199-201) نیز از دیگر ملاحظات این راهبرد به حساب می‌آید.

استراتژی ششم) فضای عمومی و طراحی معماری با

1. - Smart City
2. - Strategy 1. Urban culture and heritage: maintaining local character and a unique sense of
3. - Strategy 2. A public space network for a compact, walkable and mixed-use city
4. - Strategy 3. Energy-efficient, clean and convenient mobility
5. - Strategy 4. Coastal cities: transforming the waterfront of resilient, future-proof cities
6. - Strategy 5. Inclusive mixed-used urban living

کیفیت بالا به عنوان کاتالیزوری برای شهر بهتر^۱

طراحی پروژه‌ها باید به گونه‌ای باشد که مردم محلی بتوانند نیازهای روزمره خود را برآورده کرده و به خدمات مهم در مسافت پیاده‌روی یا دوچرخه سواری دسترسی پیدا کنند. اثرات منفی توپوگرافی در حرکت عابر پیاده باید به حداقل ممکن کاهش یابد. همچنین، سیاست‌های تشویق استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی و کاهش استفاده از اتومبیل بکار گرفته شوند (Korkmaz and Balaban, 2020: 13).

استراتژی هفتم) شهروندان هوشمند، انرژی هوشمند و مشارکت شهروندان^۲

بازآفرینی شهری مشارکتی موجب پیدایش شبکه‌ای از پروژه‌های شهروندی و سازمان‌های مردمی تسهیل‌کننده و ارتقاء دهنده تابآوری در یک بستر شهری می‌شود (Petrou and Petrescu, 2015). از مدت‌ها قبل مشارکت محله‌ای یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بازآفرینی شهری در نظر گرفته شده است (Jung et al, 2015).

استراتژی هشتم) نگرش بلندمدت و استفاده حداکثر از امکانات موجود^۳

استفاده مؤثر از زمین، تشویق تنوع زیستی شهری، پیچیدگی چند کارکردی شهری، پالایش فضای عمومی، اصلاح الگوی مصرف انرژی، تشویق همکاری عمومی و خصوصی و برنامه‌ریزی پویا و انعطاف‌پذیر (Mateo and Cuñat, 2016:199-201) از مصادیق برجسته در عملیاتی نمودن این راهبرد می‌باشد.

استراتژی نهم) توسعه اجتماعات دانشگاهی سرزنده به منظور بازآفرینی مرکز شهرها^۴

پروژه‌هایی بازآفرینی پایدار شهری، تنها می‌تواند از طریق همکاری بین موسسات، دانشگاه‌ها، شهرداری‌ها، انجمن‌های زیست‌محیطی و سازندگان به دست آید (Alpopi and Manole, 2013: 179). در برخی موارد، دانشگاه در جامعه محلی به مثابه نیروی محرکه و پیشرو در تحقق بازآفرینی عمل می‌کند. این امر موجب ایجاد موجی از تجدید حیات محله‌ای و بازآفرینی جامعه شهری از طریق فرآیند استفاده فرهنگی از فضای شهری می‌شود (Kana, 2012: 162).

استراتژی دهم) اشتراک و هم‌افزایی تجارب شهری: شالوده‌های دانش جدید^۵

شراکت‌های موفق^۶ شامل تخصیص روشن مسئولیت و مشارکت

ساکنان محلی و سازمان‌های محلی به‌عنوان شرکای برابر به‌منظور تضمین اهداف و منافع مناسب از پروژه‌های بازآفرینی شهری است. مسئله هم‌افزایی بین گروه‌های ذینفع مختلف و منابع، در اغلب برنامه‌های بازآفرینی حایز اهمیت است (Kidokoro et al, 2008: 78).



شکل ۵. استراتژی‌های دهگانه بازآفرینی پایدار (ترسیم نگارندگان با اقتباس از لمن، ۲۰۱۸).

چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی شهری

معیارها و شاخص‌های سنجش‌پذیر، مقایسه‌پذیر و دقیق در هر موضوعی جایگاه محوری دارند. بنابراین، ایجاد چارچوب‌های شاخص محور به محققان در سنجش درست و کارآمد مقولات بازآفرینی یاری می‌رساند. همچنین، این امر جانی تازه در ارزیابی عملیاتی و کاربردی موضوعات بازآفرینی شهری خواهد دمید. به‌طور عام، چارچوب ارزیابی شهری به معنای دستورالعمل‌ها و روش‌هایی است که به دنبال بهبود عملکرد پایدار شهری و پایداری در محیط ساخته‌شده هستند. در چارچوب سیاست و رویه بازآفرینی شهری، کاربست شاخص‌های قابل‌اندازه‌گیری به‌طور فزاینده‌ای در سنجش نتایج پایداری قابل توجه است (Hemphill et al, 2004: 771). در حالت کلی، معیارهای سنجش پایداری بازآفرینی را می‌توان در ابعاد اقتصادی، اکولوژیکی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد (Peng et al, 2015). از این رهگذر، مطالعات مختلفی برای سنجش پایداری فعالیت‌های بازآفرینی شهری بدست آمده است (Zheng et al, 2014). اغلب موارد، محدودیت عملی در کار با تعداد زیادی از شاخص‌ها و

1. - Strategy 6. High-quality architectural design and public space as a catalyst for a better city
2. - Strategy 7. Smart citizens, smart energy and citizen participation
3. - Strategy 8. Thinking long-term and making the most of what we have
4. - Strategy 9. Developing vibrant university quarters to regenerate the heart of our cities
5. - Strategy 10. Cities sharing their experiences, learning from each other: new knowledge platforms
6. - Successful partnerships

مؤلفه‌ها وجود دارد؛ این امر موجب پیچیده شدن دسته‌بندی موضوعی و استراتژی‌های طراحی آن‌ها می‌گردد (Mateo and Cuñat, 2016: 195). چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی شهری به دنبال رویکرد مبتنی بر شاخص‌ها از قبیل سنجش مفهومی در راستای شناسایی دقیق منطقه، شرایط پیاده‌سازی راهبردها و اثرات اقدامات سیاستی می‌باشند. با این حال، بیشتر رویکردهای شاخص‌منا، پاسخ استواری به چرایی تفاوت‌ها ارائه نمی‌دهند، بلکه صرفاً مسائل را برجسته کرده و در نتیجه سوالات بیشتری را مطرح می‌کنند (Hemphill et al., 2004: 726). افزون بر این‌ها، چارچوب‌های متعدد برای ارزیابی پایداری شهری، چالش انتخاب مناسب‌ترین مدل را به همراه دارد. اولاً، به دلیل دامنه‌های مختلفی که برای اهداف علمی یا سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد، اجماع نظری در روش استانداردسازی شاخص‌ها وجود ندارد. ثانیاً، شاخص‌ها نیز تحت تأثیر مقیاس و ویژگی‌های

منطقه شهری قرار می‌گیرند (Moreno Pires et al, 2014). ثالثاً، در بیشتر اوقات، عدم ارزیابی ابعاد انسانی سیاست شهری با اتکای بر معیارهای پوزیتیویستی محض منجر به بروز اختلاف‌نظر در ارزیابی سیاست‌های شهری می‌گردد (Hemphill et al, 2004: 758). بنابراین، می‌توان گفت که روش‌های ارزیابی فرآیند بازآفرینی باید به اندازه کافی پویا باشند تا عواقب بلندمدت را لحاظ کنند (Peng et al, 2015). اما بیشتر ابزارها یا روش‌های ارزیابی فعلی به اندازه کافی این نیاز را برآورده نمی‌سازند (Boyle et al, 2018). در مطالعات اخیر جهت ارزیابی پروژه‌های بازآفرینی شهری از نظر پایداری، چارچوب‌های شاخص‌محور^۱ به‌عنوان روش پرکاربرد ظاهر شده‌اند (Peng et al, 2015). در جدول (۱)، چهار نوع از رایج‌ترین چارچوب‌های ارزیابی پایداری سیاست‌های شهری، به ویژه بازآفرینی، آمده‌است. در ارتباط با چارچوب‌های چهارگانه مزبور دو نکته قابل ذکر است:

جدول ۱. مقایسه چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی شهری

ویژگی سه‌گانه			متد ارزیابی	مقیاس کاربرد	نیاز به داده	تعداد شاخص‌ها	طیف مؤلفه	چارچوب
تعالی	پویایی	تطبیق پذیری						
زیاد	متوسط	زیاد	آنالیز و مشاهده محقق	سایت	کیفی و تا حدی کمی	۲۰	۸	کواچ و دنمان
متوسط	متوسط	کم	نمره‌گذاری مطابق با ارزیابی	سایت	کمی - کیفی	۵۳	۵	همفیل
کم	متوسط	متوسط	سیستم وزن دهی	سایت - منطقه ای	کمی - کیفی	۱۰۰	۸	SB
متوسط	زیاد	متوسط	مشاهده محقق و ارزیابی انعطاف پذیر	سایت	کمی - کیفی	۲۰	۹	SIPRIUS

منبع: (Korkmaz and Balaban, 2020: 4).

نخست، در روش ارزیابی کمی، به دلیل اولویت‌بندی نتایج کمی، خطر نادیده گرفتن نتایج کیفی فرآیند بازآفرینی وجود دارد. برای جلوگیری از این نارسایی‌ها، چارچوب ارزیابی پایداری باید شامل شاخص‌های ترکیبی باشد (Boyle et al, 2018; Hemphill et al, 2004). دوم، بهتر است سه مؤلفه «تطبیق پذیری»، «پویایی» و «تعادل و توازن» در ایجاد چارچوب‌های ارزیابی پایداری بازآفرینی شهری مدنظر قرار گیرند.

رویکردهای نظری پشتیبان بازآفرینی شهری

تعیین جایگاه و حوزه نفوذ سیاست بازآفرینی در میان نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون برنامه‌ریزی شهری که هر یک

منشأ و ماهیت مشخصی دارند، بسیار دشوار می‌نماید. هر چند ممکن است محققان علوم شهری درباره اهمیت و کارکردهای سیاست بازآفرینی در ابعاد و مقیاس‌های مختلف همسویی داشته باشند، اما توافق بسیار کمتری درباره اینکه بازآفرینی به کدام پارادایم و نظریه تعلق دارد، دیده می‌شود. از این رهگذر، برخی از کلیدی‌ترین نظریه‌هایی که به مثابه پشتیبان سیاست بازآفرینی عمل می‌کنند، در معرض بحث و تحلیل قرار گرفته است. با کاندوکا و پیدایش بازآفرینی در سپهر نظریه‌ها، تأثیر اندیشه‌های گوناگون بر تغییر و تکامل این سیاست آشکار شده است. در این‌جا به سه رویکرد عام مطالعات شهری از جمله نوشهرگرایی، شهرسازی پایدار و شهرسازی سبز و شهر اکولوژیک اشاره

می‌گردد. ناگفته نماند که همه این رویکردهای مزبور، نحله‌هایی از تئوری توسعه پایدار به‌شمار می‌روند.

نخست، نوشهرگرایی رویکردی است که ارتباط نزدیکی با فرایند شکل‌گیری و توسعه حومه‌نشینی آمریکا دارد (Duany et al, 2010). برخی از اصول نوشهرگرایی مانند پیاده‌مداری به دروازه‌ای برای عملیاتی نمودن آن در بازآفرینی شهری تبدیل شده‌است (Talen 2006). برای مثال، چگونگی ایجاد و تقویت پیاده‌مداری در مناطق پس‌صنعتی (Cysek-Pawlak and Pab-ich, 2020: 3)، در گرو بررسی همزمان نوشهرگرایی و بازآفرینی نهفته است. از یک سو، نوشهرگرایی با تأکید بر اصل رشد و شهر فشرده زمینه‌ساز شکل‌یابی فرم ترکیبی با تراکم بالا و شدت استفاده مؤثر از اراضی موجود می‌گردد. از سوی دیگر، شهر فشرده مبتنی بر چهار اصل کاردینال (اساسی) است: (۱) تراکم؛ (۲) تشدید استفاده از اراضی؛ (۳) کاربری ترکیبی؛ و (۴) مقیاس انسانی (Al-Harami and Furlan, 2020: 3-4). دوم، شهرسازی پایدار یک حرکت خود آگاهانه محسوب می‌شود که تاکتیک‌ها و اصول مختلفی را برای استفاده از پایداری طراحی شهری ارائه می‌دهد (Brown et al, 2014) و دارای شش زمینه عمده است: (۱) تأثیر اجتماعی؛ (۲) کیفیت مکانی؛ (۳) کیفیت محیطی؛ (۴) کیفیت فنی؛ (۵) تأثیر اقتصادی؛ و (۶) کیفیت فرآیند (Al-Harami and Furlan, 2020: 2). افزون بر این، منشور فرایبورگ ۱۲ اصل شهرسازی پایدار را این‌گونه معرفی کرده که عبارتند از: (۱) شهر تنوع، ایمن و تاب‌آور؛ (۲) محلات شهری؛ (۳) شهر با مسافت کوتاه؛ (۴) توسعه شهری در امتداد مسیرهای حمل‌ونقل عمومی (الگوی تراکم بالا)؛ (۵) شهر آموزش، علم و فرهنگ؛ (۶) شهر تجارت، اقتصاد و اشتغال؛ (۷) شهر طبیعت و محیط‌زیست؛ (۸) شهر دارای کیفیت طراحی؛ (۹) شهر با برنامه‌ریزی بلندمدت؛ (۱۰) شهر ارتباطات؛ (۱۱) قابلیت اطمینان، تعهد و انصاف؛ و (۱۲) شهر تعاملی، مشارکت و شراکت (Daseking, 2014). در اکثر برنامه‌های بازآفرینی چندین مورد از اصول دوازده‌گانه به‌کار گرفته می‌شوند. سوم این‌که شهرسازی سبز^۱ شامل تعامل محیط شهری و اکوسیستم‌ها برای ایجاد محیط و جامعه مفید است. این جنبش توسعه متراکم، کارآیی انرژی، احیای مناطق پس‌صنعتی و تقویت توسعه پایدار را از نظر اجتماعی و محیطی ترغیب می‌کند (Carmona et al, 2010). لمن^۲ (۲۰۱۰) و روژما^۳ (۲۰۱۷)، شهرسازی سبز را به‌عنوان یک جنبش میان رشته‌ای تعریف می‌کنند که به همکاری بین رشته‌های مختلف مانند برنامه‌ریزان شهری، اکولوژیست، مهندسیین، معماران منظر، جامعه‌شناس و اقتصاددان نیاز دارد. هم‌چنین، شهرسازی

سبز مشتمل بر دیدگاه‌های اکولوژیست‌ها (ردپای اکولوژیکی)، مدیران بهداشت عمومی (اثر آلودگی)، و اقتصاددانان (قیمت املاک و مستغلات) است (Al-Harami and Furlan, 2020: 3). برخی از راهبردهای و رویکردهای بازآفرینی شهری با اصول شهرسازی سبز مطابقت کامل دارد. برای مثال اصل انرژی تجدیدپذیر، بدون پسماند و شیوه حمل‌ونقل پایدار با راهبرد «جایجایی راحت و پاک و کارآیی انرژی» همسویی دارد که از راهبردهای دهگانه بازآفرینی شهری پایدار است. به‌علاوه، توسعه کاربری‌های مختلط و شهرهای چندهسته‌ای فشرده با راهبرد «شبکه فضای عمومی برای یک شهر فشرده، پیاده‌مدار و کاربری ترکیبی» هم‌راستا می‌باشد. بنابراین، پیوند چندسویه میان عناصر، ابعاد و راهبردهای بازآفرینی شهری با اصول رویکر اکولوژیکی وجود دارد.

بازآفرینی شهری مبتنی بر کاربری اراضی

براساس محتوای برخی متون تحلیل‌شده، می‌توان به گونه‌های متعدد بازآفرینی مبتنی بر کاربری اراضی اشاره نمود که هر یک با مجموعه منحصربفردی از ویژگی‌ها مشخص می‌شوند. بر این منوال، گونه‌شناسی بازآفرینی که در تحقیقات آینده بیشتر بدان پرداخته خواهد شد، رهنمودی است که به درک اثربخشی برنامه‌ریزی کاربری اراضی در بازآفرینی شهری می‌انجامد. به‌طور خلاصه در این تحقیق، چهار نوع بازآفرینی مبتنی بر کاربری اراضی قابل شناسایی بود: (۱) اراضی قهوه‌ای؛ (۲) کاربری مسکن؛ (۳) زیرساخت‌های شهری؛ و (۴) کاربری‌های تجاری. در جدول (۲) برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های گونه‌شناسی بازآفرینی براساس کاربری اراضی ارائه شده‌است.

1. - Green urbanism
2. - Lehmann
3. - Roggema

جدول ۲. گونه‌شناسی بازآفرینی براساس کاربری اراضی

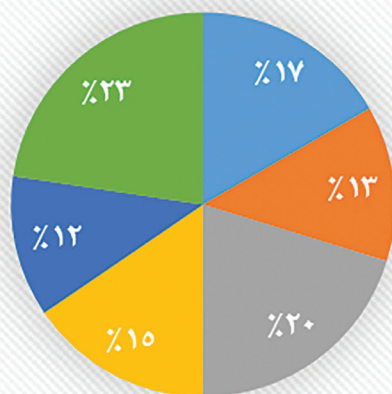
بازآفرینی مبتنی بر کاربری های تجاری	بازآفرینی زیرساخت محور	بازآفرینی مسکن محور	اراضی قهوه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> پروژه‌های خرده‌فروشی و مکامل‌ها از متداول‌ترین نوع بازآفرینی مبتنی بر کاربری اراضی تجاری - خدماتی به‌شمار می‌روند. در مدیریت مرکز شهر، مناطق بهبود کسب‌وکار و سازمان‌های مدیریت شهری بر نقش خرده‌فروشی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی در مناطق محروم و آسیب‌پذیر تأکید شده‌است. 	<ul style="list-style-type: none"> زیرساخت های شهری از جمله حمل‌ونقل ریلی و شبکه ارتباطی، دگرگونی تأسیسات و تجهیزات شهری (گورستان درون‌شهری، سیستم آبرسانی و...)، شالوده این نوع بازآفرینی را تشکیل می‌دهند. ایجاد کاربری‌های دانش‌بنیان و ایده شهر هوشمند. توسعه حمل و نقل محور (TOD). 	<ul style="list-style-type: none"> بازآفرینی شهری مسکن محور معمولاً از ایجاد اجتماع بهتر حمایت می‌کند و به شکل مسکن اجتماعی نمود پیدا می‌کند. گاهی به پیدایش اعیان‌سازی مسکونی در بافت‌های مورد مداخله منجر شده‌است. ساخت‌وساز انبوه مسکن لوکس در بافت‌های مرکزی از طریق بازآفرینی املاک محور صورت می‌گیرد. 	<ul style="list-style-type: none"> بازآفرینی سایت‌های قهوه‌ای یک استراتژی جدید در راستای توسعه پایدار و تأمین‌کننده اهداف آن است. بازیافت و بازیابی زمین‌های شهری، می‌تواند اراضی قبلاً توسعه‌یافته را به سیستم گردش کاربری زمین شهری بازگرداند. بازآفرینی اراضی قهوه‌ای می‌تواند کمبود منابع زمین را برطرف کند. یک استراتژی برد - برد برای محیط‌زیست و اقتصاد محسوب می‌شود.

منبع: (نویسندگان با اقتباس از : Al-Harami, 2018; Newman, 2018; Erol, 2019; Lee et al, 2016; Kang and Hua, 2007; Huang et al, 2020; Yekyeong, 2012; Dixon, 2005; Kim and Jang, 2017; and Furlan, 2020).

منتخب مورد بحث قرار گرفته‌است (۲۰ درصد)؛ (۴) چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی که شاخص‌ها و مؤلفه‌های بازآفرینی را معرفی می‌کند در ۱۳ مورد از تحقیقات تحلیل‌شده به چشم می‌خورد (۱۵ درصد)؛ (۵) تعداد متونی که به بحث نظریه‌های پشتیبان بازآفرینی پرداخته‌اند، در حدود ۱۰ منبع معتبر بود (۱۲ درصد)؛ و (۶) مقوله بازآفرینی شهری مبتنی بر اراضی شهری در بیش از ۱۹ متن پژوهشی، مطالعه شده‌است (۲۳ درصد).

در پایان بخش حاضر، به نحوه توزیع تعداد و درصد مقولات در میان متون تحلیل شده بر حسب نسبت تکرار آن‌ها اشاره می‌گردد: (۱) در ۱۴ مورد از منابع منتخب به «اصول اساسی بازآفرینی شهری» پرداخته شده‌است (۱۷ درصد)؛ (۲) در ۱۱ مورد از تحقیقات بررسی‌شده به‌صورت مستقیم به «سیر تحول سیاست‌های بازآفرینی شهری» اشاره گردیده‌است (۱۳ درصد)؛ (۳) مقوله «استراتژی‌های بازآفرینی پایدار شهری»، در ۱۷ مورد از متون

درصد مقوله‌های طبقه‌بندی شده



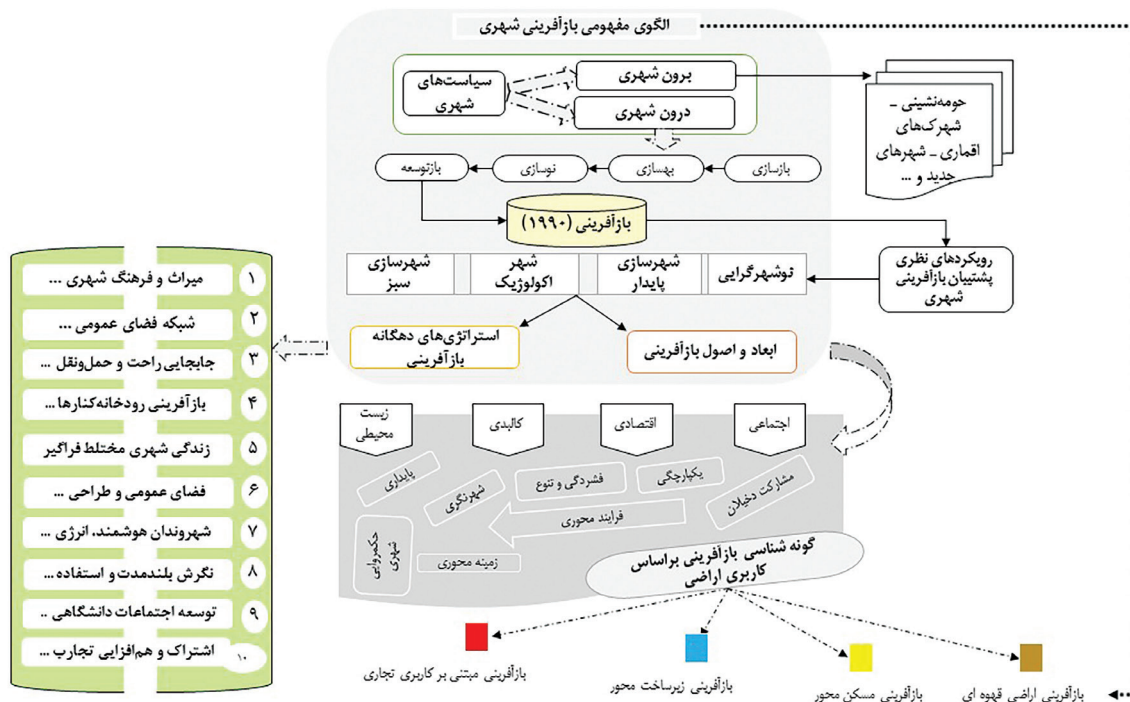
- اصول بازآفرینی شهری
- سیر تحول سیاست بازآفرینی شهری
- بازآفرینی شهری مبتنی بر کاربری اراضی
- بازآفرینی شهری مبتنی بر زیرساخت
- بازآفرینی شهری مبتنی بر TOD
- چارچوب‌های ارزیابی بازآفرینی شهری
- بازآفرینی شهری مبتنی بر نظریه‌های پشتیبان

شکل ۶. نمودار توزیع درصد مقولات شش‌گانه در میان آثار منتخب تحلیل شده

نتیجه گیری

براساس متون بررسی شده، بازآفرینی شهری را می توان به عنوان یک سیاست فراگیر با ذینفعان متعارض، متشکل از استراتژی های متفاوت، مبتنی بر زمینه های مکانی- جغرافیایی و مسیری به سوی توسعه پایدار دانست که با مطالعه دقیق ارکان نظری آن، استخراج الگوی عملی و کارآمد منطبق بر ساختار و بافت جامعه امکان پذیر می گردد. این تحقیق در پی مطالعه همه آثار موجود در رابطه با بازآفرینی شهری نیست، بلکه واکاوی گزینشی و تفصیلی از ادبیات بازآفرینی را در اولویت قرار داده است. در نتیجه بخش عظیمی از تحقیقات پیشین که ارتباط و نوآوری چندانی در زمینه سیاست بازآفرینی شهری نداشتند، از پیکره مقاله حاضر کنار گذاشته شد. براساس یافته های تحقیق، مقوله های عمده بازآفرینی شهری عبارتند از: (۱) اصول بازآفرینی شهری؛ (۲) سیر تحول سیاست های بازآفرینی شهری؛ (۳) استراتژی های بازآفرینی پایدار شهری؛ (۴) چارچوب های ارزیابی بازآفرینی؛ (۵) نظریه های پشتیبان بازآفرینی؛ و (۶) بازآفرینی شهری مبتنی بر اراضی شهری. در میان مقولات بدست آمده، طبقه بازآفرینی شهری با اتکالی بر

سیستم کاربری اراضی در مطالعات پژوهشی بیشتر مورد توجه بوده است و سپس، مقوله استراتژی های بازآفرینی پایدار اولویت داشته است که به ترتیب در «۲۳ و ۲۰ درصد» از متون واکاوی شده (۷۳ منبع منتخب) به این مقولات پرداخته شده است. در مقابل، بر بحث نظریه های پشتیبان بازآفرینی (۱۲ درصد)، سیر تحول سیاست بازآفرینی (۱۳ درصد) و چارچوب های ارزیابی آن (۱۵ درصد) نسبت به بقیه موضوعات مورد بررسی، کمتر تأکید شده است. تفاوت تحقیق حاضر با مطالعات پیشین، واکاوی ژرف آثار علمی انبوه بازآفرینی شهری که شامل ابعاد و اصول سیاست های بازآفرینی، شاخص ها و معیارهای ارزیابی پایداری آن، استراتژی های بازآفرینی پایدار شهری، نظریه های بازآفرینی و دگرگونی محتوایی در گذارهای تاریخی و سیاسی مختلف (تعداد ۶۶ مقاله و ۷ کتاب موثق و علمی) است. با این حال، باید اذعان کرد که تحلیل دقیق و همه جانبه آثار بازآفرینی شهری در زمینه های مختلف آن، اقدام دشواری است و از حوصله این تحقیق خارج می باشد. در شکل (۷) الگوی مفهومی- نظری بازآفرینی شهری آمده به صورت کلی بیان شده است.



شکل ۷: الگوی مفهومی- نظری بازآفرینی شهری براساس تحلیل محتوای کیفی

در نهایت، مؤلفه تعیین کننده و عمده در مطالعات بازآفرینی شهری، «سیاست های کاربری اراضی» است که نقش مراجع قدرت، رژیم های حکمروایی، گفتمان ها و روابط نهادی را در بازساخت و دگر دیسی فضاهای شهری اعیان می سازند. در تعداد اندکی از مطالعات پیشین، همزمان به همه این مقولات پرداخته شده است. به طور کلی، اگر چه فرض می شود که بازآفرینی شهری یک سیاست جهانی است اما طیف وسیعی از مقولات آن در کشورهای

جهان جنوب هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. اساساً، کاربست اصول و رهیافت های بازآفرینی در شهرهای جوامع مختلف مستلزم مکانیسم های متفاوتی است. به طور خلاصه در ارتباط با تحقیقات علمی حوزه بازآفرینی شهری در ایران به نظر می رسد که کلی گویی و تکرار مطالب در زمینه ماهیت و ابعاد بازآفرینی یا طراحی استراتژی های مبهم و غیر عملی نشان از فقدان شناخت عمیق و منسجم این موضوع و همچنین «مسئله شهری» توسط

سیاست‌گذاران، متولیان و پژوهشگران شهری است.

عمده‌ترین جنبه نوآورانه تحقیق حاضر این است که واکاوی کیفی ژرف‌تری از متون موجود بازآفرینی نسبت به سایر تحقیقات مشابه داخلی به همراه دارد. بنابراین، نتایج تحقیق می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را برای گسترش مبانی و مرزهای دانش بازآفرینی شهری فراهم آورد. بعلاوه، محققان و سیاست‌گذاران شهری می‌توانند از این مقاله به عنوان یک مرجع بالقوه و نقطه شروع برای عبور از خلأهای فعلی و هم‌چنین انجام تحقیقات مکمل در آینده استفاده کنند. محدودیت‌های پژوهش در دو طیف قابل‌ذکر است: نخست، احتمال دارد برخی از مباحث مهم بازآفرینی مانند رابطه حکمروایی شهری و بازآفرینی، رویکردها و ابعاد آن در مقولات شش‌گانه مشخص شده، به‌صورت جامع تحلیل نشده باشند. بنابراین ضرورت دارد در تحقیقات آینده با رویکرد کیفی به این مسئله پرداخته شود. دوم، به نظر می‌رسد که تحقیق حاضر از قابلیت تبیین دقیق چارچوب مفهومی و تحلیلی سیاست بازآفرینی شهری در همه ابعاد آن برخوردار نیست. در این راستا، به تحقیقات بیشتر و مکمل با مقیاس‌های فضایی گسترده نیاز است.

منابع

۱. پیران، پرویز (۱۳۹۷) **نگاهی گذرا و نقدی کم‌توان: بازآفرینی شهری با نیم‌نگاهی بر پروژه محله‌یاری در ایران (میا)**. نشریه هفت شهر، دوره ۴، شماره ۶۲، صص ۵۶-۲۸. <http://www.haftshahrjournal.ir/article.html.۲۲۸۵۶>
۲. تبریزی، منصوره (۱۳۹۳) **تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی**. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، صص ۱۰۵-۱۳۸. <https://iribresearch.ir/rm/pdf.۱/maghaleh>
۳. مؤمنی‌راد، اکبر و خدیجه علی‌آبادی و هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲) **«تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار»**. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، دوره ۹، شماره ۱۴، صص ۲۲۲-۱۸۷.
۴. <http://webpages.iust.ac.ir/mozayani/Papers-pdf/Akbar-Momeni-6019-232516174-TQI.pdf>
۵. Al-Harami, A., Furlan, F. (2020) Qatar National Museum-Transit oriented development: The masterplan for the urban regeneration of a 'green TOD'. Journal of Urban Management, Vol. 9, pp. 115-136. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2019.09.003>
۶. Almeida, C. P., Ramos, A. F., Silva, J. M. (2018) Sustainability assessment of building rehabilitation actions in old urban centers, Sustainable Cities and Society, Vol.36, 378-385. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.10.014>
۷. Alpopi, C., Manole, C. (2013) Integrated Urban Regeneration - Solution for Cities Revitalize, Procedia Economics and Finance. Vol. 6, pp. 178 - 185. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(13\)00130-5](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(13)00130-5)
8. Balaban, O., Puppim de Oliveira, J. A. (2014) Understanding the links between urban regeneration and climate-friendly urban development: Lessons from two case studies in Japan. Local Environment, Vol.19, No.8, pp.868-890. <https://doi.org/10.1080/13549839.2013.798634>
9. Boyle, L., Michell, K., Viruly, F. (2018) A critique of the application of neighborhood sustainability. Assessment Tools in Urban Regeneration, 10(4), 1005. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102081>
10. Brown, L. J., Dixon, D., Gillham, O. (2014) Urban Design for an Urban Century-Shaping More Liveable, Equitable, and Resilient Cite. New Jersey, USA: John Wiley and Sons. <https://www.semanticscholar.org/paper/Urban-Design-for-an-Urban-Century%3A-Shaping-More-and-Brown-Dixon/3747b6972aea15dce736c027145491204492f9a8>
11. Carta, M., Ronsivalle, D. (2016) The Fluid City Paradigm: Waterfront Regeneration as an Urban Renewal Strategy. UNIPA Springer Series, Springer. <https://www.springer.com/gp/book/9783319280035>
12. Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T., Oc, T. (2010) Public places urban spaces-the dimension of urban design. Oxford, UK: Architectural Press. <https://www.amazon.com/Public-Places-Urban-Spaces-Second/dp/1856178277>
13. Cysek-Pawlak, M.M., Pabich, M. (2020) Walkability – the New Urbanism principle for urban regeneration. Journal of Urbanism: International Research on Place-making and Urban Sustainability, pp. 1-25, <https://doi.org/10.1080/17549175.2020.1834435>
14. Czischke, D., Moloney, C., Turcu, C. (2015) Raising the game in environmentally sustainable urban regeneration, sustainable regeneration in urban areas. URBACT II Capitalization, 6-14. https://urbact.eu/sites/default/files/04_sustreg-web.pdf
15. Della Torre, S., Cattaneo, S., Lenzi, C., Zanelli, A. (2020) Regeneration of the Built Environment from a Circular Economy Perspective. Springer. file:///C:/Users/SAMIN/Downloads/BookSellerFlyer_9783030332556.pdf
16. Daseking, W. (2014) Freiburg: Principles of sustainable urbanism. Journal of Urban Regeneration and Renewal, Vol.8, No.2, pp.145-151. <https://hstalks.com/article/783/freiburg-principles-of-sustainable-urbanism/>
17. Dixon, T. (2005) The role of retailing in urban regeneration. Local Economy, Vol.20, No.2, pp.168-182. <https://doi.org/10.1080%2F13575270500053266>
18. Donaldson, R., Plessis, D., Spocter, M., Massey, R, (2013) The South African area-based urban renewal programme: experiences from Cape Town. Journal of Housing and the Built Environment, Vol. 28, pp. 629-638. <http://dx.doi.org/10.1007/s10901-013-9348-3>
19. Donnison, D. (1993) The challenge of urban regeneration for community development. Community Development Journal, Vol.28, No.4, pp.293-298. <https://doi.org/10.1093/cdj/28.4.293>
20. Duany, A., E. Plater-Zyberk, and J. Speck. (2010) Subur-

- eration projects toward sustainable urban structure: case studies of Hafen City in Germany and Shinagawa Station in Tokyo. *International Journal of Urban Sciences*, Vol. 15, No. 3, pp. 187-199. <https://doi.org/10.1080/12265934.2011.635882>
33. Jung, T. H., Lee, J., Yap, M. H., Ineson, E. M. (2015) The role of stakeholder collaboration in culture-led urban regeneration: A case study of the Gwangju project, Korea. *Cities*, Vol. 44, 29–39. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2014.12.003>
 34. Kana, K. (2012) An experiment in urban regeneration using culture and art in Senba, Osaka's historic urban center, with a focus on the regeneration of urban space. *City, Culture and Society*, Vol. 3, No.2, pp.151–163. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ccs.2012.06.006>
 35. Kang, C., Hua, G. (2007) Brownfield Redevelopment Toward Sustainable Urban Land Use in China. *Chinese Geographical Science*, Vol. 17, No. 2, pp.127-134. <http://dx.doi.org/10.1007/s11769-007-0127-5>
 36. Kidokoro, T., Harata, N., Subanu, L. P., Jessen, J., Motte, A., Seltzer, E. P. (2008) Sustainable City Regions: Space, Place and Governance. cSUR-UT Series: Library for Sustainable Urban Regeneration, Vol. 7, Springer press. <http://libgen.li/ads.php?md5=d43b8b-5403498b252ca89fb7cc965f63>
 37. Kim, H.R., Jang, Y. (2017) Lessons from good and bad practices in retail-led urban regeneration projects in the Republic of Korea. *Cities*, Vol. 61, pp. 36–47. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.11.004>
 38. Korkmaz, C., Balaban, O. (2020) Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, pp.1-14. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102081>
 39. Kopec, M. (2013) The role of the public sector in the regeneration of deprived urban areas: Case studies from Krakow in Poland and Kirklees in the UK. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, Vol.7, No.1, pp. 79-94. <https://hstalks.com/article/2648/the-role-of-the-public-sector-in-the-regeneration-/?business>
 40. Leary, M.E. and McCarthy, J. (2013) Introduction: Urban regeneration, a global phenomenon. in M.E. Leary and J. McCarthy (eds), *The Routledge Companion to Urban Regeneration*, Abingdon: Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203108581/routledge-companion-urban-regeneration?refId=ffa5e106-ad7d-45aa-af3d-c112100ca5a0>
 41. Lee, J., Ostwald, M.J., Sher, W.D., Lee, H. (2016) Developing strategic planning schemes for urban regeneration through mixed-use development in Seoul. *International Planning Studies*, <https://doi.org/10.1080/13563475.2016.1243042>
 42. Lehmann, S. (2010) *The principles of green urbanism: Transforming the city for sustainability*. Washington: Earthscan. <https://www.routledge.com/The-Principles-of-Green-Urbanism-Transforming-the-City-for-Sustainability/Lehmann/p/book/9781844078349>
 - ban Nation: The Rise of Sprawl and the Decline of the American Dream. New York: North Point Press. <https://us.macmillan.com/books/9780865477506>
 21. Erol, I. (2019) New Geographies of Residential Capitalism: Financialization of the Turkish Housing Market Since the Early 2000. *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 43, No. 4, pp. 724-740. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12794>
 22. Ertan, T and, Eğercioğlu, Y. (2016) Historic City Center Urban Regeneration: Case of Malaga and Kemeraltı, Izmir. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* Vol. 223, pp. 601 – 607. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.362>
 23. Güzey, Ö. (2009) Urban regeneration and increased competitive power: Ankara in an era of globalization. *Cities*, Vol. 26, No.1, pp.27–37. <http://dx.doi.org/10.1016%2Fj.cities.2008.11.006>
 24. Güzey, O. (2016) The last round in restructuring the city: urban regeneration becomes a state policy of disaster prevention in Turkey. *Cities*, 50, 40–53. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.08.010>
 25. Hassan, G.F. (2012) Regeneration as an approach for the development of informal settlements in Cairo metropolitan. *Alexandria Engineering Journal*, Vol.51, No.3, pp.229–239. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2012.02.003>
 26. Hemphill, L., Berry, J., McGreal, S. (2004) An indicator-based approach to measuring sustainable urban regeneration performance. Part 1: conceptual foundations and methodological framework. *Urban Studies*, Vol.41, No. 4, pp.725-755. <http://dx.doi.org/10.1080/0042098042000194089>
 27. Hemphill, L., McGreal, S., Berry, J. (2004) An Indicator-based Approach to Measuring Sustainable Urban Regeneration Performance: Part 2, Empirical Evaluation and Case-study Analysis. *Urban Studies*, Vol. 41, No. 4, 757–772. <https://www.jstor.org/stable/43197115>
 28. Huang L, Zheng W, Hong J, Liu Y, Liu G. (2020) Paths and strategies for sustainable urban renewal at the neighbourhood level: A framework for decision-making. *Sustainable Cities and Society*, Vol. 55, pp. 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102074>
 29. Hui, E.C., Wong, J.T., Wan, J.K. (2008) A review of the effectiveness of urban renewal in Hong Kong. *Property Management*, Vol.26, No.1, pp.25–42. <https://doi.org/10.1108/02637470810848877>
 30. Hurtado, S.D. (2017) Is EU urban policy transforming urban regeneration in Spain? Answers from an analysis of the Iniciativa Urbana (2007–2013). *Cities*, Vol. 60, Part A, pp. 402-414. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.10.015>
 31. Huston, S. (2018) *Smart Urban Regeneration: Visions, Institutions and Mechanisms for Real Estate*. Routledge. <https://www.routledge.com/Smart-Urban-Regeneration-Visions-Institutions-and-Mechanisms-for-Real/Huston/p/book/9781138935280>
 32. Jang, Y.J., Go, J.Y., Lee, S. (2011) Evaluating integrated land use and transport strategies in the urban regen-

55. Randolph, B. and Freestone, R. (2008) Problems and prospects for suburban renewal: An Australian perspective. City Futures Research Centre Issues Paper, No. 11, UNSW, Sydney. https://www.researchgate.net/publication/254516562_Problems_and_Prospects_for_Suburban_Renewal_An_Australian_Perspective
56. Roberts, P. (2000) The evolution, definition and purpose of urban regeneration. InP. Robert, and H. Skye (Eds.), Urban regeneration a handbook. London: Sage. http://www.posgrado-faua.uni.edu.pe/images/Lecturas/Urban-Regeneration_Roberts-Sykes.pdf
57. Roberts, P. and Sykes, H. (eds) (2000) Urban regeneration: A handbook, Sage, London.
58. Roggema, R. (2017), The future of sustainable urbanism: Society-based, complexity-led, and landscape-driven. Sustainability, Vol.9, No. 8, <https://doi.org/10.3390/su9081442>
59. Rosa, D., Privitera, R., Barbarossa, L., Greca, P. (2017) Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy. Landscape and Urban Planning, Vol. 157, pp. 180–192. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.05.031>
60. Ruming, K. (2018) Urban Regeneration in Australia: Policies, Processes and Projects of Contemporary Urban Change. Routledge. <https://www.routledge.com/Urban-Regeneration-in-Australia-Policies-Processes-and-Projects-of-Contemporary/Ruming/p/book/9781472471635>
61. Sacco, P.L., Ghirardi, S., Tartari, M., Trimarchi, M. (2019) Two versions of heterotopia: The role of art practices in participative urban renewal processes. Cities, Vol. 89, pp. 199-208. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.02.013>
62. Smith, A. (2012) Events and Urban Regeneration: The Strategic Use of Events to Revitalise Cities. London: Routledge. <http://dx.doi.org/10.4324/9780203136997>
63. Song, Y., and Knaap, G. J. (2004) Measuring urban form: Is Portland winning the war on sprawl? Journal of the American Planning Association, Vol.70, No.2, pp.210–225. <https://doi.org/10.1080/01944360408976371>
- 64.
65. Talen, E. (2006) Design for Diversity: Evaluating the Context of Socially Mixed Neighbourhoods. Journal of Urban Design, Vol.11, No.1, pp.1–32. <https://doi.org/10.1080/13574800500490588>
66. Tallon, A. (2013) Urban Regeneration in the UK. London: Routledge. <https://www.routledge.com/Urban-Regeneration-in-the-UK/Tallon/p/book/9780415685030>
67. Tan, X., Altrrock, U. (2016) Struggling for an adaptive strategy? Discourse analysis of urban regeneration processes e A case study of Enning Road in Guangzhou City. Habitat International Vol. 56, pp. 245-257. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.06.006>
68. Thomas, D. R. (2006) A General inductive approach for qualitative data analysis. American Journal of Evaluation. Vol.27, No. 2, pp. 237-246. <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?>
43. Lehmann, S. (2018) Urban Regeneration: A Manifesto for transforming UK Cities in the Age of Climate Change, Palgrave Macmillan, Springer Nature Switzerland AG. <https://www.springer.com/de/book/9783030047108>
44. Marra, G., Barosio, M., Eynard, E., Marietta, C., Tabasso, M., Melis, G. (2016) From urban renewal to urban regeneration: Classification criteria for urban interventions. Turin 1995–2015: evolution of planning tools and approaches. Journal of Urban Regeneration and Renewal, Vol. 9, No. 4, pp. 367-380. <https://hstalks.com/article/4620/from-urban-renewal-to-urban-regeneration-classific/>
45. Martins, M.L.R., Pereira, A. L. S. (2019) Urban Regeneration in the Brazilian urban policy agenda. European Planning Studies, Vol. 27, No. 6, pp. 1129-1145, <https://doi.org/10.1080/09654313.2019.1598021>
46. Mateo, C and Cuñat, A. (2016) Guide of strategies for urban regeneration: A design-support tool for the Spanish context. Ecological Indicators, Vol. 64, pp. 194–202. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2015.12.035>
47. McDonald, S., Malys, N., Maliene, V. (2009) Urban regeneration for sustainable communities: A case study. Technological and Economic Development of Economy, Vol. 15, No. 1, pp. 49-59. <https://doi.org/10.3846/1392-8619.2009.15.49-59>
48. Moreno Pires, S., Fidélis, T., Ramos, T. (2014) Measuring and comparing local sustainable development through common indicators: Constraints and achievements in practice. Cities, Vol.39, pp.1–9. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2014.02.003>
49. Nedučin, D., Krklješ, M., Gajić, Z. (2019) Post-socialist context of culture-led urban regeneration – Case study of a street in Novi Sad, Serbia. Cities, Vol.85, pp.72–82. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.11.024>
50. Newman, P., Davies-Slate, S., Jones, E. (2018) The Entrepreneur Rail Model: Funding urban rail through majority private investment in urban regeneration. Research in Transportation Economics, Vol. 67, pp. 19-28 <https://doi.org/10.1016/j.retrec.2017.04.005>
51. Ozuduru, B. H., Varol, C., Yalciner Ercoskun, O. (2014) Do shopping centers abate the resilience of shopping streets? The co-existence of both shopping venues in Ankara. Turkey, Cities, 36, 145–157. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2012.10.003>
52. Peng, Y., Lai, Y., Li, X., Zhang, X. (2015) An alternative model for measuring the sustainability of urban regeneration: the way forward. Journal of Cleaner Production, Vol. 109, pp. 76-83. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2015.06.143>
53. Petcou, C., Petrescu, D. (2015) R-URBAN or how to co-produce a resilient city. Ephemera: theory and politics in organization, Vol.15, No.1, pp. 249-262. <http://www.ephemerajournal.org/sites/default/files/pdfs/contribution/15-1petcoupetrescu.pdf>
54. Raco, M., Henderson, H., Bowlby, S. (2008) Sustainable Urban Regeneration in a Global City – The Regeneration of Paddington Basin. P. Ache et al. (eds.), Cities between Competitiveness and Cohesion, Springer, pp. 187-203. <https://doi.org/10.1080/08111140902968737>

doi=10.1.1.1020.8465&rep=rep1&type=pdf

69. Tin, W. J., Lee, S.H. (2017) Development of neighbourhood renewal in Malaysia through case study for middle income households in New Village Jinjang, Kuala Lumpur. *Sustainable Cities and Society*, Vol.32, pp.191–201. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.03.007>
70. Wang, H., Shen, Q.P., Tang, B.S., Skitmore, M., (2013) An integrated approach to supporting land-use decisions in site redevelopment for urban renewal in Hong Kong. *Habitat International*, Vol. 38, pp.70-80. <http://dx.doi.org/10.1016/j.habitatint.2012.09.006>
71. Yekyeong, S. (2012) TOD as a Rail Integrated Urban Regeneration Strategies of Old City through Case Study about Toyama Station and Surroundings Area in Japan. T.-h. Kim et al. (Eds.): *ASEA/DRBC 2012*, CCIS, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, pp. 429–436. https://link.springer.com/chapter/10.1007%2F978-3-642-35267-6_57
72. Yu, J.H., Kwon, H.R. (2011) Critical success factors for urban regeneration projects in Korea. *International Journal of Project Management*, Vol. 29, pp. 889-899. <https://doi.org/10.1016/j.ijproman.2010.09.001>
73. Zheng, H.W., Shen, G.Q.P., Wang, H. (2014) A review of recent studies on sustainable urban renewal. *Habitat International*, Vol. 41, pp. 272-279. <http://dx.doi.org/10.1016/j.habitatint.2013.08.006>

بازخوانی عملکرد مناره با تکیه بر مضامین موجود در آیات کتیبه‌های قرآنی؛ نمونه موردی: مناره‌های شیوه رازی در ایران

رضا رحیم‌نیا*، ناهید هلاکوئی**، سجاد مؤذن***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

مناره‌ها از آثار معماری ایرانی هستند که علی‌الخصوص در شیوه رازی نمونه‌های ارزشمندی از آنها وجود دارد. پس از ورود اسلام، اندیشه‌های مذهبی در ساخت و تزئین مناره‌ها تأثیرگذار و در مضامین و مفاهیم کتیبه‌های آن‌ها متبلور گشته است. در این میان کتیبه‌های قرآنی موجود بر این مناره‌ها می‌توانند یکی از منابع مهم برای درک و بررسی دیدگاه‌های مذهبی و اعتقادی مردم و معماران و همچنین عملکرد آنها باشند. این دیدگاه‌ها کمتر در تدقیق عملکرد آثار معماری مورد توجه قرار گرفته است. با این توضیح مطالعه پیش رو تلاش دارد تا با بررسی کتیبه‌های مناره‌های شیوه رازی در ایران، ضمن توجه به آیات قرآنی، مفاهیم بکار رفته در آن‌ها را شناسایی و تحلیل نماید. در این راستا چسبته‌ی ارتباط بین مفاهیم یا مضامین آیات قرآنی موجود در کتیبه‌های مناره‌های شیوه رازی و عملکرد آن‌ها سؤال اصلی پژوهش را شکل داده است. در این مطالعه علاوه بر شناسایی مناره‌های شیوه رازی و دسته‌بندی کتیبه‌های آن‌ها، تحلیل مضامین کتیبه‌های قرآنی در جهت بازخوانی کاربردی مناره هدف اصلی مقاله است. پژوهش حاضر تلاش دارد مفاهیم موجود در این آیات را استخراج، دسته‌بندی و پرکاربردترین مفاهیم را شناسایی و تحلیل کند. جهت دستیابی به این هدف کتیبه‌های قرآنی مناره‌های شیوه رازی که غالباً سلجوقی هستند، به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی شناسایی و در جهت تدقیق متن کتیبه برخی از مناره‌های مذکور بازدید شده‌اند. پس از مستندسازی کتیبه‌ها و شناسایی آیات آن‌ها، به روش تفسیری - تحلیلی (تحلیل محتوی) متن آیات مورد تحلیل قرار گرفتند. بر اساس مطالعات انجام شده، تکرار مفاهیم «بیان صفات دعوت‌کنندگان به سوی خدا»، «توحیدی» و «بیان صفات خداوند» در آیات کتیبه‌های مناره قابل توجه است. در نتیجه آیات این کتیبه‌ها بیشتر به دو موضوع کلی «نشانه» و «هدایت» پرداخته‌اند که با توجه به آن‌ها می‌توان عملکرد مناره را «رسانه‌ای برای هدایت» دانست.

کلمات کلیدی: معماری ایران، شیوه رازی، سلجوقی، مناره، عملکرد، کتیبه قرآنی

مقدمه

معماری اسلامی در طول تاریخ در برگزیده دیدگاه‌ها، توانمندی‌ها و خلاقیت‌های هنرمندان مسلمان است و همچنین با نقش‌ها، کتیبه‌ها و رنگ‌ها، محیطی با خلوص معنوی پدید آورده است. در این میان بی‌شک هیچ چیز به اندازه تزئینات در معماری، نمی‌تواند رسالت تفکر و ذوق هنری را به نمایش بگذارد زیرا اگر فرم برای معماران و باستان‌شناسان و طراحان جالب باشد ممکن است برای عامه مردم قابل درک نباشد ولی همین تزئینات است که در نگاه اول بیننده را به خود جلب می‌نماید. بنابراین در طول چهارده قرن سابقه هنرهای اسلامی، تزئینات از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در تمامی دوران اسلامی، هنرمندان در توسعه و تکامل آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند (بلر، ۱۳۹۴؛ Grabar 1988). در این میان یکی از بازه‌های زمانی شاخص بین قرن ۳ تا ۷ هجری قمری است. این بازه از آل‌زیار شروع و با آل‌بویه، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان ادامه پیدا می‌کند و تحت عنوان شیوه رازی از آن یاد شده است (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۵۸). در شیوه رازی اوج شکوفایی و نقطه بارز دوره سلجوقی است. در این دوره علی‌الخصوص استفاده از آجر، تزئینات و کتیبه‌های آجرکاری قابل توجه است (اتینگهاوزن، ۱۹۹۹؛ شکفته و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۶). همچنین پرداختن به هنر کتیبه‌نگاری یا خوشنویسی و استفاده از کتیبه‌هایی با انواع خطوط از ابتدای همین دوره مرسوم شد (حاجی‌زاده باستانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۴). این کتیبه‌ها خصوصاً در دوره اسلامی در بدنه اغلب آثار معماری شکل گرفته است.

مناره‌ها به‌عنوان یکی از آثار معماری از این موضوع مستثنی نبوده‌اند. پایه و اساس شکل‌گیری مناره به دوره پیش از اسلام برمی‌گردد که در طول دوران اسلامی مسیر تکامل خود را پیموده است (Bloom, 2013). در این مسیر، یکی از دوران درخشان ساخت مناره در ایران بعد از اسلام و مربوط به شیوه رازی و غالباً سلجوقی است. در این دوره علاوه بر اینکه ساخت مناره نسبت به قبل رواج بیشتری داشته، از نظر تکنیک ساخت، فرم و تزئینات نیز مناره‌ها به شکوفایی رسیدند (هیلن براند، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۶). تزئینات مناره‌ها نیز اغلب شامل نقوش و کتیبه‌های آجری است، البته در موارد محدود استفاده از کاشی به‌صورت نگین در این آجرکاری و کتیبه‌ها دیده می‌شوند؛ هرچند مناره‌هایی از این دوره وجود دارد که فاقد کتیبه و یا حتی نقوش تزئینی هستند. در کتیبه‌های این مناره‌ها جدای از زیبایی بصری، متن کتیبه نیز می‌تواند حاوی مفاهیمی باشد که انعکاس‌دهنده شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی زمان نگارش آن‌هاست.

با این توضیح، هدف اصلی در این مطالعه بررسی کتیبه‌های قرآنی در مناره‌های شیوه رازی، دسته‌بندی و درک مضامین آیات آن‌ها در جهت تدقیق بُعد عملکردی مناره است. اهمیت پرداختن

به این موضوع از آن جهت است که اکثر پژوهش‌های انجام شده بر روی مناره‌ها پیرامون زیبایی‌شناسی، عناصر تزئینی و نقوش بوده و کمتر به مفاهیم کتیبه‌ها پرداخته شده است. این در حالی است که کتیبه‌های بناهای تاریخی بخصوص کتیبه‌های قرآنی می‌تواند یکی از منابع مهم جهت بررسی تفکرات مذهبی، باورها و اعتقادات در یک زمان و دوره خاص و یا حتی موضوع عملکرد باشند. در موضوع مناره‌ها همواره عملکرد مورد بحث بوده، بنابراین بررسی مفهوم آیات موجود در کتیبه‌های قرآنی، علاوه بر درک این تفکرات و باورهای مذهبی، به حل مناقشه محققین درباره عملکرد آن‌ها نیز کمک خواهد کرد.

منار، مناره و عملکرد

با توجه به مقدمه ارائه شده، یکی از اولین مباحث قابل توجه، واژه منار و مناره و همچنین مواجهه دیگر پژوهشگران با موضوع کاربری این عنصر معماری است. مرور تعاریف مرتبط، اشارات موجود در متون دینی و موضوع کاربری مواردی است که در این باب قابل بحث هستند^۱. آنچه در ادامه مرور شده مقدمه ورود به موضوع مقاله را فراهم آورده است.

«منار» یا «مناره» در لغت و تعریف اشاره شده در دهخدا (۱۳۷۷) به معنای نشانی است که در راه از سنگ و خشت برپا کنند و ظاهراً وجه تسمیه آن این است که سابق، برای راه یافتن مسافران چراغی بر مناره می‌افروختند. فرهنگ نظام نیز در این باره می‌گوید: «منار - مناره: جای نور، برج ماندی که در مسجد سازند و مؤذن بر بالای آن اذان می‌گوید، نیز ستون یا برج ماندی که برای نشان راه و سرحد سازند» (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۶: ج ۵، ۲۲۵). همچنین در «منتهی‌الارب» در ذیل واژه «نور» به‌عنوان چراغ پایه و جای اذان گفتن (صفی پوری، ۱۳۹۸: ۱۲۸۴) و در «ملخص اللغات» علاوه بر آن به‌عنوان معلوم نیز آمده است (خطیب کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۰۲).

هرچند اصل کلمه «مناره» در قرآن نیامده و تنها ماده اصلی آن (نور) در قرآن مورد اشاره بوده؛ اما در نهج‌البلاغه و احادیث اسلامی این واژه تکرار شده است. واژه «مناره» در نهج‌البلاغه چندین بار آمده که در جهت معنا و موارد کاربرد آن، برداشت‌های مفهومی و واژگان همراه با منار در خطبه‌ها و نامه‌ها قابل توجه هستند. نشانه‌های پرهیزگاری^۲، نشانه‌های دین^۳، نشانه‌های هدایت^۴، چراغ هدایت^۵، نشانه‌های روشن به سمت توحید^۶، نمونه‌هایی از آن‌ها است. در دیگر متون اسلامی نیز واژه منار در اشاره به امامان و اهل‌بیت به‌عنوان نماد هدایت‌کنندگان (نقوی قائنی، ۱۳۷۸: ۲۳۲) و نشانه‌های اسلام دیده می‌شود (نجفی، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۶). همچنین با عنوان راهنما و نشانه برای مردم (مجلسی و دیگران، بی‌تا: ۲) و نشانه‌های زمین (ابن منظور و دیگران، ۱۴۱۹: ۳۲۲) نیز از آن یاد شده است.

انجام گرفته است. با توجه به مسئله مورد بحث در این مطالعه، موضوعاتی مثل "مناره"، "کتیبه‌ها" و "مضامین آیات" موارد اصلی مورد بحث هستند. بررسی در مطالعات پیشین نشان می‌دهد می‌توان پژوهش‌های مرتبط را در چهار گروه اصلی دسته‌بندی کرد (تصویر ۱). دسته اول منابع اصیل مرتبط با بررسی و معرفی مناره‌هاست. یکی از محققین شاخص که اختصاصاً به موضوع مناره‌ها پرداخته، جانانان بلوم (Jonathan M. Bloom) است. وی همراه با پژوهش‌های گسترده درباره مناره‌ها دو کتاب ارزشمند در این باره تألیف کرده است (Bloom, 1989: 2013). همچنین اشاره می‌کند یکی از پیشگامان بررسی متن کتیبه‌ها که به طور خاص به آثار معماری برخی کشورهای عربی حوزه مدیترانه (مانند مصر و سوریه) پرداخته، مکس ون برخم (Max van Berchem) است. جانانان بلوم (Bloom, 2013: 7; 1991: 55) معتقد است وان برخم به تاریخ و ریشه مناره‌ها در جهان اسلام پرداخته و معتقد بوده که برای درک بهتر توسعه مناره به‌عنوان شکلی در معماری اسلامی، باید جنبه‌های فلسفی، رسمی و عملکردی آن را جداگانه بررسی کرد. در کنار این محققین افراد دیگری مثل ارنست دیز (Ernst Diez)، کرسول (Creswell)، باتلر (Butler)، استرزیگوسکی (Strzygowski) و گروهی دیگر از محققین نیز درباره تاریخچه و شکل‌گیری مناره مطلب نوشته‌اند (Bloom, 2013: 7-45). این پژوهش‌ها توسط محققین دیگر (پروجاژکا، ۱۳۷۳؛ گروه و دیگران، ۱۳۸۰) ادامه پیدا کرده است. برخی از پژوهشگران نیز در کنار دیگر عناصر معماری، مناره‌ها را در دوره‌های تاریخی مختلف (سلجوقی، ایلخانی و تیموری) مورد مطالعه قرار داده‌اند (هیلن براند، ۱۳۸۶؛ حاتم، ۱۳۷۹؛ ویلبر، ۱۳۹۳؛ ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴).



تصویر ۱: دسته‌بندی مطالعات مرتبط با موضوع

دسته دوم پژوهش‌هایی است که بصورت موردی به یک مناره و یا مناره‌های یک منطقه یا شیوه خاص پرداخته و موضوعاتی مثل تاریخ‌نگاری، موقعیت قرارگیری، ابعاد و اندازه‌ها، تزیینات و متن کتیبه‌ها را ارائه یا تطبیق داده‌اند. علاوه بر منابعی مثل گدار (۱۳۸۷) و هنرفر (۱۳۴۴) که مجموعی از مناره‌ها را در منطقه یا محدوده‌ای خاص (اصفهان) معرفی کرده‌اند، بعنوان نمونه رحیمی آریایی و دیگران (۱۳۹۷) نیز گونه‌شناسی شکلی

در موضوع مناره و کاربری آن، برخی از پژوهشگران مانند جانانان بلوم^۲ (Bloom, 2013: 17-20)، هیلن براند^۱ (۱۳۸۶: ۱۶۹)، حاتم^۳ (۱۳۷۹: ۴۹) و زمانی^۱ (۱۳۵۱: ۶۹) معتقد هستند بین مناره و عملکرد آن برای گفتن اذان (مأذنه) ارتباطی وجود ندارد و با توجه به ارتفاع بلند، مناره نمی‌تواند محلی برای گفتن اذان باشد در نتیجه بیشتر تزیینی و به‌عنوان هدایت‌کننده و دلیلی بر اهمیت مسجد هستند. در همین باره بلوم مناره را نماد اسلام و نشان مسجد در دوران اسلامی (Bloom, 2013: 17-20) و کرسول دلیل خلق منار را دعوت به نماز (Bloom, 1991: 55-58) می‌داند. همچنین گرابار آن را نماد یک حضور اسلامی می‌داند که در درجه اول برای مخاطبان غیرمسلمان در نظر گرفته شده (Grabar, 1988) و هیلن براند (۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۷) آن را علامت، نشانه و نمادی از اسلام دانسته است؛ البته وی با دیدگاه گرابار - که مناره‌های ابتدایی بدین منظور استقرار یافتند تا به نوعی بتوانند به غیر مسلمانان بومی نشان دهند که دین جدید قادر به ابداع معماری تاریخی و با عظمتی برای خود است - هم عقیده است.

در مجموع اگرچه واژه‌شناسی تفسیری بحث مفصلی است ولی مرور اولیه تعاریف اشاره شده نشان می‌دهد که تمام آنها یک محتوای موضوعی مشخص را دنبال می‌کنند. نکته ملحوظ در این موارد، اشاره به «نشانه» و موضوع «هدایت» است. بررسی مفهومی کاربرد این واژه در دیگر متون اسلامی نیز تکرار این دو مفهوم (نشانه و هدایت) را تأیید می‌کنند. در این بین پژوهشگران معماری اسلامی نیز مناره‌ها را بعنوان نشانه، هدایت‌کننده و دلیلی بر اهمیت مسجد، نماد اسلام و نشان مسجد مورد توجه قرار داده‌اند. این در حالی است که در عین وجوه اشتراک، تفاوت‌های محدودی نیز در موضوع کاربری مناره‌ها مشهود است. همین موضوع سبب شد تا بازخوانی حاضر تلاش کند علاوه بر نگاهی به مطالعات موجود، با تکیه بر کتیبه‌ها و مضامین آیات به کار رفته در آن‌ها، نقاط اشتراک را در موضوع کاربری مورد توجه ویژه قرار دهد.

پرسش‌های تحقیق

در مجموع مقاله پیش رو در جهت پاسخگویی به پرسش‌های زیر شکل گرفته است:

- ۱- در کتیبه مناره‌های شیوه رازی، آیات قرآنی موجود چیست و به چه مفاهیمی پرداخته‌اند؟
- ۲- چه ارتباطی بین مفاهیم یا مضامین آیات قرآنی موجود در کتیبه‌های مناره‌های شیوه رازی و عملکرد آن‌ها وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در موضوع مناره‌ها پژوهش‌های متنوع و با نگاه‌های مختلف

کتیبه‌ها در مساجد و مناره‌های شیوه رازی و آذری را در استان اصفهان مدنظر و در نهایت به دسته‌بندی کتیبه‌های آنها پرداخته‌اند. همچنین آزاد (۱۳۹۳) سه مناره مهم سلجوقی را در قالب یک مطالعه تطبیقی با هم مقایسه کرده و در نهایت ویژگی‌های ساختاری و تزئینی آن‌ها را با هم تطبیق داده است. مخلصی (۱۳۹۰)، عالمی و دیگران (۱۳۹۸) و حاتم و استیری (۱۳۸۸) نیز هر کدام یکی از مناره‌های شاخص (به ترتیب مناره گلپایگان، مناره مسجد جامع کاشان و مناره خسروگرد سبزوار) را بصورت موردی بررسی کرده‌اند. در دو مورد اول تنها ویژگی‌های تاریخ‌شناسانه و معماری آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و در نمونه آخر تزئینات اجرکاری مناره مورد موشکافی قرار گرفته است. این دسته از مطالعات اغلب به استخراج دقیق نقوش یا متن کتیبه‌های کار شده و در برخی موارد نیز گونه‌شناسی آن‌ها پرداخته‌اند.

دسته سوم مطالعاتی است که با موضوع بررسی کتیبه‌ها در ابنیه تاریخی، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (بلر، ۱۳۹۴، قوچانی، ۱۳۶۷). این کتیبه‌ها با دیدگاه‌های مختلفی مطالعه شده‌اند. ساده‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه مربوط به مطالعاتی است که متن کتیبه‌های یک بنا را با مطالعات کتابخانه‌ای و یا خوانش میدانی استخراج و معرفی کرده (شایسته‌فر، ۱۳۸۷) و یا کتیبه‌های تزئینی در دو یا چند بنا با هم مقایسه شده‌اند (رضازاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۷). عده‌ای نیز با نگاهی دقیق‌تر کتیبه‌های یک بنا را چه از لحاظ ساختار گرافیکی و چه محتوا مورد بررسی قرار داده و یا به صورت موردی یا انتقادی به خوانش دقیق کتیبه بنایی خاص همت گمارده‌اند. نمونه‌ای از خوانش کتیبه‌ها در مسجد جامع زواره (صالحی‌کاخکی و دیگران، ۱۳۹۱)، مناره فیروزآباد بردسکن (کارگری آریان و دیگران، ۱۴۰۰) و مناره مسجد جامع دامغان (عدل، ۱۳۶۱) قابل توجه هستند. در این میان برخی پژوهشگران نگاهی متفاوت داشته، ظاهر و متن کتیبه‌ها را کنار گذاشته، مفهوم و مضمون کتیبه‌های قرآنی را هدف پژوهش خود قرار داده‌اند. بررسی مفاهیم کتیبه‌های محراب‌های ایلخانی (شکفته، ۱۳۹۴) و یا کتیبه‌های ورودی‌ها و محراب‌ها در مسجد جامع اصفهان (قاسمی سیچانی و دیگران، ۱۳۹۶) و دسته‌بندی مفاهیم آن‌ها نمونه‌هایی از این موارد هستند.

علاوه بر سه دسته اشاره شده، مطالعات بسیار محدودی نیز اگرچه اسماً مفهوم کتیبه‌های مناره‌ها و به طور خاص مناره‌های عصر سلجوقی را مورد توجه قرار داده‌اند ولی یا دقت کافی در مستندکردن آیات نداشته‌اند، یا تعداد مناره‌های بررسی شده محدود بوده است و یا اینکه تنها آیات را معرفی کرده و تحلیل دقیقی بر مفاهیم آیات صورت نگرفته است. این مطالعات دسته چهارم را تشکیل می‌دهند که به ظاهر ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این مطالعه دارند. فرخی و اکبری (۱۳۹۲) مضمون

کتیبه‌های پنج مناره خراسان را مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که برخی از مناره‌های مورد بررسی در این پژوهش فاقد کتیبه قرآنی بوده و یا کتیبه قرآنی آن بررسی نشده است. در نتیجه اغلب مطالعه محدود به کتیبه‌های با نام بانی، اسماء متبرکه و شهادتین است و بنابراین مضمون خاصی از کتیبه‌های مورد بررسی استخراج نشده است. همچنین پورشعبانیان (۱۳۹۹) نیز برخی مناره‌های شاخص در دوره‌های مختلف را بررسی کرده و در نهایت بیشتر یک مستندسازی از آیات قرآنی موجود در کتیبه‌ها ارائه داده است. ساریخانی و دیگران (۱۳۹۴) تعدادی از مناره‌های سلجوقی را معرفی و در بخشی از مقاله آیات کتیبه‌های آنها را آورده است. در این مطالعه در یک جمع‌بندی کلی - بدون تفسیر و تحلیل مفاهیم آیات - اشاره شده که آیات کتیبه‌ها به صفات مطلق و تأکید بر حاکمیت قدرت خداوند بر هستی اشاره داشته‌اند. این نتیجه‌گیری بدون توجه به اصلی‌ترین آیات مورد استفاده در کتیبه‌هاست. همچنین علاوه بر اینکه مناره‌ها را ستونی بین آسمان و زمین نامیده، اشاره کرده که بین مضامین کتیبه‌های دینی و ارتفاع مناره ارتباط مستقیم وجود دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات انجام شده متمرکز بر تعداد محدودی از مناره‌های دوره سلجوقی است؛ دقت کافی در مستندسازی کتیبه‌های مناره‌ها انجام نشده و مفاهیم مستتر در آیات نیز با یک نگاه تحلیلی و دقیق مورد مطالعه قرار نگرفته است. علاوه بر این ارتباط بین مضامین آیات و عملکرد یک اثر تاریخی بعنوان یک موضوع خاص در مطالعات پیشین دیده نمی‌شود. آنچه در این پژوهش ارائه خواهد شد تلاش دارد با نگاهی دقیق علاوه بر معرفی و مستندکردن اولیه مناره‌های کتیبه‌دار در شیوه رازی و کتیبه‌های آن‌ها، ضمن شناسایی آیات قرآنی موجود در کتیبه‌ها، مضامین آیات استفاده شده را با یک ساختار منطقی بررسی و تحلیل کند. بررسی مفاهیم آیات موجود در این کتیبه‌ها و دسته‌بندی مفهومی آنها می‌تواند راهنمایی برای تجمیع نظرات و همچنین پاسخگویی به برخی ابهامات موجود درباره عملکرد مناره‌ها باشد.

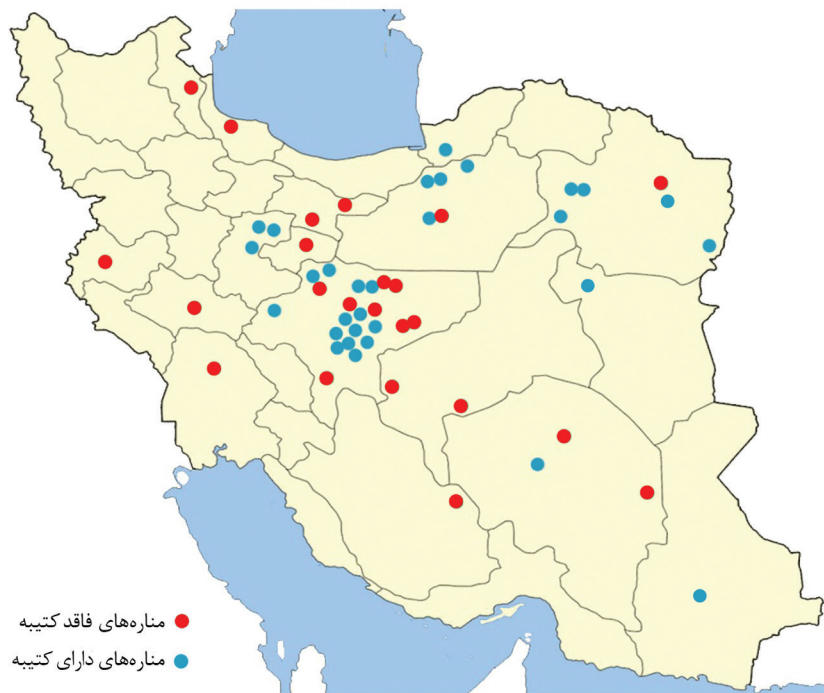
روش تحقیق

برای رسیدن به پاسخ سؤالات مطرح شده رویکرد کلی اتخاذ شده برای این پژوهش «استقرائی - قیاسی» است؛ که تحلیل‌ها با تکیه بر «تحلیل محتوا»^۱ و در قالب یک مطالعه کیفی شکل گرفته است. در مرحله اول با استناد به دو منبع (آزاد، ۱۳۹۳؛ کیانی، ۱۳۸۵)، لیست اولیه ۵۳ مناره مربوط به شیوه رازی که موجود هستند، استخراج شد. معیار انتخاب این نمونه‌ها مستند بر اشاره آنها در لیست این دو منبع، سلجوقی بودن یا تاریخ بین قرن ۳ تا ۷ هجری قمری (شیوه رازی) بوده است. تمام مناره‌هایی

که این ویژگی‌ها را داشته و در جغرافیای فعلی ایران قرار دارند مورد بررسی قرار گرفته است.

اطلاعات مربوط به مناره‌ها با بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده و در نتیجه مناره‌های کتیبه‌دار و فاقد کتیبه شناسایی شد. متن کتیبه‌ها نیز در مرحله اول با بررسی متون تاریخی و مطالعات دیگر پژوهشگران استخراج شده ولی در جهت راستی‌آزمایی و تصدیق آنها تمام کتیبه‌ها با پیمایش میدانی یا بررسی‌های دقیق‌تر تأیید و در برخی موارد نیز اصلاح شده است. نکته مورد توضیح اینکه در این مطالعه تنها وضعیت مناره‌ها

در شرایط کنونی مدنظر نبوده و نویسندگان کتیبه‌هایی را که اکنون بر روی مناره موجود نیست ولی در متون تاریخی و اسناد به آنها اشاراتی وجود دارد، نیز مدنظر داشته‌اند^{۱۲}. بر این اساس ۳۰ مناره دارای کتیبه و ۲۳ مناره فاقد کتیبه بودند (تصویر ۲ و جدول ۱). سپس کتیبه‌های مناره در چهار گروه «احداثیه»، «کتیبه قرآنی»، «عبارات مذهبی» و «اسماء» دسته‌بندی شدند. در این میان ۱۴ مناره دارای ۱۶ کتیبه قرآنی بودند که در ادامه با روشی تفسیری-تحلیلی (تحلیل محتوی) مفاهیم آیات استفاده شده در کتیبه‌های قرآنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.



تصویر ۲: پراکندگی مناره‌های شیوه رازی در ایران

مناره‌های شیوه رازی و کتیبه‌های آنها

بازه زمانی آل‌زیار تا خوارزمشاهیان از دوره‌های شاخص در تاریخ ایران محسوب می‌شوند که تحت عنوان شیوه رازی از معماری آنها

یاد شده است (بیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۵۸). در این شیوه، عصر سلجوقی یکی از مهم‌ترین دوره‌ها است که موجب تحولات بسیاری در هنر ایران خصوصاً تزئینات معماری شده است. با توجه به ثبات سیاسی

نام مناره / میل	وضعیت کتیبه	وضعیت مناره
علی، چهل‌دختران، گار، بسطام، برسیان، سین، پامنار زواره، تاریخانه دامغان، مسجد جامع دامغان، گلپایگان، کرات، مسجد جامع زواره، نگار، ساریان، رهروان، نوش‌آباد، میدان ساوه (مسجد سرخ ساوه)، مسجد جامع کاشان، مسجد جامع سمنان، خسروگرد، مسجد جامع گرگان، فیروزآباد بردسکن، زیار، جامع ساوه، پامنار سبزوار، مسجد پاگلدسته، مسجد شش ناو مرکزی (تفرش)، قاسم‌آباد سیستان، مدرسه دومنار طبس، ارسلان جاذب (ایاز)	دارای کتیبه	موجود
گز، خرم‌آباد، مسجد جامع اردستان، مسجد امام حسن اردستان، بازار گسکر، میل نادری (قاوردی)، شعبا، بافران نائین، مسجد جامع نائین، مسجد جامع اردبیل، مسجد جامع قمشه، مسجد فهرج، مسجد ملک کرمان، مسجد جامع نیریز، میدان کهنه قم، مسجد جامع ندوشن یزد، مسجد جامع دماوند، حضرت عبدالعظیم، امامزاده پنجه شاه کاشان، مناره حضرت رضا (ع)، مسجد علاء، مسجد ریجاب، امامزاده عبدالله شوشتر	فاقد کتیبه	

جدول ۱: دسته‌بندی مناره‌های شیوه رازی بر اساس وجود کتیبه بر روی آنها

در قلمرو سلجوقیان هنرمندان و معماران در این دوره شرایط مساعدتری داشته و در نتیجه آثار متعددی را به وجود آوردند (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۴). نوآوری معماری شیوه رازی و بناهای سلجوقی، از جمله مناره‌ها نشان‌دهنده تحول معماری، سازه و تزئینات این دوره از تاریخ هنر و معماری است. آنچه اغلب محققان معماری بر آن توافق دارند، این است که مناره‌ها در شیوه رازی (غالباً سلجوقی) یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای این سنت هستند (آزاد، ۱۳۹۳: ۴۶). فرم بیشتر مناره‌های این شیوه شبه-استوانه‌ای و شامل انواع مناره‌های کوتاه و بلند که قسمت بالای آن باریک و ظریف است می‌شود. تزئینات این مناره‌های آجری - با توجه به اینکه هنر آجرچینی پرکار و پر نقش از خصوصیات معماری در این شیوه معماری بوده - عبارت است از نقش‌های آجرکاری تکرار شده، نقوش هندسی، زیگزاگ‌ها، ضربه‌ها، مشبک‌ها، کتیبه‌ها و خطوط کوفی برجسته که مصالح آنها اغلب از آجر و کاشی آبی رنگ بوده و گاهی تمام بدنه را می‌پوشاند یا به منطقه و قسمت‌های هندسی تقسیم می‌شود (حاتم، ۱۳۷۹: ۵۰).

با نگاهی به تنوع تزئینات این مناره‌ها می‌توان گفت که مناره زمینه مناسبی برای اعمال ذوق و سلیقه هنرمندان در هنر آجرکاری این دوره از معماری ایران بوده است. در این میان برخی کتیبه‌های این مناره‌ها علاوه بر معرفی معمار سازنده، هم به‌عنوان عناصر تزئینی و هم عناصر انعکاس‌دهنده دیدگاه‌های مذهبی، اجتماعی و حتی سیاسی زمان خود حائز اهمیت هستند. در این باب هیلن براند (۱۳۸۶: ۱۹۳) معتقد است: «همین تزئینات (تزئینات مناره‌ها) می‌توانستند از طریق کتیبه‌ها راهگشایی به سرمایه عقیدتی باشند». به نظر می‌رسد انتخاب آیات و مفاهیم مستتر در آنها از نگاه سیاسی و عقیدتی و حتی وجوه عملکردی مهم بوده و همین موجب شده که موضوع کتیبه‌های مناره‌ها در این مطالعه کنکاش شود.

در مجموع بررسی وضعیت فعلی کتیبه‌های موجود در مناره‌های شیوه رازی، دو دسته کلی را در آن‌ها نشان می‌دهد: ۱- مناره‌های کتیبه‌دار ۲- مناره‌های فاقد کتیبه (منظور کتیبه در بازه زمانی شیوه رازی است). مناره‌های کتیبه‌دار این شیوه یا تقریباً سالم هستند (به‌عنوان نمونه مناره زیار، برسیان و علی) و یا قسمت‌هایی

از آن‌ها تخریب شده ولی در قسمت‌های باقیمانده کتیبه‌های از این بازه وجود دارد (به‌عنوان نمونه مناره گار، فیروزآباد بردسکن و نگار). علاوه بر این مناره‌هایی نیز وجود دارند که تخریب شده ولی متن کتیبه آن‌ها در منابع تاریخی موجودند (مناره قاسم‌آباد سیستان و طبس). مناره‌هایی که فاقد کتیبه‌اند نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول از این مناره‌ها تقریباً سالم و فاقد کتیبه (به‌عنوان نمونه: منار مسجد جامع نائین و مسجد جامع نیریز)، گروه دوم قسمت‌هایی از آن‌ها تخریب شده و قسمت‌های باقیمانده نیز فاقد کتیبه در این بازه زمانی هستند (مناره گسکر، مناره مسجد امام حسن اردستان، مناره شعیبا). علاوه بر این گروه سوم نیز شواهدی از شیوه رازی یا سلجوقی داشته ولی در دوره‌های بعد دستخوش تغییر شده، در وضعیت فعلی ظاهری از آن شیوه یا دوره نداشته و فاقد کتیبه‌ای از آن هستند (مناره حرم حضرت عبدالعظیم، مناره حرم امام رضا (ع)، مسجد جامع ندوشن یزد^{۱۳}).

با توجه به بررسی‌های انجام شده کتیبه‌های کار شده بر روی مناره‌های شیوه رازی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- کتیبه‌های قرآنی ۲- کتیبه‌های با عبارات‌های مذهبی مثل شهادتین، لا اله الا الله، الملک الله، العلم عندالله ۳- کتیبه‌های شامل اسامی همچون الله، محمد و یا اسامی خلفای راشدین ۴- کتیبه‌های احداثیه (شامل نام بانی، سازنده، یا هر دو^{۱۴}، مرمت‌کننده و تاریخ ساخت). در این میان تنها یک کتیبه در این مناره‌ها وجود دارد که به دعا برای طولانی شدن عمر فردی خاص اشاره کرده^{۱۵} و در این دسته‌بندی‌ها نیامده است.

از میان این گروه‌ها در سطح اول کتیبه‌های قرآنی (گروه اول) و در سطح دوم عبارات‌های مذهبی (گروه دوم) می‌توانند انعکاس‌دهنده مفاهیم خاص، تفکرات مذهبی و اجتماعی و حتی عملکرد مناره‌ها در این دوره باشند. کتیبه‌های گروه چهارم فاقد مفاهیم مذهبی بوده و انعکاس‌دهنده اطلاعاتی در مورد تاریخ ساخت، سازنده و بانی اثر هستند. وجود این کتیبه‌ها کمک شایانی به مطالعات تاریخی مناره‌ها خواهند کرد. پراکندگی استفاده از هرکدام از گروه‌های یاد شده در جدول ۲ ارائه شده است^{۱۶}. همان‌طور که مشخص است به ترتیب کتیبه‌های احداثیه، قرآنی، عبارات مذهبی و اسماء در مناره‌ها بیشترین استفاده را داشته‌اند.

ردیف	نام مناره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
	ارسلان جانب	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	بسطام	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	برسیان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	تاریخانه دامغان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	نگار	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع نیش آباد	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	مسجد باگلدسته	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع زواره	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	پامنا سبزوار	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	کرات	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع گرگان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	فیروزآباد بردسکن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	گلیانجان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	خسروگرد	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع سیاه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع دامغان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع سنجان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	جامع کاشان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	پامنار زواره	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	مسجد سنج	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	سمن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	زهراون	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	زیار	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	چهل دختران	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	سربان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	علی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	عبارات مذهبی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

جدول ۲: مناره‌های شیوه رازی و نوع کتیبه‌های استفاده شده در آنها

کتیبه‌های قرآنی (یافته‌های تحقیق)

کتیبه‌ها و آیات قرآنی در تزیین سطوح خارجی و داخلی بناها در دوره اسلامی بیشترین کاربرد را داشته است. این کتیبه‌ها به غیر از زیبایی کلام خداوند، معنای ویژه‌ای برای مسلمانان داشته و دارد که حائز توجه هستند. بی‌گمان اعتقادات مذهبی در بسیاری از مظاهر زندگی مادی و معنوی بشر متظاهر می‌شوند. همانگونه که نجفی (۱۳۸۱: ۶۲) اشاره می‌کند همین که انسان مشغول ساخت چیزی می‌شود، افکار و عقاید او در شکل دهی به مصنوع دخالت داده می‌شوند، امروزه روان‌شناسان برای پی‌بردن به افکار و عقاید انسان‌ها در اعصار گذشته از راه مصنوعات او همانند نوشته‌ها و نقاشی‌ها به مطالعه و بررسی می‌پردازند. از این رو کتیبه‌ها و معنای مستتر در آیات و همچنین محل کتیبه‌ها حائز توجه است. آنچه در ادامه آمده با بررسی موقعیت قرارگیری کتیبه‌های قرآنی بر مناره‌ها آغاز و در ادامه ضمن توجه به آیات موجود در آن‌ها، تلاش کرده تفسیر و مفاهیم موجود در آنها را استخراج نماید.

محل کتیبه‌ها

موقعیت قرارگیری کتیبه‌های قرآنی بر روی مناره‌های شیوه رازی

در جدول ۳ آمده است. توضیح آنکه اگرچه اغلب مناره‌های نام برده شده در این جدول تقریباً سالم هستند، ولی ممکن است بخش‌هایی از بالای برخی از این مناره‌ها (مثل منار نگار) فرو ریخته باشد. بدون شک قسمت‌های تخریب شده که هیچ شواهدی از آن‌ها موجود نیست و اغلب در بالای مناره‌ها بوده‌اند - حتی اگر روزگاری کتیبه قرآنی داشته‌اند - به دلیل اینکه شواهد و مستندات از متن کتیبه آنها موجود نیست قابل بررسی نخواهند بود.

مکان کتیبه‌ها نشان می‌دهد بیشتر کتیبه‌های قرآنی این مناره‌ها در یک سوم بالای مناره‌ها قرار گرفته‌اند. انتخاب این مکان از مناره‌ها برای کتیبه قرآنی به نظر می‌رسد بی‌ارتباط با نوع کتیبه نبوده؛ کما اینکه بیش از نیمی از کتیبه‌های احداثیه در یک سوم پایینی و عبارت‌های مذهبی در یک سوم میانی مناره‌ها قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد کتیبه‌های قرآنی به دلیل اهمیت و قداست و نمایانی آن‌ها از فاصله دور اغلب در قسمت‌های مرتفع مناره قرار گرفته‌اند. این قرارگیری همچنین می‌تواند با وجه زیبایی‌شناسی مناره از یک طرف و کمتر در دسترس بودن کتیبه نیز در ارتباط باشد.

ردیف	نام مناره	مکان کتیبه
۱	یک سوم بالای مناره	منار ارسلان جادب (سنگ‌بست) منار خسروگرد (سبزوار) منار نگار (بودیسر، کرمان) منار جامع گرگان منار گلپایگان (اصفهان) منار جامع دامغان (سنان) منار جامع سمنان منار سین (اصفهان) منار زینار (اصفهان) منار ترمسیان (اصفهان) منار بسطام (سنان) چهل دختران (اصفهان) منار ساریان (اصفهان) منار علی (اصفهان)
۲	یک سوم میانی مناره	منار جامع دامغان (سنان) منار ساریان (اصفهان)
۳	یک سوم پایین مناره	منار نگار (بودیسر، کرمان) منار گلپایگان (اصفهان)

جدول ۳: محل قرارگیری کتیبه‌های قرآنی در مناره‌های کتیبه‌دار شیوه رازی







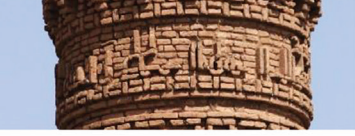



مناره بکار رفته‌اند.


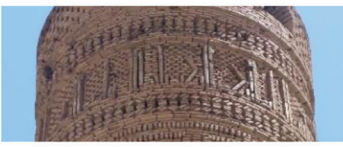

در مجموع بررسی آیات نشان می‌دهد ۱۴ مناره شیوه رازی به ۱۶ کتیبه قرآنی مزین شده‌اند. مناره مسجد جامع دامغان و مناره ساربان هرکدام دارای ۲ کتیبه قرآنی و مابقی مناره‌ها هرکدام دارای یک کتیبه قرآنی هستند. با توجه به جدول ۴ از میان این ۱۶ مورد، کتیبه قرآنی مناره چهل دختران و مناره نگار هر یک خود شامل ۵ آیه قرآنی متوالی می‌شوند (آیات ۱ تا ۵ سوره طه و ۱ تا ۵ سوره قدر)؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن آیات تکرار شده این مناره‌ها به ۱۹ آیه متفاوت از قرآن کریم مزین شده‌اند. دیگر نکته قابل توجه تکرار آیه ۳۳ سوره فصلت است که می‌تواند نشان از اهمیت مفهوم این آیه در ارتباط با مناره‌ها باشد.

آیات موجود در کتیبه‌ها

منبع اصلی این مطالعه متمرکز بر متن آیات کتیبه‌های قرآنی و بررسی مفهوم آنهاست. آیات به کار رفته در کتیبه‌های مناره‌های شیوه رازی در جدول ۴ آمده‌اند. اطلاعات این جدول حاصل بررسی دیگر پژوهش‌ها و همچنین پیمایش‌های میدانی برای تدقیق آنها بوده است. علاوه بر ارائه متن آیات و تصاویری از کتیبه‌های ذکر شده، توضیحاتی مرتبط با هر کتیبه نیز ارائه شده است. با توجه به این جدول، آیه ۳۳ سوره فصلت بیشترین تکرار را در کتیبه‌نویسی آیات قرآنی در مناره‌ها داشته (در ۶ مناره) و بعد از آن آیه ۱۸ سوره آل عمران است که در دو مناره تکرار شده است. مابقی آیات نیز هرکدام یک بار و بر روی یک

جدول ۴: آیات و ویژگی کتیبه‌های قرآنی در مناره‌های شیوه رازی
تمام تصاویر کتیبه‌ها توسط نگارندگان و در بازه سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ تهیه شده است.

نام مناره	آیه	تصویر کتیبه	متن آیه	توضیح کتیبه
ساربان	سوره حدید: آیه ۳ / ۳		« هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ » ﴿۳﴾	آجری / کوفی بنایی (معقلی)
	سوره فصلت: آیه ۳۳			کاشی برجسته بر زمینه آجری / کوفی ساده
سین				کاشی فیروزه- ای بر زمینه آجری / کوفی ساده
گرگان ^{۱۷}				آجری برجسته / کوفی مشجر
زبار	سوره فصلت: آیه ۳۳		« وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ » ﴿۳۳﴾	کاشی برجسته بر زمینه آجری / کوفی ساده
مسجد جامع سمنان				آجری برجسته / کوفی ساده
ارسلان جاذب				آجری برجسته / کوفی ساده
علی	سوره آل عمران: آیه ۱۸		« شَهِدَ اللَّهُ لَنَهْ لَمَّا إِلَهُ إِلَهًا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ » ﴿۱۸﴾	آجری / کوفی بنایی (معقلی)
مسجد جامع دامغان	سوره آل عمران: آیه ۱۸ و ۱۹ /		« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ » ﴿۱۹﴾	کاشی / کوفی تزئینی (معقد یا گره‌دار)
	سوره نور: آیه ۳۵		« اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ » ﴿۳۵﴾	آجری برجسته / کوفی ساده

<p>آجری برجسته / کوفی تزئینی (مشجر)</p>	<p>« طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، إِلَّا تَذِكْرَةً لِمَنْ يَخْشَى. تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى » الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿١-٥﴾</p>		<p>سوره طه ۱۹: آیه ۱-۵</p>	<p>چهل دختران</p>
<p>آجری برجسته / کوفی ساده</p>	<p>« اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ »</p>		<p>سوره بقره: آیه ۲۵۵</p>	<p>بسطام</p>
<p>آجری برجسته / کوفی ساده</p>	<p>« ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ »</p>		<p>سوره حج: آیه ۷۷</p>	<p>برسیان</p>
<p>آجری برجسته / کوفی مشجر</p>	<p>« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ »</p>		<p>سوره زمر: آیه ۵۳</p>	<p>گلپایگان</p>
<p>کاشی فیروزه- ای بر زمینه آجری / کوفی تزئینی (معدن یا گره‌دار)</p>	<p>« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ. تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿١-٥﴾ »</p>		<p>سوره قدر: آیه ۱-۵</p>	<p>نگار</p>
<p>آجری برجسته / کوفی ساده</p>	<p>« وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾ »</p>		<p>سوره جمعه: آیه ۱۱</p>	<p>خسرورگرد</p>

مروری بر تفسیر آیات موجود

مناره‌های شیوه رازی نیز مانند سایر ابنیه این دوره به کتیبه‌هایی حاوی آیات قرآن کریم مزین شده که انتخاب آیه و مفاهیم مستتر در آن‌ها قابل توجه است. دستیابی به مفاهیم مستتر در آیات قرآنی نیازمند بررسی و ارائه تفسیر موجود از آنهاست. آنچه در جدول ۵ آمده، آیات موجود را به ترتیب تکرار و با تکیه بر تفسیرهای موجود از آنها مرور کرده است. پس از ارائه تفسیرهای موجود از آیات، مفاهیم مستتر در آنها نیز شناسایی و در ستون بعدی جدول ارائه شده‌اند. با توجه به جدول ۵، مفاهیم موجود در کتیبه‌های قرآنی بدین شرح

هستند: ۱- مفاهیم توحیدی، ۲- بیان صفات دعوت‌کنندگان به سوی خدا، ۳- دعوت به سوی خدا، ۴- امر به انجام عبادت (نماز)، ۵- بیان صفات خداوند، ۶- نزول و بیان عظمت قرآن، ۷- بیان مسائل تربیتی و اخلاقی انسان، ۸- هدایت انسان با نور الهی، ۹- یگانگی دین. میزان استفاده از هر کدام از این مفاهیم (با توجه به تفسیر آیات) همان‌طور که در جدول ۵ آمده، بیان صفات دعوت‌کنندگان به سوی خدا، مفاهیم توحیدی و بیان صفات خداوند بیشترین تکرار را در مفاهیم برگرفته از آیات کتیبه‌های قرآنی داشته و دیگر مفاهیم کمتر تکرار شده‌اند.

جدول ۵: تفسیر و مفاهیم مستتر در آیات کتیبه‌های قرآنی - مناره‌های شیوه رازی

شماره آیه	خلاصه تفسیر	مفاهیم مستتر	تکرار
آیه ۳۳ سوره فصلت	این آیه دعوت به سوی خدا (تبلیغ و نشر آئین حق) را بهترین سخن و صفات دعوت‌کنندگان به خداوند (پیامبران، امامان، مؤذنین) بیان می‌کند. هرچند بهترین مصداق این آیه پیامبر (ص) است اما می‌تواند انبیا و یا امامانی که دعوت به سوی حق می‌کردند و یا خصوصاً مؤذنین و تمام منادیان توحید را که واجد این صفات‌اند را در برگیرد. به طوری که گفته‌اند این آیه در مدح بلال حبشی مؤذن مخصوص پیامبر (ص) بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۷۹-۲۷۸). شیخ طوسی نیز اشاره می‌کند که این آیه درباره مؤذنین نازل شده است.	بیان صفات دعوت‌کنندگان به سوی خدا (پیامبران، امامان، مؤذنین)	۶
آیه ۱۸ سوره آل عمران	آیه اشاره به دلایل توحید و خدانشناسی و بیان روشنی این راه دارد (مکارم شیرازی ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۶۶). در این آیه گواهی و شهادت خداوند، شهادت ملائکه و اولوالعلم و صاحبان دانش بر وحدانیت خداوند را از دلایل اثبات یگانگی خداوند برشمرده شده است. در شأن نزول آن آمده، بزرگترین شهادت کتاب خدا در این آیه آمده است (محقق ۱۳۵۰، ۱۱۰).	شهادت به یگانگی خدا (توحید) و بیان دلایل	۲
آیه ۱۹ سوره آل عمران	دین نزد خداوند متعالی یکی بیش نبوده و اختلافی در آن نیست و بندگانش را جز به آن دین مأمور نساخته و در تمام کتاب‌هایی که بر پیغمبرانش فرستاده جز همان بیان نکرده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۲۲۷). آیه بعد از بیان یگانگی معبود (آیه قبل) به یگانگی دین پرداخته است (مکارم شیرازی ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۷۰).	اشاره به یگانگی دین	۱
آیه ۱-۵ سوره طه	اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار دارد (مکارم شیرازی ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۵۳). همچنین آیه پنجم «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» علاوه بر اشاره به صفات خداوند جمله‌ای استیغافی و غیر مربوط به قبل است، که در آن مسئله توحید ربوبیت را که مخ و غرض نهایی دعوت و تذکره است بیان فرموده است (طباطبایی ۱۳۹۶، ج ۱۴: ۱۶۶). آیات ۴ و ۵ سوره طه نیز اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار (خالقیت و حاکمیت) دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۵۳).	اشاره به نزول و عظمت قرآن - برشمردن صفات خداوند - توحید ربوبیت	۱
آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیه الکرسی)	این آیه والاترین مقام را در میان آیات قرآن دارد و در روایات شیعه و سنی آمده که هر چیزی قلمای دارد و قله قرآن آیه‌الکرسی است (طباطبایی ۱۳۷۰، ج ۲: ۴۷۶؛ آلوسی ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۰). این آیه مجموعه‌ای از معارف اسلامی، صفات خداوند (اعم از صفات ذاتی و فعلی) و مخصوصاً مسئله توحید در ابعاد مختلف را در بر گرفته است. این اوصاف که به دوازده بخش بالغ می‌شود و هر کدام می‌تواند ناظر به یکی از مسائل تربیتی انسان باشد قابل دقت است (مکارم شیرازی ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۷۷). در این آیه شانزده مرتبه نام خداوند و صفات او مطرح شده است به همین سبب آن را شعار و پیام توحید دانسته‌اند (قرائتی ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۹۸). این تنها آیه ای است که در کنار شعار توحید، صفات خداوند نیز مطرح شده است (قرائتی ۱۳۸۸، ج ۱، ۳۹۹).	شعار توحید و بیان صفات خداوند، بیان مسائل تربیتی انسان	۱
آیه ۷۷ سوره حج	در این آیه خداوند انسان را به انجام چهار رکن دستور داده (رکوع، سجده، عبادت و بندگی خدا، انجام عمل خیر) که باعث رستگاری او می‌شود. در واقع امر به رکوع و سجود در این آیه امر به نماز است (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج ۱۴: ۵۸۱).	امر به نماز، عبادت‌های دیگر، بندگی خداوند و انجام کارهای خیر	۱
آیه ۳۵ سوره نور	در این آیه خداوند به نور تشبیه شده است؛ که با این نور آسمان و زمین هدایت می‌شوند (قرائتی ۱۳۸۸، ج ۶: ۱۸۷). این آیه نور خدا (نور هدایت الهی) که به دل‌های مؤمنین تابیده شده را به نور تابیده از شیشه چراغ تشبیه کرده است. آن شیشه و مشکات نور را جمع‌آوری نموده و به بیرون منعکس می‌کند و کسانی را که طالب نورند نور می‌دهد یا هدایت می‌کند (طباطبایی ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۷۶).	هدایت اهل آسمان و زمین با نور هدایت الهی	۱
آیه ۵۳ سوره زمر	این آیه از امیدبخش‌ترین آیات قرآن مجید نسبت به همه گناهکاران است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۹۹) و به آن‌ها نوید می‌دهد که راه به روی همه شما باز است. رحمت خدا وسیع و گسترده است و شامل همه گناهکاران می‌شود (همان، ۵۰۲). خداوند در این آیه به پیامبر دستور می‌دهند که تا مردم کافر و گناهکار را به عبادت خود دعوت و آنان را به پذیرفتن این دعوت ترغیب کند (طباطبایی ۱۳۷۰، ج ۱۷: ۴۴۲).	دعوت گناهکاران به سوی خود. نهی از ناامیدی از بخشش خداوند	۱
آیات ۱-۵ سوره قدر	این آیات اشاره به عظمت کتاب بزرگ آسمانی است که خداوند نزول آن را به خودش نسبت داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۱۸۱). این سوره با اشاره به نزول قرآن در شب قدر آغاز و با بیان اهمیت شب قدر نزد خداوند و برتری آن بر هزار ماه ادامه می‌یابد و با سلام و درود الهی در آن شب پایان می‌پذیرد (همان: ۵۴۲).	اشاره به نزول قرآن در شب قدر و توصیف این شب، بیان عظمت قرآن	۱
آیه ۳ سوره حدید	این آیه اشاره به ۵ صفت خداوند دارد. او به همه چیز احاطه دارد و آغاز و انجام و ظاهر و باطن جهان او است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۲۹۹).	بیان صفات خداوند	۱
آیه ۱۱ سوره جمعه	آیه اشاره می‌کند که ثواب و پاداش الهی و برکاتی که از حضور در نماز جمعه و شنیدن مواعظ و اندرزهای پیامبر (ص) و تربیت معنوی و روحانی عائد شما می‌شود قابل مقایسه با هیچ چیز دیگری نیست (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۲۹).	اهمیت نماز جمعه و مذمت ترک‌کنندگان آن	۱

بحث و تحلیل

مطالعه از مکان کتیبه‌ها، متن آیات و تفسیر و دستیابی به مفاهیم مستتر در آن‌ها پیش رفت. هرکدام از این بخش‌ها نیز یافته‌هایی را ارائه کرد که پیش‌نیاز تحلیل دقیق‌تر این آیات بوده

مباحث مطرح شده درباره مناره‌های شیوه رازی در بخش اول و تفصیل دقیق‌تر آنها در قالب کتیبه‌های قرآنی مناره‌ها در این

و به پرسش چرایی به‌کارگیری آنها در مناره‌ها کمک خواهند کرد. مطالبی که در ادامه مرور خواهند شد با نگاهی تحلیلی مجموع یافته‌ها را در کنار دیگر گمانه‌زنی‌های مرتبط با مناره‌ها و آیات مورد استفاده - علی‌الخصوص در بحث کاربری - مورد کنکاش قرار داده است. در تحلیل، جهت دستیابی به نتیجه دقیق‌تر علاوه بر یافته‌های این مطالعه، بررسی واژه منار با نگاهی تفسیری، کاربرد آن در دیگر روایات و منابع اسلامی و مروری بر نگاه‌ها و نظرات دیگر محققین معماری اسلامی نسبت به مناره‌ها و کاربری آنها (اشاره شده در بخش ۲ همین مقاله) نیز مدنظر قرار گرفته است.

با توجه به مطالبی که در فرایند این مقاله ارائه شد، مفهوم نزدیک به نیمی از کتیبه‌های قرآنی در مناره‌های شیوه رازی نیز با عملکرد و کاربری آنها (به‌عنوان عنصر هدایت‌کننده راه، امر به نماز و دعوت به‌سوی حق) ارتباط دارد. با این پیش‌فرض که انتخاب آیات کتیبه‌های موجود در آثار معماری بی‌ارتباط با کاربری آنها نیست، دقت در مفاهیم آیات در دستیابی به کاربری قابل توجه است. از جمله این آیات، آیه ۳۳ سوره فصلت است که تکرار این آیه بر مناره‌ها نشان از اهمیت آیه و مفهوم آن دارد همان‌گونه که بلر (۱۳۹۴: ۱۶۰) این آیه را آیه مخصوص مناره‌ها می‌داند. نکته‌ای که اهمیت مفهوم این آیه را در ارتباط با مناره دوچندان می‌کند اشاره وی به ثابت بودن استفاده از این آیه در کتیبه مناره‌ها است که در این مطالعه نیز بررسی آیات آن را تصدیق کرده است. مفهوم ملحوظ در این آیه علاوه بر دعوت به‌سوی خدا و همچنین اشاره به صفات دعوت‌کنندگان می‌تواند دعوتی به دین اسلام تلقی شود. سخن منادیان و انبیاء الهی - که صفات آنها بیان شده - بهترین سخن نامیده شده و اینان به‌عنوان دعوت‌کنندگان مردم به‌سوی خدا، وسیله‌ای برای هدایت هستند.

در همین راستا اشاره به مفاهیم توحیدی و تکرار آن به‌عنوان اولین اصل از اصول دین در برخی دیگر از کتیبه‌ها نیز بی‌حکمت نخواهد بود (آیه ۱۸ سوره آل عمران در دو مناره، ۲۵۵ سوره بقره، آیه ۵ سوره طه) ^{۲۰}. در کنار توحید، اشاره و شناساندن خداوند (خدانشناسی) از طریق بیان صفات او (آیه ۳ سوره حدید، آیه ۲۵۵ سوره بقره، ۵-۱ سوره طه) نیز قابل توجه است. همچنین آیه ۵۳ سوره زمر یعنی دعوت بندگان (گناهکاران) به‌سوی خدا نیز می‌تواند نمودهایی از بخشندگی و دعوت به‌سوی خدا و همچنین هدایت به دین اسلام تلقی شود. گروهی از دیگر موارد نیز مثل دعوت به نماز که در آیه ۷۷ سوره حج آمده، اشاره به نزول قرآن، شب قدر و عظمت این شب و قرآن (قرآن‌شناسی) و همچنین توجه به مسائل تربیتی مانند نهی از ناامید شدن از رحمت خداوند (آیه ۵۳ سوره زمر)، مسائل تربیتی موجود در آیه ۲۵۵ سوره بقره و یگانگی دین در آیه ۱۹ سوره آل عمران از دیگر

مفاهیمی هستند که به‌گونه‌ای معرف دین اسلام و ویژگی‌های آن هستند. علاوه بر موارد اشاره شده، مفهوم آیه ۳۵ سوره نور هم با موضوع هدایت‌کننده راه و انسان‌ها به‌سوی خدا با نور الهی قرابت دارد. در مجموع همان‌طور که در این مطالعه مرور شد، بیشترین مفهوم اجرا شده بر کتیبه‌های مناره‌های شیوه رازی اشاره به موضوع هدایت‌گری است و گروهی دیگر از آنها نیز معرفی دین و خصوصیات آن هستند. البته هدایت‌گری مورد بحث بیشتر متمرکز بر خدا، دین، حق، توحید و نماز است.

علاوه بر کتیبه‌های قرآنی کتیبه‌های با عبارات مذهبی (اسامی و صفات خداوند) نیز قابل توجه‌اند ^{۲۱}. قسمتی از این کتیبه‌ها مانند: «هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»، «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»، «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، «وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»، «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» عباراتی هستند که در برخی از آیات قرآنی آمده‌اند و یا در کنار هم تشکیل آیه‌ای از قرآن را داده‌اند ^{۲۲}. برخی نیز مانند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و یا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا مُخْلِصًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، «الْمَلِكُ اللَّهُ»، «الْعَلِيمُ عِنْدَ اللَّهِ»، «لَآئِبِي بَعْدَ مُحَمَّدٍ» یا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» کتیبه‌های مستقلی هستند که تدقیق مفهوم مستتر در آنها می‌تواند کمک‌کننده باشد. جالب‌توجه اینکه در هر دو دسته این عبارات نیز مفاهیم موجود اشاره به توحید، بیان صفات خداوند، نبوت (اشاره به انبیاء الهی) دارند. اشاراتی که موضوع «هدایت» و «نشانه» را تدقیق می‌کنند.

در نهایت باید به این نکته توجه داشت که هدایت زمینی با هدایت آسمانی در اسلام لازم و ملزوم یکدیگرند و نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. این موضوع از خصوصیات دین اسلام است که در مناره‌ها تجلی پیدا کرده است. از طرفی عنصری که کاملاً در گذشته عملکردی بوده و در پیش از اسلام هم وجود داشته، به عنصری مذهبی و نشانه‌ای هم تبدیل می‌شود. بدین ترتیب کاربری پیشین خود را حفظ و کاربری دیگری نیز بر آن حمل خواهد شد. از این‌رو مناره‌ها علاوه بر کاربردهای ظاهری، دارای کارکرد نشانه‌ای هم بوده‌اند. نشانه‌ای برای هدف اصلی اسلام یعنی هدایت انسان. مناره‌ها نیز که قبلاً نقش هدایت‌کننده راه را داشتند، هدایت آسمانی را نیز با خود همراه می‌کنند. باید دقت داشت که اگرچه با توجه به تحلیل‌های مرور شده در این مطالعه به نظر می‌رسد مناره‌ها به‌عنوان محل مختص گفتن اذان کاربری نداشته ولی با توجه به مفاهیم این آیات، تفکر و اعتقاد مردم و معماران این دوره نسبت به مناره‌ها، نمادی برای گفتن اذان، دعوت به نماز و هدایت به‌سوی حق بوده که این موضوع با مفاهیم آیات انتخاب شده برای آنها کاملاً در ارتباط است.

همچنین به نکته دیگری که می‌توان اشاره کرد نقش رسانه‌ای مناره است. دقت در آیات و عبارات مذهبی نشان می‌دهد که صفات و ویژگی‌های دین اسلام و شرح صفات خداوند از مواردی



است که بر بدنه مناره‌ها (با کتیبه‌ها) نقش می‌بندد. از این رو می‌توان مناره را با توجه به نقش معرف دین و هدایت آن، با نقش رسانه نیز همراه کرد و در مجموع مناره را می‌توان به‌عنوان «رسانه‌ای برای هدایت» شناخت (تصویر ۳). علاوه بر این باید توجه داشت که مناره با توجه به فرم کالبدی، در مقیاس‌های متنوع می‌تواند نقش ایفا کند. در مقیاس کلان (شهر و مناطق پیرامون شهر) به‌عنوان نشانه‌ای برای شناخت شهر و عناصر مهم

آن^{۳۳} و در مقیاس خرد (کالبد مناره به‌صورت منفرد) به‌عنوان بنایی خاص و جزئی از یک مجموعه معماری که عموماً مسجد است. از این رو منار به‌عنوان «رسانه‌ای برای هدایت» در مقیاس کلان با نگاه دعوت‌کنندگی و جذب انسان به سمت شهر و مجموعه مذهبی و در مقیاس خرد در قالب ارائه متون تبلیغی و محتوای هدایت‌کننده در قالب متن کتیبه‌ها و آیات مورد استفاده در آنها به هدف خود دست‌یافته است.



تصویر ۳: ساختار کلی بررسی‌های تحلیلی در مناره‌ها

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده در قالب این مطالعه - که با نگاه ویژه به کتیبه‌ها و علی‌الخصوص آیات و مفاهیم به کار رفته در آن‌ها - شکل گرفت، می‌توان دریافت که موضوع انتخاب آیات کتیبه‌ها علاوه بر اینکه هدفمند بوده می‌تواند در تدقیق عملکرد آثار معماری نیز کاربردی باشد. در پاسخ به پرسش اول تحقیق، علاوه بر دقتی که در پرکاربردترین آیه (۳۳ سوره فصلت) انجام شد، بررسی دیگر آیات نیز مؤید یک همپوشانی در مضمون آیات بکار رفته است. تکرار مفاهیمی مثل «هدایت»، «مفاهیم توحیدی» و «خداشناسی» در این زمینه قابل توجه‌اند. بر طبق مضامین آیات، مناره‌ها محلی هستند که بیشتر بر روی آنها نوای مسلمانی، شهادتین، سرود توحید و بیان یگانگی خداوند و دین او دیده می‌شود. نکته قابل‌تأمل در این آیات اینک هیچ آیه‌ای اشاره به مفاهیم نهی‌کننده، کفر و عذاب نداشته و تمام آیات رنگ دعوت، هدایت، شناخت و امید داشته‌اند. با توجه به اینکه انسان معمولاً با شناخت به سمت چیزی جذب و یا از آن دفع می‌شود، وجود این مفاهیم بر کتیبه مناره‌ها نشان‌دهنده رسانه‌ای برای ارائه این مفاهیم در جهت جذب به‌سوی حق خواهد بود.

شهر (مسجد) باشد. مضمون آیات مورد استفاده از یک طرف و فرم کالبدی مناره از طرف دیگر دلالت مستقیمی بر کاربری نشانه‌ای آن دارد. از این رو بیشتر باید مناره را نماد و نشانی برای اذان، دعوت به نماز و هدایت به‌سوی حق و در کل رسانه‌ای برای هدایت (زمینی و آسمانی) دانست.

علاوه بر این تقرب معنایی بین «آیات موجود در کتیبه» با «عملکرد بنایی که کتیبه‌ها بر آن نقش می‌بندد» شایان توجه است. در این راستا کتیبه‌ها در معماری تنها یک عبارت مذهبی یا تزئینی نیستند بلکه می‌توانند بر محدوده عملکردی بنا نیز صحنه بگذرانند. همین موجب شد تا در این مطالعه تلاش شود مناقشه بین مناره‌ها و عملکرد و خوانش‌های چندگانه‌ای که درباره آنها وجود داشت به نتیجه‌ای هم سو در جمع بین آرا منتج شود. این نوع نگاه در دیگر آثار معماری - علی‌الخصوص در دوران اسلامی که استفاده از کتیبه‌نگاری در معماری قابل توجه است - نیز می‌تواند به‌عنوان چشم‌انداز پژوهش مورد دقت نظر قرار گرفته و پاسخگوی پرسش‌ها و تفاوت دیدگاه‌های مربوط به بُعد عملکردی در دیگر آثار معماری باشد.

سپاسگزاری:

بدینوسیله از دکتر فرهاد خسروی بیژانم، دکتر پرویز هلاکوئی، سعید سعیدپور و الهام کرامتلو به جهت همراهی ارزشمند ایشان در دستیابی به اطلاعات تکمیلی برخی از مناره‌های مورد بررسی در این پژوهش صمیمانه قدردانی می‌گردد.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، همراه با مفاهیم مستتر در آیات، اشارات به موضوع نماد و نشانه - که در بخش تحلیل مرور شد - نباید نادیده انگاشته شود. مناره یک نشانه منظری در شهر اسلامی است که می‌تواند معرف مکان قلب مذهبی

۱. پیشنهاد می‌شود برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به فصل اول و دوم در (Bloom, 2013).
 ۲. خطبه ۷/۱۴۴ «این الإبصار اللامحة الی منار التقوی: کجایند چشم‌های دوخته شده بر نشانه‌های پرهیزگاری»
 ۳. خطبه ۱۲/۱۵۱ «و تلثم منار الدین: نشانه‌های دین را خراب می‌کنند».
 ۴. خطبه ۲/۸۹ «قد درست منار الهدی: نشانه‌های هدایت، کهنه و ویران شده بود» و همچنین در خطبه ۱۹۸، «مَنَارٌ اقْتَدَى بِهَا سَفَارَهَا: نشانه همیشه استواری است که روندگان راه حق با آن هدایت شوند»، در ادامه «مُشْرِفُ الْمَنَارِ» ترجمه شده به «نشانه‌ای بلند پایه»
 ۵. خطبه ۱/۱۹۶ «بعثه حین لا علم قائم و لا منار ساطع: خداوند هنگامی پیامبر صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود که نه نشانه‌ای از دین الهی برپا و نه چراغ هدایتی روشن بود» و همچنین نامه ۸۲/۳۱ «و اخذت بابصارهم عن منار الهدی: دیدگانشان را از چراغ هدایت بپوشانند».
 ۶. خطبه ۴۶/۹۱ «و نصب لهم منارا واضحة علی اعلام توحیده: و برای آنها نشانه‌های روشن قرار داد تا به توحید او بال گشایند».
 ۷. وی معتقد است که هیچ ارتباطی بین برج‌ها (مناره‌های بلند مانند مناره‌های دوره سلجوقی) و اذان وجود ندارد.
 ۸. وی اشاره می‌کند که به‌طور کلی چنین به نظر می‌رسد که ارتباطی بین مناره و عملکرد آن برای گفتن اذان وجود ندارد. پشت‌بام مسجد و یا حتی بلندی ساختمان محل مناسب برای این منظور است. بخصوص در مناره‌های بلندتر از ۵۰ فوت.
 ۹. وی معتقد است که ایجاد مناره‌های برافراشته گویای این حقیقت است که مناره تنها به‌عنوان محل پرتوافکنی چراغ‌ها و گفتن اذان و فراخوانی برای نماز مورد استفاده قرار نگرفته، بلکه بیشتر برای زینت مساجد بکار می‌رفته است.
 ۱۰. وی به نقل از زکی محمدحسن دانشمند مصری اشاره می‌کند: مناره‌های ایرانی به‌واسطه ارتفاع زیادی که داشته برای اذان‌گویی بکار نمی‌رفت و اذان‌گو بالای بام مسجد اذان می‌داده است و درواقع این مناره‌ها بیشتر برای زینت بنا بکار می‌رفته است.
۱۱. Content Analysis
۱۲. البته ممکن است در بالای مناره کتیبه‌ای وجود داشته که در وضعیت فعلی تخریب شده و حتی شواهدی از متن کتیبه در منابع معتبر نیز موجود نبوده؛ در این موارد مناره فاقد کتیبه در نظر گرفته شده است. همچنین این روش برخورد درباره قسمت‌های تخریب شده از یک کتیبه - که شواهدی از آن در دسترس نیست و در منابع نیز به آن‌ها اشاره نشده - صادق است.
 ۱۳. کیانی (۱۳۸۵، ۳۶۵) مناره میدان کهنه قم را سلجوقی-

- زندیه و مناره ندوشن یزد را سلجوقی- صفوی معرفی کرده است.
۱۴. بعنوان نمونه در مناره فیروزآباد بردسکن (اسماعیلی ۱۳۹۴، ۱۰) هم نام بانی و هم سازنده بر روی مناره نوشته شده است.
 ۱۵. این کتیبه در بالای مناره مسجد جامع ساوه (در وضعیت کنونی) قرار دارد که بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم اطال الله بقاء مولانا عبدالله و ولیه و خلیفه المال المست (ظهر) (ب) الله امیر المؤمنین: به نام خدای بخشنده مهربان. خداوند بقای مولانا عبدالله، ولی و جانشین او را طولانی کند» (فراهانی ۱۳۸۰، ۶۸)
 ۱۶. قسمت زیادی از کتیبه مناره شش ناو استان مرکزی در حال حاضر فرو ریخته است؛ و تنها عبارت «لا اله الا الله» از این کتیبه باقیمانده است؛ بنابراین مشخص نیست متن این کتیبه آیه قرآنی بوده و یا عبارت مذهبی. با توجه به این شرایط مناره مذکور در بررسی‌ها لحاظ نشده است.
 ۱۷. نیستانی (Neyestani, 2008, 176) اشاره می‌کند که در متن کتیبه منار گرگان (استرآباد) علاوه بر آیه ۳۳ سوره فصلت، بخشی از آن شامل نام سازنده منار است.
 ۱۸. عدل (۱۳۶۱، ۲۲۹) این کتیبه را آیه ۲۵ سوره نور ذکر کرده است ولی در منابع مختلف از جمله داودیان (۱۳۹۳: ۱۴۴) آیه ۳۵ سوره نور معرفی شده است. با توجه به بازدید میدانی آیه ۳۵ این سوره صحیح است.
 ۱۹. در حالیکه آزاد (۱۳۹۳، ۴۹) کتیبه را آیه ۳ و ۴ سوره طه معرفی کرده ولی این موضوع در مفهوم استنباط شده از آیه تغییر ایجاد نمی‌کند.
 ۲۰. لازم به ذکر است آیه ۱۸ سوره آل عمران و ۲۵۵ سوره بقره به توحید خالقیت و آیه ۵ سوره طه به توحید ربوبیت اشاره دارند.
 ۲۱. در مناره‌های این دوره عباراتی به خط کوفی بنایی (معللی) یا ساده به شکل موتیف‌های تکرار شونده، اجرا شده‌اند.
 ۲۲. بعنوان نمونه آیه ۳ سوره حدید که بصورت کتیبه‌های منفرد کوفی معللی بر روی بدنه مناره ساربان شکل گرفته است.
 ۲۳. مناره بعد از ورود اسلام نشانه‌ای برای برخی شهرهای اسلامی شد، بعنوان نمونه: استانبول (اضافه‌شدن مناره به کلیساها و تبدیل آن‌ها به مسجد) و شهر قاهره که معروف به شهر هزار مناره است.

۱. آزاد، میترا (۱۳۹۳) «بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۵، صص ۳۹-۵۶.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۵۰) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
۳. اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار (۱۳۷۸) هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
۴. اسماعیلی، مژگان (۱۳۹۴) «مناره فیروزآباد بردسکن»، اثر دوره ۳۶، شماره ۷۱، صص ۳-۱۲.
۵. بلر، شیلا (۱۳۹۴) نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین. ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران، متن.
۶. پروچازکا، امجد بوهومیل (۱۳۷۳) معماری مساجد جهان، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران، امیرکبیر.
۷. پورشعبانین، زهرا (۱۳۹۹) «پژوهشی در مضامین کتیبه‌های قرآنی مناره‌های شاخص اسلامی در ایران»، فرهنگ و تمدن قرآن، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸-۲۷.
۸. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶) سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران، سروش دانش.
۹. حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹) معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. حاتم، غلامعلی و نفیسه استیری (۱۳۸۸) «بررسی تزیینات آجرکاری در مناره خسروچرد سبزوار»، نقش‌ماهی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۴۵-۵۲.
۱۱. حاجی‌زاده باستانی، کریم و اسماعیل معرفی اقدم و سعید ستارزاد و فریبرز طهماسبی (۱۳۹۷) «جستاری بر جانمایی آیات قرآنی و سایر کتیبه‌ها در بناهای دوره اسلامی بر اساس مضامین آن‌ها (پژوهشی بر مقابر دوره سلجوقی شمال غرب ایران)»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، دوره ۲، (شماره ۳)، صص ۱۳۳-۱۴۸.
۱۲. خطیب کرمانی، حسن (۱۳۶۲) ملخص اللغات، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۳. داعی‌الاسلام، محمدعلی (۱۳۶۶) فرهنگ نظام فارسی به فارسی، تهران، دانش.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷) لغت‌نامه دهخدا (نسخه دیجیتالی) بر اساس نسخه فیزیکی ۱۵ جلدی.
۱۵. داودیان، معصومه (۱۳۹۳) سیر تحول معماری و شهرسازی دامغان در قرون اولیه اسلامی، تهران، گنجینه هنر.
۱۶. رحیمی آریایی، افروز و نیما ولی‌بیگ و سید اصغر محمودآبادی (۱۳۹۸) «گونه‌شناسی شکلی کتیبه‌های کوفی در مساجد و مناره‌های شیوه رازی و آذری در استان اصفهان»، دو فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۸، شماره ۲۲، صص ۷ تا ۳۸.
۱۷. رضازاده اردبیلی، مجتبی و ندا اسدی جعفری (۱۳۹۷) «مطالعه تطبیق‌پذیری تزیینات متبرکة کتیبه‌ها در مناره‌های مسجد گوهرشاد و مسجد شاه مشهد»، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۳، شماره ۱، صص ۵۵-۶۶.
۱۸. زمانی، عباس (۱۳۵۱) «مناره و مناره‌های تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، هنر و مردم، دوره ۱۱، شماره ۱۲۱، صص ۶۲-۷۲.
۱۹. ساریخانی، مجید و اکبر شریفی‌نیا و طیبه شاکرمی (۱۳۹۴) «کتیبه‌نگاری آیات قرآنی بر مناره‌های سلجوقی»، نگارینه هنر
- اسلامی، دوره ۲، شماره ۷ و ۸، صص ۱۴-۴.
۲۰. شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۷) «تزیینات کتیبه‌ای مسجد وکیل شیراز»، کتاب ماه هنر، سال ۱۱، شماره ۱۲۰، صص ۶۴-۷۵.
۲۱. شکفته، عاطفه (۱۳۹۴) «مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانی»، پژوهش‌های معماری اسلامی ایران، دوره ۳، (شماره ۳)، صص ۱۰۴-۱۱۸.
۲۲. شکفته، عاطفه (۱۳۹۴) «تزیینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزیینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی»، پژوهش‌های معماری اسلامی ایران، دوره ۳، شماره ۱ (شماره پیاپی: ۶)، صص ۸۴-۱۰۴.
۲۳. صالحی‌کاخکی، احمد و شادابه عزیزپور (۱۳۹۱) «تأملی در کتیبه‌ها و نقوش مسجد جامع زواره»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۹۷-۱۲۰.
۲۴. صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۲۹۸ق) منتهی‌الارب فی لغه العرب. کلکته، دارالطباعة کربلائی محمدحسین طهرانی.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰) تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۶. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت.
۲۷. عالمی، بابک و صدیقه کمالی زارچی و نغمه اسدی چیمه (۱۳۹۸) «نخستین یادگار دوران اسلامی کاشان؛ بررسی فرم، سازه و شیوه ساخت مناره مسجد جامع کاشان»، مطالعات معماری ایران، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۵-۲۵.
۲۸. عدل، شهریار (۱۳۶۱) «کتیبه کاشی منار مسجد جامع دامغان»، اثر، دوره ۳، شماره ۷ و ۸ و ۹، صص ۲۹۷-۳۰۲.
۲۹. فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰) مسجد جامع ساوه، بازخوانی کتیبه‌ها عبدالله قوچانی، تهران، مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
۳۰. فرخی، علی و امیر اکبری (۱۳۹۲) «بررسی میل، مناره‌های خراسان (با تکیه بر نقش سازه‌ای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها)»، پژوهش‌نامه تاریخ، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۱۱۱-۱۳۶.
۳۱. قاسمی سیچانی، مریم و فاطمه قنبری شیخ شبانی و محبوبه قنبری شیخ شبانی (۱۳۹۶) «تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان»، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۹-۶۵.
۳۲. قرائتی، محسن (الف) (۱۳۸۸) تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۳. قرائتی، محسن (ب) (۱۳۸۸) تفسیر نماز، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۴. قوچانی، عبدالله (۱۳۶۷) «بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نظنز و مسجد جامع نائین»، اثر، دوره ۱۷، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۱۳۲-۱۴۲.
۳۵. کارگری آریان، لطفاله و احمد صالحی کاخکی و محمد خزائی (۱۴۰۰) «بررسی و بازخوانی انتقادی کتیبه‌های مناره فیروزآباد ترشیز (بردسکن) و تاریخ‌گذاری بنا»، فصلنامه صفه، دوره ۳۱، شماره ۲ (شماره پیاپی: ۹۳)، صص ۱۴۹-۱۶۲.
۳۶. کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۵) معماری ایران دوره اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۷. دوره اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۸. گدار، آندره و یدا گدار و ماکسیم سیرو و دیگران (۱۳۸۷) آثار ایران،

- ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۳۹. گروه، ارنست و جیمز دیکی و الگ گرابر و الینور سیمز و راند لیوکاک و دالو جونز و گای پیتر بریج (۱۳۸۰) معماری جهان اسلام (تاریخ و مفهوم اجتماعی آن)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا) بحار الأنوار، با همکاری محمدباقر بهبودی، محمدمهدی خرسان، عبدالرحیم ربانی شیرازی، یحیی عابدی زنجانی، علی اکبر غفاری، و دیگران، ج ۲۳، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۴۱. مخلصی، محمدعلی (۱۳۹۰) «پژوهشی اجمالی در تاریخ احداث و معماری منار گلپایگان»، در کتاب باستان‌شناسی ایران در دوره اسلامی (۴۳) مقاله در بزرگداشت استاد دکتر محمد یوسف کیانی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، صص ۶۷۰-۶۷۹.
۴۲. محقق، محمدباقر (۱۳۵۰)، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامع و خاصه، تهران، اسلامی.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) تفسیر نمونه، جلد ۱، ۲، ۱۳ و ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. _____ (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، جلد ۱۹، ۲۰ و ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. _____ (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، جلد ۲۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. نجفی، علی (۱۳۸۱) «تحقیقی پیرامون مناره (۱)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۴۲، شماره ۶، صص ۶۲-۶۸.
۴۷. نقوی قائنی، محمدتقی (۱۳۷۸) شح زیارت جامعه کبیره، ج ۱، تهران، مؤسسه الصادق (ع).
۴۸. ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۹۳) معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریبا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۹. ویلبر، دونالد نیوتن و لیزا گلمبک و رننا هلد (۱۳۷۴) معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران، علمی و فرهنگی.
۵۰. هیلن برانند، رابرت (۱۳۸۶) معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۵۱. هنرفر، لطف‌الله (۱۳۴۴) گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتاب‌فروشی ثقفی.
52. Bloom, J. M. (2013) *The Minaret*. Edinburgh University Press.
53. Bloom, J. M. (1991) "Creswell and the Origins of the Minaret". *Muqarnas*, vol. 8, 1991, pp. 55-58. JSTOR. Accessed 16 Jun. 2022.
54. Bloom, J. M. (1989) *Minaret: Symbol of Islam*. Oxford University Press.
55. Grabar, O. (1988) *The Formation of Islamic Art*. London: Yale University Press
56. Neyestani, J. (2008) "Does the Astarābād Mosque belong to the Seljūqi era?". *Central Asiatic Journal*, 52 (2), pp.173-185

نسبت انسان و خانه و شهر در متون دینی زرتشتی و مسیحیت و اسلام

محمدرضا رحیمزاده*، زهرا آل بویه**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲

چکیده

جریان اصلی سیر تحولاتی که سکناگزیدن انسان معاصر را هدایت می‌کند و شکل می‌دهد، موضوع نگرانی و نقد گروه‌هایی بسیار متنوع از اندیشمندان بوده است. نظریه‌پردازان بسیاری در بازاندیشی مفاهیم ناظر بر سکناگزیدن بسیار تلاش کرده‌اند و چشم‌اندازهای تازه‌ای گشوده‌اند. سعادت و خوشبختی راستین انسان در کانون توجه همه ادیان در همه سنت‌هاست. با این پیش‌فرض به نظر می‌رسد که تلاشی از این منظر بتواند روشنگر اموری باشد که - در نگاه جاری به معماری - کم‌اهمیت تلقی شده یا فراموش شده است. هدف از این پژوهش این است که با رجوع به متون دینی دریابد از این منظر اصول و معیارهای نگاه به بدن و ظرف زندگی انسان چیست و چه نسبتی بین انسان و ظرف سکنا او برقرار است. روش تحقیق این پژوهش تطبیقی و با رویکرد تفسیرگرا است و منابع آن متون دین‌های زرتشتی و مسیحیت و اسلام و برخی تفسیرهای آن‌هاست. در بخش نخست مقاله رابطه وجودی انسان و ظرف سکنا او در متن تفکر مبتنی بر دین‌های مذکور بررسی شده است و در بخش دوم مقاله به بررسی تطبیقی تفاوت‌ها و اشتراکات اساسی آن سه پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادیان بررسی شده، به‌رغم تفاوت مقولات و اصطلاحات در نگاه به انسان و مراتب و مقیاس‌های سکناگزیدن او، در یک امر اشتراک دارند و آن اینکه تمایز بنیادین و ماهوی‌ای میان شهر و خانه و کالبد انسان قائل نیستند، همان‌گونه که برای نفس انسان، اهالی خانه و اهالی شهر چنین تمایزی قائل نیستند و اصول واحدی را حاکم بر هر سه می‌دانند. از منظر هر سه دین، جهانی که انسان در آن سکنا می‌گزیند، بدن، خانه، و شهر، کلی واحد است که علاوه بر ساحت مادی یا زمینی، از یک ساحت فرامادی یا آسمانی تشکیل شده است. اما نگاه حاصل از تفکر مدرن، با غلبه تخصص‌گرایی و گسترش آن، دیدگاه و رویکرد تازه‌ای در فهم و مواجهه با انسان و سکناگزینی او در پیش نهاده است که دقیق ولی در قیاس با آنچه از تفکر دینی در ادیان بررسی شده حاصل می‌شود، از جهت مراتب محدود، از نظر اولویت‌ها متفاوت، و از نظر مقیاس‌ها نامنسجم است. کلمات کلیدی: انسان، ظرف سکنا گزیدن، خانه، شهر، متون دینی.

«امروزه پیشرفت‌های فنی بدون اینکه از نظر اجتماعی در مسیر مشخصی هدایت شوند، با سرعت به جلو پیش می‌روند و هیچ هدفی غیر از پیشرفت علم و تکنولوژی را دنبال نمی‌کنند. در واقع ما در یک عالم در حال انفجار اختراعات مکانیکی و الکترونیکی به سر می‌بریم که اجزای آن، با سرعت زیاد از کانون انسانی دور و دورتر می‌شود. این انفجار تکنولوژیکی موجب انفجار ظرف سکناى انسان شده است. ظرف سکناى انسان شکسته و اندام‌ها و اجزای آن، تا آنجا که چشم کار می‌کند، پراکنده شده است. ظرف دیواردار زندگی انسان نه تنها شکسته و از هم پاشیده و محتوای آن پخش شده، بلکه دچار نوعی بی‌هدفی نیز شده است.»

لوئیس ممفورد، شهر و مدنیت در بستر تاریخ، ۱۹۵۴ (ممفورد، ۱۳۸۷: ۶۹).

«طرح‌های آپارتمان‌های امروزی می‌تواند بسیار خوب باشد، نگهداریشان ساده باشد و به حد مطلوب ارزان باشند، اما وجود این آپارتمان‌ها به خودی خود ضامن سکونت کردن افراد در آنها نیست. بی‌خانمانی بشر در این امر نهفته است که انسان هنوز بحران واقعی مسکن را به مثابه مصیبت درک نمی‌کند.»

مارتین هایدگر، «بنا کردن، سکنا گزیدن، فکر کردن»، ۱۹۷۱ (هایدگر، ۱۳۷۷: ۱۳۲ و ۱۵۴).

سیر تحولاتی که کیفیت سکناگزیدن انسان معاصر را هدایت می‌کند و شکل می‌دهد، از دهه‌ها پیش موجب نگرانی گروهی از اهل نظر بوده است. جملاتی که از لوئیس ممفورد^۱ (۱۸۹۵-۱۹۹۰)، شهرساز و مورخ معاصر، و مارتین هایدگر^۲ (۱۸۸۹-۱۹۷۶)، فیلسوف معاصر، ذکر شد، تنها دو نمونه از این نگرانی‌هاست که اندیشمندان بسیاری با جهان‌بینی‌ها و تخصص‌های گوناگون ابراز داشته‌اند. بی‌شک بی‌توجهی به این نگرانی‌ها واقع‌بینانه نیست. شایسته است که توجه به این نگرانی‌ها و ریشه‌های آن،

بخشی از تلاش‌های نظری معماران و دیگر پدیدآورندگان ظرف سکناگزیدن انسان باشد. این مقاله تلاشی کوچک در این راه است و بازاندیشی در سه مفهوم بنیادی «انسان» و «خانه» و «شهر» و نسبت میان آن‌ها را مقصود خود قرار داده است. اشاره‌ای گذرا به پیشینه‌های از نقدها و پیشنهادها در این زمینه می‌تواند در تبیین علت این تلاش و موضوع آن مفید باشد.

موریس مرلوپونتی^۳ (۱۹۰۸-۱۹۶۱) از کوچک و کم‌عمق شدن جهان انسان و نقش و اثر آن در فضا سخن گفته است. اندیشه‌اودر این باره به پیدایش جریانی در نظریه‌پردازی معماری کمک کرده است و معماران اهل حرفه و نظر بسیاری، همچون پیتر زومتور^۴ و یوهانی پالاسما^۵، آن را در بازاندیشی نسبت میان انسان و فضا بسط داده‌اند. اندیشمندان دیگری به دگرگونی‌های قابل انتقاد در عرصه‌ها و حریم‌های زندگی انسان، که به کمی‌شدن افراطی نسبت انسان و فضا و اسطوره‌زدایی از آن منجر شده، پرداخته‌اند. از این جمله می‌توان به رنه گنون^۶ (۱۸۸۶-۱۹۵۱)، آناندا کوماراسوامی^۷ (۱۸۷۷-۱۹۴۵)، میرچا الیاده^۸ (۱۹۰۷-۱۹۸۶)، سیدحسین نصر^۹ (۱۳۱۲-)، و داریوش شایگان^{۱۰} (۱۳۱۳-۱۳۹۷) اشاره کرد که آرای آن‌ها نیز در آثار و مقالات معماران بسیار اثر گذاشته است.

در زمینه بازاندیشی مفاهیم ناظر بر سکناگزیدن تلاش‌های بسیاری شده است، گرچه نتایج آن در قیاس با کل منابع و متون نظری معماری هنوز جایگاه درخور نیافته است. طبعاً بخش بزرگی از این بازنگری در متون معماری مغرب زمین مشاهده می‌شود. ایدرین فورتی^{۱۱} (۱۹۴۸-) در کلمه‌ها و بناها: فرهنگ لغات معماری مدرن^{۱۲} نشان داده است که چگونه پیدایش معماری مدرن ملازم تحولاتی در مفاهیم پیشین و ایجاد یا به کارگیری اصطلاحات تازه‌ای همچون عملکرد، اخلاق، فرم، تاریخ، و طراحی بود. پیش از او پیتر کالینز^{۱۳} (۱۹۲۰-۱۹۸۱) در دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن^{۱۴}، به نقش بنیادی دگرگونی آرمان‌ها در پیدایش معماری مدرن اشاره کرده بود و پیش از او نیز زیگفرد

1. Lewis Mumford، شهرساز، مورخ و نظریه‌پرداز شهری که از شاگردان پاتریک گدس بود.
2. Martin Heidegger، یکی از فیلسوفان شاخص قرن بیستم که رسالاتی در باره پرسش فلسفی از معماری و فناوری دارد.
3. Peter Zumthor، معمار سوئیسی و استاد آکادمی معماری مندریسیو.
4. Juhani Pallasmaa، معمار فنلاندی و استاد بازنشسته معماری و رئیس دانشگاه فناوری هلسینکی.
5. Ananda Kentish Muthu Coomaraswamy، متفکر و نویسنده هندی تبار که در زمینه هنر شرقی و خرد جاویدان آثار مهمی دارد.
6. Mircea Eliade، فیلسوف و مورخ دین و استاد دانشگاه شیکاگو.
7. استاد علوم اسلامی دانشگاه جرج واشنگتن و یکی از مهم‌ترین متفکران در زمینه تفکر و هنر اسلامی در جهان معاصر.
8. متفکر و نویسنده و فیلسوف و هندشناس شهیر ایرانی.
9. Adrian Forty، استاد بازنشسته تاریخ و نظریه معماری در مدرسه معماری بارلت لندن.
10. Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture
11. Peter Collins، مورخ معماری و استاد دانشگاه.
12. Changing Ideals in Modern Architecture 1750-1950، مهم‌ترین اثر پیتر کالینز که در سال ۱۹۶۵ منتشر شد.

وارسی مفاهیم برآمده در متن هر سنت دینی در آینه مفاهیم سنت دیگر، بازخوانی‌ای از نسبت انسان و ظرف سکناگزیدن او با اتکا به متون ذکر شده به دست دهد و اشتراکات اساسی موجود در این سه سنت را برجسته کند. با این حال تلاش خواهد کرد در نتیجه‌گیری در محدوده‌ای بماند که منابع با اطمینان بالایی گواهی می‌دهند و از تفسیر بیش از حد بپرهیزد.

روش پژوهش

پرسش اصلی در این پژوهش این است: «از منظر سه دین زرتشتی و مسیحیت و اسلام، چگونه نسبتی میان انسان و خانه و شهر برقرار است؟». برای تأمل در باره این پرسش و عرضه پاسخی به آن ورود به جهان تفکر در سه دین یادشده ضرورت دارد. در این پژوهش رویکردی تطبیقی بدین منظور پی می‌گیریم. از این رو در مقام پاسخ به پرسش پژوهش، پرسش‌های جانبی‌ای مطرح می‌شود: چه همانندی‌های معناداری می‌توان میان نگاه به این امور در سه دین منتخب دید؟ کدام وجه از این مفاهیم و مصادیق آن‌ها، در متن تفکر برآمده از هر یک از دین‌های مذکور، مهم‌تر و برجسته‌تر است؟

برای پاسخ به پرسش اصلی، در بخش نخست به رابطه وجودی انسان و ظرف سکنا‌ی او در متن سنت‌های دینی ذکر شده، با رجوع به نصوص و تفاسیر آن‌ها پرداخته شده است و در بخش دوم مقاله یافته‌های بخش نخست و تبیین تفاوت‌ها و اشتراکات اساسی آن‌ها به شکل تطبیقی بررسی شده است. در این تلاش رویکرد و روش پدیدارشناسانه مد نظر گرفته شده است. پدیدارشناسی امکان می‌دهد تا بتوان ساختارهای ماهوی و ذاتی پدیدارها را به پرسش گذاشت، بدون آن‌که واقعیات عینی زمانی و مکانی مانعی برای آن شمرده شود.

این پژوهش مدعی نیست که این سه سنت تفکر دینی نماینده همه تفکرهای دینی‌اند یا حتی متون و تفاسیر مطالعه‌شده راوی همه دیدگاه‌های موجود در هر یک از دین‌ها هستند، چه هر یک از آن‌ها در درون خود دارای شعب و گرایش‌های متفاوت است. با این همه، نتایج پژوهش و هم‌نوایی میان مفاهیم بررسی شده در متن ادیان سه‌گانه، مؤید فوایدی است که این پژوهش می‌تواند داشته باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی را که به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. نخست پژوهش‌هایی که به بررسی انسان و وجه معنوی ظرف سکنا‌ی او و اهمیت توجه

گیدئن^۱ (۱۸۸۸ - ۱۹۶۸)، مورخ برجسته هنر و معماری، در تداوم سنتی مهم در تاریخ‌نگاری هنر و معماری، که با مورخانی همچون یاکوب بورکهارت^(۳) (۱۸۱۷ - ۱۸۹۷) و هاینریش ولفلین^۲ (۱۸۶۴ - ۱۹۴۵) آغاز شده بود، مفهوم تحولات «تصور فضایی» را در آثار متعددی مطرح کرده بود، که می‌توان آن را تحول در فهم فضا دانست؛ تحولی که شاگرد او، کریستین نوربرگ-شولتس^(۴) در معنا در معماری غرب ادامه و بسط داد.

پرداختن به این موضوع بیرون از جهان غرب، با دشواری‌هایی در زمینه توجه نظری لزوم آن و تطبیق مفاهیم روبه‌رو بوده است و جای تعجب ندارد که تلاش‌ها در این زمینه محدودتر و گاه اختلاف‌برانگیزتر بوده است. چارلز کوره‌آ^۳ (۱۹۳۰ - ۲۰۱۵)، معمار هندی معاصر، در مقالات بسیاری به تفاوت‌های بنیادی موجود در فهم و تصور خانه نزد انسان هندو پرداخته است. منابع اصلی او در این مقالات غالباً متون کهن هندویی است که حفظ شده و به نحوی کمابیش ملموس به این موضوع پرداخته‌اند. محمدرضا ریخته‌گران در مقاله «هایدگر و تلقی هندویی از مکان مقدس» (ریخته‌گران، ۱۳۷۸) با اتکا به منابع آیین هندو تلاشی مشابه کرده است.

در ادامه تلاش‌های یادشده، این مقاله نیز تلاشی است برای بازخوانی و معرفی چند مفهوم متواتر در فهم نسبت انسان و ظرف سکناگزیدن او، به کمک منابعی که از اعتبار تاریخی و نظری برخوردارند، با این هدف که کمکی باشد به طرح دیدگاهی در این زمینه. سعادت و خوشبختی راستین انسان در کانون توجه همه ادیان در همه سنت‌هاست. به نظر می‌رسد که تلاشی از این منظر بتواند روشنگر گوشه‌ای از ناشناخته‌ها درباره معماری باشد. منابع اصلی این پژوهش متون دینی زرتشتی و مسیحیت و اسلام و تفسیرهای آن‌هاست که می‌توان آن‌ها را نماینده تفکرهای دینی منتسب به هر یک دانست؛ تفکرهایی که گرچه به جهانی تاریخی تعلق دارند، تداوم اعتقاد به آنها تا امروز، و تداوم مواجهه نظری با آن‌ها، ارزش و اعتبارشان را تضمین می‌کند. در مواردی برای روشن‌تر شدن بحث از نظر متأهلان به عنوان منبع فرعی این پژوهش می‌توان نام برد. انتخاب ادیان زرتشتی و مسیحیت و اسلام بر پایه اهمیت و تاثیرگذاری و تمدن‌سازی دو دین زرتشتی و اسلام در تمدن ایران و دین مسیحیت در تمدن غرب بوده است. همچنین آشنایی نسبی مؤلفان، و وجود منابع تفسیری و مباحث نظری و مابعدالطبیعی مرتبط با آن، در جایگاه علتی فرعی، دور از ذهن نبوده است. این پژوهش با وقوف بر احتمال خطاهایی ناشی از پیچیدگی و تنوع حوزه پژوهش و پیشینه نسبتاً اندک مطالعات در این زمینه، تلاش خواهد کرد، از راه

1. Sigfried Giedion، مورخ و منتقد معماری شهیر، اهل سوییس.

2. Heinrich Wölfflin، مورخ هنر پرآوازه سویسی که نظریات مهمی در تاریخ‌نگاری هنر دارد.

3. Charles M. Correa، معمار و شهرساز شهیر هندی.

به این وجه زندگی پرداخته‌اند و دوم پژوهش‌هایی که معنای شهر یا ظرف سکناى انسان را در یک یا چند سنت دینی بررسی کرده‌اند.

در دسته نخست میرچا الیاده در مقدس و نامقدسبارویکردی پدیدار شناختی به بررسی مکان‌های مقدس و موقعیت انسان در جهان پرداخته است (الیاده، ۱۳۹۱) فیلیپ شلدراک^۱ در شهر معنوی: الهیات، معنویت، و مدنیت^۲ در باره تاریخ و الهیات شهر مسیحی بحث کرده است و نشان می‌دهد که چگونه آلودگی، زشتی، و تقسیم اجتماعی به شهرنشینی مدرن صدمه زده است. شلدراک بر آن است که وضع موجود از طریق کشف دوباره ابعاد معنوی تجربه انسان از مکان می‌تواند اصلاح شود و تغییر کند (شلدراک، ۲۰۱۴). او همچنین در مقاله «شهرها و امت انسانی، معنویت و مدنیت»^۳ در باره ارتباط ساخت شهر با روح انسان و نیاز به کشف دوباره جنبه‌های معنوی شهر که در دوره مدرن فراموش شده، صحبت کرده است (شلدراک، ۲۰۰۶). پی‌یر ویتوروی اورلی^۴ در آیین‌ها و دیوارها: معماری فضای مقدس^۵ در باره غفلت از اندیشه فضای مقدس در معماری معاصر شهرها سخن گفته است (اورلی، ۲۰۱۵). ژاک الول^۶ (۱۹۱۲ - ۱۹۹۴) در معنای شهر^۷ معنای شهر را از منظر الهیات و جامعه‌شناسی (الول، ۲۰۱۱) و جوزف ریکورت^۸ در «اندیشه شهر: انسان‌شناسی شکل شهری در روم، ایتالیا و جهان باستان»^۹ مفهوم دینی فضای شهری را بررسی کرده‌اند (ریکورت، ۱۹۸۸). ریکورت همچنین در کتاب درباره خانه آدم در بهشت: اندیشه کلیه اولیه در تاریخ معماری^{۱۰} با رویکردی معناشناسانه - نه باستان‌شناسانه - به بررسی کلیه‌های ابتدایی انسان و ساخت آن در فرهنگ‌های مختلف پرداخته است و بیان می‌کند که معماری

همیشه عملی بیش از ساخت و ساز و سرپناه بوده است (ریکورت، ۱۹۸۱). مارتین هایدگر نیز در رساله «بنا کردن، سکنا گزیدن، فکر کردن»^{۱۱} بیان می‌کند که ساختن تنها بنا کردن نیست و مفهومی فراتر از آن دارد. او با رویکردی پدیدارشناسانه به بررسی ریشه واژه‌های «بنا کردن» و «سکنا گزیدن» می‌پردازد و معتقد است که امروزه معنای اصیل ساختن یعنی سکنا گزیدن را از دست داده‌ایم و خانه‌های امروزی اگرچه می‌توانند از بسیاری جهت‌ها خوب باشند اما ضامن سکونت کردن انسان در آن‌ها نیستند (هایدگر، ۱۳۷۷).

بخش دوم پژوهش‌هایی هستند که ظرف سکناى انسان را در کتاب‌های مقدس بررسی کرده‌اند. داین جیکبسن^{۱۲} در مقاله «شهر در انجیل: کاربردها برای وزارت شهرسازی»^{۱۳} معنای شهر را در کتاب مقدس بررسی کرده است. او دو دیدگاه انجیل نسبت به شهر را بیان می‌کند؛ یکی اینکه شهر مرکز گناه، شرارت، و تباهی است و دیگر اینکه شهر چراغ امید و مکان حفاظت است (جیکبسن، ۱۹۹۴). اندرو کروک^{۱۴} در «شهر در انجیل: چشم‌اندازی نسبی»^{۱۵} شهر را در سنت مسیحی و کتاب مقدس بررسی می‌کند. او بیان می‌کند که ریشه شهرها در گناه، قیام، و خشونت است اما خدا یک طرح رستگاری برای زندگی شهری دارد که تنها با بازتعریف اورشلیم جدید تکمیل می‌شود (کروک، ۱۹۹۷). رابرت سی لینیکیوم^{۱۶} در شهر خدا، شهر شیطان: الهیاتانجیلی کلیسای شهری^{۱۷} بیان می‌کند که شهر هم به عنوان محل سکونت خدا و قوم او و هم به عنوان مرکز قدرت شیطان و یارانش به تصویر کشیده شده است و سعی می‌کند رسالت کلیسا را در فضای شهر تعریف کند (لینیکیوم، ۱۹۹۱). اسکپی

1. . Philip Sheldrake، پژوهشگر الهیات.
2. . *The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban*
3. . "Cities and Human Community, Spirituality and the Urban"
4. . Pier Vittorio Aureli، معمار و استاد دانشگاه ای‌ای لندن.
5. . *Rituals and Walls: The Architecture of Sacred Space*
6. . Jacques Ellul، فیلسوف، جامعه‌شناس، و متأله فرانسوی.
7. . *The Meaning of the City*
8. . Joseph Rykwert، استاد بازنشسته تاریخ و نظریه معماری در دانشگاه پنسیلوانیا.
9. . "Idea of a Town: The Anthropology of Urban Form in Rome, Italy and the Ancient World"
10. . *On Adam's House in Paradise: The Idea of the Primitive Hut in Architectural History*
11. . "Building, Dwelling, Thinking"
12. . Diane Jacobson، استاد بازنشسته عهد قدیم.
13. . "The City in the Bible: Implications for Urban Ministry"
14. . Andrew Crook
15. . "The City in the Bible: A Relational Perspective"
16. . Linthicum Robert C
17. . *City of God, city of Satan: a biblical theology of the urban church*

قرآن و روایات اسلامی پرداخته است (سجادزاده و موسوی، ۱۳۹۳). حسن باستانی‌راد در مقاله «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران» معنای واژه‌های گوناگون مرتبط با شهر را بررسی کرده (باستانی‌راد، ۱۳۸۸) و بهرام امین‌زاده در «شار و شهر» به مطالعه معنای شهر در ایران باستان پرداخته است. امین‌زاده در این مقاله بیان می‌کند که ساختن و بنیان نهادن شهر در ایران باستان، عملی آئینی است و هدف از آن به‌وجود آوردن قلمروی است که سایه یا بازتابی از یک قلمرو آرمانی باشد (امین‌زاده، ۱۳۸۴). این مقاله به نحو تطبیقی در پی یافتن نسبت انسان و خانه و شهر در سه سنت دینی زرتشتی و مسیحیت و اسلام است.

جایگاه انسان و خانه و شهر در متون دینی اسلام و مسیحیت و زرتشتی

علت غایی دین‌رساندن انسان به کمال و سعادت است و آموزه‌های دینی حرکت مستقیم و بدون خطای انسان را در این راه تضمین می‌کنند. چگونگی سکن‌گزیدن انسان، به مثابه ساحتی حیاتی در کمال و سعادت او، مورد توجه ادیان و سنت‌های دینی بوده است. البته نباید توقع داشت که این توجه از جنس متون تخصصی معماری و شهرسازی امروز، و همواره در نصوص ادیان باشد. مطالب در این باره گاه مستقیم و مصرح و گاه به اشاره و تلویحی است؛ و همچنین، گاه در نصوص دینی است و گاه در شروح آن‌ها. بنابراین لازمه درک آموزه‌های ادیان درباره سکن‌گزیدن مطلوب، تطبیق و تفسیر منابع گوناگون با یکدیگر است. در این بخش جایگاه انسان و خانه شهر در متون سه دین زرتشتی و مسیحیت و اسلام و چگونگی استفاده از این متون برای این پژوهش بررسی می‌شود. در متونی که در اینجا به کار گرفته شده است، که شامل منابع اصلی و شرح‌های مهم آن‌هاست، بیشتر به شهر به عنوان خانه بزرگ انسان اشاره شده است.

مهم‌ترین منابع دین زرتشتی، اوستا و تعدادی رسالات پهلوی است. اوستای نو (۵) شش بخش دارد: گاهان، یسنه، یشته‌ها، ویسپرد، خرده اوستا، وندیداد. «گاهان» قدیمی‌ترین بخش اوستا است و بیشتر دین‌پژوهان بر این باورند که شامل سخنان اصیل

بل^۱ هم در مقاله «مسیح در شهر: الهیاتی مجمل» دیدگاه مثبت و منفی مسیحیان به شهر را با رجوع به کتاب مقدس بیان می‌کند. در دیدگاه منفی، شهر مکانی است که گناه در آن گسترش پیدا می‌کند و اولین سازندگان این شهر فرزندان قابیل‌اند؛ و در دیدگاه مثبت، شهر مکانی است که خدا برای سکونت انسان ساخته است (بل، ۲۰۱۴). کلینتون‌استاک‌ول^۲ در «شهر دلربا: الهیات انجیلی شهر»^۳ (استاک‌ول، ۲۰۱۵) و کلبر گونسالویس^۴ در «معنای شهر: رهیافتی شهری-مذهبی به کاربری تمثیل شهر در وحی»^۵ (گونسالویس، ۲۰۱۶) شهر را در کتاب مقدس به خصوص در مکاشفه بررسی کردند. تی. دزموند الکساندر^۶ در شهر خدا و هدف آفرینش (مطالعات کوتاه در الهیات انجیلی)^۷، هدف خداوند از ساختن شهر در کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) را توضیح می‌دهد و اینکه چگونه خداوند در طول تاریخ برای ایجاد شهری پر از حضور باشکوه خود تلاش کرده است (الکساندر، ۲۰۱۸) و یورگ روپکه^۸ در «دین و شهر»^۹ رابطه مفهومی دین و شهرنشینی و ویژگی‌های فضایی شهر را بررسی می‌کند و بیان می‌کند که دین عمده‌ای یک پدیده شهری بوده است و دین و شهرها در طول تاریخ به طور جدایی‌ناپذیری به هم مرتبط بوده‌اند (روپکه، ۲۰۲۰).

منان رئیس‌سی در مقاله «واکاوی تمایز ماهوی مدینه (شهر) و قریه (روستا) در متون قرآنی» به بررسی تفاوت شهر و روستا در قرآن پرداخته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که قرآن کریم، برخلاف نظریات رایج در شهرسازی، مؤلفه اصلی در تمایز ماهوی شهر و روستا ناشی از تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و حتی جمعیتی نمی‌داند بلکه در قرآن، مؤلفه اصلی تمایز ماهوی شهر و روستا، ایمان به خدای متعال و الزامات حاصل از آن است (رئیس‌سی، ۱۳۹۵). شریفیان و دیگران در «تحلیلی از مفهوم شهر و ارکان شهرنشینی از منظر قرآن کریم» مفهوم شهر و ویژگی‌های شهرنشینی را از منظر قرآن بررسی کرده‌اند (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۶) و سجادزاده و موسوی نیز در مقاله «ابعاد چیهستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی» به شناخت ماهوی و وجودی شهر در

1. Skip Bell، استاد بازنشسته الهیات مسیحی در دانشگاه اندروز آمریکا.

2. "Christ in the City: A Brief Theology"

3. Clinton E. Stockwell

4. "The Enchanting City; A Biblical Theology of the City"

5. Kleber Gonçalves

6. "The Meaning of the City: An Urban Missional Approach to the Use of City Imagery in Revelation"

7. T. Desmond Alexander

8. The City of God and the Goal of Creation (Short Studies in Biblical Theology)

9. Jörg Rüpke

10. "Religion and the Urban"

زرتشت است. «یسنه» دربارهٔ اهورامزدا و آفرینش، راه درست زیستن و به خوشبختی رسیدن، آرمان آدمی و پی آمدهای اندیشه و گفتار و کردار آدمیان است. «یشت‌ها» در بارهٔ ستایش، پرستش، و قربانی ایزدان و مینویان است. «ویسپرد» سرودهای کوتاهی را در ستایش امشاسپندان، ایزدان، اهورامزدا، و ستایش نیکی و اعمال نیک دربر می‌گیرد و «خرده اوستا» گزیده‌ای است از پاره‌های گوناگون اوستا که در نمازها و نیایش‌ها و جشن‌های گوناگون می‌خوانند. آخرین جزء اوستا «وندیداد» است و به معنی قانون ضد دیوان و خدایان پنداری است، و بیشتر پیرامون آداب بهداشت و رعایت پاکیزگی و از بین بردن آلودگی است (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج ۱: سی و پنج و سی و شش و مهر، ۱۳۰۲: ۱۳۴ و ۱۳۹).

عمده‌ترین پیام‌های اجتماعی دین زرتشتی را در «یسنه» می‌توان یافت که سراسر درس اندیشه و خردورزی است و دستورهایی برای زندگی عملی انسان دارد، به خصوص توصیه به گزینش راه «آشه» و نیکی، و کوشش برای بهبود جهان و آبادانی آن (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج ۱: سی و شش و چهل و شش). از این رو یسنه منبع مهمی برای این پژوهش است. در «یسنه» به «خَشْتَرَه»، که ریشهٔ واژهٔ «شهر» است، اشارات فراوانی شده است. واژهٔ «خَشْتَرَه» و همچنین سایر واژگانی که در اوستا برای نامیدن ظرف سکناي انسان به کار رفته است، می‌تواند در فهم رابطهٔ انسان، خانه، و شهر در دین زرتشتی کمک کند.

منبع دیگر دین زرتشتی رسالات دینی پهلوی است. این رسالات با موضوعات گوناگونی، از جمله آفرینش، اعمال و آداب و رسوم دینی، تدوین شده‌اند. از بین این رسالات، در بُنْدَهَش (۶) و گزیده‌هایزادسپَرَم (۷) مطالبی در شرح وجود انسان، آفرینش آغازین، و اجزای بدن او بیان شده است. «بُنْدَهَش» به معنای آفرینش آغازین است و موضوع آن آفرینش آفریدگان، هدف از آفرینش آن‌ها، و خلقت آفریدگان به صورت مینوی و مادی است (فَرَنْبَغِ دَدْگِی، ۱۳۸۵: ۵). گزیده‌هایزادسپَرَم دارای چهار بخش اصلی است: بخش نخست کتاب، دربارهٔ آفرینش آغازین، بخش دوم، دربارهٔ زندگی زرتشت، بخش سوم، دربارهٔ ترکیب آدمی از تن و جان و روان و چگونگی وظایف اندام‌های داخلی بدن؛ و بخش چهارم، دربارهٔ حوادث پایان جهان و رستاخیز است. در این دو کتاب می‌توان جایگاه انسان در دین زرتشتی را بررسی کرد.

در این پژوهش، کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) (۸) و رسالات حکما و قدیسان برای شناخت مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش مقاله در دین مسیحیت استفاده شده است. عهد عتیق شامل شرح چگونگی خلقت جهان و نوع بشر و سپس شرح زندگی و ارتباطات روحانی نخستین پیامبران از ابراهیم (ع) به

بعد است. این بخش با کتاب «پیدایش» شروع می‌شود و پس از چند بخش که حاوی توضیحاتی در باب زندگی پیامبران پس از ابراهیم (ع) است، کتب پیامبران پس از موسی را شامل می‌شود. در کتاب «پیدایش» در بارهٔ چگونگی آفرینش جهان و انسان صحبت می‌شود و اینکه چگونه خداوند برای نجات انسان گناهکار چاره‌ای می‌اندیشد. همچنین در کتاب‌هایی همچون مزامیر، عاموس، میکاه، اشعیا، دانیال، و زکریا در بارهٔ جنبه‌های مثبت و منفی شهر، «شهر خدا» و «شهر شیطان» و نمونه‌هایی از این شهرها صحبت شده است.

عهد جدید اصطلاحی است که مسیحیان برای اشاره به بخشی از کتاب مقدس به کار می‌برند که به زندگی عیسی (ع) و پیروانش می‌پردازد. مسلمانان معمولاً این کتاب را «انجیل» می‌خوانند. عهد جدید شامل چهار انجیل (متا، مرقس، لوقا، یوحنا)، کتاب اعمال رسولان، رساله‌های رسولان مسیح شامل رساله‌های پولسبیه رومیان، قُرنتیان، غلاطیان، اِفَسُسیان و...، رسالهٔ یعقوب، رساله‌های پطرس، رساله‌های یوحنا، رسالهٔ یهودا و کتاب مکاشفه است. از این میان در انجیل متا و لوقا، نامه‌های اول قُرنتیان، رومیان و مکاشفه در مورد انسان و شهر، نابودی بابل و رویای اورشلیم مطالبی آمده است. سنت آگوستین^۱ (۳۵۴ - ۴۳۰) و توماس آکویناس^۲ (۱۲۲۵ - ۱۲۷۴)، دو حکیم نامدار مسیحی‌اند که به سکنا گزیدن توجه داشته، دربارهٔ آن اشارات مهمی دارند. سنت آگوستین از مهم‌ترین آبای متقدم مسیحیت است که سهم عمده‌ای در شکل‌گیری سیر اندیشه در تاریخ غرب در قرون وسطی داشته است و از شکل‌دهندگان سنت مسیحی غربی (کاتولیک و پروتستان) محسوب می‌شود. از آگوستین رسالات بسیاری برجای مانده که یکی از مهم‌ترین آنها شهر خدا^۳ است. او تعبیر «شهر خدا» را از کتاب مقدس (مزامیر ۸۷:۳) اقتباس و در ویژگی‌های آن بحث کرده است. توماس آکویناس از مشهورترین متفکران اواخر قرون وسطا است. تفکر او مبتنی بر تعالیم سنت آگوستین، بر پایهٔ دوگانگی روح و جسم (دو جنبهٔ روحانی و مادی) قرار دارد. او هر دو جنبه را واجد اعتبار و ارزش می‌داند، گرچه جنبهٔ روحانی انسان را والاتر و جسم را خادم روح می‌داند. این منابع روشنگر این پژوهش در سنت دینی مسیحی هستند. مهم‌ترین متن دینی اسلام، قرآن است که در مورد موضوعات مختلف از جمله انسان، نسبت انسان با جهان، و بسیاری از عرصه‌های زندگی او مطالبی بیان شده است. انسان در قرآن با عبارتهایی چون «خَلِیْفَةُ اللَّهِ» یا «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَی صُورَتِهِ» (آفرینش انسان بر صورت الهی) توصیف می‌شود و متفکرانی مانند فارابی، اخوان‌الصفاء، ابن عربی، و در دوره‌های بعد، عزیزالدین

1. . Saint Augustinus
2. . Thomas Aquinas
3. . City of God

نسفی و ملاصدرا در شرح این آیات توصیفاتی را درباره نسبت انسان و جهان بیان کرده‌اند. همچنین در قرآن برای نامیدن سکونتگاه انسان از دو کلمه «مدینه» و «قریه» استفاده شده است؛ در سوره‌هایی مانند یس، کهف، لوط، حجر، نمل، اعراف، بقره. با تأمل در معنای این دو کلمه و علل کاربرد آن‌ها در قرآن، نکاتی درباره ویژگی‌های مطلوب ظرف سکناى انسان از منظر اسلام آشکار می‌شود.

انسان و خانه و شهر در دین زرتشتی

انسان: آفریده اهورامزدا

در دین زرتشت هستی دارای دو جنبه است، جنبه آسمانی یا «جنبه مَنه» و جنبه زمینی یا «جنبه گتیا» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۲۱ و ۱۴۳). هر موجود زمینی (گتیک) انعکاس نمونه متعالی (مینوک) خود در عالم روحانی است، و هر پدیداری فرشته و نمونه متعالی دارد. به تعبیر دیگر، هر چیزی دارای دو مرتبه وجودی است: روحانی یا آسمانی و جسمانی یا زمینی (نصر، ۱۳۸۳: ۶۹). در دین زرتشت، انسان نیز همانند هستی، تنها مادی و این جهانی نیست. در انسان حقیقتی مینوی هم وجود دارد که او را با عالم اعلی مرتبط می‌سازد، اما نمی‌توان گفت در دین مزدایی انسان به‌سادگی از تن و روح تشکیل شده است. در یشت ۱۳ بند ۱۵۵ چنین آمده است (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۳۰):

«جان» و «بوی» و «دین» و «روان» و «فَرَوَشی» اَشَوَن مردان و اَشَوَن زنانی را که دین آگاه و پیروز بوده‌اند و هستند و خواهند بود، می‌ستاییم؛ آنان که برای آشه پیروزی به‌دست آوردند.

بدین ترتیب مطابق اوستای جدید، انسان از شش جزء تشکیل شده است: تن، جان یا نیروی حیات، دریافت یا حس یا عقل (بنوذه^۱، بوی)، وجدان یا «خود» یا دین (دئینا)^۲، روان یا نفس (اورَوَن)^۳، و قرین آسمانی یا فَرَه‌وَرَتی (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۰۹ و ۱۱۰). بدن، بخش مادی وجود آدمی است اما این کالبد مادی، تنها به شرط ارتباط با وجودی مینویی به صورت حقیقی دست می‌یابد. پیوستگی بدن به نفس اسارت آن نیست. بدن شأن و مقامی خاص دارد و وجود آن برای بقای نفس ضرورت دارد (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۶۲). در این دین هر دو بخش هستی آفریده اهورامزدا است و - برخلاف دین مسیحی - جهان مادی پلید نیست و نباید از آن دوری کرد (بهار، ۱۳۷۵ الف: ۴۲ و ۴۳).

در بخش سیزدهم بُندَهش با عنوان «درباره تن آدمی به‌سان گیتی» به همانندی‌های انسان و جهان می‌پردازد. در این بخش پوست به آسمان، گوشت به زمین، استخوان به کوه، رگ‌ها به رودها، خون در تن به آب در رود، شکم به دریا، و موی به

گیاه تشبیه شده است؛ و به همین ترتیب تشبیهات بسیاری در مقایسه انسان و جهان آمده است (جدول ۱). نیروهای مینوی بدن نیز با نیروهای مینوی جهان مقایسه شده‌اند و هر یک از نیروهای مینوی درون تن به یکی از ایزدان مینوی تشبیه شده است. روان به هرمز، هوش، ویر، دریافت، اندیشه، دانش، و فهم به شش امشاسپند، و دیگر نیروهای مینوی درون تن به دیگر ایزدان مینویی تشبیه شده‌اند. همچنین در بُندَهش، هر یک از اندام‌های انسان به یک مینوی تعلق دارد: جان و هر روشنی با جان - هوش، بوی، و دیگر از این شمار - به هرمزد، گوشت به بهمن، رگ و پی به اردیبهشت، استخوان به شهرپور، مغز به سپندارمذ، خون به خرداد، و پشم و موی به امرداد تعلق دارد (جدول ۲) (فَرَنَبَغ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۵). بنابراین در دین زرتشتی اگرچه بدن، هم از بخش زمینی یا مادی و هم بخش مینوی تشکیل شده اما بخش مادی بدن نیز خود در ارتباط با یک مینوی است.

جدول ۱: مقایسه بدن انسان و جهان در بُندَهش

انسان	جهان
پوست	آسمان
گوشت	زمین
استخوان	کوه
رگ‌ها	رودها
خون در تن	آب در رود
شکم	دریا
موی	گیاه

جدول ۲: مقایسه اندام‌های انسان با مینوی‌ها در بُندَهش

اندام‌های انسان	مینوی‌ها
جان و هر روشنی با جان	هرمزد
گوشت	بهمن
استخوان	شهرپور
رگ و پی	اردیبهشت
خون	خرداد
مغز	سپندارمذ
پشم و موی	امرداد

در گزیده‌های زائُدَسَپَرَمَبَدَن به خانه‌های تشبیه شده که از گوشت و استخوان و پی و ... ساخته شده است (زائُدَسَپَرَم، ۱۳۶۶: ۴۲). بدن همچون خانه‌ای است که ساکنانی در آن سکونت دارند.

1. . baodhah
2. . daēnā
3. . urvan

این ساکنان اجزای دیگر سازنده انسانند، اجزایی همچون جان، روان، و فرورتنی. اما عالی‌ترین جزء سازنده کل انسانی، فروروشی^۱ یا فرورتنی (در پهلوی فرورهر^۲) است (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۱ و ۱۲۸). فروروشی در اوستای متأخر به معنای روح مردگان یا روح محافظ است (بویس، ۱۳۷۷: ۱۶۵ و کریستن‌سن، ۱۳۴۵: ۶۱). فروروشی هم صورت ازلی ملکوتی موجودات است و هم فرشته سرپرست و نگاهبان آنان. هر ماهیت طبیعی یا معنوی، یا هر وجودی که به عالم نور تعلق دارد، فرورتنی ویژه خود را دارد (کربن، ۱۳۷۴: ۵۵). فروروشی‌ها نخستین هستی آسمانی هستند. آن‌ها در نخستین سه هزاره جهانی که فقط به خلقت روحانی اختصاص داشت، با اورمزد زندگی می‌کردند (۹)، سپس زندگی آن‌ها در گیتی همراه با تن است و پس از مرگ باز به حالت مینوی برمی‌گردند تا در نهایت به تن خود که دوباره تجدید شده پیوندند (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

در دین زرتشتی، در نهاد هر انسان ذره‌ای از انوار ایزدی ساکن است. این پرتو مینوی که سبب ترقی و کمال انسان است، نیروی برتری است که از مبدأ اصلی خود جدا شده و مدتی محدود در عالم سفلی در بدن‌های خاکی ما سکنی گزیده است. این نیرویی است که انسان را از حالت حیوانی و انسانی به عالم فرشتگان می‌رساند. در مزدیسنا زندگی عبارت است از پیمودن درجات سعادت و کمال در این جهان و پیوستن به ساحت قدس پروردگار در جهان دیگر (ایرانی سلیسیترو، ۱۳۱۱: ۹۹ و ۶۶) و مهم‌ترین وظیفه انسان آن است که جسم خود را جایگاه امشاسپندان سازد. انسان باید تلاش کند تا انعکاس روح آفریننده و بخشنده پروردگار باشد. در انجام دادن چنین وظیفه‌ای باید دو وجه روحانی و جسمانی سرشت خود را در تعادل نگه دارد (پارتیج، ۱۳۹۰: ۲۶۹).

در مقام نتیجه‌گیری، انسان در دین زرتشتی جزئی از جهان است و مقایسه اجزای بدن انسان و جهان نشان از وحدت بین انسان و جهان در این دین دارد. انسان دارای بخش مادی (بدن) و پنج جزء مینوی «جان» و «بوی» و «دین» و «روان» و «فروروشی» است. همچنین هر یک از اندام‌های انسان در ارتباط با یک مینوی است و سعادت انسان زمانی است که بخش زمینی و مینوی وجود خود را در تعادل نگه دارد. تشبیه انسان به جهان و همچنین مقایسه بدن با خانه در دین زرتشتی نشان می‌دهد که بین انسان و جهان و ظرف سکنای او وحدت و هماهنگی برقرار است.

شهر، واسطه سعادت انسان

شهر در زبان پهلوی šahr و در اوستا xšaθra از ریشه خشا(ی)

(خُشَی) به معنای شاهیدن، شاهی یا شهرباری کردن، شایستن (توانا بودن) آمده است (۱۰) (برهان قاطع، ۱۳۴۲، ج ۳: ۱۳۱۴ و مقدم، ۱۳۴۲: ۱۶). خُشَترَه در اوستا، هم به معنای نیرو آمده و هم در توصیف مکان به کار رفته است. خُشَترَه در معنای نیرو، به معنای نیروی شهرباری مینوی، نیروی روحانی، و سلطنت آسمانی است و در شکل مکانی، به معنای مکانی که «شهرباری» در آنجا استقرار می‌یابد و همچنین قلمروی که نیروی خدایی را آشکار می‌کند، به کار رفته است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۳۳ و ۱۳۵، بویس، ۱۳۷۷: ۱۰۶ و بهار، ۱۳۷۵ ب: ۴۶۵). خُشَترَه در معنای نیرو یکی از نیروهای مجموعه خدایان گاهانی^۳ است که بر خلاف نیروهای دیگر درباره پیرو دُرُگ^۴ هم به کار می‌رود، یعنی بدون تفاوت در برابر «نیک-بد» به کار می‌رود (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۳۵). در یسنه (هات ۳۱ بند ۱۶) خُشَترَه به معنای توانایی و نیرو و در شکل مثبت آن آمده است: ای مزدا اهوره!

این را از تو می‌پرسم: آیا کسی که به نیک آگاهی، برای افزایش توانایی خانمان یا روستا یا سرزمین و پیشرفت «اشه» بکوشد، به تو خواهد رسید؟ کی [او] چنین خواهد شد و با کدامین کردار؟ (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۰ و ۲۱)

در حقیقت خُشَترَه به معنای نیروی خانه، روستا، و سرزمین است. کسی که در افزایش این نیرو کوشش کند به اهورامزدا می‌رسد. در یسنه ۴۶، هات ۱۱ خُشَترَه به معنای توانایی و نیرو، در شکل منفی آن آمده است:

«کریان» و «کوی»ها با توانایی خویش و با وادار کردن مردمان به کردارهای بد، زندگانی [آنان] را به تباهی می‌کشاند؛ [اما] روان و «دین»شان هنگام نزدیک شدن به «گذرگاه دوری» در هراس خواهد افتاد و آنان همواره باشندگان «کنام دُرُج» [خواهند بود]. (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ص ۵۶)

کوی‌ها، در این جابه معنای سران و بزرگان آریایی‌های دیویسنا است (گات‌ها: ۱۶۵) بنابراین در اینجا خُشَترَه نیرویی است که اهریمنان را یاری می‌کند.

از نظر زرتشت آنچه باعث نجات قومی می‌شود، برخورداری او از قدرت روحانی است و دانستن این که می‌تواند خود را به پایه‌ای رساند که شایسته مقام ایزدی گردد. قومی که به این پایه رسید می‌تواند در سرزمین خود سلطنت بی زوال مینوی «وهو خشتر» را برقرار سازد. انسان می‌تواند با کمک قوه «خشتره» به سعادت ابدی و صفات رحمانی که امشاسپندان مظهر آن‌ها قرار داده شده‌اند متصل گردد (ایرانی سلیسیترو، ۱۳۱۱: ۷۹-۸۲). مفهوم خشتره (نیرو) که عنصر اصلی و بنیادین در نام پادشاهان می‌باشد، نشان

1. . fravashi

2. . fravahr

۳. پنج خدای گاهانی عبارتند از: اَرْمیتی *Armaiti*، دَنّا *Daēnā*، و هومَنَه *Vohumana*، اَشَه *Aša* و خُشَترَه.

۴. دُرُگ یا دُرُج یا دُرُغ در اسطوره‌های زرتشتی دیوی است که تباه‌کننده زندگی و نابودکننده جهان راستی است (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۹۳).

از آن دارد که دارندگان آن نام به نیروی فرمانروائی برتر از طبیعت مجهز بودند (۱۱) (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۳۵).

خُشْتَرَه در شکل مکانی خود، هم به معنای قلمروی است که نیروی خدایی را آشکار می‌کند و هم مکانی که «شهریاری» در آنجا استقرار می‌یابد. معمولاً این اصطلاح چنین می‌آید: «در قلمرو نیروی تو، ای مزدا» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۳۵ و بویس، ۱۳۷۷: ۱۰۶). در یسنه، هات ۴۳ بند ۱۳ آمده است:

ای مزدا اهوره!

ترا پاک شناختم، آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد تا آماج و آرزوی مرا دریابد:

مرا زندگانی دیرپای ارزانی دار که هیچ‌کس جز تو نتواند بخشید؛ آن زندگانی آرمانی که در شهریاری مینوی تو، نوید آنداده شده است. (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۲)

در یسنه ۴۳۱۳، ۴۹۸، ۶۳۱، و ۴۶۱۰ خُشْتَرَه به معنای قلمروی است که بهشت در آن قرار دارد؛ کشور جاودانی اهورامزدا و اصطلاحی برای جهان مینوی (نیبرگ، ۱۳۵۹، ۱۳۵ و پورداوود، ۲۸۱: ۲۹۰). در یسنه، هات ۴۳ بند ۱۰ آمده است:

ای مزدا اهوره!

به‌درستی می‌گویم: هر کس - چه مرد، چه زن - که آنچه را تو در زندگی بهترین [کار] شناخته‌ای بورزد، در پرتو «منش نیک» از پاداش «اشه» [و] «شهریاری مینوی» [برخوردار خواهد شد] من چنین کسانی را به نیایش تو رهنمون خواهم شد و همه آنان را از «گذرگاه داور» خواهم گذرانم. (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۵۶)

در برخی از جاها، به عکس، مقصود از خُشْتَرَه مرکز توان و قدرت خدایی بر روی زمین است (نیبرگ، ۱۳۵۹، ۱۳۶). در آبان یشت، کرده سسی‌ام، بند ۱۳۰ به‌نظر می‌آید که این معنا مد نظر بوده است:

ای آردیسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!

اینک خواستار این کامیابی‌ام که بسیار ارجمند باشم و شهریاری بزرگی برسم که در آن خوراک بسیار آماده شود و بهره و بخش هر کس بسیار باشد؛ که در آن اسبان شیهه برکشند و گردونه‌ها بخروشند و آوای تازیانه‌ها در هوا بیچد؛ که در آن خوراک و توشه فراوان انباشته باشد؛ که در آن خوشبوها فراوان باشد؛ که انبارهایش از هر آنچه مردمان آرزو کنند و زندگی خویش را به‌کار آید؛ پر باشد. (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۲۱)

مری بویس^۱ (۱۹۲۰ - ۲۰۰۶) واژه «خُشْتَرَه» را با معنای دوگانه خود «شهریاری» و «نیرو» در رابطه با ملکوت آسمان، حاوی مفاهیمی ویژه دانسته است. «او معتقد است، همان‌گونه که مسیحیان می‌گویند: «ملکوت خداوند خواهد آمد» زرتشتیان نیز آرزومند گسترده شدن شهریاری خداوند بر روی زمین هستند» (امین‌زاده، ۱۳۸۴: ۹). با دقت در معنای واژه خُشْتَرَه در اوستا می‌توان نتیجه گرفت که این واژه هیچ‌گاه به معنای سکونتگاه زمینی به کار نرفته است. در اوستا بارها با چهار واژه از سکونتگاه‌های انسان یاد شده است که هیچ‌کدام ربطی به خُشْتَرَه ندارد. در اوستا «نمان»^۲ به معنای خانه، «ویس»^۳ به معنای قبیله و معادل بخش یا دهستان امروزی، «زنتو»^۴ (گاهانی: شوئیز) به معنای طایفه و معادل شهر امروزی، و «دهیو»^۵ به معنای «سرزمین، ایالت کشور» به کار رفته است^۶ (راشد محصل، ۱۳۸۷: ۱۲). اگرچه هر یک از این سکونتگاه‌های انسانی قرین آسمانی خود را دارند و در یشت ۱۳، بند ۱ آمده است: ما فَرَوَشی‌های وابسته به خانمان و روستا و شهر و کشور و زرتشتوم را می‌ستاییم (دوستخواه، ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۰۹) اما در حقیقت این چهار واژه صورت‌های زمینی سکونتگاه انسان هستند و خُشْتَرَه صورت آسمانی سکونتگاه انسان است (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

اصطلاح دیگری که برای شهر به کار رفته است «خوره» یا «کوره» است. خوره (خُورْتَه) هم‌ریشه «خور» (خورشید) و هر دو از ریشه اوستایی xvar به معنای درخشیدن، دریافتن، و به‌دست آوردن مشتق شده‌اند (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۸۱). این کلمه در اوستا و xvarənah، در پهلوی xwarrah، در پارسی باستان farnah و در فارسی «فر» و «فره» گردیده است (آموزگار، ۱۳۹۹: ۳۵۰ و ۳۵۱). خُورْتَه یکی از اجزای سازنده انسان است که معنای اولیه آن هر چیز خوب و خواستنی بوده و به تدریج مفهوم «بخت نیک» و «سعادت» را پذیرفته است. بنابر این می‌توان گفت خُورْتَه به معنای «بهبودی» و «سعادت» است (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۸۱ و ۸۲). جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۸). «خُورْتَه» هم‌معنای «خُشْتَرَه» است و به‌طور کلی نشان‌دهنده نیروی خوبی است. میثره^۷ در یک لحظه هم خُورْتودا، بخشنده خورنه خوانده می‌شود، و هم خشثروودا بخشنده خشثره است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۷۲). «خُورْتَه» آن شکوه و اقبالی است که از آسمان برای انسان‌های برگزیده و دادگر فرستاده می‌شد (بویس، ۱۳۷۷: ۵). این فَر موجب نیرومند شدن،

1. Nora Elisabeth Mary Boyce، استاد زبان‌های ایران باستان و دین زرتشتی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن.

2. nmana

3. vis

4. zantu

5. dahyo

۶. در بند ۱۸ هات ۳۱ سرزمین‌های ایران از نظر بزرگی عبارتند از: دمان، ویس، شوئیتهر، دخیو یعنی خانوار، ده، روستا، ایالت یا کشور (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

۷. میثره ایزد نیرومند و پیروگری است که نگهدار و پشتیبان رزمیاران است و آنان را بر دشمنان چیره می‌گرداند (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۵۷).

پیروزمندی و ترفیع مقام روحانی دارندگانش می‌گردید و شاهان و قهرمانان بزرگی خود را از آن داشتند (رضی، ۱۳۷۹: ۱۵۴ و جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۸). اصطلاح «فر کیانی» نیز به مفهوم بخت و اقبال شاهی است و مراد این بوده که صاحبش مورد تأیید الهی است (بویس، ۱۳۷۷: ۷۶). می‌توان گفت «خوره»، صورت مثالی و مینوئی کمالات و فضیلت‌های انسان و نقش آن رساندن انسان به کمال است. به دیگر سخن «خوره» علت غائی انسان است که پیش از تولد جسمانی وجود داشته و سپس در کالبد او نهاده شده است و هر کس بتواند به کمال وجودی نایل و به صفات الهی واصل گردد، پرتو خوره که مایه نیکبختی بی‌زوال هر دو جهانی است، بر سیمای او پدیدار خواهد شد (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۹۱ و ۹۲ و جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

همان‌طور که از بررسی واژه‌های دال بر معنای شهر و خانه در متون زرتشتی مشخص می‌شود، سکونتگاه‌های زمینی انسان در این دین تنها دارای وجه مادی و زمینی نیستند، بلکه دارای وجه آسمانی هم هستند که از مرتبتی بالاتر برخوردار است. همچنین ریشه واژه شهر در اوستا نشان می‌دهد که «خشتره» که بر اثر گذر زمان تبدیل به «شهر» شده و همچنین «خوره» در گذشته به معنای سکونتگاه زمینی نبوده است. «خشتره» هم به معنای نیرویی است که به انسان کمک می‌کند تا به سعادت دست یابد و هم به معنای مکانی است که نیروی خدایی در آن حضور داشته باشد. خشتره در ایران باستان صورت آسمانی سکونتگاه انسان، نمادی از عالم مینوی و وسیله‌ای برای رسیدن انسان به کمال است. تغییر کاربرد واژه خشتره و خوره برای سکونتگاه زمینی انسان نشان از آن دارد که انسان همواره تلاش می‌کند تا در سکونتگاه زمینی خود، ساحت آسمانی آن را برقرار سازد و در حقیقت شهر وسیله‌ای است برای رسیدن انسان به مراتب عالی زندگی.

انسان، خانه، و شهر در مسیحیت

انسان: موجود گناهکار یا روح خدا

انسان در مسیحیت آفریده برگزیده خداوند است که از دو وجه الهی و مادی سرشته شده است. بخش مادی وجود آدمی، بدن و بخش روحانی آن نفس و روح است (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۵۲ و ۱۵۳). مطابق تعالیم کتاب مقدس، انسان‌ها پاک و مقدس آفریده شده‌اند چراکه خداوند، انسان را به صورت خویش آفریده است (پیدایش، ۱: ۲۶ و ۲۷). همچنین در انجیل آمده است که خدا روح خود را به انسان عطا می‌کند (اول قرنتیان، ۲: ۱۲) و همان‌جا انسان را «خانه خدا» می‌نامد که روح خدا در آن ساکن است: آیا هنوز پی نبردید که همه شما با هم، خانه خدا هستید

و روح خدا در میان شما، یعنی در این خانه ساکن است؟» (اول قرنتیان، ۱۶:۳)

در تلمود (۱۲) نیز انسان با عباراتی نظیر «جهان کوچک»، «موجودی شبیه خدا»، و «موجودی متصف به عظمت» یاد شده است. هر انسان با همه عالم آفرینش برابر است، بخشی از انسان آسمانی و بخش دیگرش زمینی است. در تلمود به نحوی آشکار همانندی‌های معنایی -- نه صوری -- دو ظرف سکنا انسان، یعنی بدن و شهر، نشان داده شده است: موهای انسان به جنگل‌ها، لب‌های او به دیوارها، دندان‌هایش به درها، گردنش به برج‌ها و ... تشبیه شده است (جدول ۳) (کهن، ۱۳۵۰: ۸۷-۹۱).

جدول ۳: مقایسه بدن انسان با شهر در تلمود

شهر	انسان
جنگل	موها
دیوارها	لب‌ها
درها	دندان‌ها
برج‌ها	گردن

اما در مسیحیت انسان همچنین موجودی گناهکار است. در نامه پولس به مسیحیان آمده است:

«وقتی حضرت آدم (ع) گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت اما عیسی مسیح (ع) از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان انسان گشت» (رومیان، ۱۲:۵ و ۱۶) همچنین می‌خوانیم:

«مگر نمی‌دانید که وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم، جزئی از وجود پاک او شدیم و با مرگ او، طبیعت گناه‌آلود ما نیز مرد؟ هنگامی که مسیح مرد، طبیعت کهنه ما هم که گناه را دوست می‌داشت، با او در آب تعمید دفن شد» (رومیان، ۶:۲-۴)

زندگی مادی انسان بر اثر این گناه به مجازات تبدیل شده و آرامش در زندگی مادی، بیش از آنکه تأمین برای خوشبختی انسان باشد، تسکینی برای بدبختی است و تا زمانی که انسان در جسم مادی خود زندگی می‌کند، نمی‌تواند هیچ درکی از حقیقت داشته باشد (آگوستین قدیس، ۱۳۹۲: ۸۷۱-۱۰۱۰).

می‌توان گفت که دو جنبه متفاوت در مورد انسان و بدن او در مسیحیت وجود دارد: جنبه مثبت و منفی. در جنبه منفی انسان موجودی گناهکار و تباه شده است که جز با عنایت الهی، امکان رهایی از این تباهی وجود ندارد. در این جنبه بدن عامل گناه روح و تباهی انسان است. اما در جنبه مثبت، انسان موجودی الهی است که شبیه خدا آفریده شده و بخشی از آن آسمانی و بخش

شهر یا دو جامعهٔ انسان‌ها می‌نامد (آگوستین قدیس، ۱۳۹۲: ۶۱۹). جامعه‌ای را که بر حسب انسان زندگی می‌کنند، «شهر زمینی» می‌نامد و گروهی را که بر حسب خدا زندگی می‌کنند، «شهر خدا» می‌نامد (آگوستین قدیس، ۱۳۹۲: ۶۸۰).

از نظر آگوستین «این دو شهر از دو محبت تشکیل شده‌اند: شهر زمینی از محبت به خود به بهای خوار شمردن خدا تشکیل شده است و شهر آسمانی از محبت به خدا به بهای خوار شمردن خود. شهر زمینی به خود مباحثات می‌کند و شهر آسمانی به خداوند. زیرا شهر زمینی جلال خود را از مردم می‌طلبد، ولی شهر آسمانی بزرگ‌ترین جلالش را در خدا می‌یابد (آگوستین قدیس، ۱۳۹۲: ۶۱۷). بنابراین اساس و بنیاد شهر از نظر آگوستین، محبتی است که در آن حاکم است و این محبت است که ماهیت شهر را روشن می‌کند. از نظر آگوستین هدف هر شهری چه زمینی و چه آسمانی رسیدن به صلح و آرامش است. اما تفاوت این دو شهر در نحوهٔ رسیدن به آرامش مطلوب است. شهر زمینی هدفش تأمین صلح و آرامش در این دنیا و ایجاد توافق میان انسان‌هاست و می‌کوشد این توافق را با استقرار نظم بر روابط اعضای جامعه عملی سازد اما هدف جامعه آسمانی رسیدن به صلح و آرامش یزدانی است و شهر خدا تنها شهری است که انسان را به سعادت می‌رساند (فاستر، ۱۳۶۲: ۳۶۸ و ۳۷۹).

توماس آکویناس نیز همچون آگوستین، حکومت زمینی و حکومت آسمانی را از هم تفکیک می‌کند و وظیفهٔ حکومت زمینی را تأمین صلاح و خیر در این جهان می‌داند. اما او معتقد است که در ورای حکومت زمینی که بر اساس قوانین بشری اداره می‌شود حکومت دیگری نیز وجود دارد، چرا که انسان هدفی والا تر از زندگی در این جهان دارد (خاتمی، ۱۳۷۳: ۱۱۵). از نظر آکویناس انسان دو هدف دارد: هدف طبیعی و هدف فوق طبیعی. هدف طبیعی انسان حفاظت از وجود و به دست آوردن سعادت دنیوی است و هدف فوق طبیعی او نجات دادن روح و تنعم از رحمت الهی در سرای آخرت است (فاستر، ۱۳۶۲: ۴۵۰). هدف شهر نیز همان هدف انسانی است که در آن زندگی می‌کند. اگر هدف از آفریده شدن انسان بهره‌مندی از خیری باشد که در نفس و خلقتش قرار دارد، هدف نهایی از شهر نیز همان است که آن جامعه به چنین خیری دست یابد. حال چنین هدفی نمی‌تواند تنها جسمانی باشد چرا که انسان‌ها فقط به این قصد که بتوانند عمری در کنار هم به خوشی بگذرانند با هم پیوند و معاشرت برقرار نمی‌کنند. در حقیقت هدف انسان‌هایی که در اجتماع دور هم گردآمده‌اند زندگی کردن مطابق با اصول فضیلت است و با زیستن فضیلت‌آمیز به غایت حیات بشری دست می‌یابند و از این‌رو به دست آوردن یک زندگی آمیخته به فضیلت، هدف نهایی

دیگرش زمینی است. در این دیدگاه بدن عامل گناه روح نیست، بلکه ظرفی است برای حضور خداوند.

شهر: عرصه‌ای برای گناه یا زندگی فضیلت‌مندانه
در این بخش ابتدا به معنای شهر در کتاب مقدس می‌پردازیم و سپس شهر را از نظر آگوستین و توماس آکویناس، دو متفکر نامدار مسیحی، مطالعه می‌کنیم. همان‌طور که در سنت مسیحی دو جنبه در مورد بدن انسان بیان شد، برای شهر هم دو جنبه وجود دارد: منفی و مثبت.

در نگرش منفی، شهر مرکز گناه، ظلم، و ستم و مکان زندگی قوم سرکش است (کروک، ۱۹۹۷: ۶). بر اساس روایت کتاب مقدس، پس از اخراج آدم و حوا از باغ، پسرشان قابیل، شهری تأسیس کرد و بدین ترتیب اولین سازنده شهر شد (گونسالویس، ۲۰۱۶: ۱۸۹). در تورات از سدوم^۱ و گمورا^۲ به عنوان دو شهر شیطانی یاد می‌شود که آتشی از بهشت آن‌ها را ویران کرد. در انجیل شهر مکانی است که بشر گناهکاری را در آن گسترش می‌دهد و مرکزی برای نیروی شیطان و زبردستان‌هاست (بل، ۲۰۱۴: ۱). شهر به عنوان مرکز شرارت، بی‌عدالتی اجتماعی و پناهگاه ارتداد است و از شهر بابل به عنوان نمایندهٔ این شهر یاد می‌شود. بنابراین شهرها مانند بودن انسان‌ها در انجیل منشأشان در گناه، شورش، و خشونت است، اما به نظر می‌رسد خداوند یک طرح نجات‌بخش برای زندگی شهری دارد که تنها با پرده‌برداری از اورشلیم جدید کامل می‌شود (جیکسن، ۱۹۹۴: ۳۹۵).

در نگرش مثبت، شهر در کتاب مقدس نشان‌دهندهٔ عالم صغیری از طرح نجات‌بخش خداست (کروک، ۱۹۹۷: ۶). در مزامیر شهر مکانی است که انسان می‌تواند در آن زندگی پرمعنی، غنی، و پر نعمت را تجربه کند و در انجیل شهر به مثابه مکان سکونت خدا و مخلوقاتش توصیف شده است و از شهر اورشلیم به عنوان شهر خدا نام برده می‌شود (بل، ۲۰۱۴: ۱) و جیکسن، ۱۹۹۴: ۳۹۵. شهری که در آن صلح و عدالت برقرار می‌شود و حاکمان عادلانه حکومت می‌کنند؛ شهری که سازنده آن خداست (ستاگول، ۲۰۱۵: ۱۰).

در مکاشفه در توصیف اورشلیم آمده است:

«... از آن جا شهر اورشلیم را دیدم که از جانب خدا از آسمان پایین می‌آمد. شهر غرق در جلال و شکوه خدا بود، و مثل یک تکه جواهر قیمتی که بلورهای شفافش برق می‌زند، می‌درخشید.» (مکاشفه، ۲۱: ۱۰-۱۲)

سنت آگوستین در شهر خدا، جامعهٔ بشری را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروهی که بر حسب انسان و بر طبق امیال جسمانی زندگی می‌کنند و گروهی که بر حسب خدا زندگی می‌کنند و خواسته‌هایشان یزدانی است. و این دو گروه را دو

1. . Soddom

2. . Gomorrah

اجتماع بشری است، ولی از آنجا که تقدیر بر این قرار گرفته که انسانی که فضیلت‌مندانه زندگی می‌کند، تا به هدفی والاتر نایل گردد که مجاورت با خداست، بنابراین جامعه انسانی همان هدفی را که فرد انسان داراست باید داشته باشد. پس هدف نهایی اجتماع این نیست که طبق آیین فضیلت زندگی کند بلکه این است که به کمک یک زندگی آمیخته به فضیلت و پارسایی، به نعمت همجواری خدا نایل گردد (فاستر، ۱۳۶۲: ۴۵۳ و ۴۵۴).

پس می‌توان گفت که همانند انسان، شهر نیز در مسیحیت دو جنبه مثبت و منفی دارد که غلبه هر یک به ترتیب «شهر خدا» و «شهر زمینی» را می‌سازد. در جنبه مثبت شهر مکانی است که انسان می‌تواند خواست‌های زندگی پرمعنی و متعالی را پی‌بگیرد و در جنبه منفی شهر مکان گناه و ظلم و تأمین نیازهای مادی است. این شباهت جنبه‌های مثبت و منفی انسان و شهر در مهم‌ترین وجه مورد نظر مسیحیت، یعنی «محبت» و «ایمان»، در دین مسیحیت و همچنین قیاس آشکار بدن با شهر در کتاب مقدس، نشان می‌دهد که بین بدن و ظرف سکناي انسان (خانه-شهر) در این دین وحدت و هماهنگی بنیادی برقرار است.

انسان، خانه، و شهر در اسلام انسان: اشرف مخلوقات

انسان در اسلام جانشین خداوند بر روی زمین است. در آیه ۳۰ سوره بقره خداوند انسان را خلیفه خود روی زمین خطاب می‌کند: «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت، [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد، و خون‌ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم. فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید». همچنین در سخنی از پیامبر اکرم (ص)، خدا انسان را به صورت خود آفریده است و او ذاتاً کامل و زیبا است (حکمت، ۱۳۸۴: ۲۲ و ۲۱۰ و فولادوند، ۱۳۷۶). انسان در اسلام موجودی است که هم سرشتی روحانی دارد و هم سرشتی مادی. روح و نفس به عنوان جنبه‌های روحانی انسان هستند که او را با حقایق عالم علوی مرتبط می‌کنند، اما وجود جسم یا بدن نیز برای این حیات ضرورت دارد (نصر، ۱۳۸۰: ۲۹۲ و شیمل، ۱۳۷۶: ۴۰۳). از نظر اسلام انسان زمانی به کمال و سعادت دست می‌یابد که هم نیازهای جسمش برآورده شود و هم روحش به کمال وجودی نایل آید. در مجموع تعالیم اسلامی درباره بدن، بر مبدأ الهی آن تأکید می‌شود یعنی بر این که بدن آفریده خداوند است و به‌عنوان غایت، بیشترین اهمیت را برای فهم وضعیت بشری دارد (۱۳: نصر، ۱۳۹۳: ۳۲۹).

در اسلام نیز مانند بسیاری از دین‌های دیگر، انسان را با جهان قیاس کرده‌اند. مبسوط‌ترین شرح‌ها درباره این مضمون را

می‌توان نزد فارابی، اخوان الصفا، و ابن عربی، و در دوره‌های بعد، نزد عزیزالدین نسفی و ملاصدرا دید. اخوان الصفا جهان را همان انسان کبیر و انسان را همان جهان صغیر می‌دانستند. جهان با همه افلاک و طبقات آسمان‌ها و عناصرش به منزله جسمی واحد است، و نفسی واحد دارد و تن انسان جزئی از این جسم جهانی، و نفس او پرتوی از این نفس واحد است (قمیر، ۱۳۶۳: ۵۰ و فاخوری، ۱۳۷۳: ۲۲۸). اخوان الصفا در مقایسه انسان و جهان، استخوان‌ها را به کوه‌ها، گوشت را به زمین، رگ‌ها را به دریا و روده‌ها، دماغ و سینه را به فلک‌ها، اعضای رئیسه را به کواکب، قوت‌های نفسانی را به ملائکه، و نفس انسانی را به پروردگار تشبیه می‌کنند (جدول ۴) (مکتوم، ۱۳۶۵: ۸۸). آن‌ها برای شناخت انسان و توصیف او از جسم انسان شروع می‌کنند، زیرا شناخت انسان از روی نفس او را دشوار می‌دانند و برآنند که شناخت بدن و افعال آن شناخت نفس را آسان‌تر می‌کند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵: ۳۸۳). اخوان بدن را همچون خانه‌ای می‌دانند که روح در آن ساکن است. آن‌ها در مقایسه خانه و بدن انسان، جریان صوت در حلقوم را به دهلیز خانه، سینه انسان را به صحن خانه، عقل را به مثابه مصدرنشین خانه، حواس ظاهر را به سپاهیان، حواس باطنی را به ندیمان، دستان را به خادمان و انگشتان را به صنعتگران و هنرمندان تشبیه می‌کنند (جدول ۵) (اخوان الصفا، ۱۴۰۵: ۲۸۳).

جدول ۴: مقایسه بدن انسان و جهان بر پایه رسائل اخوان الصفا

انسان	جهان
استخوان‌ها	کوه‌ها
گوشت	زمین
رگ‌ها	دریا و رودها
دماغ و سینه	فلک‌ها
اعضای رئیسه	کواکب
قوت‌های نفسانی	ملائکه
نفس انسانی	پروردگار

جدول ۵: مقایسه بدن انسان و خانه بر پایه رسائل اخوان الصفا

انسان	خانه
جریان صوت در حلقوم	دهلیز
قلب	حیاط
عقل	شاه‌نشین
حواس ظاهری	سپاهیان
حواس باطنی	ندیمان
دستها	خادمان
انگشتان	صنعتگران و هنرمندان

اخوان الصفا بدن انسان را به شهر نیز تشبیه کرده‌اند. دستگاه‌های زیستی بدن انسان به محله‌های شهر و عمارت‌های آن و عضوهای بدن که به وسیله مفاصل به یکدیگر وصل شده‌اند

به خیابان‌های شهر که محله‌ها را به هم وصل می‌کنند، تشبیه شده است. ساکنان این شهر یعنی نفس و قوای آن می‌توانند از ۳۶۰ منفذ بگذرند و دارای ۳۹۰ نهر هستند که به وسیله آن شهر را آب می‌دهند. مرکز این شهر قلب است. قلب نه تنها عضو مرکزی و حساس بدن است که در حیات جسمانی از کلیه قسمت‌های بدن حساس‌تر است، بلکه مرکز ادراک و هدایتگری است و در سیر و سلوک معنوی سهم عمده و اساسی را دارد (جدول ۶) (نصر، ۱۳۹۹: ۱۵۸ و ۱۵۹). قلب آدمی همچون خانه‌ای است که باید همواره از هر آنچه غیر است تمیز و پاکیزه نگه داشته شود. تنها به هنگام تمیز بودن کامل این خانه و زدودن آن از هرگونه غبار تفکرات و تعلقات دنیوی است که روح می‌تواند در آن سکنا گزیند (شامل، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

جدول ۶. مقایسه بدن انسان و شهر بر پایه رسائل اخوان الصفا

انسان	شهر
دستگاه‌های زیستی	محله‌های شهر و عمارت‌های آن
عضو های بدن	خیابان‌هایی که محله‌ها را به هم وصل می‌کنند
قلب	مرکز شهر
نفس و قوای آن	ساکنان شهر
رگ‌ها	نهرهای آب

مقایسه شهر و انسان امری دیرین است و در میان متفکران جهان اسلام آن را پیش از اخوان الصفا در نوشته‌های معلم اول، فارابی، می‌بینیم. فارابی مدینه فاضله را به بدن تام‌الاعضاء و تن‌درست تشبیه می‌کند که همه اعضای آن در راه ادامه زندگی و حفظ آن همکاری می‌کنند؛ رئیس مدینه را به قلب، وظیفه هر یک از اعضای بدن در جهت بقا و دوام بدن را به همکاری اعضای مدینه برای رسیدن به سعادت، و تفاوت اعضای بدن از نظر فطرت و نیرو را به تفاوت اعضای مدینه از نظر خدمت و مرتبه تشبیه می‌کند (فارابی، ۱۳۶۱: ۴۶ و ۲۵۶). فارابی جایگاه بدن را در کسب سعادت انسانی مؤثر و آن را در تشکیل مدینه دارای تأثیر بسزا می‌داند؛ گرچه این تأثیر زمانی فضیلت خواهد داشت که بدن به‌عنوان ابزاری در خدمت تعالی عقل و نفس مجرد دیده شود. بر همین منوال اگر سازوکارهای جامعه‌ای صرفاً مبتنی بر تمایلات بدنی آن جامعه شکل گیرد، از نظر فارابی پیامد آن مدینه‌ای غیرفاضله خواهد بود (مقدم و محمدی ایشیانی، ۱۳۹۶: ۵۶ و ۵۵).

نزد ابن عربی انسان همان عالم کبیر است و عالم همان انسان صغیر. انسان را از آن جهت عالم کبیر می‌گویند که همه اسماء و حقایق عالم وجود در او تجلی نموده است و از آن جهت عالم را انسان صغیر می‌گویند که انسان مظهر تمام آن چیزهایی است که در عالم ظهور پیدا می‌کند (کرمانی، ۱۳۸۶: ۲۸). ابن عربی، بسیاری از این مضامین را در بحث از بدن، در آثار متعدد خویش به‌خصوص در الفتوحات المکیه (اشراق‌های مکی)، تشریح کرده است. او همچنین در التدبیرات الالهیه فی اصلاح المملکه

الانسانیه (تدبیرهای الهی در اصطلاح مملکت انسانی) به اهمیت روحانی بدن پرداخته است. ابن عربی بدن را اقامتگاهی می‌داند که روح در آن ساکن است. او باور دارد که نخستین موجودی که خداوند آفرید، یک جوهر روحانی بسیط بود، و این موجود را همان خلیفه مقیم در بدن می‌داند. بنابراین، بدن جایگاه برترین واقعیتی است که خداوند در کل عالم آفریده است، یعنی جایگاه روح خداوند است. ابن عربی، معتقد است همین که خداوند آن خلیفه را آفرید، به‌عنوان اقامتگاه او شهری با کارگران، کارفرمایان، و هیئت حاکمه، که تمامیت آن را بدن نامیده است، بنا کرد. این شهر چهار رکن دارد، منطبق با عناصر چهارگانه عالم و مرکزی که خداوند به‌عنوان اقامتگاه آن خلیفه انتخاب کرده است و این مرکز همان قلب است. قلب جایگاهی است که در آن ساحت جسمانی مرتبه بشری با برترین ساحت وجود انسان تلاقی می‌کند (نصر، ۱۳۹۳: ۳۳۷-۳۳۹).

عزیزالدین نسفی در الانسان الکامل در شرح نسبت انسان و جهان، عالم هستی را کتاب بزرگ الهی می‌داند که فرشتگان قادر به خواندن آن نبودند و خداوند مختصری از آن کتاب را برای ملائکه بازنوشت. کتاب بزرگ را عالم کبیر و کتاب خرد را عالم صغیر نام نهاد. خلیفه خداوند در عالم صغیر، عقل و خلیفه او در عالم کبیر، انسان است (نسفی، ۱۳۷۷: ۱۸۶). از نظر ملاصدرا چنان‌که عالم در عین وحدت دارای دو مرتبه غیب و شهادت یا جسمانی و روحانی است، انسان نیز در عین وحدت، دارای مرتبه روحانی (مرتبه عالی نفس) و مرتبه جسمانی (مرتبه نازل نفس، یعنی بدن) است. به سخن دیگر نزد ملاصدرا بدن مرتبه نازل نفس و نفس، بدن تکامل یافته است (شجاری و محمدعلیزاده، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۱۲).

همان‌طور که از قرآن و روایات اخوان الصفا و دیگر متفکران یادشده درباره نسبت انسان و جهان برمی‌آید، مقایسه انسان و جهان و تشبیه قسمت‌های مختلف بدن انسان با اجزای جهان نشان‌دهنده وحدت بین انسان و جهان در اسلام است. همچنین انسان همچون عالم از دو وجه مادی و معنوی تشکیل شده است. ویژگی اصلی بدن انسان در این دنیا آن است که به مثابه ظرف سکنای روح اوست؛ خانه‌ای که ملزومات رشد و رسیدن به کمال را برای آن فراهم می‌کند. همچنین قیاس بدن با خانه و شهر نشان می‌دهد که نزد متفکران اسلامی بین بدن و ظرف سکنای انسان (خانه-شهر) وحدت و هماهنگی بنیادی برقرار است.

شهر: مکان اتصال به حقیقت الهی

در قرآن «قریه» و «مدینه» برای نامیدن سکونتگاه جمعی انسان به کار رفته است. «قریه» از ریشه «قَرَى» به معنای «جمع شدن» آمده است. «قریه» نامی است برای محلی که انسان‌ها در آن اجتماع می‌کنند و گاه این واژه بر اجتماع انسان‌ها هم دلالت

می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳:۱۸۳). «مدینه» از ریشهٔ مَدَن به معنای اقامت کردن و ساکن شدن در جایی است. «مدینه» واژه‌ای آرامی است، جایگاهی که عدالت در آن اجرا می‌شود و گذشته از موقعیت اداری، دارای نقش مذهبی پراهمیتی نیز بوده است (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۳). مدینه به معنای «پرستار» یا «دایه» نیز آمده که در ظاهر منظور حمایت و حراست شهر از ساکنانش است و در باطن حفظ آن از مقصود عالی بنیاد شهر. تَمَدَّن به معنای برخوردار شدن از اخلاق اهل شهر، در مرحلهٔ کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن و حرکت از بربریت به انسانیت است. بنابراین تمدن، قبل از آنکه به معنای پیشرفت اقتصادی، سیاسی، کالبدی و غیره باشد، به معنای برخوردار شدن از بالاترین مراتب تربیت، ادب، دانایی، و معرفت است (براتی، ۱۳۸۲: ۱۲ و المنجد ۱۳۲۶: ۷۵۲).

واژهٔ قریه و جمع آن، قری، ۵۷ بار در قرآن آمده است (قریه ۳۳ بار (۱۴)، قری ۲۲ بار (۱۵)) که در یک مورد منظور شهر مکه یا طائف است و ام القری نیز دو بار در قرآن به کار رفته، که منظور از آن شهر مکه است. در قرآن هرگاه سخن از شهری است که مردمان آن ستمکار بودند یا به عذاب الهی دچار شدند یا پیامبرشان از آن شهر خارج شده است، از واژه قریه استفاده شده است. «مدینه» چهارده بار در قرآن به کار رفته است که در چهار مورد منظور شهر یثرب^۱ و در پنج مورد منظور شهر مصر^۲ است؛ در یک مورد منظور شهری است که اصحاب کهف در آن زندگی می‌کردند^۳، و در بقیهٔ موارد منظور محل حضور پیامبران است^۴.

در آیات ۱۳-۳۰ سورهٔ یس، سرگذشت تعدادی از انبیا ذکر می‌شود که مأمور هدایت قومی مشرک و بت پرست بودند که قرآن از آن‌ها به عنوان «اصحاب القریه» یاد کرده است. آن‌ها به مخالفت برخاستند و آنان را تکذیب کردند و سرانجام به عذاب دردناکی گرفتار شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳ ج ۱۸: ۳۳۹). مردم قریه را برایشان مثل بیابور که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳ ج ۱۸: ۳۴۰).

در این آیه از مکان زندگی این قوم با عنوان «قریه» یاد شده است. مفسران مراد از قریه در این آیه را، منطقهٔ انطاکیه می‌دانند که از شهرهای قدیم روم و جزء شهرهای تجاری آن زمان بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳ ج ۱۸: ۳۴۰). اما زمانی که در آیهٔ ۲۰ این سوره از مردی با ایمان در نقطهٔ دوردست آن شهر صحبت می‌شود، واژهٔ مدینه به کار رفته است.

و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد

[و] گفت ای مردم از این فرستادگان پیروی کنید «سورهٔ یس، آیهٔ ۲۰» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳ ج ۱۸، ۳۴۶ و ۳۴۷) در سوره کهف آیهٔ ۷۷ و ۸۲ نیز همین نسبت را شاهدیم. زمانی که در آیهٔ ۷۷ از مردمی صحبت می‌کند که از مهمان کردن حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) خودداری کردند و به آن‌ها غذا ندادند، از «قریه» استفاده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱ ج ۱۲: ۴۹۴).

باز به راه خود ادامه دادند تا به روستایی رسیدند. از اهالی آن جا غذا خواستند؛ ولی آنان از مهمان کردن آن دو خودداری نمودند. ایشان در میان روستا به دیواری رسیدند که داشت فرو می‌ریخت. (خضر) آن را تعمیر و بازسازی کرد. (موسی) گفت: اگر می‌خواستی می‌توانستی در مقابل این کار مزدی بگیری (و شکم‌مان را بدان سیر کنی. آخر فداکاری با این مردمان فرومایه، حیف است). «سورهٔ کهف، آیهٔ ۷۷» اما در آیهٔ ۸۲، جایی که از دیواری در آن شهر صحبت می‌کند که متعلق به دو نوجوان یتیم است که پدر آن‌ها مرد صالحی بوده، از مدینه استفاده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱ ج ۱۲: ۵۰۴).

و اما آن دیوار متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و زیر دیوار گنجی وجود داشت که مال ایشان بود و پدرشان مرد صالح و پارسائی بود ... «سورهٔ کهف، آیهٔ ۸۲» از بررسی موارد کاربرد واژهٔ «قریه» در قرآن مشخص می‌شود که این واژه بیشتر در مواردی به کار رفته است که اهالی آن منطقه به علت انجام کارهای ناشایست و مخالفت با پیامبران شایسته عذاب هستند و خداوند همواره اهل قریه‌ها را تهدید به عذاب‌های دنیوی و اخروی می‌کند (محبوب و پور عبدلی، ۱۳۹۸: ۶۹ و ۶۸) و قریه در قرآن اغلب در موارد نکوهش، در ذکر آبادی‌هایی که اهل ایمان نبوده و در جهالت زندگی می‌کرده‌اند، به کار رفته است و تمدن به معنی خروج از جهل و داخل شدن به راه انسانیت و ترقی است (قریشی، ۱۳۵۲: ۲۴۴ و ۲۴۵). در قرآن مولفه‌هایی مانند جمعیت، وسعت، تفاوت شرایط اقتصادی و اجتماعی برای تفاوت میان «مدینه» و «قریه» به کار نمی‌رود و آن چه این دو را از هم متفاوت می‌کند، ایمان به خدا است (ربیسی، ۱۳۹۵: ۲۵).

برخلاف تفاوت‌های امروزی بین روستا و شهر، تفاوت «قریه» و «مدینه» در جمعیت یا پیشرفت‌های مادی و ظاهری سکونتگاه انسان نیست، بلکه نوعی تفاوت مرتبه میان

۱. شوری: ۷، انعام: ۹۲.

۲. سوره توبه آیه ۱۰۱ و ۱۲۰، سوره احزاب آیه ۶۰، سوره منافقون آیه ۸.

۳. سوره اعراف آیه ۱۲۳، سوره یوسف آیه ۲۰، سوره قصص آیه ۱۵، ۱۸ و ۲۰.

۴. سوره کف آیه ۱۹.

۵. سوره حجر آیه ۶۷ محل زندگی لوط پیامبر و سوره نمل آیه ۴۸ شهر قوم صالح.

همان‌طور که مطالعه سه دین زرتشتی و مسیحیت و اسلام که در این مقاله با نهایت اختصار انجام شد، نشان داد، در هر سه دین انسان با جهان قیاس شده است. این قیاس و همچنین تشبیه بدن به خانه و شهر در هر سطح نصوص و تفاسیر سه دین، وجه مشترک مهمی میان آن‌ها را نشان می‌دهد که پیوندی ماهوی و اصولی میان انسان، جهان، و ظرف سکنا یا برقرار می‌داند، به نحوی که سعادت و خوشبختی آن‌ها بر مبنای میزان و معیار واحدی سنجش پذیر است.

در دین زرتشتی، انسان آفریده اهورامزدا است که علاوه بر جنبه زمینی (گتیا)، جنبه آسمانی (منه) هم دارد که او را با جدول ۷: ظرف سکنا انسان در سه دین زرتشتی و مسیحیت و اسلام

ظرف سکنا انسان		دین
شهر	بدن	
وسيله‌ای برای رسیدن انسان به سعادت و کمالی که شایسته آن است	خانه‌ای برای اجزاء دیگر انسانی همچون جان، روان و فرّوزتی	زرتشتی
عرصه خشونت، جنگ و گناه	زندان روح و عاملی برای گناه	مسیحیت
وسيله‌ای برای رسیدن به زندگی فضیلت‌مندانه و همجواری خدا	ظرفی برای حضور خداوند	اسلام
جایی که انسان را به حقیقت الهی متصل می‌کند	از گل یا از ماده کثیفی برساخته شده که روح الهی در آن دمیده شده است	

اینکه بدن می‌تواند به ظرفی بدل شود که حامل حضور خداوند باشد. بر همین سیاق، در مسیحیت دو جنبه برای شهر وجود دارد. شهر زمینی محل گناه، خیانت و تأمین نیازهای مادی و جسمانی است، اما شهر آسمانی جایی است که به انسان کمک می‌کند تا با زندگی سرشار از فضایل به همجواری خداوند نایل گردد. در اسلام، انسان جانشین خداوند بر روی زمین و ذاتاً کامل و زیباست. انسان موجودی است که در میان آسمان و زمین در نوسان است، هم سرشتی روحانی دارد و هم سرشتی مادی که هر دو در کنار هم برای زندگی او ضرورت دارند. شهر در اسلام جایی است که انسان را به حقیقت الهی متصل کند. در قرآن جایی شهر یا مدینه نامیده می‌شود که اهالی آن اهل ایمان باشند. آن که اهل ایمان است، گرچه در واقع در قریه زندگی کند، در حقیقت ساکن مدینه است (جدول ۷ و جدول ۸).

همان‌طور که بررسی‌ها نشان داد، در هر سه این ادیان انسان همواره تلاش می‌کند صورت آسمانی ظرف سکنا خود را روی

«مدینه» و «قریه» دیده می‌شود. «قریه» در قرآن مفهومی عام دارد و هر گونه آبادی و مرکز اجتماع انسان‌ها، اعم از شهر و روستا، را شامل می‌شود و سکونتگاهی مدینه نامیده می‌شود که فارغ از پیشرفت‌های مادی، از رشد و پیشرفت معنوی برخوردار باشد. بر همین اساس بسیاری از شهرها با وجود پیشرفت‌های مادی «قریه» نامیده می‌شوند و سکونتگاه‌های کوچک که به دلیل رشد معنوی «مدینه» به مرتبه مدینه ارتقا می‌یابند.

بررسی تطبیقی انسان و ظرف سکنا او در سه دین زرتشتی، مسیحیت، و اسلام

عالم روحانی یا آسمانی مرتبط می‌کند. در این دین، شهر نمادی از عالم مینوی است که انسان به وسیله آن می‌تواند به سعادت و مراتب عالی زندگی دست یابد. در حقیقت شهر آن شکوه و اقبالی را که موجب پیروزمندی و ترفیع مقام روحانی انسان می‌شود در اختیار او قرار می‌دهد. همان‌طور که برای این که بدن انسان جایگاه امشاسپندان و انعکاس روح آفریننده خود باشد، باید وجه روحانی و جسمانی سرشت خود را در تعادل نگه دارد، خانه انسان نیز برای اینکه مکانی برای رشد و کمال انسان باشد، باید به تعادل میان جنبه‌های مادی و معنوی برسد و این تعادل چیزی نیست مگر آماده ساختن وجه جسمانی برای پذیرش خواست‌های مینوی. در مسیحیت نیز انسان آفریده خداوند و دارای حقیقتی مادی و معنوی است. این دو جنبه متفاوت برای انسان و نیز بدن او قائل است. نخست این که انسان موجودی گناهکار است و بدن عامل گناه روح و ابزاری برای خواهش‌های شریرانه است که برای انسان تباهی به ارمغان می‌آورد؛ و دیگر

جدول ۸: اشتراکات و افتراقات انسان و جهان در سه دین زرتشتی و مسیحیت و اسلام

دین	اشتراکات	افتراقات
زرتشتی	- جهان: جهان از دو ساحت مادی و معنوی تشکیل شده و هدف انسان‌ها رسیدن به آرامش و سعادت در ملکوت خداوند است. - انسان: انسان آفریده خداوند است. ماهیت انسان ماهیتی مرکب است و در عین وحدت در وجود، ساختاری دوگانه یا چندگانه دارد.	- جهان: جهان مادی (گنیک)، انعکاس جهان مینوی بر روی زمین است. بنابراین جهان مادی پلید نیست. - انسان: انسان دارای ذاتی پاک و فطرتی الهی است. - بدن (بخش مادی وجود انسان): بدن خانه نفس و بخش اصلی و مهم وجود آدمی است که خودبخود پلید نیست. - بخش غیرمادی وجود انسان: جان، بوی، وجدان، نفس، قرین آسمانی
مسیحیت	- جهان: زندگی مادی بر اثر گناه اولیه، به مجازات تبدیل شده است و بنابراین توصیه شده از آن پرهیز شود. - انسان: انسان موجودی گناهکار، پلید و ناپاک است. و به سبب گناه اولیه در او کمالی نیست و تنها به وسیله ریاضت و دوری از دنیا می‌تواند به سعادت و نجات اخروی دست یابد. - بدن (بخش مادی وجود انسان): بدن ابزاری است برای خواهش‌های شریانه و عامل گناه روح است که برای انسان تباهی به ارمغان می‌آورد. - بخش غیرمادی وجود انسان: روح و نفس	- جهان: جهان مادی انعکاسی از جهان ملکوتی است و زندگی مادی وسیله‌ای برای رسیدن به کمال و زندگی ملکوتی است. - انسان: انسان خلیفه خدا بر روی زمین و از روح الهی است. - بدن (بخش مادی وجود انسان): بدن خانه روح - بخش غیرمادی وجود انسان: روح و نفس
اسلام		

چنانکه می‌دانیم پس از قرون وسطا جایگاه دین، به معنای آسمانی پیشین خود، در فرهنگ غربی به نحوی دچار نقصان و تزلزل شد. می‌توان تصور کرد که این تزلزل که با قدرت گرفتن خرد و علوم جدید همراه بود، می‌بایست تغییری در تلقی از سه مفهوم انسان و جهان و ظرف سکنای انسان ایجاد کرده باشد. بی‌آنکه بخواهیم در این باره تفسیری قطعی در این مقاله عرضه کنیم، می‌توانیم شیوه نوظهور تصویر بدن انسان در آثار استادان نقاشی عصر رنسانس را، نمونه‌ای از این تلقی تازه بدانیم. در آثار لئوناردو داوینچی و معاصرانش کالبد مادی انسان حاکی از تصویری غالباً مکانیکی از اندامها و اجزای مختلف بدن است؛ چیزی که هنرمند و مهندس بزرگ رنسانس در آثارش نیز متذکر شده است. بعد از آن این دیدگاه مکانیکی درباره بدن و تصور بدن به عنوان ماشین، از سوی دکارت و ژولین افره دولامتری بسط نظری بیشتری یافت. از آن دوران تا به امروز شاهد تخریب مستمر راز جسم بشری و تبدیل آن از یک حریم اندرونی خصوصی متعلق به خداوند، به مکانی عمومی بوده‌ایم که هرگونه احساس رازی از آن زدوده شده است. به موازات تعریف جدید از انسان به عنوان انسان اقتصادی (هومو اکونومیکوس^۲) تهی از راز، جسم بشر به صورت یک هویت عمومی و اجتماعی درآمد و بدن ماهیت قدسی و «نیروی جادویی» خویش را که پیروان همه ادیان بدن را با آن وصف می‌شناخته‌اند، از دست داد^۳ (نصر، ۱۳۹۳: ۳۰۸-۳۰۹). با نادیده گرفتن بدن به عنوان عالم صغری، ظرف سکنای انسان،

زمین برقرار کند. این تلاش به این علت است که انسان همواره می‌خواهد موجودی فراتر از سطح «طبیعی» خود باشد، و با توجه به تصویر آرمانی‌ای که ادیان برای او مشخص کرده‌اند، به کمال مطلوب دست یابد و این کمال مطلوب انسانی تنها در یک ساحت فراطبیعی به دست می‌آید. اشتیاق عمیق انسان برای سکنا گزیدن در «جهان الهی» باعث شده همواره سعی کند خانه‌اش همانند تصویر آرمانی‌ای باشد که ادیان برای او توصیف کرده‌اند (الیاده، ۱۳۹۱: ۴۹-۱۷۴) و بنابراین خانه انسان باید همچون جهان که خانه اول اوست، پاسخگوی بخش متعالی وجود او باشد.

براساس فرضیه‌ای که از نظر نمادشناسی شهری معتبر است، پیکربندی بسیاری از شهرهای پیشامدرن براساس تصویری از یک الگوی آرمانی و قدسی است. بر این اساس همان‌گونه که شهر بیت المقدس برپایه متون مسیحی بازآفرینی زمینی نمونه برتر آسمانی است، شهر ساسانی اردشیر خوره با نقشه ویژه خود می‌تواند بازنمایی خشنای آسمانی باشد. بی‌شک جای مطالعات تاریخی مستند از این منظر خالی است. از نظر بگدانویچ^۱ هدف اصلی بسیاری از مناسک و آیین‌های تأسیس و بنیان‌گذاری شهرها در بین‌النهرین و یونان ساختن شهر در هماهنگی با قواعد و کلیت عالم کبیر است. او نیز در مطالعات گسترده خود بر فرضیه شهر به عنوان مکانی مقدس و نمادی از بهشت تأکید می‌کند (امین‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳-۹).

1. Bogdanovic

2. Julien Offray de la Mettrie

3. homo aeconomicus

۴. در این زمینه همچنین نک: مقدمه مهم آنتونی گیدنز بر تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی).

خانه و شهر، نیز ماهیت قدسی خود را از دست داد. منشور آتن نمونه‌ای کامل از آسیب‌شناسی و راه‌حل‌های متناظر با این نگاه جدید به شهر را معرفی می‌کند (نک: لوکوربوزیه، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

دغدغه‌ها و آموزش‌های امروز معماری و شهرسازی عمدتاً معطوف به جنبه‌های مادی و کمی ظرف سکنا انسان است و بیشتر تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مقیاس‌های گوناگون، از بنا تا شهر، برای پیشرفت این وجه از ظرف سکنا انسان است. تمرکز بیش از حد به جنبه مادی باعث شده است نیت و هدف‌های متعالی شهرها و خانه‌ها کم‌اهمیت تلقی یا به کل فراموش شود و در نتیجه رابطه وجودی انسان ظرف سکنا او خدشه‌دار شود. این پژوهش تلاش کرد تا با رجوع به متون و تفاسیر سه تفکر دینی دریابد از این منظر اصول و معیارهای نگاه به بدن و ظرف زندگی انسان چیست و چه نسبتی بین انسان و ظرف سکنا او برقرار است.

بررسی سه تفکر دینی زرتشتی، مسیحیت، و اسلام نشان داد که تفاوت‌هایی در نوع نگاه به انسان و جهان مادی و معنوی او در این سه دین وجود دارد، اما اشتراکات آن‌ها بسیار بنیادی است. یکی از نقاط اشتراک آن‌ها در تصور «وحدت انسان و جهان» است که در وحدت انسان و ظرف سکنا او نیز ظاهر می‌شود. از منظر هر سه دین، جهانی که انسان برای خود می‌سازد، یعنی خانه-شهر، در چارچوب طرح کلی سعادت است که دین به او معرفی کرده است. انسان از منظر هر سه، صرفاً جنبه مادی ندارد بلکه وجودی حقیقی در وجه فرامادی اوست. این اندیشه بازتابی مستقیم در ماهیت و مصداق ظرف سکنا او دارد. از این روست که ظرف سکنا انسان نیز در این ادیان همواره دو ساحت مادی و معنوی یا زمینی و آسمانی دارد و گرچه بعد مادی و ظاهری آن برای زندگی انسان لازم است اما هسته اصلی ظرف سکنا انسان جنبه معنوی و آسمانی آن است. همان‌طور که بدن انسان به‌مثابه ظرفی است که علاوه بر فراهم کردن امکان رشد طبیعی کالبد، بستری برای تعالی و رشد معنوی انسان را مهیا می‌کند، ظرف سکنا انسان، خانه-شهر، نیز باید علاوه بر فراهم کردن محیطی برای زندگی مادی، امکان تعالی و رشد انسان را فراهم کند که امروزه کمتر به آن توجه می‌شود.

یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند به عنوان پژوهش‌های بعدی، نکات بیشتری را در مورد تاثیر سنت‌های دینی در ساختار شهر روشن کند، بررسی و تحلیل ساختار شهرها در دوره حضور سنت‌های دینی زرتشتی و مسیحیت و اسلام و مقایسه آن‌ها با ساختار شهرهای امروز است. بررسی ساختار شهرهای ساسانی،

شهرهای قرون وسطی، و شهرهای اسلامی و مقایسه آن‌ها با شهرهای امروز از این منظر می‌تواند ناگفته‌های بسیاری را بازگو کند. این نکات کمتر مربوط به روش‌ها و فنون که کانون توجه پژوهش‌های دوره مدرن بوده است، و بیشتر معطوف به نیت و مقاصد است و به طور کلی با طرح اصول و معیارهایی متفاوت، پرسش‌هایی متفاوت را مطرح می‌کنند. برای مثال چپستی و چگونگی آبادانی و عمران، و شرایط و دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای معمار از منظر متون دینی و تفاسیر آن‌ها از زمینه‌هایی است که با اتکا به دیدگاه معرفی شده، می‌تواند برخی مفاهیم بنیادین را در اختیار دانش و رشته‌های ذی‌ربط امروز قرار دهد و زمینه‌های مفیدی برای نقد و گشایش در آن‌ها فراهم آورد. توجه به مفهوم زمان و تاریخ و فرهنگ و توارث فرهنگی از این منظر نیز دیدگاه‌های تازه‌ای به نگاه به سکناگزیدن، شهروندی، و میراث فرهنگی و سایر امور مرتبط خواهد گشود.

پی‌نوشت

۱. Maurice Merleau-Ponty، یکی از مطرح‌ترین فیلسوفان پدیدارشناسی که آثار او بیشتر در باره پدیدارشناسی ادراک، یکی از سه جریان اصلی پدیدارشناسی، است.
۲. René-Jean-Marie-Joseph Guénon، متفکر و نویسنده فرانسوی که در طیفی وسیع از موضوعات مابعدالطبیعی، از جمله در علم مقدس و نمادشناسی، معروف است.
۳. Jacob Burckhardt، فیلسوف و مورخ فرهنگ و هنر سوییسی که آرای او در زمینه تاریخ‌نگاری هنر و معماری بر جریان‌های بعدی در هر دو حوزه بسیار موثر بود.
۴. Christian Norberg-Schulz، نظریه‌پرداز و مورخ معماری و معمار نروژی که همه آثارش نمایانگر جست‌وجوی جریانی نهانی در زیر جریان ظاهری معماری است.
۵. اوستا مجموعه کهن‌ترین نوشتار و سروده‌های زرتشتیان است، و در روزگار باستان بیست و یک نسک (فصل) داشته است. روایت است که اوستای نو را آذرباد مهراسپند، موبدان معروف زمان شاپور دوم ساسانی، جمع‌آوری کرده است (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج ۱: شانزده).
۶. «بُنْدَهَش» نام کتابی است که تلفظ پارسی میانه آن bun-dahishn بود. این واژه از دو جزء bun به معنای بن و آغاز dahishn برابر واژه دهش در فارسی، به معنی آفرینش ترکیب شده است و در مجموع به معنای آفرینش آغازین است (فَرَنْبَغ دادگی، ۱۳۸۵: ۵).
۷. گزیده‌های زادسپرم نوشته زادسپرم فرزند جوان جم و یکی از پیشوایان زرتشتی در قرن سوم هجری است که درباره زندگی و

خاندان او نوشته شده است (زادُسپرَم، ۱۳۶۶).

۸. کتاب مقدس مسیحیان شامل دو بخش عہد عتیق و عہد جدید می‌شود، کہ ۶۶ کتاب معتبر است. عہد عتیق از ۳۹ کتاب و عہد جدید از ۲۷ کتاب تشکیل شده است. یہودیان تنها عہد عتیق را بہ عنوان کتاب آسمانی قبول دارند، اما بیشتر مسیحیان کل کتاب را کتاب آسمانی می‌دانند.

۹. افتادن خاء اوستایی در سر واژه‌های فارسی بسیار زیاد است. مانند واژهٔ خشنا xshnā کہ در فارسی شناختن و خشپ xshap کہ در فارسی شب شده است (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۶۸ و ۱۶۹).

۱۰. افتادن خاء اوستایی در سر واژه‌های فارسی بسیار زیاد است. مانند واژهٔ خشنا xshnā کہ در فارسی شناختن و خشپ xshap کہ در فارسی شب شده است (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۶۸ و ۱۶۹).
۱۱. «خشایئہ در معنای پادشاهی و در نام برخی شاهان مانند «خشایارشاه» بہ معنای قہرمان شاهان، گونه‌ای از این واژه با بار معنایی توأم با خرد و اندیشہ است» (باستانی راد، ۱۳۸۸، ۳۵).

۱۲. Talmud، تلمود، دومین کتاب مهم دینی و مقدس یہودیان پس از عہد قدیم است. بعد از گردآوری کتاب مقدس علمای یہودی دربارهٔ مطالب کتاب مقدس بہ بحث و تبادل نظر پرداختند. چند قرن بعد از مرگ موسی آنها حاصل بحث‌ها، تفاسیر و تبادل نظرهای خود دربارهٔ آیات کتاب مقدس را در کتابی بہ نام تلمود گردآوری کردند.

۱۳. این موضوع جزو متواترات است و عموم حکما و علمای متقدم از نحلہ‌های گوناگون، برای نامر تأکید داشته‌اند، گرچه بیان بارز آن را در متون عرفانی بیشتر می‌یابیم:

تن آدمی شریف است بہ جان آدمیت نہ همین لباس زیباست
نشان آدمیت «سعدی»

ای برادر تو ہمہ اندیشہ‌ای مابقی خود استخوان و
ریشہ‌ای «مولانا»

شاید یکی از زیباترین و مشروح‌ترین روایات عرفانی در این زمینہ، تشبہ بدن بہ قفس و نفس بہ طوطی سخنگو در داستان طوطی و بازرگان در مثنوی معنوی باشد.

۱۴. بقرہ: ۵۸ و ۲۵۹، نساء: ۷۵، انعام: ۱۲۳، اعراف: ۴، ۹۴، ۱۶۱ و ۱۶۳، یونس: ۹۸، یوسف: ۸۲، حجر: ۴، نحل: ۱۱۲، اسراء: ۱۶ و ۵۸، کہف: ۷۷، انبیاء: ۶، ۱۱، ۷۴ و ۹۵، حج: ۴۵ و ۴۸، فرقان: ۴۰ و ۵۱، شعراء: ۲۰۸، نمل: ۳۴، قصص: ۵۸، عنکبوت: ۳۱ و ۳۴، سبا: ۳۴، یس: ۱۳، زخرف: ۲۳، محمد: ۱۳، طلاق: ۸.

۱۵. محمد: ۱۳، نمل: ۵۶، سبا: ۱۸، اعراف: ۸۲ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۱۰۱، نسا: ۳۸، احقاف: ۲۷، حشر: ۷ و ۱۴، زخرف: ۳۱، قصص: ۵۹، یوسف: ۱۰۹، کہف: ۵۹، ہود: ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۱۷، انعام: ۱۳۱،

۱. آگوستین قدیس (۱۳۹۲) شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲. آموزگار، ژاله (۱۳۹۹) زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران، معین.
۳. اخوان الصفا (۱۴۰۵) رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا، جلد ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. اشرف، احمد (۱۳۵۳) «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۴، صص ۷-۴۹.
۵. امین‌زاده، بهرام (۱۳۸۴) «شهر و شار»، نامه انسان‌شناسی، سال چهارم، ش ۸، صص ۷-۱۶.
۶. ایرانی سلیسیترو، دینشاه (۱۳۱۱) پرتوی از فلسفه ایران باستان، بمبئی، انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی.
۷. باستانی راد، حسن (۱۳۸۸) «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران»، فرهنگ، ش ۷۲، صص ۱۹-۵۶.
۸. براتی، ناصر (۱۳۸۲) «نگاهی نو به مفهوم شهر از نظرگاه زبان و فرهنگ فارسی»، هنرهای زیبا، ش ۱۳، صص ۴-۱۵.
۹. برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲) برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران، امیرکبیر.
۱۰. بویس، مری (۱۳۷۷) چکیده تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، صفی‌علیشاه.
۱۱. بهار، مهرداد (۱۳۷۵) الف، ادیان آسیایی، تهران، چشمه.
۱۲. بهار، مهرداد (۱۳۷۵) ب، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگاه.
۱۳. پارتیچ، کریستوفر (۱۳۹۰) سیری در ادیان جهان، ترجمه عبدالعلی براتی، تهران، ققنوس.
۱۴. پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۱) یادداشت گات‌ها، تهران، اساطیر.
۱۵. پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۷) ییسننا: بخشی از کتاب اوستا، تهران، اساطیر.
۱۶. جلالی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۴) کرانه‌های هستی انسان در پنج افق مقدس، تهران، امیرکبیر.
۱۷. حکمت، نصرالله (۱۳۸۴) حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، تهران، فرهنگستان هنر.
۱۸. خانمی، سیدمحمد (۱۳۷۳). از دنیای «شهر» تا شهر «دنیای»، تهران، نشرنی.
۱۹. دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵) اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی، جلد ۱ و ۲، تهران، مروارید.
۲۰. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۸) «بیرجند، ریشه واژه و اشتقاق لغوی آن»، خراسان پژوهی، سال دوم، ش ۴، صص ۹-۱۴.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳) مفردات الفاظ القرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
۲۲. رضی، هاشم (۱۳۷۹) حکمت خسروانی، سیر تطبیقی فلسفه و حکمت و عرفان در ایران باستان، تهران، بهجت.
۲۳. ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۷۸) «هایدگر و تلقی هندوبی از مکان مقدس»، رواق، ش ۳، صص ۹-۱۵.
۲۴. رئیس‌ی، محمد منان (۱۳۹۵) «واکاوی تمایز ماهوی مدینه (شهر) و قریه (روستا) در ادبیات قرآنی»، باغ نظر، دوره ۱۳، ش ۴۰، صص ۱۹-۲۶.
۲۵. زادسپیر (۱۳۶۶) گزیده‌های زادسپیر، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. سجاذزاده، حسن و سیده الهام موسوی (۱۳۹۳) «ابعاد چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۶، صص ۵-۱۷.
۲۷. شجاری، مرتضی و جعفر محمدعلیزاده (۱۳۹۱) «ارتباط مراتب انسان با مراتب هستی از دیدگاه ملاصدرا»، انسان پژوهی دینی، دوره ۹، ش ۲، صص ۲۷-۵.
۲۸. شریفیان، احسان و محمدرضا پورجعفر و علی‌اکبر تقوایی (۱۳۹۶) «تحلیلی از مفهوم شهر و ارکان شهرنشینی از منظر قرآن کریم»، هویت شهر، سال یازدهم، ش ۲۹، صص ۵۳-۶۶.
۲۹. شیمل، آنه ماری (۱۳۷۶) تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، فرهنگ اسلامی.
۳۰. فاختوری، حنا (۱۳۷۳) تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی فرهنگی.
۳۱. فراربابی، ابونصر محمد (۱۳۶۱) اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، زبان و فرهنگ ایران.
۳۲. فاستر، مایکل ب (۱۳۶۲) خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، امیرکبیر.
۳۳. فرزند دادگی (۱۳۸۵) بندهش، گزارش مهرداد بهار. تهران، توس.
۳۴. فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۶) ترجمه قرآن مجید، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۵. قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۲) قاموس قرآن، جلد ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. قمی، یوحنا (۱۳۶۳) اخوان الصفا یا روشنفکران شیعه مذهب، ترجمه و توضیح محمدصادق سجادی، تهران، فلسفه.
۳۷. کربن، هانری (۱۳۷۴) ارض ملکوت. ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران، طهوری.
۳۸. کرمانی، طوبی (۱۳۸۶) «انسان کبیر و عالم صغیر (انسان کامل) در اندیشه ملاصدرا و سوابق تاریخی آن»، خردنامه صدرا، ش ۴۸، ۲۴-۳۲.
۳۹. کریستن سن، آرتور (۱۳۴۵) مزدآپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، دانشگاه تهران.
۴۰. کهن، آبراهام (۱۳۵۰) گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، زیبا.
۴۱. لوکوربوزیه، (۱۳۸۹) منشور آتن، ترجمه محمدمنصور فلامکی، تهران، فضا.
۴۲. مارسل، گابریل (۱۳۹۱) تأملاتی در باب ایمان، ترجمه روح الله علیزاده، اطلاعات حکمت و معرفت، سال هفتم، ش ۹، ۵۵-۶۰.
۴۳. مجتبیائی، فتح‌الله (۱۳۵۲) شهر زیبای افلاطون و شاهي آرمانی در ایران باستان، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان.
۴۴. محبوب، عطاءالله و شیرمحمد علی پورعبدلی (۱۳۹۸) «معناشناسی دو واژه قریه و مدینه در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال چهارم، ش ۷، صص ۶۳-۸۰.
۴۵. معلوف، لوئیس (۱۳۲۶) المنجد فی اللغة، بیروت، المطبعة الکاثولیکیه.
۴۶. مقدم، قاسم و محمدرضا محمدی ایشانی (۱۳۹۶) «ابتنای مدینه فاضله فارابی بر اصالت «انسان متصل به وحی»»، حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول، صص ۵۱-۷۰.
۴۷. مقدم، محمد (۱۳۴۲) راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی در زبان اوستا و فارسی باستان و فارسی کنونی، تهران، علمی.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۱) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. مکتوم، احمدبن عبدالله (۱۲۶۵) ترجمه رسائل اخوان الصفا و خلان المروت و الوفا، بمبئی، میرزا محمد ملک الکتاب.

- 107-118.
73. Sheldrake, P (2014) *The Spiritual City: Theology, Spirituality, and the Urban*. United States, Wiley-Blackwell.
74. Stockwell, Clinton E (2015) «The Enchanting City; A Biblical Theology of the City». *Transformation: An International Journal of Holistic Mission Studies*. Vol. 9, No. 2. 10-14.
۵۰. مصفورد، لوئیز (۱۳۸۷) *شهر در بستر تاریخ*. ترجمه احمد عظیمی بلوربان، تهران، رسا.
۵۱. مهر، فرهنگ (۱۳۷۴) *دیدنی نو از دینی کهن؛ فلسفه زرتشت*، تهران، جامی.
۵۲. نسفی، عزیزالدین بن محمد (۱۳۷۷) *الانسان الكامل*. تهران، طهوری.
۵۳. نصر، حسین (۱۳۵۹) *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*، تهران، خوارزمی.
۵۴. نصر، سیدحسین (۱۳۸۰) *معرفت و معنویت*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، سپهروردی.
۵۵. نصر، سیدحسین (۱۳۸۳) *سنت عقلانی اسلامی در ایران*، ترجمه سعید دهقانی، تهران، قصیده سرا.
۵۶. نصر، سیدحسین (۱۳۹۳) *دین و نظم طبیعت*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نی.
۵۷. نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۹) *دین های ایران باستان*، ترجمه سیف الدین نجم آبادی، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها.
۵۸. هایدگر، مارتین و دیگران (۱۳۷۷) *فلسفه تکنولوژی*، ترجمه شاپور اعتماد، تهران، مرکز.
۵۹. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۶۹) *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران، سروش.
۶۰. الباده، میرچا (۱۳۹۱) *مقدس و نامقدس: ماهیت دین*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، علمی و فرهنگی.
61. Alexander, T. Desmond (2018) *The City of God and the Goal of Creation* (Short Studies in Biblical Theology), Crossway.
62. Aureli, Pier Vittorio (2015) *Rituals and Walls: The Architecture of Sacred Space*. English, Architectural Association.
63. Bell, S (2014) "Christ in the City: A Brief Theology". *Journal of Adventist Mission Studies*, Vol. 10, No. 2, 100-110.
64. Crook, A (1997) *The City in the Bible: a relational perspective*. Cambridge, England.
65. Ellul, J (2011) *The Meaning of the City*. Wipf and Stock, Eugene.
66. Gonçalves, Kleber de Oliveira (2016) "The Meaning of the City: An Urban Missional Approach to the Use of City Imagery in Revelation". *Journal of Adventist Mission Studies*, Vol. 12, No. 1. 188-197.
67. Jacobson, D (1994) "The City in the Bible: Implications for Urban Ministry». *Word & World*, Vol 14, No. 4. 395-401.
68. Linthicum, Robert C (1991) *City of God, city of Satan: a biblical theology of the urban church*. Grand Rapids, Mich, Zondervan.
69. Rüpke, Jörg (2020) "Religion and the Urban". *Religion and Urbanity Online*. Doi: <https://doi.org/10.1515/urbrel.11276467>
70. Rykwert, J (1988) *The Idea of a Town: The Anthropology of Urban Form in Rome, Italy and the Ancient World*. United States, MIT Press.
71. Rykwert, Joseph (1981) *On Adam's House in Paradise: The Idea of the primitive Hut in Architectural History*. Cambridge, MIT Press.
72. Sheldrake, P (2006) "Cities and Human Community: Spirituality and the Urban". *The Way*, Vol. 45, No. 4.

تحلیل تطبیقی بافت‌های شهری پیرامون ایستگاه‌های مترو بر اساس شاخص‌های توسعه حمل و نقل محور (TOD)، مطالعه موردی: ایستگاه‌های میرزای شیرازی و نمازی از خط یک قطار شهری شیراز

علی رضا صادقی*، سیده طیبه حسینی پور**، مسعود دادگر***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱

چکیده

مسئله حمل و نقل همواره به‌عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های شهری محسوب می‌شده است. رشد شتابان اقتصادی و جمعیتی شهرها، افزایش مالکیت خودروهای شخصی، محدودیت زیرساخت‌های حمل و نقل شهری، افزایش سفرهای درون شهری و توسعه نامتناسب فضاهای شهری، باعث افزایش معضلات ترافیکی در شهرها می‌شود. امروزه جهت رهایی از این مشکلات و افزایش مطلوبیت و کیفیت زندگی در شهرها، توسعه فضاهای شهری بر مبنای سیستم حمل و نقل عمومی شکل می‌گیرد. فواید^۱ TOD به‌طور گسترده‌ای اثبات شده است، از کاهش انتشار کربن گرفته تا دستیابی به طیف وسیعی از دیگر مزایای اقتصادی-اجتماعی ذاتی در شهرهای پایدار و زنده. افزایش مالکیت خودرو در شهر شیراز که جمعیت آن در سال‌های بعد از انقلاب با رشد شدیدی روبرو شده است و هم‌چنین تشدید استفاده از اتومبیل‌های شخصی در این شهر باعث بروز مشکلات زیادی چون ترافیک شدید، بروز انواع آلودگی‌ها از قبیل آلودگی هوا و آلودگی صوتی شد که این امر ضرورت توجه به توسعه حمل و نقل محور را در این شهر آشکار ساخت و در پی این امر قطار شهری به‌عنوان شیوه حمل و نقلی کارآمد مورد توجه قرار گرفت. هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی و تحلیل بافت‌های شهری پیرامون ایستگاه‌های قطار شهری شیراز بر اساس معیارهای توسعه حمل و نقل محور (TOD) است. محدوده مورد مطالعه، دو ایستگاه منتخب از خط یک قطار شهری شیراز، ایستگاه‌های میرزای شیرازی و نمازی است. در این تحقیق، ابتدا به شناسایی اصول توسعه با محوریت حمل و نقل عمومی پرداخته شده است. پس از آن، مشخصات محدوده مورد مطالعه با معیارهای توسعه حمل و نقل محور و استانداردهای موسسه سیاست‌های توسعه و حمل و نقل^۲ (ITDP) ارزیابی گردیده و با استفاده از SWOT به تجزیه و تحلیل ایستگاه‌ها پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ایستگاه میرزای شیرازی در وضعیت برتری قرار دارد اما ایستگاه نمازی حتی در این وضعیت نیز قرار نمی‌گیرد. دسترسی به خدمات محلی، تراکم غیرمسکونی مناسب و گزینه‌های حمل و نقل در ایستگاه‌های مورد مطالعه از نقاط قوت این رویکرد است. معیار تراکم مسکونی در ایستگاه‌ها پایین بوده و نیاز به افزایش دارد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای کمک به برنامه‌ریزان در ارزیابی اقدامات انجام شده در توسعه ریلی درون شهری به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه حمل و نقل محور، شهر شیراز، خطوط قطار شهری و ایستگاه‌ها

* دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، مدیر گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، ایران.

arsadeghi@shirazu.ac.ir

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، ایران.

shp7780@gmail.com

*** نویسنده مسئول: مربی گروه پژوهشی معماری و منظر شهری پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی، تهران، ایران.

dadgar@ihss.ir

1. Transit-oriented development

2. Institute for Transportation and Development Policy



در زمانه کنونی و در اکثر کلان‌شهرها، اثرات مخرب ناشی از افزایش استفاده از اتومبیل شخصی و گسترش پراکنده و کم تراکم حومه‌ها نمایان شده است (فیعین و همکاران، ۱۳۹۲). شهرها در سراسر جهان درصدد ایجاد جوامع پایدارتر، متراکم و به هم پیوسته هستند تا روند پراکنده‌رویی شهری را که به مسافرت‌های وسایل نقلیه شخصی متکی است و به سیستم حمل‌ونقل عمومی متصل نیست، معکوس نمایند. توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی (TOD) یک اصل برنامه‌ریزی شهری است که شهرها را قادر می‌سازد تا محله‌هایی پرچنب‌وجوش و مردم محور را با دسترسی حداکثر به حمل‌ونقل عمومی و فعالیت اقتصادی ایجاد کند (C40, 2016: 3). برنامه‌ریزی توسعه حمل‌ونقل محور (TOD) در دهه‌های اخیر در سراسر جهان گسترش یافته است و تعدادی از پروژه‌های TOD در آمریکای شمالی، اروپا و منطقه آسیا - اقیانوسیه به وجود آمده‌اند (Kumar et al, 2020) (Park et al, 2018). بنابراین توجه به سیستم حمل‌ونقل کارآمد و بافت پیرامونی آن، خود باعث بهره‌وری بیشتر از زمان و فراهم کردن آسایش شهروندان خواهد بود. وسایل عمومی مانند مترو و اتوبوس همه‌روزه حجم زیادی از مردم را در سراسر شهر جابه‌جا می‌کند، بنابراین در نظام برنامه‌ریزی باید موردتوجه قرار گیرند (سلطانی، ۱۳۹۰: ۵).

دلیل تمرکز این تحقیق بر روی موضوع حمل‌ونقل پایدار این است که سیستم‌های حمل‌ونقل نقش عمده‌ای در حیات اقتصادی کشورها و نیز زندگی روزمره شهروندان ایفا می‌کنند و موضوع حمل‌ونقل و کیفیت آن نقش بسیار حساس و مهمی در کیفیت زندگی شهروندان دارد (احمدی و محرم نژاد، ۱۳۸۵). امروزه از یک طرف شهروندان می‌خواهند در کم‌ترین زمان، با آلودگی کم‌تر، مصرف انرژی کم‌تر و هزینه‌ای مناسب به مقصد برسند (که این حق طبیعی هر شهروند نیز می‌باشد) و از سوی دیگر شهرها با بودجه‌هایی اغلب محدود باید چاره‌ای برای پاسخ دادن به خواست شهروندان بیندیشند، لذا بر این اساس است که موضوع حمل‌ونقل پایدار بایستی موردتوجه جدی قرار گیرد تا در درجه اول مسائل و مشکلاتی از جمله آلودگی هوا و آلودگی صوتی را که توسعه مبتنی بر اتومبیل شخصی ایجاد کرده کاهش دهد و علاوه بر آن مدیریت شهری را نیز جهت پاسخگویی به نیازهای طبیعی و به حق شهروندان یاری رساند.

از این رو در کلان‌شهر شیراز با وجود جمعیت‌پذیری بالای شهر و ترافیک تقریباً سنگین در نقاط مختلف و مرکز شهر نیاز به استفاده از رویکرد توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی در برنامه‌ریزی‌های شهری احساس می‌شود. چرا که ترافیک‌های سنگین در سطح شهر مدت زمان سفر کاربران را افزایش

می‌دهد. اگر با روند کنونی افزایش نرخ مالکیت پیش برویم در سال‌های آینده فضای تردد در خیابان‌ها دیگر وجود نخواهد داشت و کیفیت زیست‌محیطی شهر نیز بسیار پایین خواهد آمد. در نتیجه با ادامه یافتن وضع حاضر با مشکلات جدی روبرو خواهیم شد. با توجه به زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی موجود در سطح شهر شیراز از جمله قطار شهری و خطوط اتوبوس‌رانی بررسی میزان انطباق شبکه حمل‌ونقل شهر با اصول توسعه حمل‌ونقل محور امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در گذشته مطالعات فراوانی در ارتباط با حمل‌ونقل و برنامه‌ریزی شهری انجام گرفته است. در این مطالعات برخی به بررسی نقش کاربری زمین و یا تراکم در نظام حمل‌ونقل پرداخته و برخی دیگر به مکان‌یابی کاربری‌های شهری با تأکید بر برنامه‌ریزی حمل‌ونقل پرداخته‌اند. اما در این قسمت سعی شده است صرفاً به مطالعاتی نزدیک به تحقیق حاضر اشاره شود که در ادامه به‌طور خلاصه به چند مورد اشاره می‌شود.

حسیبوان و پرمانا در مقاله خود به بررسی نقش و تأثیرات ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی مردم بر فرهنگ و نحوه جابجایی آن‌ها می‌پردازند و سه بعد کاربری زمین، مسکن و حمل‌ونقل را در ۵ منطقه با پتانسیل بالای اجرای TOD در اندونزی مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج حاکی از آن است که بعد مسکن نسبت به سایر ابعاد، نقشی اساسی در تغییر شکل نحوه جابجایی افراد ایفا می‌کند. (Hasibuan & Permana, 2022)

ایبروا و همکارانش در مقاله خود تحقیقات گسترده‌ای را که به مطالعه اثرات TOD اختصاص داده شده است، بررسی کرده و تأثیرات آن را بر رفتار سفر، قیمت املاک و مستغلات، محل سکونت، فرم شهری و زندگی جامعه ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها در بخش پایانی مقاله، بر اساس تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، شکاف‌ها و چالش‌های اصلی را که پروژه‌های TOD در آینده نیاز به رفع آن دارند شناسایی کرده‌اند (Ibraeva et al., 2020). نولز و همکاران در مقاله‌ای به بررسی نقش تاریخی، معاصر و آینده حمل‌ونقل در شکل‌دهی به توسعه شهری از زمان صنعتی شدن می‌پردازند و تعاریف قبلی از توسعه حمل‌ونقل محور (TOD) که از اواخر قرن بیستم شروع شده است را به چالش می‌کشند و در نهایت تعریفی از TOD برای قرن بیست و یکم و توصیه‌های بهترین روش عملی در مورد آن ارائه می‌کنند (Knowles et al., 2020).

کومار و همکاران در مقاله‌ای با عنوان شناسایی تیپولوژی واحدهای همسایگی برای توسعه بالقوه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی، به تجزیه و تحلیل متغیرهای اجتماعی، جمعیت‌شناختی و رفتارهای سفر پرداخته و ریخت‌شناختی مشخصی را برای توسعه مطرح کرده‌اند. در این مطالعه مشخص شده است که شیوه سفر رابطه دائمی بین ساختار شهری و کیلومترهای

توسعه حمل‌ونقل محور (TOD) است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش بدین صورت بیان شده است: بافت‌های شهری پیرامون ایستگاه‌های قطار شهری شیراز بر اساس معیارهای توسعه حمل‌ونقل محور در چه وضعیتی قرار دارد؟
محدوده مورد مطالعه، دو ایستگاه منتخب از خط یک قطار شهری شیراز (ایستگاه‌های میرزای شیرازی و نمازی) است.

روش‌شناسی تحقیق

روش انجام تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که از روش توصیفی، جهت گردآوری اطلاعات در بخش‌های مبانی نظری تحقیق و در راستای شناخت اصول توسعه حمل‌ونقل محور و شناخت ویژگی‌های شبکه حمل‌ونقل عمومی شهر شیراز استفاده گردیده و در ارزیابی و تحلیل شبکه حمل‌ونقل عمومی شهر بر اساس اصول توسعه حمل‌ونقل محور از روش تحلیلی بهره برده شده است که بدین منظور با استفاده از ۸ اصل این توسعه (ارائه‌شده توسط موسسه سیاست‌های حمل‌ونقل و توسعه در آمریکا) و زیرمجموعه معیارهای هر اصل به بررسی وضعیت هر یک از ایستگاه‌ها پرداخته شد. سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از برداشت‌های میدانی هر ایستگاه، از روش حد فاصل شاخص‌ها از مقدار استاندارد تعریف‌شده استفاده گردید و نتایج به‌دست‌آمده هر دو ایستگاه ارزیابی و با یکدیگر مقایسه گشتند. در نهایت پس از تجزیه و تحلیل انجام شده به کمک تکنیک SWOT (قابل مشاهده در پیوست شماره ۱) به ارائه راهکارهایی در خصوص بهبود وضعیت هر ایستگاه پرداخته شده است.

مبانی نظری

توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل همگانی

بنا به تعریف مرکز حمل‌ونقل پایدار^۱، یک سیستم حمل‌ونقل پایدار باید برخوردار از صفات زیر باشد:
- امکان دسترسی به نیازهای اصلی افراد و جوامع را به‌صورت ایمن و سالم در عین رعایت عدالت بین نسلی و درون نسلی فراهم نماید.
- حمل‌ونقل پایدار قابل استطاعت بوده، به نحو کارآمدی عمل می‌کند، امکان انتخاب روش‌های مختلف جابجایی را فراهم کرده، از اقتصاد پویا حمایت می‌کند، آلودگی‌ها و ضایعات غیر باز یافتی را کاهش می‌دهد، مصرف منابع تجدید ناپذیر و استفاده از ثروت زمین را به حداقل رسانده و مصرف منابع تجدید پذیر را محدود می‌کند و مؤلفه‌های آن را باز یابی و باز یافت می‌کند. در منابع مختلف، اهداف

عبوری وسایل نقلیه (VKT^۱) را نشان داده است، بنابراین TOD را به‌عنوان یک مفهوم توسعه تکرار می‌کند. یافته‌های این مطالعه به‌عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مقامات دولتی برای مقایسه عملکرد اصول و ویژگی‌های TOD در محله‌های موجود و برنامه‌ریزی شده مفید است (Kumar, et al. 2020).

کیم و لار تحقیقی بر روی ایالت نیوجرسی آمریکا با نام تأثیر راه‌آهن سبک هادسون - برگن بر ارزش‌گذاری املاک مسکونی انجام می‌دهند که نشان می‌دهد نزدیکی به ایستگاه‌های مترو باعث تغییراتی در قیمت مسکن شده است؛ قطعاتی که فاصله آن‌ها تا ایستگاه مترو ۲ تا ۳ واحد مسکونی بودند به دلیل سروصدا، از میزان رشدی کمتری نسبت به میانگین رشد برخوردار بوده‌اند. همچنین منازل نزدیک به سه ایستگاه که دورترین ایستگاه‌ها نسبت به مرکز تجاری شهر هستند، افزایش قیمت بیشتری داشته‌اند (Kim & Lahr, 2010). دانکن در سال ۲۰۱۱ ایجاد محیط مطلوب پیاده‌روی، به واسطه وجود ایستگاه مترو در شهر سن دیگو آمریکا را بررسی کرده است. در این تحقیق ذکر شده است که در صورت تأمین یک محیط پیاده‌روی مطلوب، تأثیرات نزدیکی به ایستگاه حمل‌ونقل چند برابر خواهد شد (Duncan, 2011).

در پژوهش‌های داخلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رئیسی و پاک‌نهاد در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی چالش‌های توسعه حمل‌ونقل همگانی محور: مطالعه موردی مناطق ۱، ۵ و ۷ شهر شیراز، چالش‌های اساسی حمل‌ونقل همگانی محور در شهر شیراز را به چهار عامل زیرساختی، اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی تفکیک کرده‌اند (رئیس‌ی و پاک‌نهاد، ۱۳۹۳). پورامین و حسنی در تحقیقی، امکانات و چالش‌های حمل‌ونقل در مرکز شهر بجنورد را شناسایی و از مقایسه آن با الگوی توسعه حمل‌ونقل محور، پیشنهادهایی برای بهبود و کارایی بیشتر وضع موجود ارائه کرده‌اند (پورامین و حسنی، ۱۳۹۲).

مرور مطالعات و تحقیقات انجام شده داخلی نشان می‌دهد تقریباً هیچ‌یک از این مطالعات به بررسی جامع و کامل ارزیابی این طرح‌ها و تأثیرات آن بر توسعه قبل از اجرا نپرداخته و جای خالی این موضوع احساس می‌شود. هم‌چنین پس از اجرای این طرح‌ها ارزیابی توسعه باید انجام پذیرد. عدم ارزیابی این طرح‌ها ممکن است منجر به ضایع شدن مطالعات و تلاش‌های اجرای این طرح‌ها شود و از اهداف در نظر گرفته برای آن فاصله بگیرد. بنابراین در این تحقیق سعی شده این شکاف، با ارزیابی و تحلیل ایستگاه‌های منتخب سیستم حمل‌ونقل شهر شیراز پر شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی و تحلیل توسعه انجام شده در بافت پیرامون ایستگاه‌های قطار شهری بر اساس معیارهای

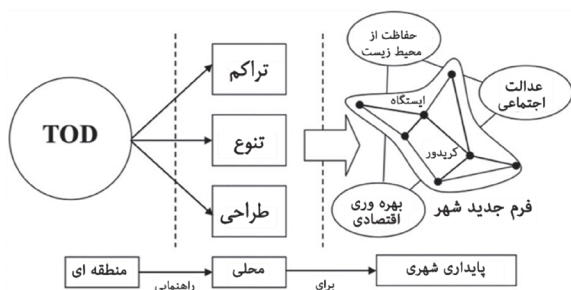
1. vehicle kilometers traveled
2. Center for Sustainable Transportation (CST)

متنوعی برای برنامه‌ریزی حمل‌ونقل پایدار برشمرده‌اند که عمدتاً برگرفته از ارزش‌ها و اهداف محوری توسعه پایدار می‌باشند (سلطانی و فلاح منشادی، ۱۳۹۲).

سیستم‌های حمل‌ونقل را می‌توان به دو دسته سیستم‌های حمل‌ونقل موتوری و سیستم‌های حمل‌ونقل غیرموتوری تقسیم کرد. سیستم‌های حمل‌ونقل موتوری، خود شامل دسته‌های خصوصی (همان خودروهای سواره که در رویکرد TOD^۱ سعی بر جایگزینی آن با ترویج پیاده‌مداری، دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی است) و عمومی (بنیان «توسعه شهری مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی» بر اساس وجود سیستم حمل‌ونقل ریلی انبوه‌بر یا مترو استوار است چرا که سایر سیستم‌های حمل‌ونقل مانند تاکسی، ون، اتوبوس و ... به‌عنوان تغذیه‌کننده‌های سیستم انبوه‌بر کارایی دارند) می‌باشد. Padeiro و همکارانش با بررسی مطالعات انجام شده در زمینه مداخلات حمل‌ونقلی که در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ منتشر شده‌است دریافتند؛ بیشترین تمرکز منحصر به فرد مطالعات بر روی حمل‌ونقل ریلی سبک بوده است (Padeiro et al, 2019). سیستم حمل‌ونقل ریلی یک عنصر مهم پایداری شهری است که به دنبال تأمین توانایی شهروندان در دسترسی به کالا و خدمات است (Yen et al, 2018). این سیستم حمل‌ونقل به‌طور فزاینده‌ای برای رشد و پایداری شهرها اهمیت دارد (Li et al, 2020). سیستم‌های حمل‌ونقل غیر موتوری نیز شامل ترویج دوچرخه‌سواری (که یکی از سیستم‌های حمل‌ونقل مرتبط با توسعه پایدار حمل‌ونقل شهری است و برای استفاده در سطح محلی و فواصل کوتاه‌مدت مورد توصیه قرار گرفته است و شیوه عدالت‌جویانه‌تری به‌خصوص برای فقرا یا اقشار متوسط در نظر گرفته می‌شود (زندى آتشبار و خاکساری، ۱۳۹۰). و ترویج پیاده‌روی می‌باشد.

توسعه حمل‌ونقل محور (TOD) یک سیاست برنامه‌ریزی برای طراحی و توسعه محله‌های متراکم با اختلاط کاربری و قابلیت پیاده‌مداری است. هدف از این سیاست متمرکز کردن رشد شهری در اطراف ایستگاه‌های حمل‌ونقل برای استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی است (Stojanovski, 2020). در واقع TOD با استفاده از سیستم‌های چیدمان پویا^۲، به‌عنوان مثال توسعه هوشمندانه و ساختمان‌های سبز، و با تأمین دسترسی به شیوه‌های مختلف حمل‌ونقلی به‌جای استفاده از ماشین، با گسترش افقی شهرها

مبارزه می‌کند (Ali et al, 2021). توسعه حمل‌ونقل محور (TOD) معمولاً به‌عنوان توسعه‌ای شناخته می‌شود که در محدوده‌ای به شعاع ۸۰۰ متر (مسافتی حاصل از یک پیاده‌روی ۱۰ دقیقه‌ای) مراکز و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی مانند پایانه‌های اتوبوس‌رانی، ایستگاه‌های مترو، خطوط BRT و ایستگاه‌های وابسته به آن‌ها در شهر یا حتی حومه شهر شکل می‌گیرد (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲). توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل همگانی با ایجاد مراکز شهری واجد ویژگی دسترسی به حمل‌ونقل عمومی و یا توسعه مرکز شهری موجود، در جهت نوساز و رشد هوشمندانه شهرها و همچنین توسعه کارآمد مکانی گام برمی‌دارد و هدف آن فراتر از تبدیل حمل‌ونقل خصوصی به عمومی است. این روش با توجه به چگونگی توزیع جمعیت و تنوع کاربری‌ها، سعی در ساماندهی و تمرکز نقطه‌ای کاربری‌های مختلف در مکان‌های معین دارد. این مکان‌ها غالباً ایستگاه‌های حمل‌ونقل هستند. این روش سعی بر هماهنگ کردن سرمایه‌گذاری در بخش حمل‌ونقل همگانی با الگوهای کاربری زمین فعلی و آینده دارد (عباس‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). بنابراین فاکتور کلیدی در توسعه حمل‌ونقل محور (TOD)، ایجاد تعامل بین زیرساخت ترانزیت و منطقه اطراف آن است (Berawi et al, 2020).



نمابه ۱- توسعه حمل‌ونقل محور و پایداری شهری (Li & Lai, 2014)

پروژه‌های TOD در مکانی که در آن ترکیبی از فعالیت‌ها شامل سکونت، خرده‌فروشی، دفاتر کار، دفاتر خدماتی و غیره، حضور دارند، قابلیت بیشتری برای اجرایی شدن دارند. توسعه حمل‌ونقل محور مبین توسعه‌ای است که در آن تراکم به مراتب از توسعه‌های معمولی بالاتر است. همچنین این نوع توسعه باعث افزایش پیاده‌روی و سفر از طریق حمل‌ونقل عمومی خواهد شد. این مدل توسعه از مزیت تراکم بالاتر، نزدیکی و دسترسی به

1. Transit-oriented development
2. dynamic arranging systems

عناصر شبکه حمل و نقل و تکنیک‌های طراحی شهری استفاده می‌کند تا قابلیت پیاده‌روی را تشویق نموده و مسیرهای دوستدار پیاده برای عرصه‌های عمومی شهری ایجاد نماید. در واقع توسعه حمل و نقل محور موجب کاهش تعداد و طول سفرها با اتومبیل می‌گردد و می‌تواند به ایجاد سرزندگی در شهرها به‌عنوان یکی از احساسات گمشده در توسعه حومه‌های مدرن، کمک کند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد تسهیل دسترسی به ایستگاه‌های حمل و نقل و ترانزیت پایدار، تراکم بالای مناطق اطراف ایستگاه‌ها و تنوع عملکردی این مناطق، عناصر اساسی اجرای موفق یک پروژه TOD است (Ibraeva et al, 2020). توسعه حمل و نقل عمومی، یک راه‌حل برای به حداقل رساندن وابستگی شهروندان به وسایل نقلیه شخصی است که از طریق استقرار در سکونتگاه‌هایی در مجاورت گره‌های ترافیکی صورت می‌گیرد. این الگوی توسعه شهری کمک می‌کند تا مسافران بالقوه در مجاورت تسهیلات حمل و نقل قرار گیرند و از سوی دیگر باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاری در بخش حمل و نقل عمومی بازدهی و سوددهی بالاتری داشته باشد، چراکه تعداد استفاده‌کنندگان از شبکه حمل و نقل موجود افزایش می‌یابد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

پروژه‌های حمل و نقل عمومی محور، یک معامله برد-برد برای هر یک از طرفین ارزیابی می‌شود، به طوری که هم سرمایه‌گذاران،

هم دولت و هم شهروندان از توسعه فیزیکی و ارزش افزوده ناشی از آن سود می‌برند. با اجرای پروژه‌های حمل و نقل عمومی محور، ضمن برخورداری از سیستم جابجایی با کیفیت بالا، امکان جابجایی حجم بالایی از مسافران، امکان استفاده اقشار مختلف اجتماعی، منافع عمومی، کاهش هزینه‌های رفت و آمد خانوار، کاهش سرانه سفر با وسیله نقلیه موتوری شخصی اتفاق می‌افتد که گامی برای کاستن از حجم ترافیک محلی است.

استانداردهای توسعه حمل و نقل محور

در توسعه حمل و نقل محور، اصول و معیارهایی وجود دارد و صاحب‌نظران مختلفی برای آن شیوه‌های مختلفی را در نظر گرفته‌اند. باید توجه داشت که معیارهای TOD مجزا نیستند و ارزیابی پروژه‌های TOD باید چندبعدی باشد (Huang et al, 2018). برای این که ارزیابی یک توسعه، قابل قیاس با نمونه‌های مشابه باشد باید یک استاندارد جهانی وجود داشته باشد و برای اصول و معیارها نمره‌های یکسان در نظر گرفته شود تا بر اساس آن در همه جا این ارزیابی صورت پذیرد. موسسه سیاست‌های حمل و نقل و توسعه در آمریکا (ITDP^۱)، به‌عنوان مرجع جهانی سیاست‌های حمل و نقلی، برای این توسعه استاندارد مشخصی را تعریف کرده که در ادامه معرفی شده است (ITDP, 2017:9). وضعیت رنگی استانداردها به شرح جدول زیر است:

جدول ۱- وضعیت استانداردهای توسعه حمل و نقل محور (ITDP, 2017:14)

وضعیت استاندارد	امتیاز	تعریف
استاندارد طلایی	نمره ۸۶ تا ۱۰۰	استانداردهای طلایی TOD، پروژه‌های توسعه شهری را شامل می‌شود که در سطح جهانی در تمام جنبه‌های پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و توسعه حمل و نقل محور پیشگام هستند.
استاندارد نقره‌ای	نمره ۷۱ تا ۸۵	استانداردهای نقره‌ای TOD شامل پروژه‌هایی می‌شود که بسیاری از اهداف عملکرد بهینه را دارا باشند.
استاندارد برنزی	نمره ۵۶ تا ۷۰	استانداردهای برنزی TOD شامل پروژه‌هایی می‌شود که اکثریت اهداف عملکرد بهینه را در برگیرند.

با توجه به آن چه اشاره شد استاندارد توسعه حمل و نقل محور برای ارزیابی و نمره‌دهی یک پروژه نیاز به معیارهایی برای اندازه‌گیری دارد تا پروژه مورد نظر با یک مقیاس پایه و

معتبر سنجیده شود. از این رو معیارهای ارزیابی پروژه‌های حمل و نقل محور در قالب جدول زیر همراه با امتیاز مربوط به هر یک ارائه می‌شود.

جدول ۲- معیارهای استاندارد ارزیابی پروژه‌های حمل‌ونقل محور (ITDP, 2017)

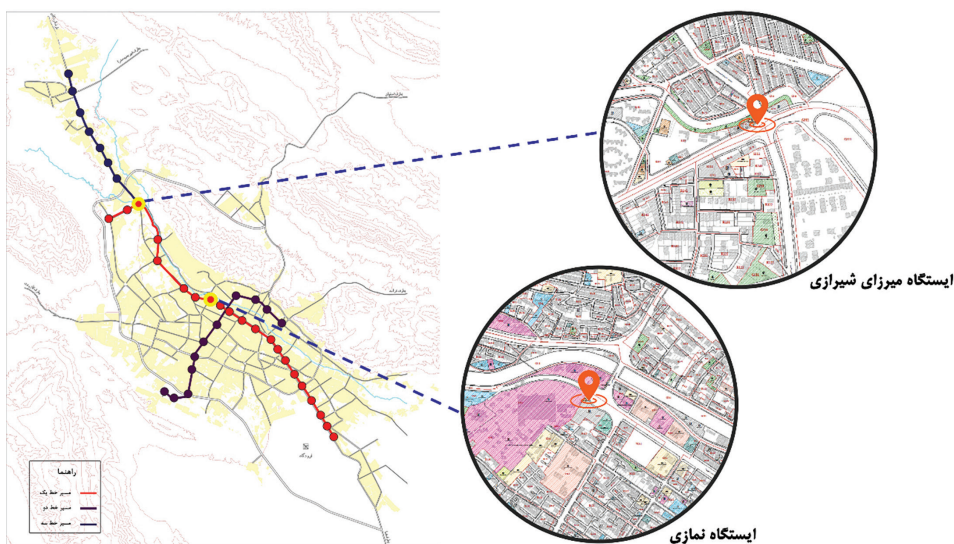
نمبره	نحوه بررسی	معیار	اصول TOD
۳	۱۰۰٪ پیاده‌رو قابل دسترس باشد	نسبت مسافت پیاده‌روی قابل دسترس برای همه به کل مسافت	پیاده‌رو قابل دسترس برای همه
۲	۹۰٪ و بالاتر		
۱	۸۰٪ و بالاتر		
۰	زیر ۸۰٪		
۳	۱۰۰٪ تقاطع‌ها ایمن باشد.	نسبت تعداد تقاطع‌های ایمن بر کل تقاطعات	تقاطع ایمن پیاده‌رو با مسیر سواره
۲	۹۰٪ و بالاتر		
۱	۸۰٪ و بالاتر		
۰	زیر ۸۰٪		
۶	۹۰٪ و بالاتر جلوه بصری فعال باشد.	نسبت تعداد فعالیت‌های دارای ارتباط بصری با پیاده‌رو به تعداد کل فعالیت‌های درون ساختمانی	جلوه بصری فعال خیابان
۵	۸۰٪ و بالاتر		
۴	۷۰٪ و بالاتر		
۳	۶۰٪ و بالاتر		
۲	۵۰٪ و بالاتر		
۰	پایین‌تر از ۵۰٪		
۲	تعداد ورودی: ۵ و بیشتر	محاسبه تعداد ورودی‌ها در هر ۱۰۰ متر محاسبه برای به دست آوردن تعداد متوسط	تعداد ورودی به پیاده‌رو (نفوذپذیری)
۱	۳ و بیشتر		
۰	کمتر از ۳		
۱	سایه‌اندازی ۷۵٪ و بیشتر	نسبت مترهاژ سایه به مترهاژ کل محدوده	سایه‌اندازی
۰	سایه‌اندازی کمتر از ۷۵٪		
۲	تمام مسیر ایمن باشد.		مسیر دوچرخه
۱	فاصله ورودی ساختمان تا مسیر امن کمتر از ۲۰۰ متر		
۰	فاصله ورودی ساختمان تا مسیر امن بیشتر از ۲۰۰ متر		پارکینگ دوچرخه ایستگاه حمل‌ونقل
۱	در فاصله ۱۰۰ متری ایستگاه پارکینگ وجود دارد.		
۰	در فاصله ۱۰۰ متری ایستگاه پارکینگ وجود ندارد.		پارکینگ دوچرخه ساختمان
۱	وجود حداقل تعداد ۴ پارکینگ دوچرخه ساختمان		
۰	تعداد پارکینگ ساختمان کمتر از ۴		دسترسی دوچرخه‌ها در ساختمان
۱	در حداقل ۵۰٪ درصد ساختمان‌ها دوچرخه اجازه دسترسی به راهرو و آسانسور را دارد.		
۰	در کمتر از ۵۰٪ ساختمان‌ها دوچرخه اجازه دسترسی به راهرو و آسانسور را دارد.		طول بلوک‌های ساختمانی
۱۰	بلوک‌های کوتاه‌تر از ۱۱۰ متر		
۸	بلوک‌های کوتاه‌تر از ۱۳۰ متر		
۶	بلوک‌های کوتاه‌تر از ۱۵۰ متر		
۴	بلوک‌های کوتاه‌تر از ۱۷۰ متر		
۲	بلوک‌های کوتاه‌تر از ۱۹۰ متر		
۰	بلوک‌های بلندتر از ۱۹۰ متر		اولویت‌بندی دسترسی‌ها
۵	نسبت تقاطعات ۲ و بالاتر		
۳	بالاتر از ۱,۵		
۱	بالاتر از ۱		
۰	۱ و کمتر از ۱		فاصله پیاده‌روی تا ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی
۵	فاصله مناسب پیاده‌روی برای رسیدن به حمل‌ونقل سریع‌السیر باید کمتر از ۱۰۰۰ متر باشد.		

۸	درصد کاربری غالب بین ۵۰ تا ۶۰ %	در ابتدا تشخیص کاربری غالب سپس بررسی درصد مساحت آن نسبت به کل محدوده	کاربری‌های مکمل
۶	بین ۶۱ تا ۷۰ %		
۴	بین ۷۱ تا ۸۰ %		
۰	بیش از ۸۰ %		
۳	دسترسی ۸۰ % بافت به ۳ نوع از خدمات آموزشی، درمانی و مراکز مواد غذایی	دسترسی به خدمات محلی	
۲	دسترسی ۸۰ % بافت به ۲ نوع از خدمات		
۱	دسترسی ۸۰ % بافت به ۱ نوع از خدمات		
۰	دسترسی کمتر از ۸۰ % بافت به یکی از خدمات		
۱	حداقل ۸۰ % ساختمان‌ها در فاصله ۵۰۰ متری پارک‌ها و زمین‌های بازی	دسترسی به پارک‌ها و زمین‌های بازی	
۰	کمتر از ۸۰ % ساختمان‌ها در فاصله ۵۰۰ متری پارک‌ها و زمین‌های بازی		
۸	حداقل ۵۰ %	نسبت تعداد واحدهای مسکن قابل استطاعت به تعداد کل واحدهای مسکونی	اختلاط مسکن قابل استطاعت
۶	بین ۳۵ تا ۴۹ %		
۴	بین ۲۰ تا ۳۴ %		
۲	بین ۱۰ تا ۱۹ %		
۰	کمتر از ۱۰ %		
۲	۱۰۰ % خانوارها در محل باقی مانده باشند، محل با فاصله ۲۵۰ متر جابجا شده باشند، خانوارهایی که این محل را بعد از پروژه برای سکونت انتخاب کرده باشند، قبل از پروژه مسکنی وجود نداشته باشد.	حفاظت از مسکن	
۱	۱۰۰ % خانوارهایی که جابجا شدند در فاصله ۵۰۰ متری از جای قبلی جابجا شده باشند.		
۰	کمتر از ۱۰۰ % خانوارها اگر در محل باقی نمانده باشند یا در فاصله قابل پیاده‌روی جابجا نشده باشند.		
۲	تمام فعالیت‌ها در محل باقی مانده باشند، فاصله قابل پیاده‌روی ۵۰۰ متر از جای قبلی جابجا شده باشند، قبل از پروژه هیچ فعالیتی در سایت وجود نداشته باشد.	حفاظت از واحدهای تجاری و خدمات	
۰	فعالیت‌های تجاری و خدماتی به‌طور کامل در محل باقی نمانده یا به فاصله قابل پیاده‌روی جابجا نشده باشند.		
۸	تعداد کل واحدهای مسکونی بیشتر از تراز پایه و پروژه در فاصله ۵۰۰ متری از ایستگاه	تراکم مسکونی	
۶	تعداد کل واحدهای مسکونی بیشتر از تراز پایه و پروژه در فاصله بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری از ایستگاه		
۴	تعداد کل واحدهای مسکونی برابر با پایه یا ۵ % از پایه کمتر و فاصله ۵۰۰ متر از ایستگاه		
۲	تعداد کل واحدهای مسکونی برابر با پایه یا ۵ % از پایه کمتر و فاصله بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از ایستگاه		
۰	تعداد کل واحدهای مسکونی بیشتر از ۵ % زیر حد تراز پایه باشد.	تراکم غیرمسکونی	
۷	تراکم غیرمسکونی بالاتر از پایه و بافاصله ۵۰۰ متر از ایستگاه		
۵	تراکم غیرمسکونی بالاتر از پایه و بافاصله‌ی بین ۵۰۰ متر تا ۱۰۰۰ متر از ایستگاه		
۳	تراکم غیرمسکونی برابر با پایه یا ۵ % از پایه کمتر باشد و فاصله ۵۰۰ متر از ایستگاه		
۲	تراکم غیرمسکونی برابر با پایه یا ۵ % از پایه کمتر باشد و فاصله از ایستگاه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر	سایت شهری یکپارچگی	
۰	تراکم غیرمسکونی بالای ۵ %، از پایه کمتر باشد.		
۸	۴ جهت		شناسایی تعداد جهات مجاور با مناطق ساختمان‌سازی شده
۶	۳ جهت		
۴	۲ جهت		
۲	۱ جهت		
۰	در هیچ جهتی ساخت‌وساز نشده باشد.	گزینه‌های حمل‌ونقل	
۲	خطوط مازاد حمل‌ونقل با ظرفیت بالا		
۲	ایستگاه‌های دوچرخه‌همگانی		
۱	مسیرهای مازاد حمل‌ونقل منظم	پارکینگ خارج از سطح خیابان	
۸	۰ - ۱۰ %		
۷	۱۱ - ۱۵ %		
۶	۱۶ - ۲۰ %		
۵	۲۱ - ۲۵ %		
۴	۲۶ - ۳۰ %		
۲	۳۱ - ۴۰ %		
۰	۴۱ % به بالا		
۲	میانگین ۲ و کمتر از آن	اندازه‌گیری تعداد مسیرهایی که با پیاده‌رو تقاطع دارند	
۰	میانگین بیشتر از ۲		
۶	۱۵ % یا کمتر	نسبت مساحت سواره‌رو به مساحت کل محدوده	
۳	۲۰ % یا کمتر		
۰	بیش از ۲۰ %		

محدوده مورد مطالعه: ضرورت تأکید بر سیستم حمل و نقل همگانی شهر شیراز

امروزه با توجه به هزینه‌های سنگین توسعه شبکه‌های خیابانی برای استفاده وسایل نقلیه شخصی و پیامدهای وسیع آن، توسعه سیستم‌های حمل و نقل همگانی یک راه حل اصولی برای شهرهای بزرگ از جمله شیراز محسوب می‌شود. روزانه بالغ بر ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار سفر درون شهری در شیراز انجام می‌شود که سرانه سفر هر شهروند فراتر از ۱,۶ است. به دلیل آنکه در ساعات اوج، معضلات ترافیکی نمود بیشتری می‌یابد، توجه به سهم و تعداد سفر در ساعت اوج ترافیک حائز اهمیت است (سلطانی و فلاح منشادی، ۱۳۹۱).

با روند رو به رشد شهری در شیراز، توسعه مترو در این شهر رو به تکامل می‌باشد. مترو شیراز به‌عنوان سومین سامانه قطار شهری پس از مترو تهران و مترو مشهد آغاز به کار کرد. خطوط مترو شیراز پس از خطوط مترو تهران و مشهد سومین خطوط بزرگ مترو در کشور است و پس از تکمیل و در افق بلندمدت قرار است سالانه بیش از چهار میلیون سفر را پشتیبانی کند. با توجه به مطالعات طرح جامع حمل و نقل و مهندسیین مشاور، سه خط قطار شهری در شهر شیراز پیش‌بینی شده است. خط یک ۵,۳ درصد از کل جابه‌جایی‌ها و ۳۴ درصد سهم وسایل نقلیه همگانی و خط دو ۲ درصد از کل سفرها و ۱۷ درصد از سهم حمل و نقل همگانی را در برمی‌گیرد (مهندسیین مشاور فرهاد، ۱۳۹۳: ۴۸).



تصویر ۱- خطوط قطار شهری کلان شهر شیراز

در جابجایی مسافران در ساعات اوج و کاهش ترافیک دارد. جمعیت استفاده‌کنندگان از این ایستگاه در ساعات پیک، جهت شرق به غرب ۳۳۸۹ نفر و غرب به شرق ۳۷۴۵ نفر است که مجموع جمعیت دو طرف برابر با ۷۱۳۴ نفر است (سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری شیراز، ۱۳۹۵).

بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این مرحله، با برداشت میدانی و اطلاعات به‌دست آمده از آن، توسعه ایستگاه‌های مشخص‌شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین منظور شاخص‌های ذکر شده توسط موسسه سیاست‌های حمل و نقل و توسعه در آمریکا مورد بررسی کمی و کیفی قرار گرفته است که شیوه امتیازدهی به هر یک از این شاخص‌ها در جدول شماره ۲ به تفصیل بیان و در نهایت امتیاز مربوط به هر شاخص طی جدولی ارائه گردیده است. در بررسی هر یک از ایستگاه‌ها، معیارهای مذکور سنجیده شده و با توجه به آن، امتیاز هر ایستگاه محاسبه شده و در نهایت، مجموع امتیاز به‌دست آمده نشان‌دهنده وضعیت مطلوب یا نامطلوب آن ایستگاه خواهد بود.

در تحقیق حاضر دو ایستگاه میرزای شیرازی و نمازی از خط یک مترو شیراز انتخاب شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. در انتخاب این ایستگاه‌ها، میزان تردد و حجم مسافرین ایستگاه‌ها، موقعیت ایستگاه‌ها در محورهای مواصلاتی، نقش ایستگاه در طرح‌های فرادست و ... مد نظر قرار گرفته است.

ایستگاه میرزای شیرازی نوزدهمین ایستگاه خط یک مترو شیراز است. این ایستگاه به‌عنوان یکی از ایستگاه‌های با درجه اهمیت یک قطار شهری و در تقاطع محورهای شریانی میرزای شیرازی و معالی آباد در محدوده شهرداری منطقه شش شیراز واقع شده است. ایستگاه مذکور که تقاطع خط یک با خط سه قطار شهری شیراز است، در واقع ابتدای شروع خط سه مترو شیراز می‌باشد.

ایستگاه مترو نمازی شیراز چهاردهمین ایستگاه از خط یک مترو این کلان‌شهر محسوب می‌شود. این ایستگاه در محل تقاطع خیابان زند و خیابان ملاصدرا و در میدان نمازی در محدوده شهرداری منطقه یک قرار دارد. ایستگاه نمازی به دلیل قرارگیری در مرکز تجاری شهر نقش عمده‌ای

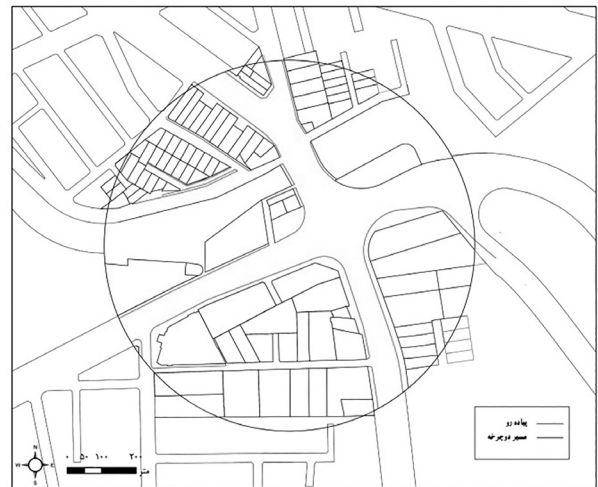
جدول ۳- ارزیابی نمونه‌های موردی بر اساس معیارهای استاندارد پروژه‌های حمل و نقل محور

اصول TOD	معیار (حداکثر امتیاز)	ایستگاه	جزئیات بررسی	امتیاز
پیاده‌روی	پیاده‌رو قابل دسترس برای همه (۲)	میرزای شیرازی	مسافت پیاده‌رو: ۶۸۶۱ متر ۱۹۱ متر آن از کیفیت مقبولی برخوردار نبود.	۲
		نمازی	مسافت پیاده‌رو: ۷۰۸۶,۴ متر تمامی پیاده‌رو در دسترس عابرین پیاده است.	۳
	تقاطع ایمن پیاده‌رو با مسیر سواره (۳)	میرزای شیرازی	تعداد تقاطع‌های ایمن: ۱۶ کل تقاطعات: ۱۹	۱
		نمازی	تعداد تقاطع‌های ایمن: ۱۵ کل تقاطعات: ۱۹	۱
	جلوه بصری فعال خیابان (۶)	میرزای شیرازی	تعداد فعالیت‌های بصری: ۶۹ تعداد کل فعالیت‌ها: ۸۷	۵
		نمازی	تعداد فعالیت‌های بصری: ۶۶ تعداد کل فعالیت‌ها: ۴۷۱	۰
	تعداد ورودی به پیاده‌رو (نفوذپذیری) (۲)	میرزای شیرازی	تعداد ورودی‌ها در ۲۰۰ متر: ۱۱۱	۲
		نمازی	تعداد ورودی‌ها در ۲۰۰ متر: ۱۱۷	۲
	سایه‌اندازی (۱)	میرزای شیرازی	متراژ سایه‌اندازی: ۴۶۶۵,۵	۰
		نمازی	متراژ سایه‌اندازی: ۳۷۸۴,۱	۰
مسیر دوچرخه (۲)	میرزای شیرازی	کل مسیرهای حمل و نقلی: ۹ تعداد مسیر امن دوچرخه: ۰	۰	
	نمازی	کل مسیرهای حمل و نقلی: ۸ تعداد مسیر امن دوچرخه: ۲	۰	
دوچرخه سواری	ایستگاه پارکینگ دوچرخه (۱)	میرزای شیرازی	تعداد پارکینگ: ۱	۱
		نمازی	تعداد پارکینگ: ۱	۱
ساختمان پارکینگ دوچرخه (۱)	ساختمان پارکینگ دوچرخه (۱)	میرزای شیرازی	در محدوده ایستگاه‌های انتخابی و در مقابل هیچ‌یک از ساختمان‌ها جایی برای پارک دوچرخه در نظر گرفته نشده است.	۰
		نمازی		۰
دسترسی دوچرخه‌ها در ساختمان (۱)	دسترسی دوچرخه‌ها در ساختمان (۱)	میرزای شیرازی	برای به دست آوردن اطلاعات این شاخص به طور تصادفی با ۱۰ واحد مسکونی در هر ایستگاه مصاحبه کردیم. هر ۱۰ واحد مسکونی، امکان دسترسی به دوچرخه در راهروها و ساختمان را دارا بودند.	۱
		نمازی		۱
طول بلوک‌های ساختمانی (۱۰)	طول بلوک‌های ساختمانی (۱۰)	میرزای شیرازی	طول بلندترین بلوک: ۲۸۲ متر	۰
		نمازی	طول بلندترین بلوک: ۲۱۲ متر	۰
اولویت‌بندی دسترسی‌ها (۵)	اولویت‌بندی دسترسی‌ها (۵)	میرزای شیرازی	سواره: ۱۵,۷۵ پیاده: ۲۳	۳
		نمازی	سواره: ۸,۵ پیاده: ۲۹	۵
حمل و نقل عمومی	فاصله پیاده‌روی تا ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی (۵)	میرزای شیرازی	محدوده مورد مطالعه شعاع ۵۰۰ متری اطراف ایستگاه و زیر ۱۰۰۰ متر است بنابراین هر دو ایستگاه، امتیاز کامل این معیار را دریافت می‌کنند.	۵
		نمازی		۵

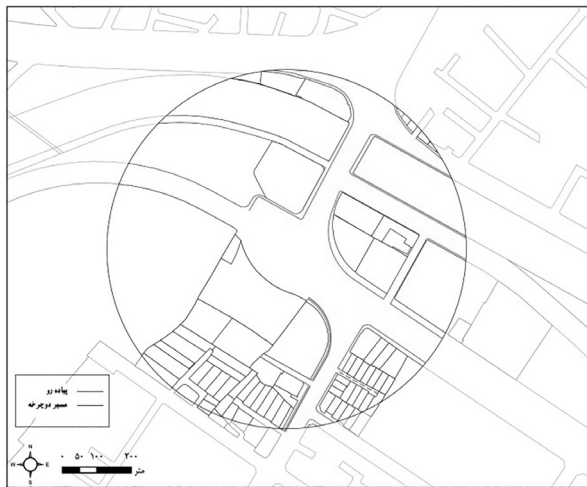
اصول TOD	معیار (حداکثر امتیاز)	ایستگاه	جزئیات بررسی	امتیاز	
اختلاط	کاربری‌های مکمل (۸)	میرزای شیرازی	درصد مسکونی: ۶۷٪ درصد غیرمسکونی: ۳۳٪	۶	
		نمازی	درصد مسکونی: ۷٪ درصد غیرمسکونی: ۹۳٪	۰	
	دسترسی به خدمات محلی (۳)	میرزای شیرازی	محدوده اطراف هر دو ایستگاه دسترسی به خدمات محلی دارند.		۳
		نمازی			۳
	دسترسی به پارک‌ها و زمین‌های بازی (۱)	میرزای شیرازی	در شعاع ۵۰۰ متری از ایستگاه، پارک محلی وجود دارد.		۱
		نمازی	هیچ پارک محلی یا زمین بازی در اطراف ایستگاه وجود ندارد.		۰
	مسکن قابل استطاعت (۸)	میرزای شیرازی	اجاره مسکن مقرون به صرفه زیر ۳۰٪ از درآمد متوسط منطقه مربوطه باشد. در هر محدوده با ۱۰ نفر از ساکنین مصاحبه شد.		۴
		نمازی			۴
	حفاظت از مسکن (۲)	میرزای شیرازی	از آن‌جا که در اجرای خط یک پروژه قطار شهری شیراز هیچ‌گونه تخریب در بافت مسکونی صورت نگرفته است، امتیاز کامل برای تمامی ایستگاه‌ها لحاظ شده است.		۲
		نمازی			۲
	حفاظت از واحدهای تجاری و خدمات (۲)	میرزای شیرازی	برای احداث ایستگاه بخشی از واحدهای تجاری تخریب شده‌اند.		۰
		نمازی			هیچ‌گونه تخریب در بافت اطراف ایستگاه صورت نگرفته است.
تراکم	تراکم مسکونی (۸)	میرزای شیرازی	مساحت: ۳۶۲۹۸٫۲ زیربنا: ۴۰۹۸۶٫۴	۰	
		نمازی	مساحت: ۷۵۴۰٫۵ زیربنا: ۸۶۴۸٫۵	۰	
	تراکم غیرمسکونی (۷)	میرزای شیرازی	مساحت: ۲۰۲۴۰٫۲ زیربنا: ۵۸۷۲۱٫۱	۷	
		نمازی	مساحت: ۹۵۷۸۹٫۳ زیربنا: ۱۱۶۱۵۷٫۸	۷	
سایت شهری (۸)	میرزای شیرازی	۴ جهت		۸	
	نمازی	۴ جهت		۸	
یکپارچگی	گزینه‌های حمل‌ونقل (۲)	میرزای شیرازی	تمام ایستگاه‌های محدوده میرزای شیرازی به اتوبوس خط ۲۲، ۱۳۸، ۳۹ و تاکسی‌های خطی نزدیک بوده و خود ایستگاه هم که شامل قطار شهری است.	۲	
		نمازی	یکی از پایانه‌های اتوبوس‌رانی اصلی شهر که فراتر از محدوده پژوهش را پوشش می‌دهد در محدوده ایستگاه قرار دارد.	۲	
تغییر عملکرد	پارکینگ خارج از سطح خیابان (۸)	میرزای شیرازی	متراژ پارکینگ: ۸۴۴۸	۸	
		نمازی	متراژ پارکینگ: ۱۲۵۰	۸	
	تراکم معابر ورودی (۲)	میرزای شیرازی	میانگین تعداد ورودی: ۶۹	۰	
		نمازی	میانگین تعداد ورودی: ۵۰	۰	
	مساحت سواره‌رو (۶)	میرزای شیرازی	مساحت: ۵۳۴۵۲	۰	
		نمازی	مساحت: ۴۹۵۱۵٫۹	۳۰	
مجموع (۱۰۰)		میرزای شیرازی		۵۶	
		نمازی		۵۰	

در ادامه نقشه‌های مربوط به برخی از معیارهای بررسی شده در دو ایستگاه میرزای شیرازی و نمازی از جمله پیاده‌رو قابل دسترس و مسیر دوچرخه در تصاویر ۲ و ۳، کاربری غالب

در تصاویر ۴ و ۵، کاربری غیرمسکونی در تصاویر ۶ و ۷ و کاربری مسکونی هر دو ایستگاه در تصاویر ۸ و ۹ قابل‌رؤیت می‌باشند.



تصویر ۲- نقشه دسترسی پیاده و دوچرخه در ایستگاه میرزای شیرازی



تصویر ۳- نقشه دسترسی پیاده و دوچرخه در ایستگاه نمازی



تصویر ۴- نقشه کاربری غالب در ایستگاه میرزای شیرازی



تصویر ۵- نقشه کاربری غالب در ایستگاه نمازی



تصویر ۶- نقشه کاربری غیرمسکونی در ایستگاه میرزای شیرازی



تصویر ۷- نقشه کاربری غیرمسکونی در ایستگاه نمازی

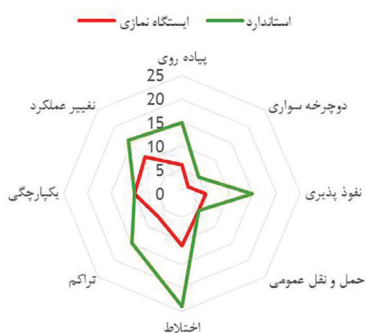


تصویر ۹- نقشه کاربری مسکونی در ایستگاه نمازی



تصویر ۸- نقشه کاربری مسکونی در ایستگاه میرزای شیرازی

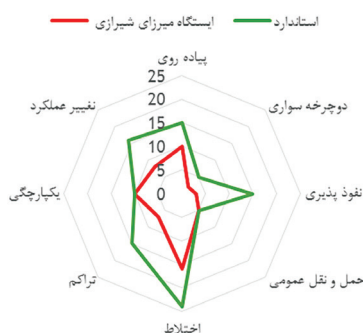
از وضعیت برنزی خارج می‌شود. در مقابل ایستگاه نمازی با کسب نمره ۵۰ از مجموع معیارهای استاندارد توسعه حمل‌ونقل محور، در وضعیت برنزی نیز قرار نمی‌گیرد. نمودارهای زیر حد فاصل هر یک از ایستگاه‌ها را در مقایسه با حالت استاندارد بر اساس هشت اصل توسعه حمل‌ونقل محور نشان می‌دهند.



نمودار ۲- حد فاصل ایستگاه نمازی از حالت استاندارد

و یا تعبیه سبابط بر روی پیاده‌رو که امکان ترغیب افراد به پیاده‌روی را افزایش می‌دهد اشاره کرد. در بررسی معیار «دوچرخه‌سواری» در ایستگاه میرزای شیرازی، مشخص گردید که در وضعیت فعلی، مسیری برای دوچرخه در نظر گرفته نشده است که امکان ایجاد این مسیر در برخی از خیابان‌های محدوده وجود دارد. همچنین بررسی معیار «نفوذپذیری» نشان می‌دهد که اکثر بلوک‌های این محدوده، طولی بلندتر از حد استاندارد و تعیین شده دارند که این امکان وجود دارد تا با تفکیک بلوک‌ها به اندازه استاندارد، نفوذپذیری بافت افزایش یابد. تحلیل معیار «اختلاط» در ایستگاه میرزای شیرازی نشان می‌دهد که دسترسی مناسب به خدمات پایه وجود دارد. همچنین درصد کاربری مسکونی موجود ۶۷٪ و کاربری تجاری ۳۳٪ می‌باشد که با اندکی تغییر می‌توان به تعادل و

با توجه به داده‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده، جمع نمرات مربوط به ایستگاه میرزای شیرازی برابر با ۵۶ است که نشان‌دهنده قرارگیری این ایستگاه در وضعیت برنزی است. البته باید توجه داشت که امتیاز این ایستگاه حداقل امتیاز لازم برای قرارگیری در این وضعیت است و با سهل‌انگاری و از دست دادن حتی یک نمره از هر یک از معیارها،



نمودار ۱- حد فاصل ایستگاه میرزای شیرازی از حالت استاندارد

بررسی‌های صورت گرفته در ایستگاه میرزای شیرازی نشان می‌دهد که در معیار «پیاده‌روی»، استفاده از جزیره در تقاطعات و بلوارهای دارای بیش از ۲ لاین سواره، موجب افزایش ایمنی و امنیت خاطر عابران هنگام عبور از این خیابان‌ها شده است. از سوی دیگر نفوذپذیری بالا و وجود فعالیت‌های تجاری متعدد در جداره بلوار میرزای شیرازی، باعث افزایش ارتباط بصری بین عابرین و این فعالیت‌ها شده که به ایجاد حس امنیت در میان افراد پیاده منجر شده است. همچنین بیش از ۹۰ درصد پیاده‌روهای این محدوده از کیفیت مطلوبی برخوردارند. اما از نقاط ضعف این محدوده می‌توان به کمبود درختان، سبابط و یا دیگر عناصر سایه‌انداز در پیاده‌روها اشاره کرد که موجب کاهش میل پیاده‌روی در آن شده است. از فرصت‌های موجود می‌توان به امکان ایجاد جداره‌های فعال و همچنین کاشت درختان سایه‌دار

توازن بین کاربری‌های محدوده رسید. از فرصت‌های موجود به منظور ارتقاء معیار اختلاط می‌توان به تقویت راسته‌های فضای سبز در محدوده به منظور جذب بیشتر مردم و تشویق به کاهش استفاده از خودرو و امکان متعادل‌سازی کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی با کمک تعریف ضابطه‌های شهری اشاره کرد.

در بررسی معیار «تراکم» در ایستگاه میرزای شیرازی، مشخص گردید که غالب مساحت محدوده در اختیار فعالیت‌های غیرمسکونی است و این امر موجب کاهش کیفیت زندگی در تراکم مسکونی شاهد جنب‌وجوش و فعالیت بیشتر شهروندان در تمامی ساعات شبانه‌روز هستیم. تحلیل معیار «یکپارچگی» نشان می‌دهد تقاطع میرزای شیرازی، یک محور مواصلاتی مهم به سمت شمال غرب شیراز است، از این رو شاهد انواع گزینه‌های حمل‌ونقل از جمله تاکسی، اتوبوس و مترو در این محدوده هستیم. اما عدم هماهنگی و سازمان‌دهی نامناسب شیوه‌های حمل‌ونقل موجود، باعث ترافیک سنگین در اوج ساعات روز می‌شود. همچنین امکان ساماندهی و ایجاد پایانه برای تاکسی‌های موجود در محدوده نیز وجود دارد. بررسی معیار «تغییر عملکرد» بیان‌گر آن است که مساحت قطعاتی که در این محدوده به پارکینگ اختصاص داده شده کمتر از ۲٪ است که امری مثبت می‌باشد. در این محدوده همچنین امکان کاهش سطح پارکینگ‌های خودرو و اختصاص پارکینگ‌های حاشیه‌ای برای احداث مسیر دوچرخه وجود دارد. از سوی دیگر بالا رفتن مساحت سواره‌روها از طریق تعریض خیابان‌ها و احداث پل‌های طبقاتی، موجبات استفاده روزافزون از خودرو شخصی و افزایش سطح پارکینگ اختصاص یافته به خودرو می‌شود که این امر مخالف اصول TOD است.

بررسی‌های صورت گرفته در ایستگاه نمازی نشان می‌دهد که در معیار «پیاده‌روی»، پیاده‌روهای این محدوده همگی از کیفیت مناسبی برخوردار هستند و امکان عبور ویلچر نیز در آن وجود دارد. همچنین بالا بودن تعداد ورودی‌های ساختمان‌ها به پیاده‌رو باعث تعامل و جنب‌وجوش در سطح پیاده‌رو می‌شود. اما در برخی قسمت‌های محدوده، کفپوش مخصوص نابینایان، خیابان خط‌کشی عابر پیاده، عناصر سایه‌انداز و جداره بصری فعال وجود ندارد که با حفظ کیفیت فعلی پیاده‌روها و تلاش در جهت رفع نقص‌های جزئی موجود، می‌توان در جهت بهبود آن اقدام کرد. در بررسی معیار «دوچرخه‌سواری» مشخص گردید از ابتدای پایانه نمازی تا انتهای خیابان ملاصدرا مسیر دوچرخه به صورت رفت و برگشت (یک لاین) در نظر گرفته شده است و در کنار خط‌کشی‌های عرضی عابر پیاده، خط‌کشی‌هایی نیز برای عبور دوچرخه فراهم شده است. اما جلوی ساختمان‌ها پارکینگ

مختص دوچرخه تعبیه نشده است که ضوابطی برای ملزم کردن ساختمان‌ها به منظور احداث پارکینگ برای دوچرخه باید تعیین شود.

همچنین بررسی معیار «نفوذپذیری» نشان می‌دهد که دسترسی پیاده به نقاط مختلف محدوده، تحت تأثیر سواره قرار دارد و شاهد ارجحیت سواره نسبت به پیاده در اکثر نقاط محدوده هستیم. اولویت دسترسی پیاده نسبت به سواره تنها در تقاطع میدان نمازی قابل‌رؤیت است. تحلیل معیار «اختلاط» در ایستگاه نمازی نشان می‌دهد واحدهای مسکونی موجود در محدوده، دسترسی مناسبی به خدمات پایه و اساسی موردنیاز دارند. از معضلات محدوده، می‌توان به غالب بودن کاربری‌های غیرمسکونی به کاربری مسکونی اشاره کرد که باعث شده این محدوده به عنوان یک منطقه خدماتی- درمانی شناخته شود. از این رو نیاز به برقراری تعادل در بین کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی به شدت در محدوده احساس می‌شود و در صورت ادامه انحصار منطقه به کاربری‌های غیرمسکونی از جمله خدماتی، تجاری، درمانی و آموزشی و اختصاص داشتن سهم کمی از محدوده به کاربری مسکونی، شاهد مهاجرت هر چه بیشتر افراد به سایر نقاط خواهیم بود.

در بررسی معیار «تراکم» در ایستگاه نمازی، مشخص گردید که به دلیل قرارگیری محدوده در مرکز تجاری شهر، از تراکم غیرمسکونی بالایی برخوردار است، که این موضوع منجر به کاهش کیفیت زندگی در آن شده و نیازمند برقراری توازن میان کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی است. تحلیل معیار «یکپارچگی» نشان می‌دهد که در این محدوده شاهد انواع شیوه‌های حمل‌ونقلی اعم از پایانه مسافربری درون‌شهری، مسیرهای دوچرخه و ایستگاه‌های تاکسی هستیم و محدوده از این نظر امتیاز کامل را کسب می‌کند. با این وجود، همچنان شاهد استفاده از خودروهای شخصی در این محدوده هستیم که باعث اختلال در عملکرد سایر شیوه‌ها می‌شود. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل با ظرفیت بالا و فرهنگ‌سازی استفاده از این وسایل موجب ترغیب و تشویق مردم به استفاده از این شیوه‌ها می‌شود. بررسی معیار «تغییر عملکرد» بیان‌گر آن است که تنها یک قطعه با مساحت ۱۲۵۰ مترمربع به پارکینگ اختصاص یافته است و امکان پارک خودرو در حاشیه خیابان ملاصدرا نیز وجود ندارد. از دیگر نقاط ضعف محدوده می‌توان به پارک خودروها در کنار مسیر دوچرخه و استفاده سایر کاربران از جمله افراد پیاده و موتورسواران از مسیر دوچرخه اشاره کرد. با کاهش مساحت اختصاص یافته به پارکینگ در سطح خیابان و محدود کردن تعداد پارکینگ‌های ساختمان‌ها، مردم به شیوه‌های حمل‌ونقل عمومی روی می‌آورند.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

همان‌طور که بررسی شد، توسعه حمل‌ونقل محور اصولی دارد که در صورت عدم رعایت حتی یکی از این اصول، توسعه با افت شدیدی روبرو می‌شود. در ایستگاهی با بافت مسکونی کم، در ساعات پایانی شب امنیت کاهش می‌یابد و جرم و جنایت بیشتر رخ می‌دهد. توسعه مختلط به جای منطقه‌بندی باعث می‌شود چشمان ناظر در منطقه همیشه وجود داشته باشد و منطقه همیشه فعال باشد. متأسفانه در کشور ما گرایش به سمت منطقه‌بندی رواج پیدا کرده و نمونه عینی آن هم سایت‌های مرکزی شهرها است که پس از ساعات اداری تعطیل، خلوت و حضور در آن منطقه با احساس ناامنی همراه است. کاربری مسکونی باید در کنار کاربری غیرمسکونی وجود داشته باشد تا نیازهای مردم در فاصله کم و قابل پیاده‌روی حل شود و کم‌ترین نیاز به خودروی شخصی وجود داشته باشد. توجه به پیاده‌مداری و دوچرخه‌سواری با توجه به رشد روزافزون خودروهای شخصی می‌تواند از حجم ترافیک برای مسافت‌های کوتاه جلوگیری

کند و کاربران امور روزمره خود را به جای استفاده از خودرو شخصی، در صورت مهیا بودن مسیرهای مناسب، امن و باکیفیت به صورت پیاده یا با استفاده از دوچرخه انجام دهند. با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، در کنار همه ایستگاه‌های قطار شهری مورد مطالعه، دیگر سیستم‌های حمل‌ونقل نیز وجود داشته که می‌تواند به صورت سیال‌تری عمل کند و مسافرین را پس از استفاده از قطار شهری جابه‌جا کند و در مقیاس محلی کاربران را جابجا کند و ایستگاه نقش یک نقطه مرکزی را برای کاربران ایفا می‌کند. از اصول توسعه حمل‌ونقل محور، افزایش تراکم در اطراف ایستگاه‌های قطار شهری است. افزایش تراکم در مکان‌هایی باید صورت گیرد که دسترسی خوب به سیستم حمل‌ونقل سریع یا ریلی را داشته باشند. با افزایش تراکم در طبقات، امکان به‌کارگیری کاربری‌های متنوع وجود خواهد داشت که به توسعه مختلط کمک می‌کند. در جدول زیر پیشنهاداتی جهت ارتقاء معیارهای توسعه حمل‌ونقل محور به تفکیک ایستگاه‌های مورد مطالعه بیان شده است.

جدول ۴- پیشنهادات طراحی جهت ارتقاء معیارهای توسعه حمل‌ونقل محور در ایستگاه‌های مورد مطالعه

اصل	ایستگاه نمازی	ایستگاه میرزای شیرازی
پیاده‌روی	ایجاد محیطی مناسب و امن برای عابرین پیاده به‌ویژه در نزدیکی ایستگاه‌ها و جلوگیری از تداخل عابرین پیاده با خودرو به منظور ایجاد فضاهای شهری که محل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی است. تعریف خط‌کشی عابر برای تقاطعات سواره و پیاده به‌ویژه در خیابان ملاصدرا و میدان دانشجو تأمین میلمان شهری با روشنایی مناسب نصب تابلوها و زمین‌نوشته‌های «آهسته برانید» و هشدار «عبور پیاده» و «کاهش سرعت» در تقاطعات فضاسازی مناسب ایستگاه‌های قطار شهری جهت استفاده تمامی اقشار (معلولین، سالمندان و ...)	ایجاد کف‌پوش با خط‌کشی مخصوص نابینایان استفاده از رمپ برای عبور معلولین دارای ویلچر و یا در محل‌هایی که تغییر ارتفاع به صورت پله‌ای ناگزیر است. تعریف خط‌کشی عابر برای تقاطعات ابتدای بلوار میرزای شیرازی از بین بردن کلیه موانع دید به تقاطع‌ها نورپردازی جداره‌ها و عناصر شاخص برای بالا بردن کیفیت منظر بصری محدوده کاشت درختان سایه‌دار و تعبیه سابات به روی پیاده‌رو
دوچرخه	در اولویت قرار دادن دوچرخه نسبت به سایر شیوه‌های حمل‌ونقل اعلام منطقه پارک‌ممنوع در تمامی طول حاشیه مسیر دوچرخه	در نظر گرفتن مسیری برای دوچرخه آموزش شهروندان و بالا بردن فرهنگ دوچرخه‌سواری برای عموم تعیین ضوابط شهری جهت الزام ساختمان‌ها به تأمین پارکینگ دوچرخه
نفوذپذیری	تعریف ضوابط بلوک‌بندی جدید در راستای کاهش طول بلوک‌ها استفاده از عوامل آرام‌سازی ترافیک در مجاورت ایستگاه‌ها محدود کردن دسترسی سواره و کاهش عرض سواره‌رو	
اختلاط	تعیین ضابطه‌های ساخت‌وساز جدید برای برقراری تعادل بین کاربری مسکونی و غیرمسکونی ایجاد طیف متنوعی از مشاغل و فعالیت‌ها برای جذب جمعیت به حوزه‌های با جمعیت پایین برنامه‌ریزی به منظور کاهش سفرهای درون‌شهری و استفاده از شیوه‌های غیرحضور برای انجام کارها	استفاده از کاربری‌های شبانه‌روزی ایجاد مسکن متنوع برای گروه‌های مختلف جامعه از نظر درآمد در نظر گرفتن سایت‌هایی برای انتقال و جایگزینی فعالیت‌های ازدست‌رفته ناشی از ساخت ایستگاه مترو تقویت اختلاط کاربری موجود در محور میرزای شیرازی با تزریق کاربری جذاب جمعیت
تراکم	اتخاذ سیاست‌های افزایش تراکم مسکونی برای برقراری توازن میان کاربری‌های غیرمسکونی و مسکونی استقرار تراکم مسکونی بالا در نقاطی که قابلیت اجرای طرح بلندمرتبه‌سازی دارند. تعریف ضوابط تراکم به نحوی که در مرکز محدوده، تراکم بالا و با گسترش به سمت خارج از مرکز، تراکم کاهش یابد.	
یکپارچگی	تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز برای بهبود شیوه‌های مختلف در شبکه حمل‌ونقل خصوصی‌سازی بهره‌برداری از سیستم‌های حمل‌ونقل و ارائه تسهیلات به بخش خصوصی برای جذب سرمایه‌گذار و ایجاد خطوط آبی قطار شهری جایگزینی ناوگان فرسوده اتوبوس‌رانی با دستگاه‌های مدرن و استفاده از فناوری‌های نوین در پرداخت کرایه	
تغییر عملکرد	الزام به پرداخت هزینه برای پارکینگ‌های حاشیه‌ای کنار خیابان از طریق C Pay تأمین و ارتقا زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی موجود به منظور کاهش استفاده از خودرو شخصی برقراری ارتباط و پیوستگی بین شیوه‌های حمل‌ونقل به منظور کاهش مدت زمان سفر کاربران با حمل‌ونقل عمومی برای تشویق مردم به استفاده از این نوع حمل‌ونقل و کاهش تقاضای پارکینگ.	

16. Hasibuan, H. S., & Permana, C. T. (2022) Socio-cultural characteristics of people and the shape of transit-oriented development (TOD) in Indonesia: A mobility culture perspective. *Journal of Transport and Land Use*, 15(1), 295-314.
17. Ibraeva, A. Correia, G. Silva, C. & Antunes, A. (2020) Transit-oriented development: A review of research achievements and challenges, *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, Volume 132, Pages 110-130, ISSN 0965-8564, <https://doi.org/10.1016/j.tra.2019.10.018>.
18. ITDP Institute for Transportation and Development Policy (2017) *TOD Standard*, 3rd ed. New York: ITDP.
19. <https://www.itdp.org/2017/06/23/tod-standard/>
20. Kim, K. & Lahr, M.L. (2013) The impact of Hudson-Bergen Light Rail on residential property appreciation. *Regional Science*, 93, 79-97. doi:10.1111/pirs.12038
21. Knowles, R.D., Ferbrache, F. & Nikitas, A. (2020) Transport's Historical, Contemporary and Future Role in Shaping Urban Development: Re-evaluating Transit-oriented Development. *Cities*, 99, 102607. doi:10.1016/j.cities.2020.102607
22. Kumar, P.P., Sekhar, C.R. & Parida, M. (2020) Identification of Neighborhood Typology for Potential Transit-oriented Development. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 78, 102186. doi: 10.1016/j.trd.2019.11.015
24. Kumar, P. Phani, Sekhar, C.H. Ravi, Parida, Manoranjan. (2020). Identification of neighborhood typology for potential transit-oriented development. *Transport. Res. D78*, 102186.
25. Li, C.N. & Lai, T.Y. (2006) Sustainable Development and Transit-oriented Development Cities in Taiwan. In *The 12th Annual International Sustainable Development Research Conference* (p. 6).
26. Li, J. Huang, H. (2020) Effects of transit-oriented development (TOD) on housing prices: A case study in Wuhan, China, *Research in Transportation Economics*, Volume 80, 100813, ISSN 0739-8859, <https://doi.org/10.1016/j.retrec.2020.100813>.
27. Padeiro, M. Louro, A. & da Costa, N. (2019) Transit-oriented development and gentrification: a systematic review, *Transport Reviews*, 39:6, 733-754, DOI: 10.1080/01441647.2019.1649316
28. Park, K., Ewing, R., Scheer, B. (2018) Travel behavior in TODs vs. non-TODs: using cluster analysis and propensity score matching. *Transp. Res. Rec.* 2672, 31-39.
29. Stojanovski, T. (2020) Urban design and public transportation – public spaces, visual proximity and Transit-Oriented Development (TOD), *Journal of Urban Design*, 25:1, 134-154, DOI: 10.1080/13574809.2019.1592665
30. Huang, R., Grigolon, A., Madureira, M., & Brussel, M. (2018) Measuring transit-oriented development (TOD) network complementarity based on TOD node typology. *Journal of Transport and Land Use*, 11(1), 305-324. <https://www.jstor.org/stable/26622405>
31. Yen, B. T., Mulley, C., Shearer, H., & Burke, M. (2018) Announcement, construction or delivery: When does value uplift occur for residential properties? Evidence from the gold coast light rail system in Australia. *Land Use Policy*, 73, 412-422.
1. احمدی، مه‌ری، محرم‌زاد، ناصر (۱۳۸۵). **بررسی اطلاعات آماری ترافیک تهران بر اساس شاخص‌های حمل‌ونقل پایدار شهری**، هفتمین کنفرانس مهندسی حمل‌ونقل و ترافیک ایران، تهران.
۲. پورامین، کتایون، حسنی، علیرضا (۱۳۹۲) **به کارگیری رهیافت TOD در راستای ارزیابی و کاهش چالش‌های حمل و نقل درون شهری؛ نمونه موردی مرکز شهر بجنورد، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار**، مشهد.
۳. خسروی، حمیدرضا (۱۳۹۷) **ارزیابی بافت کالبدی پیرامون ایستگاه‌های قطار شهری با رویکرد توسعه حمل‌ونقل عمومی محور، نمونه موردی: ایستگاه منتخب خط یک قطار شهری مشهد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری.
۴. رفیعیان، مجتبی، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، صادقی، علیرضا (۱۳۹۲) **ارائه فرآیند طراحی شهری اجتماعات محلی با تأکید بر رویکرد «توسعه حمل‌ونقل محور»**، فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۶)، صص ۵۹-۷۴.
۵. رئیس، حسین، پاک‌نهاد، محمدرضا (۱۳۹۳) **بررسی چالش‌های توسعه حمل‌ونقل همگانی محور (TOD)**، مطالعه موردی مناطق ۱ و ۵ و ۷ شهر شیراز، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
۶. زندی‌اشبارة، امیرحسین، خاکساری، علی (۱۳۹۱) **حمل‌ونقل پایدار و سیاست‌هایی برای رسیدن به آن با معرفی استراتژی ASI**، یازدهمین کنفرانس مهندسی حمل و نقل و ترافیک ایران، تهران.
۷. سلطانی، علی، فلاح‌منشادی، افروز (۱۳۹۱) **یکپارچه‌سازی سیستم حمل‌ونقل راهکاری در جهت دستیابی به حمل‌ونقل پایدار**، مطالعه موردی کلانشهر شیراز، فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۵)، صص ۴۷-۶۰.
۸. سلطانی، علی (۱۳۹۰) **مباحثی در حمل‌ونقل شهری با تأکید بر رویکرد پایداری**، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۹. عباس‌زادگان، مصطفی، رضازاده، رضیه، محمدی، مریم (۱۳۹۰) **بررسی مفهوم توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل همگانی و جایگاه مترو شهری تهران در آن**، باغ نظر، ۸(۱۷)، صص ۴۳-۵۸.
۹. مهندسین مشاور فرنهاد (۱۳۹۳) **مطالعات طرح تفصیلی شهر شیراز منطقه یک**، شیراز: شهرداری شیراز.
۱۰. سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری شیراز (۱۳۹۵) <http://shirazmetro.ir>
11. Ali, L., Nawaz, A., Iqbal, S., Aamir Basheer, M., Hameed, J., Albasher, G., Shah, S.A.R., Bai, Y. (2021) Dynamics of Transit Oriented Development, Role of Greenhouse Gases and Urban Environment: A Study for Management and Policy. *Sustainability*, 13, 2536. <https://doi.org/10.3390/su13052536>
12. Berawi, M.A., Saroji, G., Iskandar, F.A., Ibrahim, B.E., Miraj, P., Sari, M. (2020) Optimizing Land Use Allocation of Transit-Oriented Development (TOD) to Generate Maximum Ridership. *Sustainability*, 12, 3798. <https://doi.org/10.3390/su12093798>
13. C40 Cities Climate Leadership Group (2016) *Good Practice Guide- Transit Oriented Development*.
14. Duncan, M. (2011) The Impact of Transit-oriented Development on Housing Prices in San Diego, CA. *Urban Studies*, 48(1), 101-127.
15. doi: <https://doi.org/10.1177/0042098009359958>

اصل	ایستگاه میرزای شیرازی
قوت	تقریباً ۹۸ درصد پیاده‌روهای محدوده از کیفیت مطلوبی برخوردار هستند و در قسمت جنوبی محدوده قابلیت دسترسی به پیاده‌رو برای همه‌ی کاربران وجود دارد و با در نظر گرفتن رمپ، این قسمت برای عبور ویلچر تسهیل شده است. در بلوار معالی‌آباد و هم‌چنین ابتدای بلوار قصردشت، تقاطع عابر و سواره از ایمنی بالایی برخوردار است. استفاده از جزیره در تقاطعات و بلوارهای دارای بیش از ۲ لاین سواره باعث افزایش ایمنی و امنیت خاطر در محدوده، برای عابران هنگام عبور از خیابان‌های عریض می‌شود. وجود فعالیت‌های تجاری متعدد در جداره بلوار میرزای شیرازی و وجود مجتمع تجاری و تفریحی آفتاب در ضلع جنوبی محدوده، باعث افزایش ارتباط بصری بین عابرین و فعالیت‌های ساختمانی شده که این امر به ایجاد حس امنیت در میان افراد پیاده منجر می‌شود. نفوذپذیری بالا، از دیگر عوامل تأثیرگذار در تعامل بین پیاده‌رو و فعالیت‌های ساختمانی این محدوده به شمار می‌رود.
پیاده‌روی	تقاطع عابر پیاده و سواره موجود در شمال محدوده، ابتدای بلوار میرزای شیرازی از دید کافی برخوردار نیست و احتمال تصادف عابر هنگام عبور از خیابان بسیار بالاست. قسمتی از پیاده‌روها در بافت مسکونی از کیفیت خوبی برخوردار نیستند و امکان عبور برای معلولان در این قسمت از پیاده‌رو وجود ندارد. ضلع شمالی بلوار معالی‌آباد به دلیل وجود اداره مخابرات و محدوده مسیل از جداره فعالی برخوردار نیست. کمبود درختان، ساباط و یا دیگر عناصر سایه‌انداز در اکثر پیاده‌روهای محدوده، میل پیاده‌روی در این محدوده را کاهش می‌دهند.
فرصت	ایجاد جداره‌های فعال در بخش‌های متصل به جداره صلب در محدوده، امکان ترغیب افراد به پیاده‌روی را افزایش می‌دهد. با استفاده از کاشت درختان سایه‌دار در مناطقی که درخت ندارد و یا تعبیه ساباط بر روی پیاده‌رو می‌توان تجربه پیاده‌روی مناسبی را در فصل تابستان فراهم کرد.
تهدید	تقاطع‌های عابر پیاده که از پل سه سطحی معالی‌آباد در نظر گرفته شده‌اند از دید کافی برخوردار نیستند و در صورت عدم اصلاح آن‌ها امکان بروز تصادفات برای عابرین دور از انتظار نخواهد بود. با ادامه‌ی روند فعلی و عدم تلاش در جهت بهبود وضعیت پیاده‌روها برای همه‌ی استفاده‌کننده‌های آن، میل به پیاده‌روی که از ملزومات اصلی اجرای TOD می‌باشد، کاهش می‌یابد.
قوت	دوچرخه اجازه‌ی ورود به واحدهای خانه‌های مسکونی را داراست.
ضعف	در فعالیت‌های فعلی، مسیری برای دوچرخه در نظر گرفته نشده است. ساکنین از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه اصلی خود استفاده نمی‌کنند.
فرصت	امکان ایجاد مسیر دوچرخه در اکثر خیابان‌های محدوده وجود دارد ولی در بلوار میرزای شیرازی اجرای این امر به سختی امکان‌پذیر است.
تهدید	ادامه روند فعلی موجب افزایش روزافزون معضلاتی هم‌چون آلودگی هوا، ترافیک شده و در نتیجه سبک زندگی خودرومحور را شاهد خواهیم بود.
قوت	متأسفانه ایستگاه در این معیار نقطه قوتی ندارد.
ضعف	اکثر بلوک‌ها، طولی بلندتر از حد استاندارد و تعیین شده دارند. ارجحیت پیاده بر سواره از ضروریات توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی است که در این محدوده نیاز به اصلاح و بهبود دارد.
فرصت	امکان تفکیک بلوک‌ها به اندازه استاندارد وجود دارد تا نفوذپذیری بر بافت افزایش یابد.
تهدید	در صورت عدم اولویت‌بخشی به پیاده، امکان پیاده‌سازی محله TOD محور در محدوده وجود ندارد.

ایستگاه میرزای شیرازی		اصل
قوت	در این محدوده، دسترسی مناسب به خدمات پایه وجود دارد. پارک‌های واقع در فاصله ۵۰۰ متری از محدوده، ۸۰٪ مساحت محدوده را پوشش می‌دهد. درصد کاربری مسکونی ۶۷٪ و تجاری ۳۳٪ می‌باشد که می‌توان با اندکی تغییر به حالت تعادل و توازن بین کاربری‌ها در محدوده دست یافت.	
ضعف	به دلیل قرارگیری محدوده در جهت توسعه شهری، قیمت اراضی و به تبع آن قیمت اجاره‌بها در این منطقه به نسبت بالاتر از سایر مناطق است که این امر موجب کاهش درصد مسکونی قابل استطاعت از کل واحدهای مسکونی محدوده می‌باشد. برای ایجاد ایستگاه میرزای شیرازی، تعدادی مغازه در ابتدای بلوار معالی آباد تخریب شده که این امر موجب مهاجرت مغازه‌داران از این محدوده گشته است.	اختلاط
فرصت	تقویت راسته‌های فضای سبز در محدوده به منظور جذب هرچه بیشتر مردم و تشویق به کاهش استفاده از خودرو امکان متعادل‌سازی کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی با کمک تعریف ضابطه‌های شهری در نظر گرفتن سیاست‌های جایگزین برای انتقال کاربری‌های تجاری	
تهدید	عدم جایگزینی کاربری‌های تجاری در فاصله ۲۵۰ متری محدوده موجب مهاجرت مردم از محدوده می‌شود. ادامه روند صعودی اجاره‌بها منجر به انحصار محدوده توسط قشر خاصی از جامع خواهد شد.	
قوت	به دلیل قرارگیری ایستگاه‌ها در تقاطع محورهای شریانی که خود محل ارائه انواع خدمات و فعالیت‌ها هستند، شاهد تراکم بالای غیرمسکونی در این محدوده هستیم.	
ضعف	غالب مساحت محدوده در اختیار فعالیت‌های غیرمسکونی است که این امر در کاهش کیفیت زندگی در محدوده مؤثر است.	
فرصت	با تعیین ضوابط مناسب می‌توان به ارتقا و تعادل بین کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی کمک کرد. با کاستن از تراکم غیرمسکونی و افزایش تراکم مسکونی شاهد جنب‌وجوش و فعالیت بیشتر شهروندان در تمامی ساعات شبانه‌روز هستیم.	تراکم
تهدید	با افزایش تراکم فعالیت‌های غیرمسکونی، کم‌کم محدوده از سکنه خالی شده و به یک منطقه اقتصادی-کارگاهی تبدیل می‌شود که این امر مخالف اصول TOD می‌باشد.	
قوت	تقاطع میرزای شیرازی یک محور مواصلاتی مهم به سمت شمال غرب شیراز است، از این رو شاهد انواع گزینه‌های حمل‌ونقلی از جمله تاکسی، اتوبوس و مترو در این محدوده هستیم.	
ضعف	با تقسیم محدوده به ۴ قسمت فرضی درمی‌یابیم که محدوده از ۴ طرف توسعه یافته است. از انواع شیوه‌های حمل‌ونقلی می‌توان به دوچرخه اشاره کرد که در این محدوده موجود نمی‌باشد.	یکپارچگی
فرصت	امکان ساماندهی و ایجاد پایانه برای تاکسی‌های موجود در محدوده توسعه متراکم و هرچه بیشتر محدوده	
تهدید	ناهماهنگی و نبود سازمان‌دهی شیوه‌های حمل‌ونقلی موجود باعث ترافیک‌های سنگین در اوج ساعات روز خواهد شد.	
قوت	مساحت قطعاتی که در این محدوده به پارکینگ اختصاص داده شده است، کمتر از ۲٪ از سطح محدوده را در برمی‌گیرد که امری مثبت است.	
ضعف	برخی از قطعات و بافت مسکونی منطقه هم‌چنان بر اصل خودرومحور خود تأکید دارند چرا که ۲ درج پارکینگ برای هر قطعه تعبیه شده است.	
فرصت	با توجه به اینکه TOD امری نو پا در برنامه‌ریزی شهری ایران است و شیراز از جمله شهرهای تازه پیوسته به این توسعه است. بدیهی است که شاهد بالا بودن مساحت سواره در سطح محدوده انتخابی باشیم. امکان کاهش سطح پارکینگ‌های خودرو و اختصاص پارکینگ‌های حاشیه‌ای برای احداث مسیر دوچرخه	تغییر عملکرد
تهدید	افزایش سطح پارکینگ اختصاص یافته به خودرو میل به استفاده از آن‌ها را افزایش می‌دهد. بالا بردن مساحت سواره‌روها از طریق تعریض خیابان‌ها، احداث پل‌های طبقاتی، موجبات استفاده روزافزون از خودرو شخصی را فراهم می‌کند که این امر مخالف اصول TOD است.	

اصل	ایستگاه نمازی	
پیاده‌روی	قوت	<p>پیاده‌روهای محدوده ایستگاه نمازی همگی از کیفیت مناسبی برخوردار هستند. پیاده‌روها هموار بوده و امکان عبور ویلچر در آن‌ها وجود دارد. بالا بودن تعداد ورودی‌های ساختمان به پیاده‌رو باعث تعامل و جنب‌وجوش در سطح پیاده‌رو می‌شود. در طرفین بلوار کریم‌خان‌زند و بخش جنوبی خیابان ملاصدرا درختان و عناصر سایه‌انداز پاسخ‌گوی نیاز عابران هستند.</p> <p>در تقاطع چهارراه نمازی تمهیدات ایمنی لازم از جمله چراغ‌راهنما و جزیره‌هایی برای ایمنی عابران در نظر گرفته شده است.</p> <p>ساباط‌های ایجادشده بر روی پل رودخانه خشک تمایل به پیاده‌روی را در این محل افزایش می‌دهد.</p>
	ضعف	<p>در ضلع جنوبی محدوده کف‌پوش مخصوص نابینایان وجود ندارد. در قسمت غربی محدوده عناصر سایه‌انداز به‌ندرت دیده می‌شود. در بخش غربی محدوده به دلیل کاربری‌هایی از جمله کتابخانه، بیمارستان، درمانگاه و ... جداره بصری فعالی وجود ندارد.</p> <p>در طول خیابان ملاصدرا برای عبور عابران از عرض خیابان خط‌کشی عابر پیاده وجود ندارد. هم‌چنین در ابتدای بلوار دانشجو برای عبور عابران از میدان دانشجو به سمت خیابان ساحلی، جزیره یا خط‌کشی در نظر گرفته نشده است.</p>
	فرصت	<p>با حفظ کیفیت فعلی پیاده‌روها و تلاش در جهت رفع نقص‌های جزئی موجود می‌توان به ایستگاه کمک کرد. با استفاده از ساباط‌ها و عناصر سایه‌انداز مانند درختان یا تابلوی تبلیغات مغازه‌ها می‌توان کمبود سایه‌اندازی محدوده را جبران کرد.</p>
	تهدید	<p>فقدان کف‌پوش نامناسب، دسترسی کاربران کم‌بینا یا نابینا به کاربری‌های درمانی و خدماتی مهم موجود در منطقه را کاهش می‌دهد. جداره بصری منفعل موجود در بخش غربی باعث کاهش رفت‌وآمد عابران در این قسمت خواهد شد.</p>
دوچرخه سواری	قوت	<p>مسیر دوچرخه از ابتدای پایانه نمازی تا انتهای خیابان ملاصدرا به صورت رفت‌وبرگشت (یک لاین) در نظر گرفته شده است. در کنار خط‌کشی‌های عرضی عابر پیاده، خط‌کشی‌هایی نیز برای عبور دوچرخه فراهم شده است. دسترسی دوچرخه‌ها به درون واحدهای مسکونی از جمله نقاط قوت محدوده است. در ایستگاه مترو نمازی نیز محلی برای پارک دوچرخه تعبیه شده است.</p>
	ضعف	<p>هنوز فرهنگ‌سازی لازم به عمل نیامده و پارکینگ دوچرخه در ایستگاه تبدیل به پارکینگ وسایل نقلیه موتوری گشته است. مردم هنوز دوچرخه را به عنوان وسیله نقلیه اصلی خود نمی‌دانند. مسیر دوچرخه در بلوارهای کریم‌خان‌زند و دانشجو وجود ندارد. در جلوی ساختمان‌ها پارکینگ مختص دوچرخه تعبیه نشده است.</p>
	فرصت	<p>بلوار کریم‌خان‌زند دارای پتانسیل لازم برای احداث مسیر دوچرخه‌سواری است. امکان تدوین ضوابطی به منظور ملزم کردن ساختمان‌ها جهت تأسیس پارکینگ برای دوچرخه امکان فرهنگ‌سازی در خصوص نحوه استفاده از دوچرخه و پارکینگ‌های مرتبط آن</p>
	تهدید	<p>میدان نمازی از میدان‌های اصلی شهر و یک گره ترافیکی سنگین به شمار می‌آید. در صورت عدم پیش‌بینی مسیرهای دوچرخه شاهد ترافیک‌های سنگین در ساعات اوج در این محدوده خواهیم بود. گره ترافیکی این محدوده باعث هدر رفت مدت زمان سفر مسافران و هم‌چنین افزایش آلودگی‌ها در سطح منطقه می‌شود.</p>
نفوذپذیری	قوت	<p>اولویت دسترسی پیاده نسبت به سواره تنها در تقاطع میدان نمازی قابل‌رؤیت است و از نکات قوت محدوده به شمار می‌آید.</p>

اصل	ایستگاه نمازی
نفوذپذیری	ضعف دسترسی پیاده به نقاط مختلف در منطقه تحت تأثیر سواره قرار دارد و شاهد ارجحیت سواره نسبت به پیاده در اکثر نقاط محدوده هستیم. بلوک‌های این محدوده از حالت استاندارد تعیین شده، مقداری بلندتر هستند که از نفوذپذیری به بافت جلوگیری می‌کنند و این امر خلاف اصول توسعه حمل‌ونقل محور است.
	فرصت با تعیین ضوابط جدید برای بلوک‌بندی و اجرای آن امکان نفوذپذیری در بافت افزایش یافته و باعث ایجاد امنیت برای عابران و ساکنین محدوده می‌شود. می‌توان با تأکید بیشتر بر اولویت پیاده نسبت به سواره، منطقه را از انحصار خودروها و در پی آن گره ترافیکی به وجود آمده، خارج کرد.
	تهدید عدم توجه به کاهش طول بلوک‌ها و ایجاد نفوذپذیری بیشتر در بافت امنیت محدوده را به خطر می‌اندازد. تداوم روند فعلی در مواجهه‌ی پیاده با سواره و اولویت سواره نسبت به پیاده باعث وخیم‌تر شدن اوضاع و سنگین‌تر شدن گره ترافیکی می‌شود.
اختلاط	قوت واحدهای مسکونی موجود در محدوده دسترسی مناسبی به خدمات پایه و اساسی مورد نیاز دارند. برخی از واحدهای مسکونی در منطقه از نظر اجاره‌بها نرخ مناسبی نسبت به سایر نقاط اطراف خود دارند. برای ساخت پایانه‌های مترو نمازی، زمین‌هایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که قبلاً در اختیار کاربری‌های مسکونی یا فعالیت‌های غیرمسکونی نبوده است. در نتیجه هیچ‌گونه تخریبی یا مهاجرتی در این زمینه صورت نگرفته است.
	ضعف تنها درصد کمی از واحدهای مسکونی اجاره بهایی متناسب با ۳۰٪ درآمد خانوار دارند. با وجود پارک آزادی در فاصله مناسبی از محدوده و نقش عملکردی آن، این پارک نتوانست محدوده مورد مطالعه را تحت پوشش قرار دهد. از دیگر معضلات محدوده می‌توان به غالب بودن کاربری‌های غیرمسکونی به کاربری مسکونی اشاره داشت که باعث شده منطقه به عنوان یک منطقه خدماتی - درمانی شناخته شود. تک‌قطبی شدن محدوده به کاربری‌های غیرمسکونی از ایجاد تعادل میان کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی جلوگیری کرده است.
	فرصت با تقویت و گسترش خدمات پایه و اساسی مورد نیاز بافت مسکونی، افراد ترغیب به سکنی‌گزینی در این محدوده می‌شوند. نیاز به برقراری تعادل در بین کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی به شدت در محدوده احساس می‌شود.
تراکم	تهدید در صورت ادامه منحصر بودن منطقه به کاربری‌های غیرمسکونی از جمله خدماتی، تجاری، درمانی، آموزشی و ... و اختصاص داشتن سهم کمی از محدوده به کاربری مسکونی، شاهد مهاجرت هر چه بیشتر افراد به سایر نقاط خواهیم بود. کاهش واحدهای مسکونی منطقه، امنیت و ایمنی در تمام ساعات شبانه‌روز را از محدوده سلب می‌کند.
	قوت به دلیل قرارگیری منطقه در مرکز تجاری شهر، از تراکم غیرمسکونی بالایی برخوردار است.
	ضعف تراکم مسکونی پایین در منطقه منجر به کاهش کیفیت زندگی در محدوده می‌شود.
یکپارچگی	فرصت با برقراری توازن میان کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی و اختصاص یافتن درصد بیشتری از منطقه به کاربری مسکونی می‌توان انتظار منطقه‌ای با کیفیت زندگی بالاتر و امنیت بیشتر را داشت.
	تهدید افزایش روزافزون تراکم کاربری‌های غیرمسکونی در محدوده منجر به تبدیل منطقه به یک محدوده تجاری - خدماتی عاری از هر نوع سکنة می‌شود.
قوت	با تقسیم محدوده به چهار منطقه فرضی درمی‌یابیم که ایستگاه در محدوده‌ای توسعه یافته قرار گرفته است. یکپارچگی از اصولی است که این محدوده امتیاز کامل در آن کسب کرده است. شاهد انواع شیوه‌های حمل‌ونقلی اعم از پایانه مسافربری درون شهری، مسیرهای دوچرخه و ایستگاه‌های تاکسی در محدوده هستیم که از نکات قوت محدوده به شمار می‌آید.

ایستگاه نمازی		اصل
با وجود گزینه‌های حمل‌ونقلی متنوع و متعدد هم‌چنان شاهد استفاده از خودروهای شخصی در محدوده هستیم که این امر باعث ایجاد اختلال در عملکرد سایر شیوه‌ها می‌شود.	ضعف	یکپارچگی
بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی با ظرفیت بالا و فرهنگ‌سازی استفاده از این وسایل باعث ترغیب و تشویق مردم به استفاده از این شیوه‌ها می‌شود.	فرصت	
در صورت عدم توجه به سایر گزینه‌های حمل‌ونقلی و عدم تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز آن‌ها، شاهد افزایش روزافزون خودروهای شخصی و سنگین‌تر شدن گره‌های ترافیکی در محدوده خواهیم بود.	تهدید	
تنها یک قطعه با مساحت ۱۲۵۰ مترمربع به پارکینگ اختصاص یافته است. امکان پارک خودرو در حاشیه خیابان ملاصدرا وجود ندارد.	قوت	تغییر عملکرد
با وجود نصب تابلوهای راهنمایی منوط به عدم پارک وسایل نقلیه در حاشیه خیابان‌ها هم‌چنان شاهد پارک خودروها در لبه‌ی خیابان‌های این محدوده هستیم. به دلیل امکان تأمین پارکینگ برای ساختمان‌های موجود در مرکز شهر، فرهنگ خودرومحور هم‌چنان در بین افراد رواج دارد. پارک خودروها در کنار مسیر دوچرخه‌سواری در محدوده از نکات منفی است. استفاده سایر کاربران از جمله عابر پیاده و موتورسیکلت‌ها از مسیر دوچرخه، از نقاط ضعف محدوده است. اکثر مساحت محدوده برای وسایل نقلیه و سواره در نظر گرفته شده است.	ضعف	
با کاهش مساحت اختصاص یافته به پارکینگ، امکان ترغیب افراد به استفاده از سایر شیوه‌های حمل‌ونقلی وجود دارد. با محدود کردن تعداد پارکینگ‌های ساختمان‌ها، مردم به شیوه‌های حمل‌ونقل عمومی روی می‌آورند.	فرصت	
در صورت عدم تلاش در جهت کاهش مساحت سواره‌رو، وضعیت نامطلوب فعلی ادامه می‌یابد و چه‌بسا شرایط بدتر شود. با افزایش مساحت پارکینگ‌ها و اجازه یافتن احداث پارکینگ‌های طبقاتی در محدوده، میل به استفاده از خودروهای شخصی افزایش می‌یابد.	تهدید	

ارزیابی فناوری در معماری مجتمع‌های مسکونی دوره معاصر^۱ (نمونه موردی: مجتمع‌های شهر تهران از دوره پهلوی تا امروز)

سونیا سیلوایه*، عباس غفاری**، مازیار آصفی***، عباس یزدانفر****

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷)

(تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸)

چکیده

معماری مسکونی در ایران و خصوصا در تهران، از اوایل پهلوی، دستخوش تغییراتی در ساختار کالبدی-کاربردی شد، به نحوی که، بناهای تک واحدی به مجتمع‌های آپارتمانی با زندگی عمودی تبدیل شدند. در این میان، یکی از مهمترین عوامل موثر در این تحولات، فناوری حاصل از انقلاب صنعتی می‌باشد که به‌عنوان عاملی قدرتمند، تحولات وسیعی را ایجاد نموده است. امروزه بناها به‌واسطه توسعه تجهیزات و مصالح جدیدتر، با تحولات ساختاری زیادی و ارزش‌گذاری‌های متفاوتی مواجه شده‌اند که این پژوهش بازتاب اثرگذاری فناوری بر معماری مجتمع‌های مسکونی در دوره معاصر و طی دو بازه زمانی پهلوی و انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داده است. در این راستا، در بخش نظری با رویکرد کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، چهارچوب نظری ارائه شد و سپس با مطالعات میدانی و تدوین پرسشنامه، چهارچوب نظری از طریق برنامه آماری SPSS ارزیابی و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که؛ میان متغیر مستقل سخت‌ابزار (با سه بعد رفاهی، امنیتی و تنوع-تجمل) از بحث «فناوری» با سه بحث محوطه-نما، معماری داخلی-پلان و تزئینات از متغیر «مجتمع مسکونی» رابطه نسبتا ضعیفی در دوره پهلوی وجود داشته است در حالی که در دوره انقلاب اسلامی این رابطه قوی‌تر است و به‌شدت احساس می‌شود. بدین معنی که در دوره پهلوی تغییرات در سخت‌ابزار می‌تواند تا حدودی در مجتمع مسکونی نیز تأثیرگذار باشد. اما برای بازه زمانی انقلاب اسلامی، این رابطه بیشتر به چشم می‌آید، به نحوی که شدت این رابطه در دوره پهلوی با میانگین ۰/۲۰۷ و در دوره انقلاب اسلامی با میانگین ۰/۳۹۰ می‌باشد که در میان مسئله قابل ملاحظه؛ اهمیت بالاتر بحث «معماری داخلی/پلان» در هر دو دوره مذکور نسبت به دو بحث دیگر یعنی «تزئینات داخلی» و «محوطه/نما» در معماری مجتمع‌ها می‌باشد. واژگان کلیدی: فناوری، مجتمع مسکونی، دوره پهلوی، دوره انقلاب اسلامی، شهر تهران.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری سونیا سیلوایه با عنوان «الگوی تعامل فناوری و سبک زندگی در معماری مجتمع‌های مسکونی از دوره پهلوی اول تا امروز» است که به راهنمایی عباس غفاری (استاد راهنمای اول)، مازیار آصفی (استاد راهنمای دوم) و عباس یزدانفر (استاد مشاور) در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.

S.silvayeh@tabriziau.ac.ir

Ghaffari@tabriziau.ac.ir

Masefi@tabriziau.ac.ir

Yazdanfar@iust.ac.ir



* دانشجوی دکتری معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

** نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

*** استاد گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

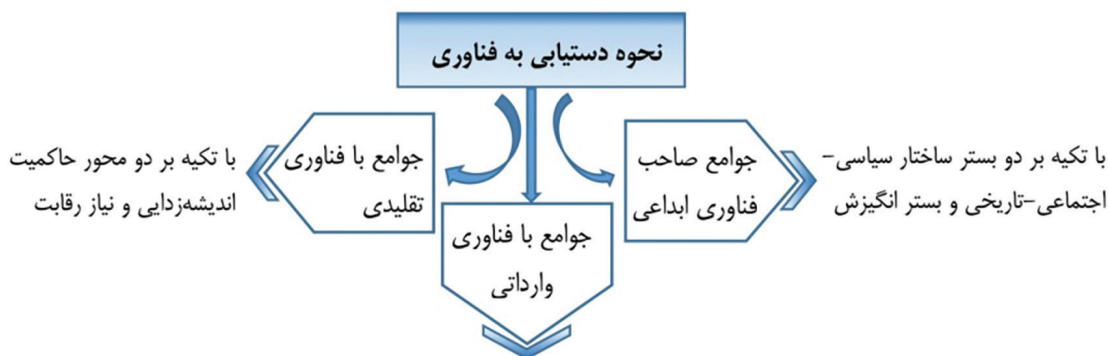
**** دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت تهران، ایران

معماری ایران تا قبل از دوره معاصر، با تبعیت از روندی مشخص، به صورت منطقی در جریان بوده است، اما از اواخر حکومت قاجار، سیر تحولی ناقصی را پشت سر گذراند که با ورود مدرنیسم، سرعت بیشتری نیز به خود گرفت. به عقیده محققان؛ با ورود شاخص‌های معماری مدرن به‌ویژه در دوره پهلوی، سرگردانی در مصادیق مختلفی همچون عدم تبعیت از الگویی واحد، کاهش کیفیت بناها و با سرعت در تنوع‌بخشی به معماری بروز کرده است. (معظمی و حجت، ۱۳۹۶: ۱۰۴). با وجود اینکه این تغییرات از دوره پایانی قاجار شروع شده بود اما سرعت این امر در دوره پهلوی اوج گرفت. (قبادیان، ۱۳۹۵: ۱۱۲۸). در این دوره، در برخی از شهرها و خصوصاً در تهران، مدرنیته مبتنی بر تفکری خاص، بافت شهری را مورد توجه و تحولات خاصی قرار داد. (انصاری، ۱۳۹۵: ۵۵). از میان تحولات به‌وجود آمده، تغییر نوع مسکن از بنایی تک واحد به آپارتمان‌های چندطبقه و چند واحد، حائز اهمیت بیشتری است. زیرا با گسترش شهرنشینی، تولید انبوه مسکن و مجتمع‌های مسکونی مورد توجه قرار گرفت. (ضرغامی، ۱۳۹۶: ۶۳). اما معماری و به‌طور اخص معماری فضای مسکونی (و در اینجا معماری مجتمع‌های مسکونی) از چهار بخش؛ -فرم (هندسه و شکل). -عملکرد (کاربری‌ها). -فناوری (فرآیند ساخت، ایده و تفکر، مصالح، تکنیک و سیستم‌ها). -فرهنگ و محتوا (مفاهیم و معانی مطرح شده در اثر) تشکیل شده است. (فیضی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴: ۱۸۳)، که برای بررسی دقیق‌تر، بحث فناوری در معماری مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در هویت‌بخشی به مکان، مدنظر قرار گرفته است و مدعی پژوهش این است که فناوری روزآمد، طالب کالبد معماری ویژه‌ای است که تا حدودی شکل ویژه‌ای به آن نیز می‌بخشد و کیفیت بالاتر آن می‌تواند به کیفیت بالاتر مسکن (در بعد بیرونی نظیر محوطه، نما و در بعد درونی نظیر معماری داخلی، تزئینات و چیدمان) ارتباط پیدا کند. لذا مسئله مورد بررسی، وضعیت معماری مجتمع‌های مسکونی معاصر است زیرا امروزه، هرچند بناهای کاربردی‌تری به واسطه توسعه امکانات و ساخت مصالح ساخته شده‌اند ولی فرآیند این طراحی، غیرصمیمی بودن را به ارمغان آورده است. بررسی پیشینه، حکایت از خلا پژوهش‌های کاملاً مرتبط با

موضوع تحقیق حاضر دارد، اما در این میان، مطالعاتی صورت گرفته که می‌تواند بنیادهای نظری مطالعه حاضر را پوشش دهد. در این خصوص باید به رساله‌های دکتری اشاره داشت که به جنبه‌های مختلفی از فناوری پرداخته است. در رساله شایانفر (۱۳۸۴)، بخش نخست آن مرتبط با مفهوم و بررسی تحولات دیدگاه‌های فناوری می‌باشد، در بخش دوم، تکنولوژی را همانند نوعی روش تفکر نسبت به جهان می‌داند که به نقد آن پرداخته شده است. رساله دیواندری (۱۳۹۲)، ابعاد گوناگون فناوری بومی را بازشناخته، به‌گونه‌ای که می‌توان تحت شرایط خاصی، این فناوری را در مسکن روستایی معاصر به‌کار برد. در رساله تقی‌زاده (۱۳۸۵)، نیز تلاش شده است به چگونگی روابط میان فناوری، فضای معماری و انسان با دیدگاه معماری متکی بر فناوری پی برده شود. همچنین باید از مقاله رحیم‌زاده (۱۳۸۷)، نام برد که در به سه تعریف از معماری دست یافته است، در تعاریف اول و دوم، فناوری و معماری دو چیز مستقل با تأثیر یکی بر دیگری دانسته می‌شوند، اما در حالت سوم، فناوری باعث ایجاد نحوه‌ای از زندگی شده که حاصل آن معماری و فناوری مدرن می‌باشد. تحصیلدوست (۱۳۹۱)، نیز به این مسئله نیز توجه دارد که برای محلی عمل کردن اما جهانی اندیشیدن نیازمند به دو امر؛ رشد جامعه و تبدیل تکنولوژی روزآمد به فناوری بومی و در دسترس می‌باشد.

مبانی نظری فناوری

همراستا با کلمه انگلیسی «تکنولوژی» است که از نظر گراور؛ فناوری دانشی است که به ارائه تکنیک‌ها و ابزارها می‌پردازد. (Gro- 2019: 64 ver). اما بنابر نظر تانگ؛ فناوری می‌تواند دستیابی به مستندات اصولی پیشرفت و اهداف را تسهیل کند. (Tang and et al, 2018: 70). مکلوی فناوری را فرآیند به‌کارگیری معلومات علمی و غیرعلمی به‌قصد بهره‌برداری‌های عملی می‌داند که همان صنعت تعبیر می‌شود. (McCloy, 2014: 25). که در نهایت؛ جوامع از نظر شیوه دست‌یابی به فناوری را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۶).



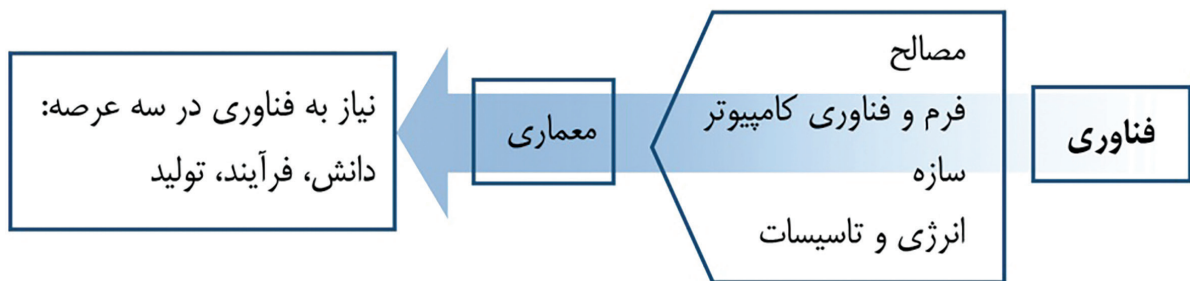
عدم برخورداری از زمینه‌های اساسی و تحت تاثیر مسائل اجتماعی-سیاسی و رقابت‌های نظامی و بیگانه با فناوری

چالشی روبه‌فزونی است که جوامع و مراکز تحقیقات جهت بهبود فناوری و در نتیجه حمایت از فناوری نو برای پیشرفت جامعه با آن مواجه هستند که همین مسئله، میزان اهمیت موضوع را مشخص می‌کند.

فناوری و معماری

با توجه به میان‌رشته‌ای بودن دانش معماری و همچنین وابستگی آن به مباحث مادی، نیازمند به تبعیت از قوانین موجود در طبیعت است که در راستای این امر، ضرورت بهره‌گیری از فناوری نمایان می‌شود. در همین رابطه، در سطح غیر کلان (خرد) و غیرمحتوایی (اثر)، فناوری به شیوه‌های مختلفی از جمله سیستم‌های کالبدی، تاسیساتی و مصالح در آن نفوذ می‌کند و تأثیرگذار است. (پرویزی و همکاران، ۱۳۹۴).

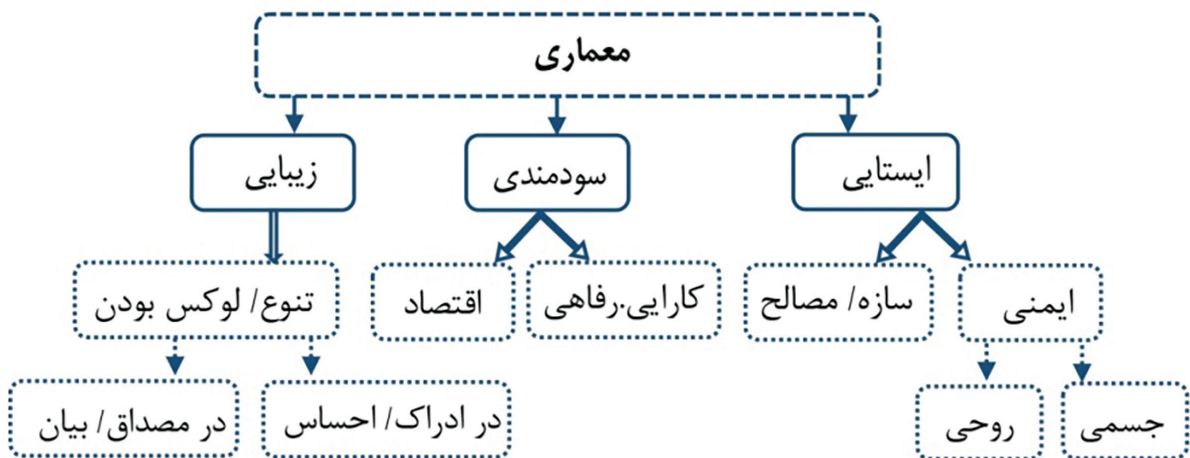
در طول تاریخ، فناوری نه تنها خنثی نبوده، بلکه نتیجه نگرش‌ها و انگیزه‌های انسان‌ها و جوامع مختلف با مزایا و معایب نسبی نیز بوده است. (بمانیان، ۱۳۸۸: ۶۸). در این میان، مورفی و پاتنز در کتاب فرهنگ و فناوری، موارد مختلفی از نحوه تأثیر فناوری بر زندگی انسان را مطرح می‌کنند که برجسته‌ترین مورد تاریخی، تغییر جوامع از فئودالیسم به سرمایه‌داری با بروز سطح جدیدی از قابلیت‌های فناوری می‌باشد. (Murphy & Potts, 2017). فوکویاما، نمونه مدرن‌تری از فناوری را ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که در کشورهای توسعه یافته، ابزار مهمی جهت تحمیل فرهنگ به ملت‌هایی با قدرت کمتر را فراهم می‌کند. (Fukuyama, 2012: 45). اما به طور کلی، مردم هم برای کارکردهای عملی و هم برای مزایای اجتماعی، فناوری‌های جدید را می‌پذیرفتند، لذا بررسی ارزیابی فناوری



تصویر ۲: نحوه ارتباط فناوری با معماری (پرویزی و همکاران، ۱۳۹۴)

و ظرافت (زیبایی)، می‌توان به ابعاد فناوری مرتبط با معماری دست یافت:

اما در این پژوهش، با تمرکز بر دیدگاه ویتروویوس (معتقد به سه اصل استحکام (ایستایی و پایداری)، مفید بودن (کارایی)



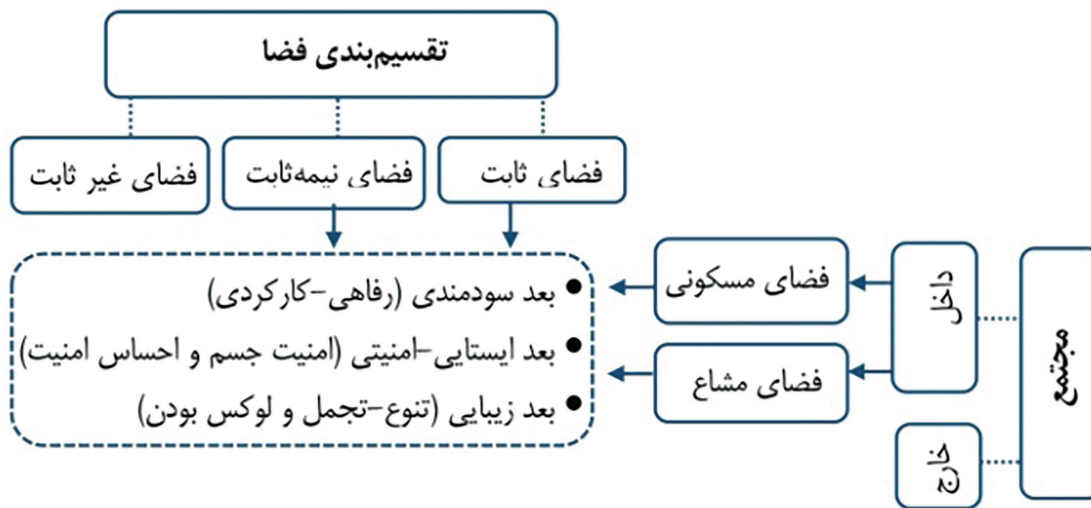
تصویر ۳: ارتباط معماری با عوامل آن

مختلفی اشاره دارد، که در ادامه، معیارهای مرتبط با آن بیان می‌شود. (لازم به توضیح است که انتخاب این مولفه با تکیه بر روش دلفی و آزمون‌های آماری فریدمن و بوت استرپ در رساله مذکور صورت گرفته است که ذکر تمامی آن مراحل در این پژوهش امکان‌پذیر نمی‌باشد).

معیارهای «سخت‌ابزار» در بحث فناوری

در تقسیم‌بندی بحث «سخت‌ابزار» از نظر ادوارد هال بهره گرفته شده است. بنابه نظر وی، معماری از عناصری با ماهیتی غیریکسان شامل فضاهای ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت تشکیل شده است. فضاهای ثابت دارای قواعد عینیت‌یافته با جنبه کالبدی می‌باشند. فضاهای نیمه‌ثابت دارای الگوهای انعطاف‌پذیرند و شامل انواع مبلمان می‌گردند و فضاهای غیرثابت که فعالیت و رفتار، نوع فضا را محقق می‌سازند، که در این پژوهش، جنبه‌های عینی معماری دو فضای ملموس‌تر ثابت و نیمه‌ثابت که ارتباط بیشتری با بحث فناوری و به تبع مولفه «سخت‌ابزار» دارند، مدنظر است. از طرف دیگر با توجه به مباحث فضای ثابت و نیمه‌ثابت، بیشتر در معماری داخلی ساختمان به این مولفه توجه شده است:

فناوری تمامی عناصر مادی و تجهیزات اطراف ما، نظیر بناهای ساخته شده با ابزار تکنولوژیک و ابزار رسانه‌ای را دربرمی‌گیرد، به‌نحوی که پیشرفت روزافزون آن خصوصاً در دوره معاصر، منجر به تغییرات وسیع از دوره پهلوی تا به امروز بوده است. در این خصوص، کلاین، فناوری را در چند سطح بررسی می‌کند: ۱. ابزار تولید محصول یا خدمت خاص (ماشین‌آلات تبدیل منابع به یک محصول خاص). ۲. ابزار طراحی و مهندسی (نرم‌افزار طراحی و مهندسی برای محصولی خاص). ۳. ابزار تولید نرم‌افزار تولید محصول (روشی است که از آن معادلات و علوم کاربردی تولید می‌شود). وی، فناوری را در چند سطح می‌بیند که رایج‌ترین آن، ابزارهای ساخته شده (ماشین، کامپیوتر و...) هستند. در تلقی دوم منابع اولیه، نیروی انسانی متخصص و فرآیندهایی را که به تولید ابزارهای مورد نیاز (تلقی اول فناوری) می‌انجامد، فناوری خوانده می‌شود. در نگاهی عمیق‌تر، دانش فنی، روش‌شناسی، اطلاعات و مهارت‌هایی که به ساخت، نگهداری و توسعه صنعتی بینجامد، فناوری دانسته می‌شود. (Scharff and Dusek, 2014: 210-212). با بیان این مطالب، واضح است که بحث سخت‌ابزار (ابزار. وسیله)، یکی از مولفه‌های اصلی و مهم فناوری محسوب می‌شود که از گستردگی بالایی برخوردار است و به جنبه‌های



تصویر ۴: نحوه انتخاب معیارها در بحث «سخت‌ابزار»

جدول ۱: معیارهای مرتبط با بحث «سخت‌ابزار»

ابعاد استفاده مولفه سخت‌ابزار			فضای مسکونی
بعد زیبایی (تنوع-تجمل و لوکس بودن)	بعد ایستایی و امنیت (امنیت جسم و احساس امنیت)	بعد سودمندی (رفاهی-کارکردی)	
به‌کارگیری تنوع در مصالح دیوار، سقف (کناف، انواع گچبری) و تغییر فضا سازی	تأثیر محل پنجره‌ها در حفظ حریم خصوصی و عدم دید (احساس امنیت)	نوع کف‌سازی از نظر مصالح (پارکت، چوب و ...) و میزان مقاومت گرمایی و به تبع حس آسایش	فضای ثابت
به‌کارگیری نورپردازی‌های مخفی و متنوع در داخل و تغییر فضا سازی	استفاده از روشنایی‌های مناسب برای حفظ امنیت جسمی و روحی	استفاده از پنجره‌های دوجداره و تقلیل آلودگی صوتی (آسایش روحی)	
نوع کف‌سازی با توجه به رنگ، جنس در میزان لوکس و تجملاتی بودن منزل	استفاده از پنجره جهت تهویه (امنیت و سلامت جسمی)	وضعیت پنجره نسبت به دید و چشم‌انداز به بیرون (آسایش روحی)	
به‌کارگیری انواع دیوارپوش و سقف‌پوش و تزئینات و تغییر فضا سازی	به‌کارگیری ابزار ضدسرقت (دوربین و ...) و ایجاد احساس امنیت	نوع دیوار (مجوف) و میزان عایق صوت، حرارت و رطوبتی	
-----	چگونگی کیفیت مصالح و ایجاد احساس امنیت جسمی	وضعیت پنجره‌ها نسبت به نورگیری بیشتر آفتاب و تنظیمات فضای داخل	
علاقه به تنوع در خرید وسیله جدید نسبت به یکدستی آن با دیگر وسایل و ایجاد تنوع	استفاده از ابزار روشنایی؛ آباژور و ... و احساس امنیت جسمی و روحی	استفاده از میزکار، غذاخوری، میلمان یا تخت‌خواب و احساس آسایش	فضای نیمه ثابت
متحمل شدن منزل با استفاده از میلمان خواب و ... وسایل برقی (ماکروفر و...)	-----	تأثیر میلمان و وسایل برقی (تلویزیون و...) در کوچک‌تر شدن فضا	
اهمیت بیشتر تزئینی و تجملاتی بودن نسبت به کاربردی بودن هنگام خرید وسایل	-----	استفاده از وسایل برقی (تلویزیون، ظرفشویی و ...) برای اوقات فراغت یا راحتی کارها	
به‌کارگیری نورپردازی‌های مختلف در مشاع برای تغییر فضا سازی	استفاده از پنجره در راهرو: تهویه و بهداشت (امنیت و سلامت جسمی)	استفاده از پنجره یا نورگیر در راهرو: چشم‌انداز و نورگیری (آسایش روحی)	فضای مشاع
نوع کف‌سازی با توجه به رنگ، جنس در میزان متنوع و تجملاتی شدن فضا	به‌کارگیری ابزار ضدسرقت (دوربین و ...) در مشاع و ایجاد احساس امنیت	استفاده از موتورخانه (سیستم مرکزی گرمایش و سرمایش) جهت ایجاد رفاه و آسایش	
چگونگی طرح و جنس نرده راه‌پله در متحمل شدن فضا	استفاده از روشنایی‌های مناسب دید در فضا برای حفظ امنیت جسمی	دسترسی به واحد (آسانسور) و ایجاد رفاه و آسایش	
-----	استفاده از پله فرار برای امنیت جسمی	سیستم مجزا گرمایش و سرمایش و اختیار در تنظیم حرارت و ایجاد رفاه	
-----	استفاده از نرده راه‌پله امنیت جسمی	-----	
قرار دادن وسایلی در مشاع برای ایجاد فضایی متحمل (گلدان و ...)	استفاده از سطوح زباله و حفظ بهداشت (سلامت و امنیت جسمی)	استفاده از میلمان در فضای مشاع جهت ایجاد آسایش جسمی	فضای نیمه ثابت
-----	استفاده از ابزار ضدآتش (کپسول و...)	-----	

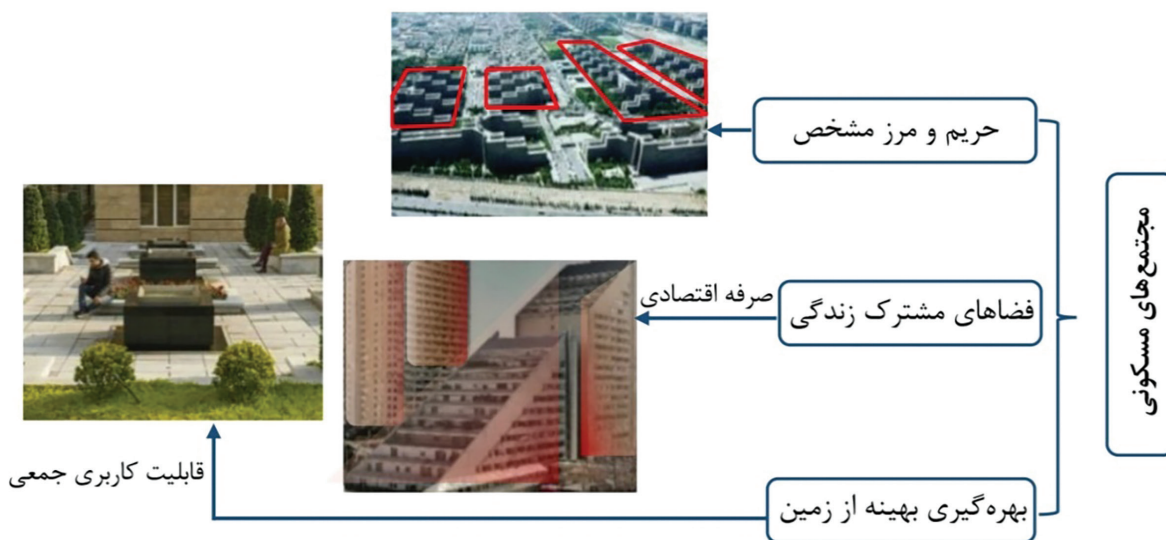
مجتمع‌های مسکونی

در دوره معاصر و به‌دنبال تغییر شرایطی همچون رشد جمعیت و گرایش بیشتر به شهرنشینی، تامین مسکن به‌عنوان مسئله‌ای مهم در مباحث توسعه کشور مطرح شد که سیاست تولید انبوه مسکن از جانب دولت و در قالب مجتمع مسکونی پیشنهاد گردید. (بحرینی، ۱۳۹۶: ۷۱). به‌طور کلی، ایجاد مجتمع‌های مسکونی یکی از اساسی‌ترین

در خصوص تقسیم‌بندی مرتبط با ابعاد «سخت‌ابزار» باید اشاره نمود که باتوجه دیدگاه ویتروویوس که در تصویر ۳ به آن توجه شد، سه بعد سودمندی، ایستایی و زیبایی انتخاب و به‌منظور ایجاد امکان سنجش تأثیر این ابعاد در نمونه‌های موردی، در دو فضای مسکونی و مشاع بررسی، تدقیق و تبیین گردید.

میان مرتبه و بلند مرتبه) یا نحوه چیدمان بلوک‌ها (شامل چیدمان محیطی، منفرد، ردیفی (یا همان خطی) و چیدمان مختلط از ترکیب سایر بلوک‌ها) (Biddulph, 2016: 49) را به خود اختصاص داده‌اند.

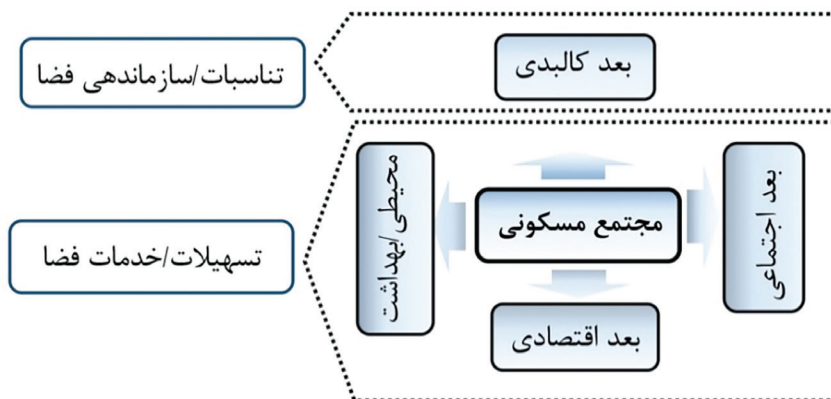
دگرگونی‌ها در روند سکونت انسان محسوب می‌شود که به‌عنوان الگوی اصلی مسکن در دوران امروزی بدل شده است. مجتمع‌های مسکونی گونه‌شناسی‌های مختلفی برپایه شاخص ارتفاع (شامل کوتاه مرتبه،



تصویر ۵: خصوصیات کلی مجتمع‌های مسکونی

حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با جنبه‌های مختلف؛ دسترسی‌پذیری، سلامت، رفاه ساکنان، احساس امنیت و... را دربرمی‌گیرد.

در این میان نکته حائز اهمیت، بحث پایداری^(۱) و توسعه پایدار در مجتمع‌ها می‌باشد که تعریف مورد توافق اکثریت محققان، سه



تصویر ۶: معیارهای پایداری مجتمع‌های مسکونی (منبع: نگارندگان با برداشت از: ضرغامی، ۱۳۹۶) // (کتابچی و همکاران، ۱۳۹۷) // (عزیزی، ۱۳۸۵)

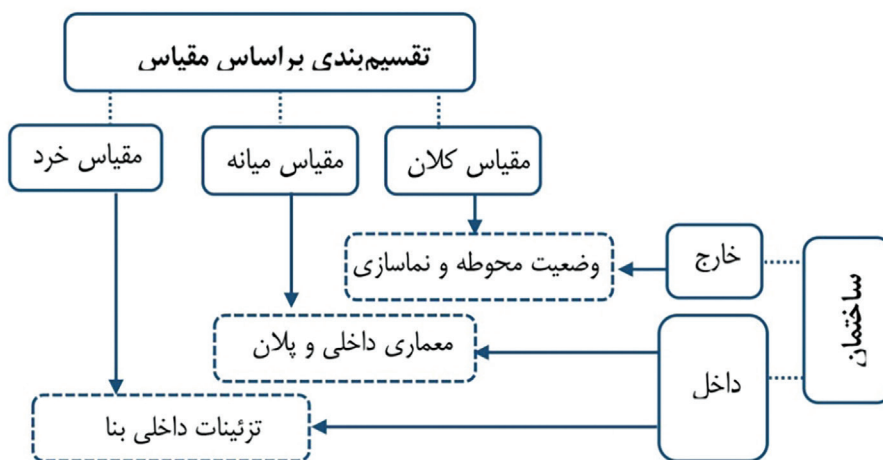
فیزیکی) و - تسهیلات و خدمات فضا (ویژگی‌های مجتمع و رفع نیازها) قرار داد.

در تصویر ۶، می‌توان حوزه‌های مذکور را در دو دسته: - تناسبات و سازماندهی فضا (چگونگی کالبد و ویژگی‌های

معیارهای معماری مجتمع‌های مسکونی

برای ارزیابی معماری مجتمع‌های مسکونی و با توجه به پلان،

وضعیت ناماسازی و معماری داخلی، نیاز است که دسته‌بندی از موارد مرتبط با این بحث صورت گیرد تا به معیارهای زیر دست یافت:



تصویر ۷: نحوه انتخاب معیارها در بحث «مجتمع‌های مسکونی»

در دسته‌بندی بالا؛ سه مقیاس کلان (ارتباط بیرونی مجموعه مسکونی با محیط مجاور)، میانه (روابط درونی مجموعه) و خرد (واحد مسکونی و ابعاد داخلی آن) مطرح می‌شود. (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰: ۲۱). به عبارت دیگر؛ در بحث الگوی کلان، به مباحثی همچون فضا سازی محوطه، ناماسازی مجتمع و مباحثی

از این قبیل توجه می‌شود، در الگوی میانه، بر پلان و چگونگی طراحی آن تمرکز بیشتری می‌شود و در نهایت در مقیاس خرد به مباحث جزئی‌تر نظیر تزئینات داخلی بنا توجه می‌شود. در ادامه، معیارهای مرتبط با سه مقیاس مذکور و با توجه به مباحث پایداری در مجتمع‌ها (تصویر ۶)، مطرح می‌گردد:

تقسیم‌بندی عوامل مرتبط با مجتمع								
محوطه و نما: مقیاس کلان	بعد کالبدی			زیست- محیطی	بعد اجتماعی			بعد اقتصادی
	ارتفاع و تعداد بلوک‌ها	چیدمان مطلوب بلوک‌ها	تاثیر نما در انتخاب (حمل و نقل)	دسترسی به خدمات محله	رسیدگی به نظافت محوطه	فضای بازی کودکان	محوطه امن (قابل رویت) با نورپردازی	مبلمان جهت استراحت
-----	شناختن محوطه با نشانه‌ها	نمای پرترتین. مصالح به‌روز	کیفیت معابر در محوطه مجتمع	وجود مخزن زباله	فضای پیاپاده روی و ...	تردد شبانه در محوطه (نظارت اجتماعی)	-----	دیتیل فضای سبز و آبیاری محوطه با باران
معماری داخلی: مقیاس میانه	مساحت کل واحد و تعداد اتاق‌ها	سازماندهی و ارتباط اتاق‌ها	وجود ارتباط از نشیمن به سایر فضاها	سیستم انتقال زباله به بیرون	حیاط خلوت یا تراس	امنیت در سوانح طبیعی (زلزله و ..)	عدم سر و صدا و آسایش روحی	فضای اجاره‌ای: مراسم فرهنگی و ...
	پارکینگ و انبار	فضای مطالعه، عبادت	-----	استفاد از فضای سبز	-----	عدم دید به منزل و امنیت روحی	سرویس بهداشتی دور از دید	ایجاد فضایی اجاره‌ای برای ورزش
تزئینات	-----	-----	تزئینات (کناف و ...)	-----	تنوع رنگی دیوارها یا سقف	نورپردازی مناسب داخل منزل	-----	گچ‌بری پرهزینه

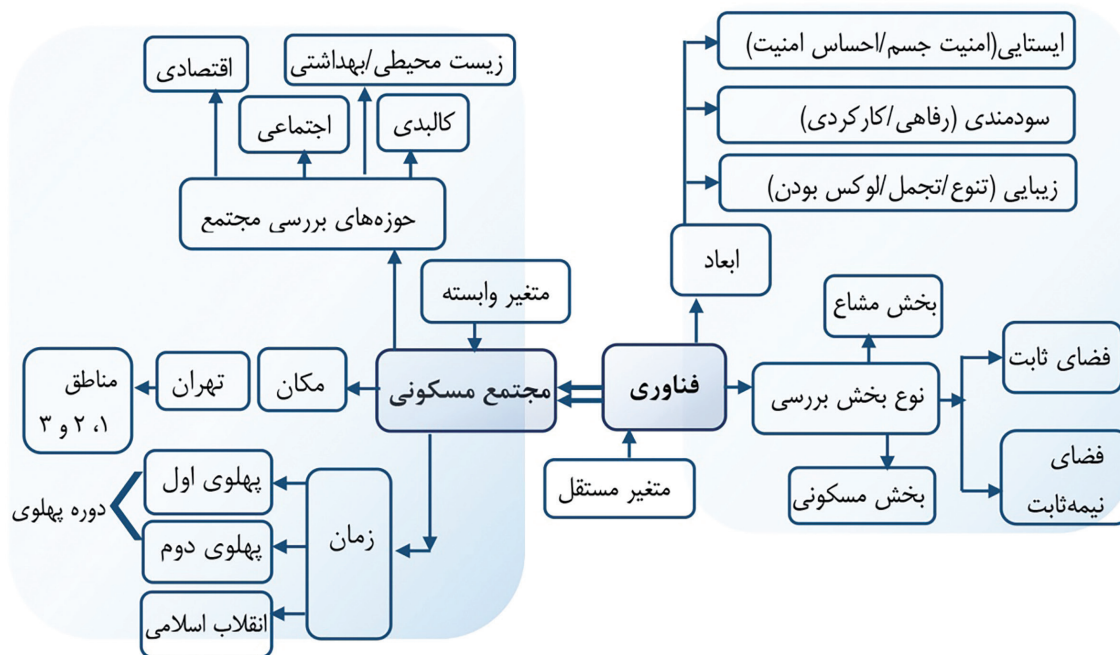
جدول ۲: معیارهای پایداری «معماری مجتمع‌های مسکونی»

معیارها، در قالب پرسشنامه تدوین می‌گردند که با توجه به جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

دوران پهلوی تا به امروز

تحولات سیاسی بر روی مسائل مختلفی از جمله معماری تأثیرگذار است، زیرا قدرت جدید از هر ابزاری نظیر هنر و معماری برای پایداری بیشتر پایه‌های حکومت خود استفاده می‌کند. (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۷). حکومت پهلوی را می‌توان آغاز معماری نو به‌شمار آورد به‌نحوی که بناهای ساخته شده آن، بروز اولین دگرگونی‌های معماری در ایران محسوب می‌شوند. (باور، ۱۳۸۹: ۵۹). در دوره رضاشاه، اقداماتی بنیادی اما ناکافی در راستای توسعه کشور در سه گروه؛ اصلاحات اقتصادی، اداری و اجتماعی انجام گرفت که با شروع جنگ جهانی، به یک مرتبه پایان یافت. (بانی‌مسعود، ۱۳۹۸: ۱۷۹). با وجود برنامه‌های پنج

ساله توسعه از زمان رضاشاه تا پس از پیروزی انقلاب، طرح‌های جامع شهری نیز با برنامه‌ای ده‌ساله برای انتظام عرصه‌های شهری تهیه شدند. (رهنمایی، ۱۳۹۳: ۹۵). براساس تقسیم‌بندی سیاسی-تاریخی، دوران معاصر شامل سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و پس از انقلاب اسلامی می‌باشد، که می‌توان آن را با توجه به برنامه‌های عمرانی و همچنین طرح‌های جامع شهری کشور، شامل هر بیست سال یکبار در نظر گرفت که تقریباً همان سه دوره مذکور را شامل می‌شود، براین اساس، در این پژوهش، بررسی بحث مسکن و مجتمع‌های مسکونی، با توجه به جریان تغییرات سیاسی که برپایه دست‌بندی دوره‌های تاریخی-سیاسی است، صورت می‌پذیرد، این تقسیم‌بندی مبتنی بر دوره پهلوی (اول و دوم) و دوره انقلاب اسلامی می‌باشد، که با توجه به تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که بر روال ساخت‌وسازها مؤثرند، از جامعیت بیشتری برخوردار می‌باشد.



تصویر ۷: مدل نظری بر مبنای متغیر مستقل و وابسته پژوهش

بخش نظری از طریق آزمون آماری ارزیابی می‌گردد که نتایج به‌صورت داده‌های کمی می‌باشند که در این راستا برای تحلیل آن‌ها از شیوه همبستگی و نرم‌افزار SPSS استفاده خواهد شد. در نهایت یافته‌های حاصل با استفاده از استدلال منطقی در ارتباط با چهارچوب نظری مطرح در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و نتایج ارائه می‌گردد.

جامعه آماری و حجم نمونه

با بررسی حکومت پهلوی، مشخص گردید که دوره پهلوی اول، دوره ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

مدل نظری پژوهش

با توجه به مطالبی که از مباحث فناوری و مجتمع‌های مسکونی مطرح شد، می‌توان مدل نظری پژوهش را ارائه نمود:

روش‌شناسی

در راستای پاسخ به سوال پژوهش، در بخش نظری با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، چهارچوب نظری ارائه می‌شود، در بخش عملی نیز با روش مطالعات میدانی و مصاحبه با ساکنان مجتمع‌های مسکونی، معیارهای واقع در

... مدرنیسم بوده و تأثیر تحولات بیشتر در بناهای عمومی و دولتی نظیر بانک، ایستگاه راه آهن و ... نسبت به ساختمان‌های مسکونی دیده می‌شود. (قبادیان، ۱۳۹۵: ۱۳۸). لذا می‌توان مجتمع‌های مسکونی را صرفاً در دو بخش مجزای دوره پهلوی و دوره انقلاب اسلامی در نظر گرفت. راجع به انتخاب مجتمع‌ها نیز، مطالعاتی صورت گرفت و مجتمع‌های مسکونی از مناطق خاصی از تهران (مناطق ۱، ۲ و ۳) انتخاب شدند که دلیل آن را می‌توان برخورداری از تمکن نسبی مالی و ساختار فرهنگی نسبتاً مشترک ساکنان این مجتمع‌ها دانست که در این حالت، افراد دارای حق

انتخاب بیشتر و توانایی اعمال نظر هستند، علاوه بر آن، سه مقیاس ارتفاعی نیز در نظر گرفته شد که جهت دستیابی به نمونه‌هایی که بیانگر کل جامعه آماری باشد، مجتمع‌هایی که مشخصات آن‌ها به‌حوی قابل تعمیم به جامعه آماری نیست و یا به دلایل امنیتی قابل بررسی نیستند، از جامعه حذف می‌شوند. از میان مجتمع‌های باقیمانده، ویژگی‌ها و شاخص‌های (سال ساخت، تعداد بلوک‌ها، واحدها و ...) آن‌ها مطرح می‌شود تا بتوان، تعداد مشخصی را برگزید. در جدول زیر می‌توان این مشخصات را مشاهده نمود:

جدول ۳: مجتمع‌های مسکونی واقع در ۳ منطقه از تهران با مشخصات آن‌ها

نام مجتمع	پهلوی	انقلاب	بلوک	طبقات	مقیاس	واحد
منطقه ۱ تهران	سبحان	-----	۱۲	۷ و ۱۴	کوچک و میانه	۹۳۰
	آتی‌ساز	۱۳۵۵	۲۳	۱۲-۳۱	میانه و بزرگ	۲۲۹۰
	شهید محلاتی	-----	۱۲	۷ و ۹	کوچک	۹۳۰
	کوثر	-----	۵	۱۲	میانه	۲۰۰
منطقه ۲ تهران	باغ بهشت	-----	۱۴	۱۲	میانه	۱۰۲۵
	پردیسبان	-----	۴ سایت	۵	کوچک	۶۹۳
	کوشک	۱۳۵۳	۱۸	۶	کوچک	۵۱۰
	ایران زمین	-----	۳	۲۹	بزرگ	۳۶۲
	خیام، سعدی، حافظ و نظامی	۱۳۵۵	۱۰	۱۸، ۲۱ و ۲۶	میانه و بزرگ	۹۷۶
۳	نور (سئول)	-----	۱۲	۵	کوچک	۲۲۶

به دلیل آنکه هر مجتمع شامل چندین بلوک و تعداد کثیری واحد مسکونی است، لذا برای هر مجتمع به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، صرفاً یک بلوک انتخاب می‌شود و برای حجم نمونه نیز تعداد واحدهای آن بلوک مدنظر قرار می‌گیرد. در نهایت، با جمع واحدهای سه بلوک مجتمع‌های پهلوی، تعداد ۱۶۵ واحد و برای دوره انقلاب نیز ۱۸۰ واحد به‌دست می‌آید که با فرمول کوکران، حجم نمونه برای مجتمع‌های دوره پهلوی، ۱۱۶ پرسشنامه و برای دوره انقلاب ۱۲۳ می‌باشد که برای همسان و یکنواخت بودن پرسشنامه، به‌طور کلی، ۱۲۴ پرسشنامه برای مجتمع‌های دوره پهلوی و ۱۲۴ پرسشنامه نیز برای مجتمع‌های دوره انقلاب اسلامی مدنظر قرار گرفت.

مرور و تحلیل یافته‌ها

در این بخش، تحلیل آماری متغیرهای پژوهش مشخص می‌شود. برای پایایی از آلفای کرونباخ بهره گرفته شد، که با مقدار بیشتر از ۰/۷ از استاندارد پایایی برخوردار است. با توجه به بررسی کلموگروف-اسمیرنف مشخص می‌شود که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند، لذا برای بررسی همبستگی بین متغیرها از آزمون پارامتریک پیرسون استفاده می‌شود.

آزمون پیرسون متغیرها

بررسی داده‌های تحلیل آماری نشان‌دهنده آن است، رابطه مثبت و معناداری میان ساخت‌ابزار و مجتمع‌های مسکونی در هر دو بازه زمانی وجود دارد.

دوره پهلوی	سخت‌ابزار	ضریب همبستگی	۱	مجموع‌های مسکونی
		سطح معناداری	۰.۰۲۱	
		تعداد	۱۲۴	۱۲۴
انقلاب اسلامی	سخت‌ابزار	ضریب همبستگی	۱	مجموع‌های مسکونی
		سطح معناداری	۰.۰۰۰	
		تعداد	۱۲۴	۱۲۴

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون در دو بازه زمانی پهلوی و انقلاب اسلامی

می‌توان شاهد مصالحی یکنواخت (همچون نماهای ساده بتنی) در ساخت بنا بود. علاوه بر آن، امروزه بالا رفتن کیفیت مصالح در ساخت دیوار و مقاومت بیشتر در برابر سوانح، می‌تواند در ارتفاع مجتمع‌ها تأثیر داشته باشد و بناها با ارتفاع بلندتری ساخته شوند، در این خصوص توجه به این نکته مهم است که بخشی از مجتمع‌های مقیاس بزرگ دوره پهلوی که ارتفاع بلندی دارند در سال‌های بعد از انقلاب ساخته شده‌اند. همین امر بیانگر آن است که با پیشرفت فناوری، امکان ساخت بناهای بلندتر می‌باشد.

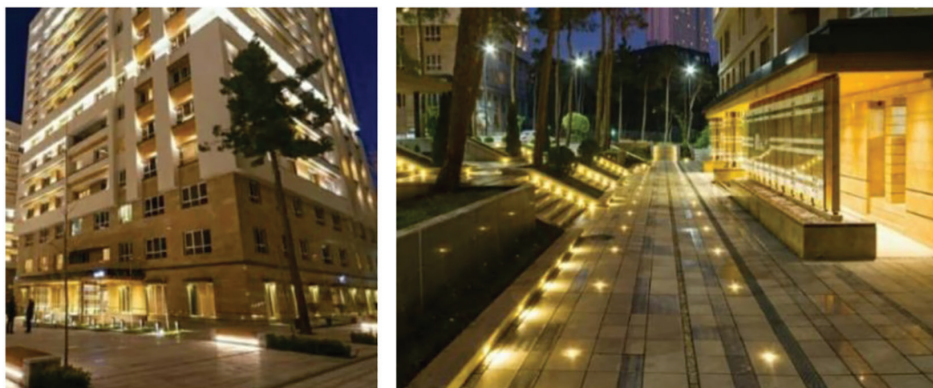
با توجه به جدول بالا، شدت رابطه در دوره پهلوی، ۰/۲۰۷ و در بعد از انقلاب ۰/۳۹۰ است. امروزه فناوری به‌صورت عام (و در این بحث سخت‌ابزار به‌صورت خاص) در حال پیشرفت روزافزون است، به‌نحوی که سرعت تغییرات آن از دوره پهلوی تا به امروز به‌صورت چشمگیری مورد توجه بوده است. در مجتمع‌های دوره انقلاب، به‌کارگیری مصالح به‌روز در ساخت بناها خودنمایی می‌کند و تنوع مصالح حاصل از پیشرفت فناوری موجب شده که نماهای متفاوتی (نظیر رومی، کامپوزیت) به کار گرفته شود، این در حالی است که در دوره پهلوی



تصویر ۸: ارتفاع مجتمع دوره پهلوی (تصویر راست) نسبت به ارتفاع مجتمع دوره انقلاب (تصویر چپ) (<http://memar98.com>)

(تصویر ۹) و کنترل نظارت اجتماعی نیز امکان‌پذیر باشد، به‌نحوی که امکان تردد شبانه برای بانوان نیز فراهم شود.

در بحث امنیت نیز، ابزار ضدسرقت و نورپردازی‌های مناسب باعث می‌شود فضای بیرون و درون مجتمع قابل رویت باشد



تصویر ۹: نورپردازی‌های مناسب شب و حس امنیت بیشتر در مجتمع باغ بهشت دوره انقلاب اسلامی (<http://baghebehesht.ir>)

اکثر زیرشاخص‌ها در دوره انقلاب اسلامی تا به امروز میانگین بیشتری دارند. در بحث فضای مسکونی که مباحثی همچون میزان مقاومت کف (سرامیک، پارکت و ...) در برابر سرما، ضربه و... و همچنین میزان تنوع و لوکس بودن آن مطرح است. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، پیشرفت روزافزون فناوری از دوره پهلوی تا به امروز باعث شده است که امروزه در نوع و مقاومت مصالح تغییرات شگرفی حاصل شود، به نحوی که می‌توان شاهد طرح‌ها و جنس‌های متنوع در مصالح نظیر کف‌سازی‌ها بود.

به‌طور کلی، در مجتمع‌های انقلاب اسلامی، با تحولات فناوری، زیرمجموعه‌های بحث سخت‌ابزار نیز پیشرفت و تأثیر بیشتری از زمان ساخت تا بهره‌برداری در مجتمع‌ها را در پی داشته است، لذا این رابطه در مجتمع‌های مسکونی امروزی به شکل قوی‌تری نمایان شده است.

آزمون تی تست متغیرهای پژوهش نتایج تی تست «سخت‌ابزار»

با مقایسه میانگین‌ها در این آزمون، باید اذعان نمود که،



تصویر ۱۰: نوع کف‌سازی مجتمع آتی‌ساز دوره پهلوی (سمت راست) نسبت به مجتمع پردیسان دوره انقلاب (تصویر چپ) (نگارندگان)

همچنین، در مجتمع‌های انقلاب، تنوع نورپردازی بیشتر به چشم می‌آید و قابل مشاهده است.



تصویر ۱۱: نورپردازی ساده مجتمع دوره پهلوی (تصویر سمت راست) نسبت به مجتمع دوره انقلاب (تصویر چپ) (نگارندگان)

سیستم‌های مرکزی سرمایش/گرمایش بیشتر مورد استفاده بوده است، این در حالی است که با پیشرفت فناوری و ابزارآلات، در مجتمع‌های ساخته شده دوره انقلاب، استفاده از سیستم‌های مجزا بیشتر مدنظر است که همین امر موجب رضایت بیشتر ساکنان از این شرایط است. به نظر می‌رسد که با گذشت زمان و تحولات و پیشرفت روزافزون فناوری در همه ابعاد (مصالح، شیوه ساخت، تکنیک‌های نورپردازی، تاسیسات و ...) و با توجه به ارتباط فناوری با معماری، می‌توان گفت این تغییرات، تأثیر خود را در ساخت معماری مجتمع‌های مسکونی خصوصاً دوره انقلاب اسلامی برجای گذاشته‌اند و همین امر باعث شده است که بر موضوع فناوری در ساخت فضای مشاع نیز تمرکز بیشتری شود و به تبع آن، با توجه به تأثیر مثبت رفاهی آن در گذران زندگی ساکنان، نگرش مثبت‌تری در برخورد با این نوع مباحث

در ادامه بخش مسکونی، میانگین آزمون تی تست فضای نیمه‌ثابت مجتمع دوره پهلوی از مجتمع دوره انقلاب کمتر می‌باشد، که مواردی همچون استفاده از وسایل لوکس و تزئینی‌تر بودن ابزار نسبت به کاربردی‌تر بودنشان مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد هراندازه مجتمع با مصالح به‌روزتری ساخته شده باشد، به نحوی که فضای داخلی متجمل و با تنوع رنگ و نورپردازی بیشتری به چشم آید، متأثر از آن، تمایل بیشتری برای تجملاتی‌تر شدن فضای داخل با مبلمان وجود خواهد داشت، لذا میانگین بالاتر خواهد بود. در بحث فضای مشاع و در وضعیت دوره پهلوی، فضای ثابت، میانگین کمتری را به خود اختصاص داده است که مباحثی نظیر تهویه از پنجره‌ها، روشنایی‌های مناسب در راهروها (سنسورهای روشنایی)، ابزار ضدسرقت را شامل می‌شود. با توجه به بررسی‌ها در مجتمع‌های دوره پهلوی،

سازماندهی فضا در مجتمع‌های دوره پهلوی کمتر از مجتمع‌های امروزی است. این بخش بیانگر مسائلی همچون ارتفاع بلوک‌ها، نحوه قرارگیری آن‌ها و همچنین نوع نمای بنا می‌باشد که در مجتمع‌های امروزی بیشتر مورد توجه بوده است، شاید بتوان گفت در این مجتمع‌ها، استفاده از مصالح به‌روز و نماهایی همچون رومی نسبت به مجتمع‌های پهلوی بیشتر مورد توجه است، لذا میانگین آن بالاتر می‌باشد.

(بخش نیمه‌ثابت فضای مشاع) از دیدگاه پاسخگویان واقع در مجتمع‌های دوره انقلاب اسلامی وجود داشته باشد. در ادامه و در بحث فضای مشاع، نمره اختلاف میانگین‌های فضای نیمه‌ثابت در مجتمع‌های هر دو دوره بسیار ناچیز است که می‌توان از آن صرف‌نظر نمود.

نتایج تی تست مجتمع مسکونی

در بعد محوطه و نما، نمره میانگین شاخص تناسبات/



تصویر ۱۲: تفاوت نوع نما در مجتمع دوره پهلوی (تصویر راست) نسبت به مجتمع دوره انقلاب (تصویر چپ) (نگارندگان)

دوره پهلوی، نحوه قرارگیری هر فضا و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به دلیل وجود فضاهای ثابت (دیوارها) به گونه‌ای مشخص تر است و امکان تشخیص نیز ساده‌تر می‌باشد، اما در مجتمع‌های دوره انقلاب که تقسیم‌بندی بیشتر از طریق مبلمان‌ها و همچنین تفاوت در نوع کف‌سازی فضاها انجام می‌پذیرد، امکان تشخیص دشوارتر می‌باشد.

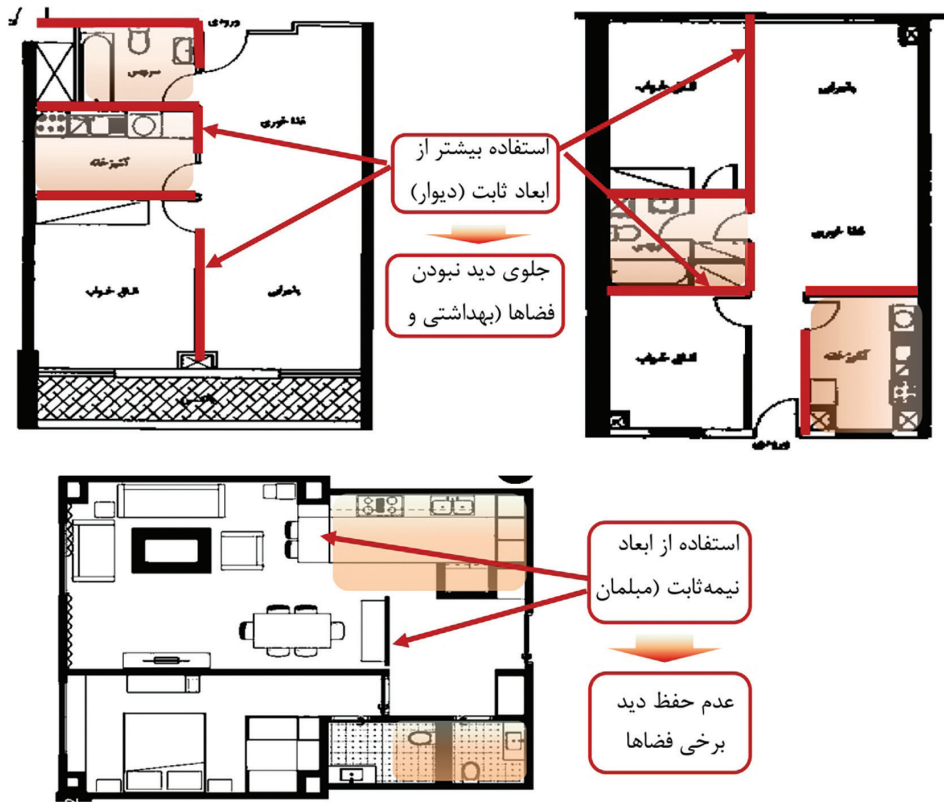
در بحث از بعد معماری داخلی و پلان (مقیاس میانه)، میانگین شاخص تناسبات/سازماندهی فضا در مجتمع‌های دوره پهلوی بیشتر از مجتمع‌های امروزی است، که مباحثی نظیر نحوه چیدمان فضاها، نوع آشپزخانه و چگونگی ارتباط فضاها را به خود اختصاص داده است. آنچه به نظر می‌رسد این است که؛ در مجتمع‌های ساخته شده در



تصویر ۱۳: نوع تقسیم‌بندی فضا در مجتمع آتی‌ساز دوره پهلوی (تصویر بالا) نسبت به مجتمع دوره انقلاب (تصاویر پایین) (نگارندگان)

بهداشتی مطرح شده است که در مجتمع‌های دوره پهلوی با توجه به نوع تقسیم‌بندی فضا و استفاده بیشتر از فضای ثابت نظیر دیوارها، می‌توان اظهار داشت که فضاهایی همچون سرویس بهداشتی دور از دید قرار دارند.

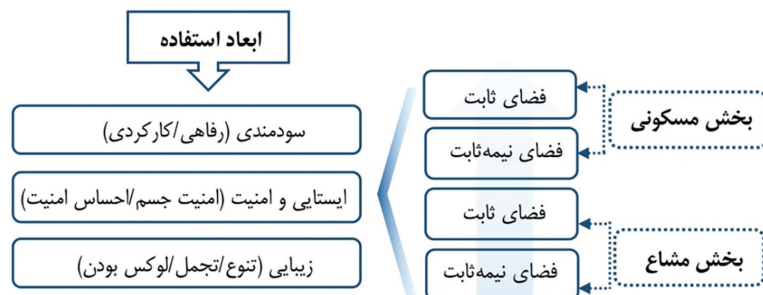
در بحث از بعد معماری داخلی و پلان، نمره میانگین فضای شاخص تسهیلات/خدمات فضا در مجتمع‌های دوره انقلاب کمتر از دوره پهلوی است که مباحثی همچون بهره‌گیری بیشتر از فضاهای نیمه‌باز (تراس و ...) و یا جلوی دید نبودن فضاهای



تصویر ۱۴: استفاده از ابعاد ثابت در مجتمع اکباتان دوره پهلوی (memar98.com) نسبت به مجتمع باغ بهشت دوره انقلاب (baghebehesh.ir)

اصلی، مبنی بر تأثیر فناوری بر معماری مجتمع‌های مسکونی است، لذا برای این منظور، شاخص‌هایی از تناسب و سازماندهی به‌همراه تسهیلات و خدمات فضا در سه مقیاس کلان، میانه و خرد برای معماری مجتمع‌ها مدنظر قرار گرفت. در این خصوص و در بحث «سخت‌اِزار» مشخص می‌شود که فضای ثابت و نیمه‌ثابت در بخش مسکونی نسبت به بخش مشاع از میانگین و میزان اهمیت بالاتری برخوردار است که در زیر قابل مشاهده است:

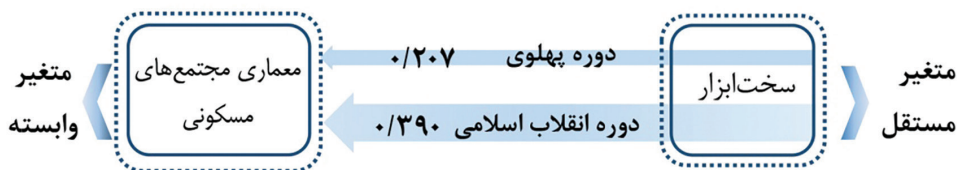
در بحث از بعد تزئینات داخلی (مقیاس خرد)، اختلاف میانگین شاخص تسهیلات/خدمات فضا در هر دو دوره پهلوی، بسیار ناچیز است، اما می‌توان در این خصوص بیان داشت که تولید مصالح جدید و همچنین ایجاد فناوری‌های مناسب‌تر برای نورپردازی‌ها، در ساخت مجتمع‌های مسکونی دوره انقلاب اسلامی به بعد بیشتر مورد توجه بوده است و در نتیجه، نگرش پاسخگویان در این مجتمع‌ها با دیدگاه مثبت‌تری همراه بوده است. اما با توجه به اینکه تمرکز بحث



تصویر ۱۵: نتایج میانگین ابعاد «سخت‌اِزار» برای هر دو بحث پهلوی و انقلاب اسلامی

دوره انقلاب اسلامی بیشتر از دوره پهلوی است که در تصویر زیر قابل مشاهده می‌باشد:

در نهایت و با توجه به نتایج آزمون‌های پیرسون و تی تست می‌توان گفتکه میانگین بحث فناوری با مولفه «سخت‌ابزار» در



تصویر ۱۶: نتایج آزمون پیرسون در مجتمع‌های دو دوره پهلوی و انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

نیمه ثابت نسبت به بخش مشاع، از میانگین بالاتر و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتر در مجتمع‌های مسکونی برخوردار هستند که در راستای کیفیت بالاتر مجتمع‌ها، گزینه‌هایی در زمینه موضوعات زیر را می‌توان ارائه نمود:

این مطالعه تلاشی برای پاسخگویی به تأثیر تحولات بحث فناوری در معماری مجتمع‌های مسکونی بود که جامعه آماری از میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها و اعمال آزمون‌های مرتبط در خصوص متغیرهای اصلی پژوهش (آزمون پیرسون و تی تست)، نتایج بیانگر آن است که در برخی موارد (با توجه به پیشرفت فناوری)، میان ساکنان واقع در این دو نوع مجتمع‌ها اختلاف نظر وجود دارد و در برخی موارد با توجه به شرایط فرهنگی و اعتقادی یکسان، این اختلاف‌نظرها چشمگیر نیست و قابل اغماض می‌باشد. به تبع این امر، درخصوص ارتباط خطی میان متغیرها (صرفاً دو متغیر با یکدیگر)، همین مسئله خودنمایی می‌کند، به گونه‌ای که از نظر ساکنین، ارتباط میان متغیر سخت‌ابزار از بحث فناوری با متغیر معماری مجتمع مسکونی، متفاوت است. (در مواردی این ارتباط بیشتر و قوی‌تر و در برخی موارد نیز ارتباط ضعیف‌تری وجود دارد) که با تحلیل و استدلال منطقی، توضیحات مرتبط با آن‌ها ارائه گردید. به‌طور کلی هرچند که امروزه فناوری‌های پیشرفته و نو در ساخت معماری مجتمع‌های مسکونی تأثیر بیشتری نسبت به مجتمع‌های دوره پهلوی را دارند، اما این امر به تنهایی در رفع نیازهای گوناگون فرهنگی و هویتی و تسهیلات متنوع کافی نیست و در این راستا همخوانی و همسازی با ساختارهای فرهنگی و هویتی اهمیت بیشتری را دارد زیرا، به نظر می‌رسد که در مجتمع‌های مسکونی ساخته شده در دوره پهلوی به مسائلی همچون نحوه ارتباط فضاها با یکدیگر و یا اختصاص فضا برای فعالیتی خاص توجه بیشتری شده است اما در مجتمع‌های دوره انقلاب اسلامی، احتمال چنین امری (به دلیل کاهش متره، سرعت ساخت بالاتر و کمی‌تر شدن مسائل و یا افزایش جمعیت) کاهش یافته است. در رابطه با بحث کیفی تحلیل‌ها و استدلالات منطقی منتج از داده‌های نظری و عملی، آنچه که می‌توان از باب نتیجه‌گیری بیان نمود این است که؛ بخش مسکونی با دو بعد فضای ثابت و

در بخش تسهیلات-خدمات فضا در مجتمع‌ها: در بعد اجتماعی مجتمع‌های مسکونی:

بهره‌گیری از حیاط خلوت و یا تراس می‌تواند گزینه کارآمدی باشد که به تبع آن منجر به ارتباطات و مشارکت جمعی بیشتر ساکنان واحد مسکونی با یکدیگر می‌شود. علاوه بر آن، اختصاص دادن فضایی برای برنامه‌های فرهنگی و یا تفریحی (خصوصاً برای کودکان) مناسب می‌باشد. همچنین استفاده از وسایل و ابزار نظیر صندلی‌ها (از سخت‌ابزار) جهت استراحت و حضور بیشتر و در نتیجه امکان ارتباط بیشتر افراد با یکدیگر، کارآمد می‌باشد، همچنین با کمک فناوری پیشرفته و تولید مصالح با کیفیت (از سخت‌ابزار)، از ستون‌هایی مستحکم (و یا فضای بدون ستون و با کمک سقف و دیوارها)، جهت ایجاد فضایی باز استفاده نمود که به تبع آن امکان ارتباطات و برخوردهای عمومی نیز بیشتر خواهد شد. این عوامل منجر به دستیابی به سرزندگی بیشتر در مجتمع‌ها می‌شوند.

- برای حفظ قلمرو خانواده در مقابل جرم، استفاده از ابزار ضدسرقت در بخش مسکونی و به‌کارگیری نورپردازی‌های مناسب جهت امکان نظارت بر فضاها، عملکردهای مناسبی محسوب می‌شوند. این عوامل منجر به حفظ امنیت (روحی و جسمی) در مجتمع‌ها می‌شوند.

در بعد زیست‌محیطی مجتمع‌های مسکونی:

- نیاز است که با در نظر گرفتن سیستم دفع پسماندها (انتقال از واحد و مشاع به بیرون ساختمان) به حفظ سلامت و نظافت نیز کمک بیشتری نمود. می‌توان از پنجره‌ها (از سخت‌ابزار) برای دریافت نور- تهویه و استفاده از چشم‌انداز و فضای سبز بهره

گرفت که به تبع آن موجب حفظ سلامت جسمی و روحی نیز می‌گردد. می‌توان این بخش را تحت عنوان حفظ فضای سبز و حفظ نظافت در نظر گرفت.

در بعد اقتصادی مجتمع‌های مسکونی:

- در این خصوص، کیفیت بالای مصالح می‌تواند کارآمد باشد که به تبع آن، کالبد بناها آسیب کمتری می‌بیند و همین امر منجر به حفظ هزینه‌ها و صرفه اقتصادی می‌شود. بحث عایق‌های به کار گرفته شده در ساخت فضاهای ثابت نیز همین نتایج را در پی خواهند داشت که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان بهره‌وری اقتصادی نام برد.

- از طرف دیگر، با مصالح به‌روز و فناوری پیشرفته، می‌توان با بلندمرتبه‌سازی، فضاهایی را جهت اجاره فعالیت‌های ورزشی و یا برگزاری مراسم‌ها در اختیار گرفت که این امر منجر به سودآوری فعالیت اقتصادی و در پی آن نظام فعالیت-اشتغال می‌شود.

در بخش تناسبات-سازماندهی در مجتمع‌ها:

در بعد کالبدی مجتمع‌های مسکونی:

- جهت اختصاص فضایی برای مطالعه و ورزش (تنوع عملکردی)، نیاز است که به ساختار سلامت (با اهمیت به تناسب اندام) و ساختار تفریح و فراغت (با اهمیت فعالیت‌های فرهنگی) توجه بیشتری شود، که در این خصوص وجود مبلمان مناسب نظیر میز و وسایل مخصوص کار، تلویزیون و... برای انجام این امور مناسب هستند. از طرف دیگر تنوع در مصالح دیوار، کف‌سازی و به‌طور کلی تزئینات و تغییر فضاسازی جهت ایجاد حس بهتر برای انجام امور ذکر شده می‌تواند سودمند باشد. لذا با توجه به هدف که تنوع عملکرد است، می‌توان از آن به‌عنوان ابعاد فضا و نظام‌مندی نام برد.

- برای دل‌بازتر شدن فضا نیاز است که به ساختار سلامت روحی (با وجود نور مناسب و فضای سبز در منزل) تاکید بیشتری شود که در این رابطه می‌توان علاوه بر وجود پنجره‌ها در مکان‌های مناسب، از ابزار روشنایی (با استفاده‌های تزئینی نظیر نورپردازی‌های مخفی) نام برد و در نهایت وجود کف‌سازی لوکس که جلوه خاصی داشته باشد نیز در حفظ زیبایی و دل‌بازتر شدن فضا تأثیرگذار است که عوامل مطرح شده را تحت عنوان زیبایی نام برد.

باید در نظر داشت که معماری به‌طور کلی و معماری مجتمع مسکونی به‌طور جزء نمی‌تواند بدون فناوری امکان ظهور یابد، زیرا یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های برپاکننده هر اثر معماری (در این بحث مجتمع مسکونی)، فناوری است، بنابراین تأثیر فناوری در این موضوع پنهان نیست. در طول تاریخ تحولات معماری، فناوری، محور تغییرات در معماری بوده است. اما باید

توجه داشت که در دوران گذشته ارتباط میان این دو با انسجام خاصی همراه بود که در دوره معاصر این انسجام به هم ریخت و در فاز جدیدی وارد شد، زیرا ارتباط با کشورهای غربی موجب ورود مصالح و فناوری‌های جدید به کشور شد و در معماری ایران به کار گرفته شد، اما به دلایل مختلفی همچون عدم دانش کافی، نبود استانداردهای مناسب در نحوه استفاده از این فناوری‌ها و همچنین عدم فرهنگ‌سازی مناسب باعث شد که به‌صورتی ناقص و ناکارآمد مورد استفاده قرار گیرد، طوری که با گذشت زمان خصوصاً در بعد از انقلاب، هرچند بناها از نقطه نظر فناوری ممکن است ارزشمندتر شده باشند، به‌نحوی که پیشرفت فناوری ساخت، ابزار مناسبی را در اختیار معماران قرار می‌دهد، اما کمبود ارزش‌های فرهنگی در آن‌ها منجر به احساس بیگانگی نسبت به آن‌ها می‌شود. از این‌رو، داشتن رویکردی انسانی نسبت به فناوری، بازنگری در خصوص کاربرد ابزارها و عوامل مختلف فناوری و امکان تکیه بر ابعاد تحلیلی گریانه در عوض ابعاد شکلی امری ضروری می‌نماید.

پی‌نوشت

۱. با توجه به مطالعه منابع متعدد، می‌توان به اهمیت بسیار زیاد این موضوع در بحث مجتمع‌های مسکونی (که یکی از پارامترهای مورد بررسی در این پژوهش است)، پی برد که با استفاده از همین عامل (پایداری) می‌توان به دسته‌بندی از زیرمجموعه‌های مولفه مجتمع مسکونی دست یافت و در همین راستا و با بهره‌گیری از آن‌ها، مولفه فناوری را در معماری مجتمع‌ها مورد بررسی قرار داد.

منابع

۱. انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **تحلیلی بر معماری معاصر ایران**، تهران، سیزان.
۲. بحرینی، حسین (۱۳۹۶) **تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی**، تهران، دانشگاه تهران.
۳. بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «**ایدئولوژی و فناوری**»، مجله منظر، (۴)۱، صص ۶۸-۶۹.
۴. باور، سیروس (۱۳۸۹) **نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران**، تهران، فضا.
۵. بانی مسعود، امیر (۱۳۹۸) **معماری معاصر ایران؛ در تکاپوی بین سنت و مدرنیته**، تهران، هنر معماری قرن.
۶. پرویزی، الهام؛ محمدجواد مهدوی نژاد، و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۴) «**بررسی نحوه کیفیت ورود فناوری در تاریخ معماری مدرن**»، آرمانشهر، ۱۵، صص ۱-۴.
۷. تقی‌زاده، کتابون (۱۳۸۸)، «**فقر تکنولوژی در صنعت ساخت**»، مجله منظر، (۴)۱، صص ۷۶-۷۷.
۸. حمزه‌نژاد، مهدی، زهرا رسولی، و سیدعباس یزدانفر (۱۳۹۴) «**ویژگی‌های آرمانی معماری انقلاب اسلامی ایران**»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴)۱، صص ۱۳۱-۱۴۸.

۹. رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۹۳) **فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران**، تهران، سمت.
 ۱۰. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۹۶) **نظریه پایداری اجتماعی و مجتمع‌های مسکونی**، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
 ۱۱. عینی‌فر، علیرضا و آزاده آقالطیفی (۱۳۹۰) «مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۷، ۱۷-۲۸.

۱۲. فیضی، محسن و مریم اسماعیل‌دخت (۱۳۹۴) «**بازشناسی تحلیلی تکنولوژی‌های نوین ساخت جهت هویت‌بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه‌گرایی**»، مدیریت شهری، ۳۸، صص ۱۷۳-۱۹۵.

۱۳. قبادیان، وحید (۱۳۹۵) **سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران**، تهران، علم معمار.
 ۱۴. معظمی، منوچهر و عیسی حجت (۱۳۹۶) «**ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران**»، آرمانشهر، ۱۰ (۲۱)، صص ۱۰۳-۱۱۲.

15. Biddulph, Mike (2016) Introduction to residential layout. Amsterdam: Architectural Press.
16. Fukuyama, F. (2012) The end of history and the last man. (20 nd.). New York: Free Press.
17. Grover, Ravi B. (2019) The relationship between science and technology and evolution in methods of knowledge production. Journal of History of Science 54 (1): 50-68.
18. Mccloy, Don (2014) Technology: Made simple. London: Heinemann
19. Murphie, A., & Potts, J. (2017) Culture and Technology. London: In Palgrave.
20. Scharff, Robert C., & Val, D. (2014) Philosophy of Technology: the technological condition: An Anthology. United State: Blackwell Publishing.
21. Tang, Xinyuan, Li-Jen Kuo, Xuejun Ji, and Erin McTigue. (2018) A critical examination of the relationship among research, theory and practice: Technology and reading instruction. Journal of Computers & Education (125): 62-73.

چیستی اصالت و هویت فرهنگی در معماری معاصر ایران با اتکا به آرا و اندیشه داریوش شایگان^۱

هوشنگ فروغمند اعرابی*، محمود ارژمند**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

بسیاری از اندیشمندان تحولات دوران مدرن و ارتباط فرهنگی ایران با غرب را سبب بحران هویت و دگرگونی مفهوم اصالت در حوزه‌های مختلف فرهنگی می‌دانند. در این نگرش اختلاط فرهنگ‌های گوناگون در شهرها و فقدان هماهنگی در شیوه‌های زندگی و همچنین کالبد بناها و شهرها، به عنوان بحران هویت تفسیر می‌شود. اما بر خلاف عمده صاحب‌نظران داریوش شایگان با وجود تأکید بر لزوم پذیرش مدرنیته و غرب از سوی فرهنگ‌ها به چهل تکه شدن هویت به مثابه نوعی همزیستی اندیشه‌های مختلف در کنار یکدیگر معتقد است. دغدغه اصلی این پژوهش پرسش از چیستی اصالت در معماری معاصر است و در همین راستا هدف آن بررسی مفهوم «اصالت» در تقابل مدرنیته و «معماری چهل تکه» معاصر ایران با اتکا به آرا و اندیشه داریوش شایگان است. روش تحقیق بنابه ماهیت بنیادی آن، «توصیفی-تحلیلی»، و «استدلال منطقی» است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره‌برده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در نحوه درک و برداشت روشنفکران و معماران معاصر از واقعیات اجتماعی و فرهنگی مربوط به مفهوم اصالت معماری ایرانی نوعی اختلاف و شکاف وجود دارد. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که هرچند که امروزه جهان‌بینی مدرنیته لایه‌ای از هویت ایرانیان را تشکیل داده اما ساختار فرهنگی غرب در عدم تجانس با فرهنگ ایرانی است. به همین لحاظ معماری معاصر ایران به منظور حفظ اصالت ایرانی خویش و در نتیجه همزیستی و مصالحه بین فرهنگ غربی و ایرانی، هویت جدیدی پیدا کرده است. واژگان کلیدی: اصالت، هویت، مدرنیته ایرانی، داریوش شایگان، معماری.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری هوشنگ فروغمند اعرابی با عنوان «بررسی مسئله اصالت در معماری معاصر ایران با تأکید بر آرای هنری کرین» است که با راهنمایی محمود ارژمند در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر در حال انجام است.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

** استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مدرنیته در ایران پدیده‌ای وارداتی تلقی شده است که با توجه شرایط تاریخی و فرهنگی غربی شکل گرفت. این امر به تدریج به نظام‌های فرهنگی منجمله هنر و معماری غنی و پویای ایرانی نفوذ پیدا کرده است و باعث تغییرات گسترده فرهنگی و دگرگونی در «اصالت» و ارزش‌های بنیادین فرهنگی و هویتی خاصه در زمینه هنر و معماری معاصر گردید. در شرایط معاصر که به طور خاص موضوع این پژوهش است، مسئله این است که آن چه در عرصه فرهنگ و هویت در حال وقوع است نوعی بازاندیشی هویتی و فرهنگی در هنر و معماری معاصر ایران است که در چارچوب یک سیاست دوگانه «مقاومت در برابر تغییر یا اقتباس از غرب»، در پی ایجاد و به توازن رساندن فرهنگ و معماری بازآفریده شده خویش است. البته خود دنیای غرب نیز نیازمند چنین بازاندیشی با هدف جبران نقیصه کمبود معنویت است. ریشه کلمه «مدرن» (و در تجانس با آن «معاصریت») از لحاظ لغوی به مفهوم تازه و جدید اشاره دارد (که البته هرچیز تازه و هر پدیده جدیدی را نمی‌توان مدرن نامید). امر مدرن محصول تحول زندگی انسان از حالت سنتی به حالت جدیدی است که در راستای تحول اندیشه، پس از انقلاب‌های اجتماعی-سیاسی بزرگ در اروپا و آمریکا و پس از انقلاب‌های صنعتی در غرب به وجود آمد و وضعیت متفاوت و شرایط و ساختارهای جدیدی را بر زندگی انسان حاکم کرد که متعاقب آن به تأثیر بر مفهوم هویت، تاریخ‌مندی و اصالت منجر شد (واترز، ۱۳۸۱: ۵۷)؛

عرصه‌های عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند و در آنها است که بیشترین تماس و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد (تیربند و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). از دیدگاه لینچ هویت شهری نوعی تمایز است که یک شخص می‌تواند مکانی را از سایر مکان‌ها بشناسد (دارایی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۰). و در تعریفی دیگر «هویت» به معنای مشخصه‌هایی از مکان است که باعث تمایز آن از دیگر مکان‌ها و تداوم آن در طول زمان است (Lewika, 2008: 54). «رلف» بر پایه مطالعات «لینچ»، هویت مکان را تشخیص یا تمایز مکانی می‌داند که پایه شناخت آن به عنوان یک کل متمایز باشد (Relph, 1976: 45). به طور کلی مفهوم‌سازی هویت یا تمنای هویت داشتن در پی تحولات اجتماعی پس از مدرنیته به وجود آمد و عمده

تلاش در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است (Turner, 1998: 6). به این ترتیب تعریف هر فرد یا گروه از هویت داشتن، یا تمنای جهت یافتن یک جایگاه متمایز در مقایسه با دیگران است (Tajfel, 1999: 76). با نگاه به ادبیات انتقادی، توسعه‌های شتابزده در معماری، فضاهای شهری و بافت‌های تاریخی واجد ارزش، تنوع اندیشه‌ها و در نهایت تنوع هویت و دوری از اصالت را ایجاد کرده است، نزاع و آشفتگی اندیشه‌های موجود در جامعه، محصول برتر دانستن یکی از وجوه به سایرین می‌باشد و از این رو، گروه‌های موجود یا معتقد به هویت تاریخی‌اند، یا هویتی مذهبی، یا هویتی مدرن و یا ملغمه‌ای از آن‌ها را دارند، در این راستا در حوزه معماری نیز باید گفت گرایش‌های معماری هم براساس همین رویکردها شکل می‌گیرند و تنوع در آثار معماری، محصول این انتخاب و یا انحصار در شناخت وجوه هویت جدید هستند (انصاری، ۱۳۸۵: 33). در این پژوهش با توجه به نگاه ویژه داریوش شایگان به مسئله هویت در ایران و ارائه تفکر هویت چهل تکه، آثار وی به عنوان یکی از تفکرهای بدیع که می‌تواند تبیین‌گر مسئله هویت ایرانی و در ذیل آن اصالت باشد، جهت تحلیل محتوا انتخاب شده است تا بتوان با استخراج مفاهیم اولیه، نگاه ویژه‌ای به معماری را طرح بندی کرد.

مواد و روش‌ها

الف- ماهیت و نوع تحقیق

در پژوهش حاضر که از لحاظ ماهیت بنیادی است، از روش توصیفی-تحلیلی و روش استدلال منطقی برای بررسی چگونگی فهم مفهوم ارزش و اصالت در معماری چهل تکه معاصر استفاده شده است تا مدرنیته ناموزون فرهنگی ایران (بنابه نظر داریوش شایگان) را در حول مفهوم اندیشه سیار و افسون‌زدگی معاصر مورد خوانش قرار دهد. روش گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. «تحلیل محتوا» مورد استفاده در این مقاله به این صورت بوده است که تمام آثار مکتوب داریوش شایگان یا فلاسفه‌ای که اندیشه وی را تشریح کرده‌اند، بررسی و تحلیل محتوا شده است. همچنین مقالات و سایر تحقیقات ارزشمندی که درباره اندیشه ایشان نگارش یافته، تنسیق و دسته‌بندی و در نهایت ارزیابی محتوایی شده‌اند. اساس روش تحقیق پژوهش حاضر به شرح زیر است:

روش	قسمت‌های مورد استفاده در پژوهش
روش توصیفی-تحلیلی	مرحله مبانی نظری تحقیق و بررسی ادبیات موضوع
روش استدلال منطقی	بررسی و تحلیل اندیشه شایگان و ارتباط آن با مفهوم اصالت معاصر ایران
روش تحلیل محتوا	مطالعه، تنسیق و تحلیل منابع و نصوص مرتبط با آثار در دسترس شایگان و تحلیل‌گرانش

ب- هدف و فرضیه تحقیق

هدف مقاله «بررسی مفهوم اصالت و چالش‌های آن در هویت فرهنگی ایران معاصر در معماری با تحلیل محتوا آثار «داریوش شایگان» است. بنا به ماهیت بنیادین تحقیق، این پژوهش «فرضیه‌محور نیست» و صرفاً «رویکردی اکتشافی» دارد. در واقع بحث در این است که به دلیل تحقیق بنیادین از ماهیت فلسفی مطرح شده در تفکر شایگان به موضوع اصالت در تقابل با استحاله‌های فرهنگی ایران معاصر که خود را در معماری، نشان داده است، استخراج شود و لذا از طرح فرضیه پرهیز شده و بیان اکتشافی جایگزین آن شده است.

پ- ساختار و مراحل پژوهش

ساختار و مراحل تحقیق نیز به شرح زیر است:

۱. مطالعه و بررسی منابع و ادبیات تحقیق درباره مفهوم ارزش؛
۲. تحلیل محتوا و مطالعه آثار داریوش شایگان و سایر منابع موجود که اندیشه وی را شرح داده یا مفسر نظرات وی بوده‌اند؛
۳. جمع‌بندی مولفه‌ها و معیارهای اصالت فرهنگی بروز یافته در معماری در خوانش اندیشه شایگان و بیان چالش‌های مرتبط یا متقابل در این ارتباط؛
۴. تحلیل و جمع‌بندی نظرات بدست آمده درباره تناقضات یا پیچیدگی‌های مفهومی اصالت در فرهنگ و معماری.

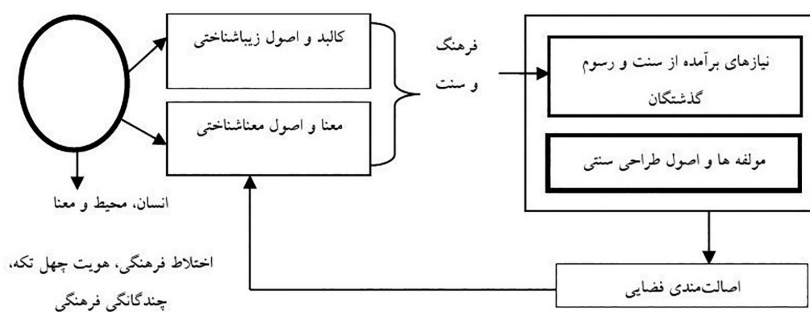
ادبیات تحقیق

در این نوشتار با تأکید به منابع فارسی موجود از آثار شایگان که در نمودار ۱ به آنها اشاره شده است به بررسی و تحلیل آثار وی به منظور یافتن مفاهیمی که به اصالت در معماری مرتبط باشد، پرداخته شده است. از آنجا که ماهیت تحقیق به روش تحلیل محتوای است و منابع متعدد جداگانه‌ای برای شرح تفکر شایگان تا به اکنون وجود نداشته است، عمده منابع ادبیات تحقیق آثار خود مولف است. به روش تحلیل محتوا سعی شده است که هم از طریق آثار و هم شروح مربوطه به یک برداشت منسجم حول مفاهیم مشترک دست یابیم. در بخش‌بندی‌های ادبیات تحقیق نظرات شارحین آثار شایگان، متناسب با هر بخش، در ذیل آن بخش آمده است. ادبیات تحقیق ذیل پنج عنوان بررسی شده است:

مدرنیته و فرهنگ

«مدرنیته» به زبان انگلیسی همانند بسیاری از مفاهیم دنیای جدید، یک واژه غربی است. تبار واژه «مدرن» که در تمام زبانهای اروپایی و در بسیاری از زبان‌های دیگر از جمله در فارسی رایج شده، از لفظ لاتینی «مدرنوس» است که خود از قید «مدو» مشتق شده است (احمدی، ۱۳۸۰). از نظر فلاسفه سیاسی، مدرنیته قرین مفهوم دموکراسی است؛ و از منظر اقتصاددانان مدرنیته در کاپیتالیسم و توسعه اقتصادی ظهور یافته است. از این رو مدرنیته تعریف واحدی ندارد: «واژه تجدد برابر دقتی برای مدرنیته نیست، چراکه تمامی معنا را نمی‌رساند. واژه تجدد که پس از انقلاب مشروعیّت به کار رفت، بیش‌و کم معنای نوآوری داشت. آن روزها واژه تجدد، نوظلّبی را می‌رساند، اما نویسندگانی که خود نوظلّبی بودند بدان واکنش منفی نشان دادند» (احمدی، ۱۳۷۳: ۴). نوسازی ابتدا از قرن ۱۷ میلادی در اروپایی غربی آغاز شد و سپس به سایر کشورهای اروپایی و قاره آمریکا گسترش یافت و در قرون ۲۰-۱۹ م به آسیا و آفریقا سرایت کرد (قوام، ۱۳۷۴: ۵۹). مدرنیسم که از مدرنیته متفاوت است، خود را در شکل بیرونی نمود می‌دهد (هودشتیان، ۱۳۸۰: ۷۶). نظریه مدرنیسم نیز در جستجوی دلایلی درونی برای توجیه عقب ماندگی است. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در آثار «کارل مارکس، و وبر و دورکیم» جستجو کرد (بهنام، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

مولفه‌های مدرنیته از دیدگاه اندیشمندان مختلف، متفاوت است. برخی مولفه‌هایی چون اعتلای سرمایه‌داری و تکنولوژی، اعتلای لیبرالیسم و فردگرایی از طریق قرارداد اجتماعی، اعتلای دموکراسی و فرآیند عقلانی‌سازی جهان، اعتلای علم جدید از طریق دستیابی به دانشی نو بر اساس تجربه، اعتلای فلسفه تاریخ از طریق ایده‌هایی چون پیشرفت، شک و نقد را به‌عنوان مفاهیم و مولفه‌های مدرنیته می‌شناسند (هنمای رودپشتی، ۱۳۹۳: ۲). برخی دیگر نیز مواردی چون انسان‌گرایی به معنی ایمان به انسان یا ایمان به علم و قدرت انسان، اندیشه پیشرفت، مادی‌گرایی، عقل و خردگرایی، برابری طلبی و احساسات‌گرایی را مولفه‌های مدرنیته معرفی می‌کنند؛ همچنین است علم‌گرایی (سوفر، ۱۳۷۵: ۲)، سرمایه‌داری و سودگرایی (جبری مقدم، ۱۳۸۴: ۵۵).



نمودار ۱. نقش فرهنگ و چهل تکی فضایی

اصالت، مدرنیته و معماری

اصطلاح «اصالت» در اولین مجموعه از معیارهای سنجشی WHO در سال ۱۹۲۳ مطرح شد و بعد از مشتق شدن از ارزش سنجی آمریکایی-یکپارچگی و تکرارمندی-از سال ۱۹۵۳ به پروسه اعتبارسنجی گذاشته شد (Stovel, 2007: 26)؛ و به معنای کیفیتی از یک شیء است که آن را حقیقی و ناب می‌گرداند (فدایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۸۰). برخی تعاریف اصالت و اصالت‌مندی معماری در دیدگاه صاحب‌نظران عبارتند از:

■ در تفکرات براندی، مفهوم اصالت در دو وجه، یعنی اصالت هنرشناسانه و اصالت تاریخی اثر هنری دیده می‌شود (طالبیان، ۱۳۹۳: ۳۲۰)؛ آن‌گونه که جان راسکین خاطر نشان کرده، این دو اصالت به هم مرتبطند (Jokilehti, 2007).

■ «الکساندر» اصالت را دغدغه اصلی معطوف بر بقای بنای معاصر برای نسل کنونی و نسل‌های آینده می‌داند و آن را حقیقتی عاری از انحراف و جنبه‌ای مهم در ارزیابی ذخایر میراث فرهنگی دانسته است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

■ «استول» از دیگر نظریه پردازان، اصالت را یک مفهوم مطلق نمی‌داند و به نوعی به نسبیت مفهوم اصالت در ارتباط با مفاهیم ارزشی و فرهنگی اشاره دارد (Stovel, 2007: 30).

■ «میتچل» با اشاره به رویکرد مدیریت و حفظ مناظر فرهنگی، تداوم و پویایی محیط را حائز اهمیت پنداشته و بر این اساس از نظریه تغییر و تداوم بنا با تأکید بر اهمیت معنایی مکان در گذر زمان، مفهوم اصالت را به دنبال دارد (Mitchell 28: 2008).

■ «آرتوز» در میان طیف وسیعی از بناهای فرهنگی، به اصالت یک مکان، خصوصاً منظر شهری تاریخی، اهمیت داده و اصالت را بر هفت اصل استوار می‌داند: هویت، تاریخ، مصالح، ارزش‌های اجتماعی، مکان‌های پویا و ایستگاه، مدیریت، اقتصاد (فدایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۸۴).

■ «مت تیلور» معتقد است یک معماری اصیل باید به نوعی عملکردی و کاربر محور باشد، مکان ایجاد کند، پاس‌خگو به منطقه و زمانه خود باشد و درنهایت قابل اعتماد، امین، بدیع، نمونه اصلی باشد؛ به عبارتی منجر به شکل‌گیری انگیزه و احساس و معنا در کاربر شود (Zancheti et al. 2009: 171).

چهل تکیه فرهنگی

چهل تکه‌شدن فرهنگ در آثار «داریوش شایگان» یکی از مفاهیم کلیدی اندیشه وی است؛ چنان‌چه دغدغه اصلی شایگان و محور اغلب مباحث او را می‌توان در اصطلاح «هویت فرهنگی» و «فلسفه فرهنگ» خلاصه کرد. شایگان معتقد است هویت فرهنگی انسان امروز، «چهل تکه» و «مرقع‌گونه» است. وی برای بررسی این ادعا، به پیوندهای فرهنگی و «سیاریت هویت» اشاره می‌کند. شایگان در کتاب «افسون زدگی جدید، هویت چهل

تکه و تفکر سیار» می‌نویسد: «ارزش‌های متافیزیکی غرب از هم پاشیده است»، «در روزگار ما پیوند واقعیت و تخیل قطع شده است»، «در یک سو [در جهان غرب] شاهد پشت پا زدن به تعهد سیاسی، امتناع از شرکت در انتخابات و سردرگمی فکری هستیم و در سوی دیگر؛ یعنی در ادبیات، ناظر فرو رفتن در لاک خود، روایت زندگی خصوصی، زمان حالی که پیوند آن با گذشته و آینده قطع شده است» (Benjamin, 2002). در عین قیولی این بیانیه، این تخریب حائز الگوی یکسانی برای تمام فرهنگ‌ها و شهرها نیست. به‌طور مثال، برای پاریس، یک نوع بازسازی کلی در دل شهر تاریخی اتفاق افتاد تا پاریس هوسمان را پایتخت مدرنیته بکند (هاروی، ۱۳۹۳).

مدرنیزاسیون و ارزش‌ها در معماری

شایگان از وضعیت جهان اسلام در روزگار مدرن با عنوان «فرهنگ اسکیزوفرنیک» نام می‌برد (Shayegan, 1997). ما در این عصر شاهد فرآیند جهانی شدن، و جهانی شدن مدرنیزاسیون هستیم. شاهدیم که ارزش‌های سنتی ایران و ارزش‌های غربی در مقابل هم قرار گرفته‌اند. و این یک امر طبیعی دانسته شده است (Twigger, 1996). بسیاری از محققینی که در سال‌های اخیر رواج بنیاد گرایی را که البته به عالم اسلام هم محدودش نباید دانست در اساس واکنشی در برابر و ستیز با تجدد قلمداد کرده‌اند (AI-Azmeah, 1993: 77-89, 109-122). در روزگار مدرن نیز توجه به معماری گذشته دچار بحران‌هایی شده است و این سوال مطرح شده است که کدام اثر معماری ارزش حفاظت و توجه دارد. آثار تاریخی و فرهنگی نه صرفاً به دلیل باقی ماندن از گذشته بلکه به عنوان ظاهر و تجسم فیزیکی فرهنگ‌ها و اندیشه جوامع انسانی ارزشمند است. لذا ضرورت بررسی ارزش‌های میراث فرهنگی برای اثبات نیست بلکه برای بررسی ابهامات و فهم و ارزیابی ارزش‌هاست. (حجت، ۱۳۸۰: ۹۴).

ارزش‌های موجود در بناهای تاریخی در قالب سه دسته کلی تقسیم بندی می‌شود:

اول؛ ارزش‌های هیجانی: الف- حیرت‌انگیز، ب- هویتی، پ- پیوستگی، ت- معنوی و نمادین؛

دوم؛ ارزش‌های فرهنگی و تربیتی: الف- اسنادی، ب- تاریخی، پ- باستان‌شناسی، ت- قدمت، ث- کمیابی، ج- زیبایی شناختی و نمادی، چ- معماری، ح- فضای شهری: بوم‌شناختی و منظر، خ- علمی و تکنولوژی؛

سوم؛ ارزش‌های کاربردی؛ الف- کارکردی، ب- اقتصادی، پ- اجتماعی، ت- آموزشی، ث- قومی و سیاسی (Feilden, 2003: ۶).

به هر روی هم از نظر ارزش دانستن برخی موارد یادشده و هم از نظر نحوه برخورد با مبانی دنیای مدرن در ایران، تفاوت بسیاری با سایر کشورها وجود دارد.

مدرنیته ایرانی و معماری معاصر

در ایران با شروع عصر سرمایه‌داری پیرو ظهور مدرنیته و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به شکل عمودی و از حالت حیاطدار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند (زلفی‌پور، ۱۳۹۱). روابط و تقسیم‌بندی بخش عمومی و خصوصی، شب و روز و فضاهای خشک و تر به هم نزدیک شدند. حمام و توالت در سازمان فضایی خانه جایی در کنار اتاق‌های خواب یافت و آشپزخانه‌های قدیمی و تاریک جای خود را به فضاهای بهداشتی و کاربردی آشپزخانه دادند (مفیدی، ۱۳۹۵: ۱۵). با رشد صنعت ساخت و دکوراسیون، دیوارها برداشته شد و فضاهای باز جای سبک سنتی را گرفت، حضور پنجره‌ها در جبهه بیرونی خانه، نماسازی را متنوع و برون‌گرایی را تقویت کرد (علی‌الحسابی، کرانی: ۱۳۹۲). با توسعه شهرنشینی نیز، خانه بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند محل میهمانی و ملاقات، محل جشن‌ها، محل کار و تولید، همه چیز به جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۶۳). برخی از تحولات دوران مدرن در معماری ایران عبارتند از:

- در خانه‌های امروزی ایران به درون‌گرایی و حفظ حرمت خانه و خانواده توجهی نمی‌شود، دید به داخل خانه‌ها امنیت روانی خانواده‌ها را از بین برده و جدایی اتاق‌های والدین و فرزندان، میان محرمان خانه مرز و جدایی انداخته است (مفیدی، ۱۳۹۵: ۲۱).
- از بین رفتن حریم و وجود اشراف و در نظر نگرفتن آن، حذف قسمت یا تمامی دیوار حیاط، عدم وجود فضاهای نیمه خصوصی و نیمه‌عمومی و حذف فضاهای بینابین، بلندسازی نامناسب و عدم نور و تهویه مناسب، ارتباط مستقیم با شهر از نمودهای مسکن معاصر است (فیاض انوش و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳۲-۳۱۵).
- تبدیل شدن شهر سنتی به شهر مدرن باعث ایجاد یک

دگردیسی در معماری شد. احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید به نمای بیرونی ساختمان‌ها اهمیت بخشید (قبادیان، ۱۳۹۳: ۱۳۶). ■ با به کارگیری اصول و مفاهیم معماری مدرن توانستند با تجربیدی کردن پلان و نماها، بناها را به صورت یک شی مستقل، صرفاً با بررسی عملکرد، روابط مفاهیم و عناصر و از همه مهمتر جایگاه انسان به عنوان موجودی فیزیکی، طراحی نمایند (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

- اتاق‌های خواب رو به جنوب و دارای بالکن‌ها و تراس‌های قابل استفاده، قرار دادن فضای هال که به جای نشیمن طراحی شده است و مستقیماً در ارتباط با آشپزخانه و از طرف دیگر به ورودی اصلی مربوط می‌شود (همان، ص ۲۷۰).
- عدم وجود سلسله‌مراتب فضایی و ارتباط مستقیم بیرون با درون یکی از ویژگی‌های بارز در خانه‌های مدرن است (منتظر، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

تحلیل و بحث

دسته‌بندی آثار شایگان از نظر محتوای فکری

آثار شایگان به دسته‌های زیر قابل تقسیم است: ۱. تفکر هندشناسی (ایران شرق) منعکس شده در کتاب‌های «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی»، «بینش اساطیری»، «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند»، «روح ایران» و ۲. تفکر شایگان متقدم (ایران اسلامی) منعکس شده در کتاب‌های «افسون‌زدایی جدید»، «آیین هند و عرفان اسلامی» و ۳. تفکر میانه «هانری کربن: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی» و ۴. تفکر متاخر، «در جستجوی فضاهای گمشده»، «فانوس جادویی زمان»، «آمیزش افق‌ها». در ادامه اهم کتبی که در تحلیل محتوا آثار شایگان درباره پژوهش تحلیل شده‌اند، اشاره شده است.

بت‌های ذهنی و خاطره ازلی	اشاره به مفهوم فرهنگ اصیل در تقابل‌های فرهنگی و چالش‌ها
زیر آسمان‌های جهان	جهان در آستانه مدرن و فرهنگ زیستی بشر تاریخی
ادیان و مکتب‌های فلسفی هند	اشاره به ادیان و فرقه‌های عقیدتی در شبه قاره هندوستان
آیین هند و عرفان اسلامی	قیاس و تحلیلی هند و آیین‌های آن با عرفان اسلام
افسون‌زدایی جدید	افسون‌زدایی فرهنگی، چهل تکیگی و شیزوفرنیک ناشی از آن
در جستجوی فضاهای گمشده	مجموعه مقالات درباره هنر و معماری شرق در برابر غرب
آسیا در برابر غرب	روابط فرهنگی و چالش‌های تعامل تقابل شرق و غرب
روح ایران	هویت ملی و بومی و نکاتی در بازتعریف فرهنگی و روح ایران
آمیزش افق‌ها	فرهنگ، تعامل، تقابل و چالش‌های ارتباط‌های ناهمگون فرهنگی

جدول ۲. آثار مکتوب شایگان و مفهوم روایی آن؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

الف- بحران هویت

مسئله اصلی شایگان، بحران هویت (نبود اصالت ریشه‌ای) بوده است. این بحران در پی نوعی حمله تفکر جدید به تمدن‌های سمنی عنوان شده است و تاجایی پیش رفته است که به انحلال تمدن‌ها نیز رسیده است (شایگان، ۱۳۷۱: ۲۳۱). بحران هویت و توجه به شناخت فرهنگ‌ها در بسیاری از آثار وی همچون «آسیا در برابر غرب» بحران هویت مطرح شده است. شایگان بحران هویت در هنر و معماری را به از بین رفتن ارزش تمثیلی و جایگزینی اعتبار کالایی دانسته است که فضاهایی شهری را تحت تأثیر قرارداده است (شایگان، ۱۳۹۲: ۱۰۲). در کشورهایی نظیر ایران مسئله هویت تاجایی پیشرفت کرده است که به تعبیر شایگان به اسکیزوفرنی فرهنگی منجر شده است.

ب- اسکیزوفرنی فرهنگی

شایگان شناخت واقعی غرب را یک امر لازم برای ایرانیان دانسته است. وی این شناخت را بسیار مهم و حیاتی می‌داند چرا که به نظر وی عدم شناخت خود فرهنگ غرب در حالت کنونی سبب شیفتگی بی‌پایه و اساس و حتی پرخاشگری ایرانیان نسبت به غرب شده است (اطهری، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در واقع شایگان درصدد است که این مواجهه را به اسکیزوفرنی فرهنگی تعبیر کند که در دل دنیای مدرن سعی در زنده نگاه داشتن «فرهنگ» و «هویت بومی» دارد (شایگان، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹). همچنین شایگان در افسونزدگی جدید دو مفهوم:

۱. «مهاجر سیار» و

۲. «انسان جهش‌یافته» را پیش روی ما می‌گذارد که در آن انسان مهاجر گوی هر لحظه دل در گروی فرهنگ‌های مختلف دارد و انسان جهش‌یافته التقاطی از فرهنگ‌ها است. (شایگان، ۱۳۸۶: ۲۳).

ب- نگاه نو (مدرنیته) و نوگرایی

نگاه نوگرایان به جامعه نگاهی مکانیکی و تجربیدی است. وی اشاره می‌کند که انقلابی ایدئولوژی‌پرداز نگاه متحجر دارد. دارای آگاهی خودمحوربین است. در عبارات دیگری و به گونه‌ای متفاوت، شایگان اشاره می‌کند که جلال آل‌احمد خود نیز نمودار انسان جهش‌یافته است. بی‌آنکه نیازی به شناخت مسائل و مشکلات و همین‌طور امکانات و قابلیت‌های جامعه خود احساس نمایند، درصدد پیاده‌سازی دستاوردهای غرب در جامعه کاملاً سنتی می‌باشند. از نظر اینان جامعه‌ای که طالب توسعه است، می‌باید به همان راه برود که غرب رفته است. با این تصور که پیروی از الگوهای غربی در بلندمدت به دگرگونی محتوایی منجر می‌شود. انگار که تنها یک‌راه وجود دارد و آن ورود و تکرار فرایند توسعه

غربی است (شایگان، ۱۳۸۹: ۶۷).

ت- تفکر انسان مدرن

در این گرایش بجای پیوستگی، نوعی انقطاع از فرهنگ و هویت به چشم می‌خورد. از این‌رو، می‌توان گفت که تفکر اجتماعی آنها در ارتباط با عمل اجتماعی نیست: ۱. به تعبیر نیلوفر گوله (۱۳۷۳) در نحوه درک و برداشت روشنفکران از واقعیات اجتماعی و فرهنگی نوعی «شکاف شیزوفرنیکی»^۲ وجود دارد. و ۲. کاتوزیان (۱۳۶۶) در نقد این رویکرد فکری می‌نویسد: این قضیه دو رو دارد: نخست، نگرش جهان‌شمول و مکانیکی نسبت به علوم جدید، که بخودی خود با جستجوی ویژگی‌های اجتماعی و تاریخی کشورهای درحال توسعه که با یاری روش علمی و ارزش‌های مترقی می‌تواند به تحلیل ثمربخش مسائل مربوط و ارائه راه‌حل‌های مناسب بیانجامد، منافات دارد. دوم نادیده انگاشتن ارزش‌ها، تکنیک‌ها، نهادها و زمینه‌های تاریخی جوامع در حال توسعه، مولد نتایجی نامربوط است- همانند آزمونهای آزمایشگاهی که بر پایه فرضیات نادرستی انجام گرفته باشد.

ث- عقب‌ماندگی از غرب

در این مورد وی به: ۱. معیارهای اقتصادی؛ ۲. آلودگی به عواقب تاریخ غرب؛ ۳. عدم آگاهی؛ ۴. عدم انتخاب و ۵. عدم تجربه مدرنیته اشاره می‌کند. او معتقد است، عقب‌ماندگی کشورهای آسیایی از جمله ایران، نسبت به پیشرفتی خاص نیست زیرا در بازی گردش عالم نه پیش هست و نه پس. ما نسبت به تاریخ عقب مانده‌ایم، یعنی تاریخ غرب و این تاریخ نیز حکم جریانی را دارد که تحت قوه محرک نامعلومی که روزگاری مشیت الهی شمرده می‌شد و اینک عقب‌ماندگی. خوب است یا بد، این بستگی به برداشتی است که از تاریخ تفکر غرب داریم (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

ج- مدرنیته سیاسی

در جهان غرب به‌عنوان نهاد خود بنیاد سیاسی آن چه توده‌های غربی را حفظ می‌کند، حکومت قانون، اصل مسئولیت مدنی، اصل آزادی و حقوق فردی است که حکم الفاظ تهی را ندارند، بلکه پیروزی‌های پی در پی است که غرب طی چهارصد سال کوشش مبارزه و تحول به عرق جبین بدست آورده است (اطهری، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

چ- اندیشه ایران فرهنگی

«ایران فرهنگی» عدم تحدید ایران به مرزهای سیاسی است. این عبارت می‌تواند وحدت بخش کشورهای منطقه و همچنین توجه به فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها در ورای مرزبندی‌ها باشد. ایران

1. Niluefer Goele

2. Schizophrenia

اصالت در میان اندیشمندان بسیاری مطرح شد. این مسئله همواره با پرسش از چیستی هویت همراه بوده است. بر اساس تفسیر داریوش شایگان از هویت ایرانی سه مولفه تفکر، زبان و هنر تجلی گاه آن در طی تاریخ بوده است. معماری نیز به مثابه هنر و تجلی گاه هویت ایرانی در شرایط فکری پس از دوران مدرن با مواجهه با فرهنگ ستیزه جوی غربی رو به رو بوده است. معماری معاصر ایران نیز به خصوص در بافت‌ها و شهرهای تاریخی به همین سبب دچار بحران‌های متعددی شده است. اما برای برون رفت از این بحران‌ها نوع نگاه به مسئله هویت و اصالت می‌تواند چاره‌ساز باشد.

مفهوم هویت‌های مرزی که در واقع عرصه اختلاط و تلاقی هویت‌ها در عصر جهانی شدن هستند در پی ارتباط هویت‌های لاتین، آسیایی و انگلوساکسون در بستر مکان‌های مختلف سبب به وجود آمدن معماری متفاوتی شده است. این وضعیت مصداق اصیل نبودن یا بی‌هویت‌ی نیست بلکه نوعی صلح با وضعیت موجود است. چرا که همانند یک فرش چهل تکه از کنار هم قرارگرفتن بناها در بافت‌های شهری در ضمن حفظ شخصیت هر بنا می‌توان بافت‌های شهری را با هویتی جدید قلمداد کرد. در این بین هم خود بناها در تقابل با سنت و اصالت ایرانی و به تبعیت از رفتار کاربران به نوعی از هاضمه ایرانی عبور کرده است و هم بافت‌های شهری بدین ترتیب دگرگون شده است.

بدین ترتیب برای حفظ هویت معماری تقلید از گذشته کافی نیست چرا که صور تقلیدی بدون توجه به خاطره ازلی (حاصل از تفکر و تذکر در معماری) صرفاً برانگیختن تصنعی گذشته است. این نگاه به نوعی سنت‌گرایی کهنه پرستانه در معماری بدل خواهد شد که از مضامین اصیل خالی است. در حالیکه خود سنت یک زایش دوباره در زمان حال است چنین نگاهی نمی‌تواند همسو با فضای ذهنی (ازلی و اساطیری) ایرانیان باشد و به همین دلیل نمی‌تواند معماری اصیل قلمداد شود.

با توجه به نگرش شایگان درباره افسون‌زدگی جدیدی که در هنر و معماری و البته فرهنگ رویداده است می‌توان اشاره داشت که:

• سرایت مدرنیته به جوامع سنتی با وجود غیرقابل انکار بودن با خود پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته که به سرعت بر پیکره لطیف اصالت و سنت‌های ایرانی (خاصه در فرهنگ و معماری) اثر کرده و مهم‌ترین دستاورد آن برای جوامع سنتی بحران سنت در مواجهه با مدرنیته بود.

• گفتگوی معماری ایران با معماری معاصر غرب یا معماران با یکدیگر با عطف توجه به بنیادهای معرفتی ایرانی می‌تواند سبب بهره‌گیری از تجارب غرب و در عین حال حفظ یا به وجود آمدن هویتی جدید و در عین حال اصیل شود.

• هویت چهل تکه و تفکر سیار سبب تغییر و تحول هویت

فرهنگی در اندیشه شایگان متنزل در هنر و زبان و تفکر ایرانی است (فرخی، ۱۳۹۶: ۸۹). همانطور که در گذشته نیز روابط میان فرهنگ ایرانی با تمدن‌های بزرگ یونان و چین مشهود است می‌توان با تأکید و یادآوری این نکته به روابط امروزی ایران با دیگر کشورها و فرهنگ‌ها توجهی دوباره داشت. از این رو است که ایران به نظر شایگان همیشه یک امپراطوری بوده است و برخلاف کشورهای دیگری که بر اساس نژاد تشکیل شده‌اند، بر اساس فرهنگ مرزبندی می‌شود.

ح- خاطره قومی

خاطره قومی به سنت یک قوم تعلق دارد که جنبه جمعی دارد و چون ارتباط با امور اساطیری و ازلی دارد، خاطره ازلی را شکل می‌دهد (فرخی، ۱۳۹۶: ۸۹). این خاطره است که فرهنگ‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند و در ایران نیز این خاطره قومی بوده است که منشا اثر و شکل‌گیری فرهنگ ایرانی شده است. از آنجا که این خاطرات در مکان خاصی نیز روی می‌دهند، خود مکان نیز در همراهی مفاهیم زمانه و زمان جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. به تعبیر شایگان اصفهان با توجه به خاطره قومی ایرانیان و بهشت خیالین ساخته شده است (شایگان، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

خ- تفکر تکنیکی غرب

شایگان تفکر غرب را نقطه تلاقی ۴ نزول می‌داند: ۱. نزول از تفکر شهودی به تفکر تکنیکی، ۲. نزول از صور جوهری به مفهوم مکانیکی، ۳. نزول از جوهر روحانی به سوانق نفسانی، ۴. نزول از غایت اندیشی به تاریخ پرستی (فلسفی، ۱۳۸۹: ۱۴۳) و (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

د- مواجهه با غرب

در برابر حالت تهاجمی تفکر غربی که مدعی عینی و تجربی بودن و جوهرش همان تفکر تکنیکی است و دستاوردهای مادی عظیم، کارایی حیرت‌انگیز آن را تأیید می‌کند، دید شاعرانه ما از جهان ناهمخوان، شکننده، گذشته‌گرا و حتی برای بسیاری همچون ترمزی درکار پیشرفت به نظر می‌رسد (اطهری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

ذ- هنر و معماری ایرانی

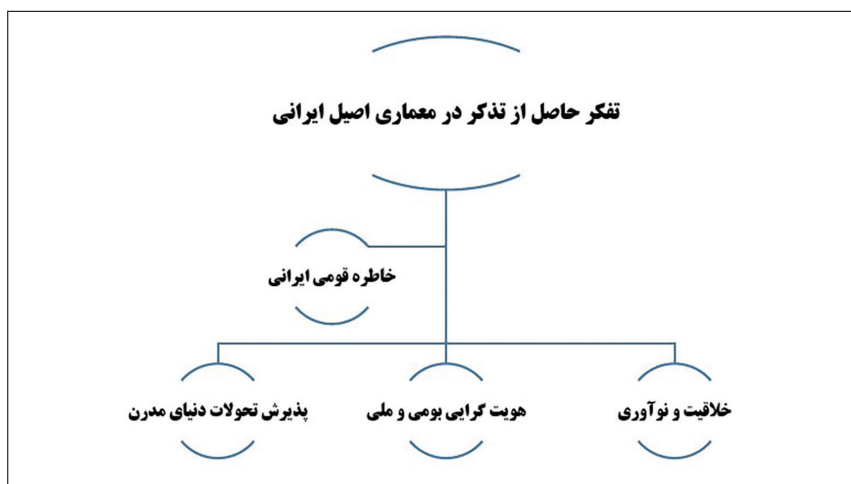
هنر در ایران برخلاف آنچه امروزه شاهد آن هستیم صرفاً یک اثر زیبایی شناسانه نیست. بلکه سرآغاز آن ریشه در تفکر ایرانیان نسبت به جهان پیرامون و همچنین مقصد نهایی انسان است؛ در برابر هنر انسان‌مدار غربی که به محسوسات توجه می‌کند، هنر ایرانی جلوه‌ای از تخیل خلاق است و جهان مظهر تجلیات فیض اقدس (شایگان، ۱۳۸۶: ۱۱۶). به این ترتیب اثر هنری نیز جایگاه خاصی هم از نظر اهمیت در بین ایرانیان و هم از نظر بازنمایی اندیشه ایرانی داشته است.

نتیجه‌گیری و جمع بندی

پس از سیطره تفکر مدرن بر کشورهایمانند ایران، مسئله

• در نهایت می‌توان با تأکید بر مصالحه بین سنت و مدرنیته یا عبور مدرنیته از تفکر سنتی وضعیت کنونی معماری معاصر ایران را در حالتی در میان نه مدرن به مفهوم کاملاً غربی و نه صرفاً تقلیدی از گذشته دانست.

انسان در مواجهه با جهان و البته مظاهر آن مانند هنر و معماری شده است. این تغییر و تحول وضعیت ناهمگون دیدگاه معماران و مخاطبان درباره اصالت معماری معاصر را به وجود آورده است.



نمودار ۲. مفهوم اصالت و هویت معماری معاصر ایران؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پی‌نوشت

این نکته قابل ذکر است که اصلی بودن (یا واقعی بودن) نباید با شبیه بودن اشتباه شود؛ برای مثال ساختمان‌هایی جدید شبیه به ساختمان‌های قدیمی ساخته می‌شود اما از نظر اصالت، واقعی و اصیل تلقی نمی‌شوند (فیلدن، ۱۳۷۴: ۲۱).

منابع

۱. از طریق نمادها و نشانه‌ها، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) دانشگاه قشم، سال ششم، شماره ۴.
۱۲. سوفر، گیل (۱۳۷۵) **هیدگر، انسان‌گرایی و تفکیک/تخریب تاریخ**، ترجمه محمدسعید حنایی، فصلنامه ارغنون، ۱۱ و ۱۲، صص ۲۷۰-۲۸۹.
۱۳. شایگان، داریوش (۱۳۷۱) **بت‌های ذهنی و خاطره ازلی**، تهران، امیرکبیر.
۱۴. شایگان، داریوش (۱۳۷۴) **زیر آسمانهای جهان**، ترجمه نازی عظیمی، تهران، فروزان‌فر.
۱۵. شایگان، داریوش (۱۳۷۵) **ادبان و مکتب‌های فلسفی هند**، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، امیرکبیر.
۱۶. شایگان، داریوش (۱۳۸۶) **افزون‌زدگی جدید**، ترجمه فاطمه ولیایی، تهران، فروزان‌فر.
۱۷. شایگان، داریوش (۱۳۸۶) **آسیا در برابر غرب**، تهران، امیرکبیر.
۱۸. شایگان، داریوش (۱۳۸۹) **آمیزش اقل‌ها**، ترجمه محمدمنصور هاشمی، تهران، فروزان‌فر.
۱۹. شایگان، داریوش (۱۳۸۹) **نشریه مهرنامه**، سال اول، شماره نهم.
۲۰. شایگان، داریوش (۱۳۹۲) **در جستجوی فضاهای گمشده**، تهران، فرزانه.
۲۱. علی‌الحسابی، مهران؛ کرانی، نعیمه (۱۳۹۲) **عوامل تأثیرگذار بر طراحی مسکن از گذشته تا آینده**، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، ۳۶-۱۹.
۲۲. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷) **مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)**، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱.
۲۳. فدایی‌نژاد، سمیه (۱۳۹۳) **واکاوی مولفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی**، نشریه علمی - پژوهشی هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۷۷-۸۶.
۲۴. فرخی، سوفیا (۱۳۹۶) **پروبلما تیک هویت ایرانی در اندیشه**

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۳) **مدرنیته و اندیشه انتقادی**، چاپ دوم، تهران، مرکز.
۲. احمدی، بابک (۱۳۸۰) **معمای مدرنیته**، تهران، مرکز نشر.
۳. اطهری، اسدالله (۱۳۹۰) **هویت، توسعه و مدرنیته در اندیشه شایگان**، مطالعات میان فرهنگی، شماره ۱۴.
۴. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) **راه بی‌زمان ساختن**، ترجمه قیومی بیدهدنی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۵. انصاری، حمیدرضا (۱۳۸۵) **کثرت‌گرایی در معماری معاصر ایران**، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۸۴، صص ۳۰-۳۵.
۶. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸) **معماری معاصر ایران، در تکاپوی سنت و مدرنیته**، هنر معماری قرن، تهران.
۷. بهنام، جمشید (۱۳۷۵) **ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، فرزانه روز**.
۸. تیربند، مجید و دیگران (۱۳۹۵) **نقش پارک‌های کودک در هویت بخشی اجتماعی**؛ فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) دانشگاه قشم، سال ششم، شماره ۲.
۹. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴) **شهر و مدرنیته**، تهران، فرهنگستان هنر.
۱۰. حجت، مهدی (۱۳۸۰) **میراث فرهنگی در ایران سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی**، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. دارابی، حسین و علیرضا عبدالله زاده (۱۳۹۵) **ارتقا هویت روستاها**

- and Place Memory, JEP, p. 54.
46. Mitchell, Nora J, (2008) Considering the Authenticity of Cultural Landscapes, APT Bulletin, Vol. 39, No. 2/3 (2008), pp. 25-31
47. Relph, Edward, (1976) Place and place iessness, pion limited, London, p. 45.
48. Shayegan, Daryush (1997) "Cultural Schizophrenia, Islamic Societies Confronting the West", USA, Syracuse University Press.
49. Stovel, H. (2007) Effective use of authenticity and integrity as world heritage qualifying conditions. City & Time 2 (3), pp. 21-36.
50. Tajfel, John. (1999) Some Current Issues in Research on Social Identity and Self-categorization Theories. Oxford, Blackwell Publications.
51. Turner, J. H. (1998) The Structure of Sociological Theory, Sixth Edition. New York, Wads Worth Publishing Company.
52. Twigger, R. &Uzzell, D. (1996) Place and Identity processes, journal of Environmental Psychology, p. 220.
53. Zancheti, S. M. , Flaviana, L. P. (2009) Rosaneconserving the authentic, essays in honour of Jukka Jokilehto (163-168), ICCROM Conservation Studies, and International Center for the study of preservation and Restoration of Cultural Property

- داریوش شایگان، **جامعه پژوهی فرهنگی**، سال هشتم، شماره ۴، ۲۵. فیاض انوش، ابوالحسن؛ سنایی راد، عباسعلی (۱۳۸۷). **شاخصه‌های کالبدی و فرهنگ خانه در منابع اسلامی**، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، ۳۱۵-۳۲۲.
۲۶. فیلدن، برنالد (۱۳۷۴) **راهنمای مدیریت برای محوطه میراث جهانی**، ترجمه حناچی، پیروز، تهران، دانشگاه تهران.
۲۷. قبادیان، وحید (۱۳۹۳) **مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۸. قرظلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۹) **ایران فرهنگی در اندیشه داریوش شایگان**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۴.
۲۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۴) **نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) **معماری و راز جاودانگی، ترجمه قیومی بید هندی**، مهرداد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۱. کوزر، لوئیس روزنبرگ برنارد (۱۳۸۰) **نظریه های بنیادی جامعه شناسی**، ت، فرهنگ ارشادتهران.
۳۲. لطفی، سهند (۱۳۸۶) **پژوهشی درباره دگردیسی و پایداری در مرمت شهری**، هنرهای زیبا، شماره ۳۱.
۳۳. مفیدی، سیدمجید و حدیثه کامران کسمایی و محمدرضا مفیدی (۱۳۹۵) **مسکن اجتماعی تبلور هویت**، فرهنگ و پایداری، تهران مؤسسه علم معمار.
۳۴. منتظر، مریم (۱۳۹۳) **بررسی تأثیرات دوره گذر از سنت به مدرن (نوگرایی) در شکل‌گیری معماری مسکونی شیراز و تزیینات وابسته به آن (دوره پهلوی دوم)**، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری شیراز.
۳۵. مهدوی‌نژاد، محمد جواد؛ منصورى مجموعرد، پریناز (۱۳۹۴) **ورود جریانهای نوگرا به معماری معاصر ایران**، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، صص ۱۹-۳۰.
۳۶. نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۱) **رساله دکتری معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر و مشاوره دکتر مجتبی انصاری**.
۳۷. نوری کرمانی، علی و کبری طاهری (۱۳۹۸) **بررسی نقش عوامل هویت بخش در سکونتگاه شهر ساوه**، فصلنامه جغرافیا (برنامه-ریزی منطقه‌ای) دانشگاه قشم، سال نهم، شماره ۳.
۳۸. واترز، مالکوم (۱۳۸۱) **مدرنیته، مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن**، ترجمه منصور انصاری، هربرت اسپنسر و دیگران، نقش جهان.
۳۹. هاروی، دیوید (۱۳۹۳) **پاریس، پایتخت مدرنیته**، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، پژوهش.
۴۰. هودشتیان، عطاء (۱۳۸۰) **مدرنیته، جهانی شدن و ایران**، تهران چاپخش.

41. Al-Azmeh, Aziz (1993) *Islams and Modernities*, London.
42. Benjamin, Walter (2002) "The Arcade Project", Translated by oward Eiland and Kevin McLaughlin, London, Belknap Press.
43. Feilden Bernard (2003) *conservation historic building*, third edition, Architectural Press, ISBN 0-7506-5863-0
44. Jokilehto, J. (2007) *Conservation concepts*. Conservation of ruins, 3-9.
45. Lewika, M., (2008), *Place Attachment, Place Identity*